



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



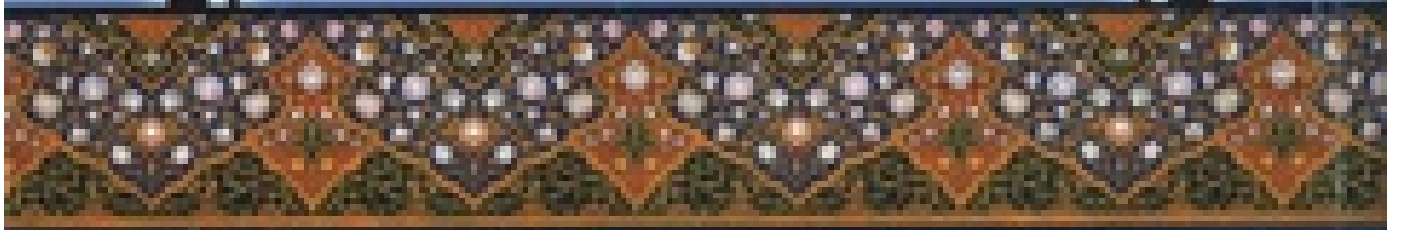
عمران
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



آئینہ رمضان

مناسبتہا، احکام، آداب



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آینه رمضان

نویسنده:

محمد حسین فلاح زاده

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۱	آئینه رمضان
۱۱	مشخصات کتاب
۱۱	پیشگفتار
۲۲	سلام بر رمضان
۲۶	بخش اول در محضر ماه مبارک رمضان
۲۶	الف: اهمیت روزه و ماه مبارک رمضان
۳۱	در عظمت ماه مبارک
۳۳	همه ماهها پشت سر ماه مبارکند
۳۳	ماه مبارک با همراهانش می‌آید
۳۳	اول سال اهل سیر و سلوک
۳۶	انسان وارسته عاشق ماه مبارک
۳۷	میهمان خدا بودن
۴۰	ب: سفارشات در ماه مبارک
۴۱	انس با قرآن
۴۴	دعا در ماه مبارک
۴۶	فضیلت صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله در ماه مبارک
۴۷	ماه مبارک و رهایی انسان از اسارت گناهان
۴۹	صله ارحام و حفظ لسان از دستورهای ماه مبارک
۵۳	بخش دوم مناسبتها
۵۳	اشاره
۵۵	وفات حضرت خدیجه علیها السلام
۵۵	اشاره

۵۸	سن خدیجه
۵۸	فرزندان خدیجه از پیامبر
۵۹	وفات خدیجه
۵۹	میلاد امام حسن مجتبی علیه السلام
۶۹	غزوه بدر
۶۹	اشاره
۷۳	مشکلی که قریش با آن روبرو شدند
۷۵	کسب اطلاعات از اوضاع دشمن
۷۷	چگونه ابوسفیان گریخت
۷۸	اختلاف نظر میان قریش
۷۹	حرکت قریش
۷۹	شورای قریش
۸۰	چیزی که جنگ را قطعی ساخت
۸۱	جنگهای تن به تن
۸۲	حمله عمومی آغاز می‌گردد:
۸۳	میزان خسارات و تلفات
۸۴	برکات شب قدر
۹۰	علی علیه السلام در بستر تاریخ
۹۰	اشاره
۹۲	۲۳ سال فداکاری
۹۳	۲۵ سال سکوت تلخ
۹۵	مهم‌ترین فعالیت‌های امام علیه السلام در دوران کناره‌گیری از خلافت
۹۸	ویژگی دوران خلافت عثمان
۹۸	دوران خلافت امیرالمؤمنین علی علیه السلام

- ۱۰۰ اصولی از برنامه حکومتی علی علیه السلام
- ۱۰۳ دشمنان علی علیه السلام در سه جبهه
- ۱۰۴ جناح ناکثین
- ۱۰۴ جناح قاسطین
- ۱۰۵ جناح مارقین
- ۱۰۷ سیاست شیطانی معاویه
- ۱۱۰ فتح مکه
- ۱۱۰ اشاره
- ۱۱۵ جاسوسی به دام افتاد
- ۱۱۶ پیامبر حرکت می‌کند
- ۱۱۸ تاکتیک جالب ارتش اسلام
- ۱۲۰ ابوسفیان در حضور پیامبر
- ۱۲۲ مکه بدون خونریزی تسلیم می‌شود
- ۱۲۵ نیروهای نظامی اسلام وارد شهر می‌شوند
- ۱۲۶ شکستن بتها! شست و شوی کعبه
- ۱۲۷ علی علیه السلام بر دوش پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۱۲۹ پیامبر عفو عمومی اعلام می‌کند
- ۱۲۹ علی علیه السلام، ای عدالت مظلوم
- ۱۳۴ هفته کمک به مستضعفین
- ۱۳۴ اشاره
- ۱۳۴ ماه رمضان و انفاق
- ۱۳۷ روز جهانی قدس
- ۱۳۷ اشاره
- ۱۳۷ نجات قدس، آرمان امام راحل

۱۴۰	عید فطر
۱۴۰	اشاره
۱۴۰	عید فطر عید پیروزی است
۱۴۰	جلوه‌های عید اسلامی فطر
۱۴۴	درس تزکیه و خودسازی
۱۴۵	درس بسیج عمومی و همبستگی اجتماعی
۱۴۵	میعاد با فطرت
۱۵۲	احکام روزه
۱۵۲	نیت روزه
۱۵۲	مُبطلات روزه
۱۵۲	احکام مبطلات روزه
۱۵۲	خوردن و آشامیدن
۱۵۷	تزریق آمپول
۱۵۷	اشاره
۱۵۷	رساندن غبار غلیظ به حلق «۵»
۱۵۷	فرو بردن تمام سر در آب
۱۵۷	قی کردن
۱۵۷	باقی ماندن بر جنابت تا اذان صبح
۱۶۰	باقی ماندن بر حیض و نفاس
۱۶۰	کارهایی که بر روزه‌دار مکروه است
۱۶۰	روزه قضا
۱۶۰	کفاره روزه
۱۶۵	احکام قضا و کفاره روزه
۱۶۶	روزه مسافر

۱۶۶ اشاره
۱۶۷ احکام روزه مسافر:
۱۶۸ نماز مسافر
۱۶۹ راههای ثابت شدن اول ماه
۱۷۱ اعتکاف
۱۷۱ اشاره
۱۷۱ اشاره
۱۷۳ شرایط اعتکاف
۱۷۳ احکام اعتکاف
۱۷۵ محرمات اعتکاف
۱۷۵ زکات فطره
۱۷۷ احکام زکات فطره
۱۸۲ بخش چهارم ادعیه و آداب
۱۸۲ اشاره
۱۸۵ اعمال مشترک ماه رمضان
۱۸۵ ادعیه و اعمالی که در تمام ماه رمضان مستحب است:
۱۸۷ دعاهایی که پس از نمازهای واجب خوانده می‌شود
۱۸۹ اعمال شبهای ماه رمضان
۱۸۹ اعمال مشترک شبهای ماه رمضان:
۱۹۱ دعای افتتاح
۱۹۷ اعمال شبهای ماه رمضان
۲۰۵ اعمال شبهای قدر
۲۰۵ اعمال مشترک
۲۰۷ اعمال مختص

- ۲۰۷ اعمال شب بیست و یکم
- ۲۰۹ اعمال شب بیست و سیم
- ۲۱۲ اعمال شبهای دهه آخر ماه رمضان
- ۲۲۲ نمازهای شبهای ماه رمضان
- ۲۲۴ اعمال سحرهای ماه مبارک رمضان
- ۲۲۷ دعای ابوحمزه ثمالی
- ۲۴۶ اعمال روزهای ماه رمضان
- ۲۴۶ اعمالی که هر روز انجام می‌شود:
- ۲۶۸ دعاهای روزهای ماه رمضان
- ۲۷۵ اعمال عید فطر
- ۲۷۵ اعمال شب عید فطر
- ۲۷۷ اعمال روز عید فطر
- ۲۸۰ دعای جوشن کبیر
- ۲۹۹ درباره مرکز

آئینه رمضان

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: آئینه رمضان
 محمد حسین فلاح زاده/تدوین مرکز تحقیقات حج مشخصات نشر: تهران مشعر، ۱۳۸۲.
 مشخصات ظاهری: ص ۲۸۰
 شابک: ۹۶۴-۶۲۹۳-۵۲-۲۱۰۰۰۰ ریال؛ ۹۶۴-۶۲۹۳-۵۲-۲۱۰۰۰۰ ریال یادداشت: فارسی - عربی یادداشت: عنوان دیگر: آیین
 رمضان مناسبتها، احکام ادعیه و آداب
 یادداشت: کتابنامه ص ۲۸
 عنوان دیگر: آیین رمضان مناسبتها، احکام ادعیه و آداب
 عنوان دیگر: آیین رمضان مناسبتها، احکام آداب موضوع: رمضان موضوع: دعاهای ماه رمضان
 موضوع: رمضان -- آداب و رسوم موضوع: روزه شناسه افزوده: حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت مرکز تحقیقات
 حج رده بندی کنگره: ۱۳۸۲ ۹آ/BP۱۸۸
 رده بندی دیویی: ۲۹۷/۳۵۴
 شماره کتابشناسی ملی: م ۸۳-۲۵۳
 ص: ۱

پیشگفتار

باسمه تعالی

عظمت و شرافت زمانها و زمینها یکسان نیست. در تمام زمین، مکه را حرم خدا و در همه زمان، ماه رمضان را «ماه خدا» نامیده‌اند. روزه‌داران ماه خدا و زائران حرم خدا هر دو از میهمانان پروردگارند.

این ماه و آن شهر دارای ویژگیهایی است که احکام و آداب ویژه‌ای را به خود اختصاص داده است.

از این رو بر آن شدیم نوشته حاضر را برای علاقمندان، آماده کنیم، ولی از آنجا که از وقت تصمیم‌گیری تا ماه رمضان فاصله چندانی نبود، بیشتر مطالب آن را از مثنهایی برگزیدیم که پیشتر منتشر شده و در دسترس اهل مطالعه قرار گرفته بود.

سعی ما در تهیه این مجموعه آن است که مطالب را گزینش کرده با نظم و ترتیب و زیر عنوان مربوط به خود بیاوریم و اینک آن را در چهار بخش سامان می‌دهیم:

بخش اول: در محضر ماه مبارک رمضان.

بخش دوم: مناسبتها.

ص: ۲

ص: ۱۲

بخش سوم: احکام روزه.

بخش چهارم: ادعیه و آداب ماه رمضان.

انتشار این دفتر، گام اول این راه است و امیدواریم که اهل دقت و نظر، ما را از راهنماییهای خود بهره‌مند سازند. تا در آینده بتوانیم کتابی سودمندتر تقدیم نماییم.

یادآوری دو نکته:

۱- بخش دوم این کتاب (احکام) مطابق با فتاوی‌ای حضرت امام خمینی قدس سره می‌باشد. و مواردی که با فتاوی‌ای سایر مراجع تفاوت دارد و اختلاف فتوا به حدی است که عمل به متن کتاب موجب بطلان عمل یا ترک واجبی برای مقلدان سایر مراجع می‌باشد، فتاوی‌ای مراجع بزرگ تقلید در پایان همان صفحه آورده شده است تا برای مقلدان آن بزرگواران نیز مفید باشد.

۲- با کمال احترام به مقام مراجع عظام تقلید، جهت حفظ اختصار، در حواشی کتاب، تنها به لقب معروف آنان اکتفا شده است.

رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

معاونت آموزش و تحقیقات بعثه مقام معظم رهبری

پاییز ۱۳۷۷ ه. ش.

سلام بر رمضان

رمضان، دعوت است و تو مهمان.

رمضان دعوتی است معنوی و تو میهمان خدایی.

مگر نه اینکه مهمان باید به دلخواه صاحبخانه رفتار کند؟

مگر نه اینکه هر چه را میزبان آورد باید تناول کرد و هر جا که او گفت، آرمید؟! ...

تو اینکه، در کجای جهانی؟ و جایگاه تو در پهنه خلقت کجاست؟

برای چه آمده‌ای؟

از کجا آمده‌ای و به کجا خواهی رفت؟

تا کجا می‌توانی پرواز کنی و با کدام بال و پر و به سوی کدام مقصود و در کدام جهت؟

آیا خود را شناخته‌ای تا بدانی که برای چه کاری؟

آیا استعدادهایت را بازشناسی کرده‌ای که بدانی تا کجا می‌توانی پیش بروی؟

و ... اساساً مال این جهانی یا متعلق به آن جهان؟

برای بقایی یا فنا؟

ص: ۱۴

برای ماندن یارفتن؟ برای عروج یا سقوط؟ برای صعود یا برای هبوط؟ ...

هیچ اندیشیده‌ای که در پرواز، چه عاملی نیرویت می‌دهد و کدام عامل، بال و پرت را می‌شکند؟

در حرکت، چه انگیزه‌ای به سوی بهشت می‌برد و کدام نیت در آتش می‌افکند؟

چه عملی از حرکت بازت می‌دارد و کدامین عمل شتابانش می‌کند؟

چه کاری به عفونتِ «خود خواهی» گرفتارت می‌کند و چه کاری به طراوت و عطر «خداجویی» و «خدا یابی» می‌رساند؟!

ابلیس را شناخته‌ای تا از دشمنی‌اش در امان باشی؟

شیطان را شناخته‌ای تا از وسوسه‌هایش مصونیت یابی؟

با «نفس اماره» و میدان‌عملش و زمینه تلاش و اغوایش آشنا شده‌ای تا در آن میدان، از پشت، ضربه نخوری، بلکه بتوانی پشتِ نفس را

بر خاک بمالی و به زمین برسانی، با نیروی تقوا و با فنّ «جهاد اکبر»؟

راه رشد و تزکیه و عوامل «فلاح» و علل «فجور» را می‌دانی؟

دنیای «تو در تو» و شگفتِ «دل» را گشته‌ای؟

«نفس» هزار چهره را شناخته‌ای تا با هر نقابی که بر نفسانیت می‌زند و پیش می‌آید آنرا بشناسی و از هر جا حمله آورد، به ضدّ

حمله پردازی و هر گاه زهر ریخت، پاد زهر بکاربری؟

«رمضان»، برای سلوک این راه است.

برای هجرت درونی است. برای سیر در دنیای باطن است.

برای مرور بر نفسانیات و اخلاقیات است.

برای آنست که ملکات نفسانی را در جان خویش پرورش دهی.

ص: ۱۵

برای آنست که ارزشهای متعالی را در عمق وجود خویش جای دهی و پدید آوری.

برای آنست که «اخلاق»، جزء بافتِ درونی تو شود، نه حرکتِ خشک بیرونی.

اگر دل را در اختیار صالحات گذاشتی،

اگر شوق به خیر و تقوا در عشق به الله را در دل مشتعل ساختی.

دیگر «حسنات» و «صالحات»، جریان زلالی می‌شود که خودبه‌خود از آن چشمه می‌جوشد و از درون به بیرون سرایت می‌کند و از

«قلب»، به «اندام» می‌رسد، و از «دل» بر «دیده» تأثیر می‌گذارد.

اگر به دیدار رمضان می‌روی،- که لقاء خداوند نیز می‌باشد- باید چهره جان را هم بیارایی و «جمال باطن» را هم داشته باشی.

اخلاق، زیبایی درون است که به ظاهر، جاری می‌شود.

تقوا، هدایت باطنی است که در عمل خارجی، راه می‌نماید.

رمضان، فرصت محاسبه است.

تو اگر سالک راه هدایتی،

تو اگر به «خودسازی» علاقه‌مندی

تو اگر برای رشد و کمال خود، بهایی قائل هستی.

فرصت رمضان را مغتنم بشمار.

فضایل اخلاقی خود را بازرسی و بازشناسی کن.

اگر نیست، پدید آور،

اگر هست، تقویت کن.

اگر اندک است، افزونش ساز،

ص: ۱۶

اگر بسیار است، سپاس خدا بگو.
اگر متزلزل است، استوارش کن،
اگر گهگاه است، استمرارش بخش.
خلاصه ... در این ماه، به «خود» برس.
تو، یک «از پیش ساخته تغییرناپذیر» نیستی.
تو بر جبر، سرشته نشده‌ای.
تو «چگونه بودن» و «چگونه شدن» خویش را می‌توانی انتخاب کنی.
ترسیم سیمای اخلاق در دست توست.
چهره را می‌توان با «آرایش» یا «آلایش»، زیبا یا زشت کرد.
چهره‌باطن هم توسط اخلاق، قابل تغییر و زشت و زیبا شدن است.
رمضان، فرصت استفاده از «نَفَحَاتِ رَبِّ» است.
جان را در مسیر وزش این نسیم قرار بده، تا طیران معنوی کند.
دل را به آوای ملکوتی «سحر» ها و «نجوا» ها و «مناجات» ها و «تلاوت» ها بسپار.
رمضان، موسم «عبادت» است و عبادت، غذای روح است.
رمضان، فصل مناجات و دعاست. و دعا، نردبان تعالی جان است.
رمضان، دوره تزکیه و تهذیب و تربیت و ساختن و مقاومت کردن و تحمل نمودن است.
ایام عفاف و کنترل و امساک و توجه به خدا و تقرب به پروردگار است.
دریغ ... که این فرصت بگذرد و کاری نکنی که خدا را از خویش راضی کنی.
از تو حرکت و همت، از خدا برکت و توفیق ... ان شاء الله. (۱)

بخش اول در محضر ماه مبارک رمضان

الف: اهمیت روزه و ماه مبارک رمضان

اگر ما در هر نمازی چند بار از خدای سبحان استعانت می‌کنیم و می‌گوییم:
اَيَّاكَ نَعْبُدُ وَايَّاكَ نَسْتَعِينُ، راه کمک رسانی را هم خدا بیان فرموده است. یعنی این چنین نیست که شما به ما بگویید: کمک
برسان و ما رایگان کمک برسانیم، اگر سخن از اَيَّاكَ نَسْتَعِينُ است راهش را هم قرآن به ما آموخت که:
وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ. (۲)

و این صبر به «صوم» تفسیر و تطبیق شده است. در بیان نورانی امام صادق علیه السلام هست که می‌فرماید: وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ
قال یعنی بالصَّبْرِ الصَّوْمِ، آن گاه فرمود: «اِذَا نَزَلَتْ بِالرَّجْلِ نَازِلَةٌ اَوَالشَّدَّةُ فليصم». (۳)

۲- سوره بقره، آیه ۴۵ و ۱۵۳

۳- روضه المتقین ج ۳ ص ۲۲۸

ص: ۲۰

نه تنها در مسأله جنگ بلکه اگر مشکلات دیگری هم برای انسان پیش آید برای حل آن مشکلات، روزه بگیرد. باید دید این روزه چه نقشی دارد که مشکل را حل می‌کند؟ انسان را به کجا می‌رساند که بر مشکل پیروز می‌شود؟ این امساک ظاهری است یا اسراری دارد که آن اسرار روح را به مقام بالا می‌رساند و روح بلند بر طبیعت فائق می‌شود؟ فرمود برای پیروزی بر شائد روزه بگیرید، خدا از این راه به شما کمک می‌رساند، چون «الصوم لی و أنا أجزی به» اگر کسی برای خدا روزه گرفت، چون کارها به دست اوست مشکل را حل می‌کند، فرمود:

ما کارها را برای افراد که در مسیر مستقیم‌اند راحت می‌کنیم: وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَى * فَسُئِرُهُ لِلْيُسْرَى.

در عظمت ماه مبارک

رسول الله صلی الله علیه و آله از ماه مبارک رمضان به «شهر الله» یاد فرمود: «قد أقبل اليكم شهر الله» ماه خدا به شما روی کرد، چون در این ماه صوم الله مطرح است، چون روزه مال خداست و این ماه، ماه روزه است، لذا ماه مبارک رمضان را شهر الله می‌نامند، چه این که ماه رجب «شهر ولایت» است و ماه شعبان هم «شهر نبوت و رسالت». و در دعاهای ماه رجب فرمودند که از خداوند متعال بخواهید که زمینه توفیق ماه مبارک رمضان از هم اکنون برای شما مهیا و فراهم بشود.

اینطور نیست که هر کس بتواند به عظمت ماه مبارک رمضان راه بیابد قبل از این که مقدماتی را طی کرده باشد.

ص: ۲۱

در روایتی فرمودند: شما نگویید: رمضان آمد، رمضان رفت، بگویید: شهر رمضان آمد و شهر رمضان رفت، زیرا رمضان اسمی از اسمهای مبارک خدای سبحان است.

اگر انسان در این شهرالله به لقاءالله نرسد به باطن روزه نرسیده است، بلکه یک روزه‌ای در سطح طبیعت گرفته است و پاداشی را هم که به او می‌دهند در همان سطح است. این که می‌فرماید: «الصوم لی و أنا اجزی به» یعنی روزه مال من است و من شخصاً جزای روزه‌دار را خواهم داد. سخن از «من» است، خودش را مطرح می‌کند، روزه ماه من است و من هستم که جزای روزه‌دار را می‌دهم، به فرشتگان نمی‌گویم او را بهشت ببرید، من خودم جزای او را می‌دهم.

خودش چگونه جزا می‌دهد؟ به یک عده‌ای می‌فرماید: فَأَدْخُلِي فِي عِبَادِي وَ أَدْخُلِي جَنَّتِي. حال آیا در آنجا سخن از خوردن و پوشیدن و نوشیدن است، یا انسان به جایی می‌رسد که از آنچه بنام خوردن و پوشیدن و امثال اینهاست، می‌گذرد و به جایی می‌رسد که جای آنها نیست، در عین حال که خوراکی‌ها و پوشاکی‌ها را در مرتبه نازله دارد، فرمود: إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهَرٍ* فِي مَقْعَدٍ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُّقْتَدِرٍ (۱)

اگر روزه برای این است که انسان به تقوا برسد، تقوا دو درجه دارد:

یکی همان بهشتی است که در آن نعمتهای فراوان موجود است: إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهَرٍ برای لذائذ ظاهری است، یکی هم عندالله

ص: ۲۲

است، آنجا دیگر سخن از سیب و گلابی نیست. سیب و گلابی از آن جسم و بدن اوست که «جَنَاتٍ وَ نَهْرٍ» برای بدن اوست، اما لقاء حق برای روح اوست. این سرّ و باطن روزه است.

همه ماهها پشت سر ماه مبارکند

امام سجاد علیه السلام در دعا وداع می‌فرماید:

«السلام علیک من شهر لا تنافسه الايام من شهر»

«سلام بر تو ای ماهی که هیچ ماهی با تو مسابقه و رقابت ندارد.»

در منافسه وقتی انسان می‌دود و مسابقه می‌دهد، نفس نفس می‌زند تا به مقصد برسد، خدای سبحان هم فرمود: برای گرفتن فضایل منافسه بدهید: فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ شما نفس نفس بزنید تا آن شیء نفیس و ارزنده را بگیرید.

امام علیه السلام در خطاب به ماه مبارک می‌فرماید: هیچ ماه و ایامی و لحظاتی با تو منافسه نمی‌کند و رقابت ندارد: تو پیشگامی و همه ماهها به دنبال تو هستند. این چنین نیست که انسان بگوید: در ماه مبارک رمضان حرفها را می‌شنوم و بعداً عمل می‌کنم، اگر فعلاً عمل نشود، بعداً هم عمل نمی‌شود، چون زمانهای دیگر آن قدرت را ندارد که با ماه مبارک رمضان در کسب توفیق انسان رقابت کنند.

ماه مبارک با همراهنش می‌آید

در بیان نورانی نبی گرامی اسلام صلی الله علیه و آله هست که حضرت می‌فرماید:

ص: ۲۳

«أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ أَقْبَلَ إِلَيْكُمْ شَهْرُ اللَّهِ بِالْبِرِّ وَالرَّحْمَةِ وَالْمَغْفِرَةِ».

فرمود: مردم ماه خدا رو کرده است، سخن از آمدن و نزدیک شدن نیست، این ماه به خدا منسوب است و این ماه خدا با همراهنش به شما رو کرده است «بالبرکة و الرحمة و المغفرة» با برکت و رحمت و مغفرت. مواظب باشید و به استقبالش بشتابید، آماده باشید که او را درست درک کنید.

«برکت» خیر مستدام است، آنچه که می‌ماند برکت است، در بیابان گودالی‌هایی که آب‌ها در آن جمع می‌شود و می‌ماند را «برکه» می‌گویند. این ماه به همراه برکت، رحمت و مغفرت است. رحمت و مغفرت تنها آمرزش از گناهان نیست، آن درجات عالی را هم خدای سبحان رحمت می‌نامد. رحمت خاصه که مخصوص مؤمنین است:

إِنَّ رَحْمَةَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ (۱)

در ماه مبارک رمضان تحصیل این رحمت خاصه آسان است.

اول سال اهل سیر و سلوک

از ابن طاووس نقل شده است که می‌فرماید: عده‌ای اول سالشان اول فرودین است. یک نوجوان اول سال او اول فروردین است که تلاش می‌کند لباس نو بپوشد، درختها اول سالشان فروردین است که لباسهای نو و تازه در بر می‌کنند، یک تاجر که کارگاه تولیدی دارد در فرصت دیگری اول سال را تعیین می‌کند، اما آنها که اهل سیر و

۱- اعراف، آیه ۵۶

ص: ۲۴

سلو کنند، اول سالشان ماه مبارک رمضان است، حسابها را از ماه مبارک تا ماه مبارک بررسی می کنند، که ماه مبارک رمضان گذشته چه درجه‌ای داشته و امسال چه درجه‌ای دارند، چقدر مطلب فهمیده و چقدر مسائل برایشان حل شده است، چقدر در برابر گناه قدرت تمکین داشته و چقدر در برابر دشمن قدرت تصمیم دارند.

ماه مبارک رمضان برای سالکان الی الله ماه محاسبه است. لذا امام سجّاد علیه السلام فرمود: هیچکس در سراسر جهان به اندازه ما در این ماه استفاده نکرد.

«و اربحنا أفضل ارباح العالمین». (۱)

اگر انسان یک مسافری است که سفر ابد در پیش دارد، ره توشه آن سفر ابد را باید در همین چند روز تهیه کند، و اگر درهای آسمان به چهره مؤمن باز می شود، و اگر مؤمن می تواند با وارستگی به باطن عالم راه پیدا کند، و اگر بهترین فرصت، ماه مبارک رمضان است، پس بهترین سود را ماه مبارک رمضان و اهلش دارند.

انسان وارسته عاشق ماه مبارک

رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود:

«افضل الناس من عشق العبادة فعانقها و أحبها بقلبه و باشرها بجسده و تفرّع لها هو لایالی علی ما أصبح من الدنيا علی عسرٍ أم علی یسر». (۲)

۱- صحیفه سجّادیه، دعای ۴۵، در وداع ماه مبارک.

۲- اصول کافی، ج ۲، باب عبادت، حدیث ۳

ص: ۲۵

خوشا به حال کسی که عبادت را معشوق خود بداند؛ با عبادت معانقه کند و آن را با تمام وجود لمس کند، خوشا به حال چنین نمازگزار و روزه‌داری که عاشق صوم باشد.

این حدیث شریف می‌فرماید: بهترین چهره‌های مردمی، آن انسانی است که به عبادت عشق ورزد، ما را وادار می‌کند که اوّل شائق بعد عاشق عبادت باشیم.

شائق به کسی می‌گویند که ندارد و می‌طلبد، عاشق به کسی می‌گویند که رسید و نگه می‌دارد. آن انسان تشنه‌ای که به دنبال چشمه می‌رود را می‌گویند مشتاق چشمه است، وقتی به آب رسید و آب را گرفت و حفظ کرد، می‌گویند او عاشق چشمه است. شوق قبل از وصول است و عشق بعد از وصال گفته‌اند «عشق» که یک واژه عربی است از یک گیاه خاصی که «عَشَقَه» نام دارد، مشتق شده است که در فارسی به آن پیچک می‌گویند. این گیاه وقتی به درخت چسبید آنرا رها نمی‌کند و راه نفس درخت را می‌بندد، کم کم آن درخت زرد می‌شود، برگ‌هایش ریخته و سرانجام خشک می‌شود، در این هنگام می‌گویند درخت را عشقه گرفته، عاشق به یک چنین انسانی می‌گویند، آن پیچک عبادت او را گرفت، او را زرد کرد، راه نفس او را بست، سرانجام او را خشک و از خود تهی کرد، به این انسان می‌گویند عاشق عبادت است.

لذا در اسرار روزه گرفتن گفتند: روزه بگیرد برای این که آن نشاط حیوانی کم بشود، مثل درختی که او را پیچک گرفته که دیگر رشد نمی‌کند.

میهمان خدا بودن

طبق فرمایش نورانی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در خطبه شعبانیه، مؤمنین در این ماه مبارک به ضیافت الهی دعوت شده‌اند. «هُوَ شَهْرٌ دُعِيتُمْ فِيهِ إِلَى ضِيَاغَةِ اللَّهِ».

مهمان بایستی کاری بکنند که صاحبخانه می‌کند، مهمان خدایی که «يُطْعَمُ وَلَا يُطْعَمُ» است، اگر خدای سبحان می‌بخشد و نمی‌گیرد، انسان هم بایستی در این ماه خویی پیدا کند که ببخشد و نگیرد، چون هیچ دستی بهتر از دست بخشنده نیست و هیچ دستی هم بدتر از دست بگیر نیست. اگر کسی تلاش و کوشش کرد که دیگر در کنار سفره او به بهشت بروند، این ید بخشنده دارد، و اگر تلاش کرد که به برکت دیگران به بهشت برود، این دست گیرنده دارد. در بیانات پیامبر صلی الله علیه و آله هست که حضرت می‌فرماید: «اليد العليا خيرٌ من اليد السفلى (۱)»

در شبهای ماه مبارک رمضان این روح بلند را به انسان می‌آموزند و می‌گویند هر شب بگویند: «خدایا تو که دینت را حفظ می‌کنی و ممکن نیست که دست از دینت برداری، آن توفیق را بده که دین تو بدست من زنده بشود»، نه این که دیگران دین تو را زنده کنند و من کنار سفره دین بنشینم، بگذار که نماز و روزه به دست من و با خون من زنده بشود که دیگران مهمان من باشند، نه این که دیگران بجنگند و خون بدهند و دین را احیا کنند و من نماز بخوانم و

ص: ۲۷

روزه بگیرم.

«و اجعلنی مَمَّنْ تَتَّصِرُ بِهِ لَدِیْنِكَ وَ لَا تَسْتَبْدِلْ لِیْ غَیْرِیْ»

«خدایا چنین عوض نکن که من را بدهی و دیگری را جای من بیاوری»

چون این تهدید را خدای سبحان کرد و فرمود: من از دینم حمایت می‌کنم و دست از دینم بر نمی‌دارم، شما نشد دیگری را می‌آورم و اِنْ تَوَلَّوْا یَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَیْرَکُمْ ثُمَّ لَا یَکُونُوا اَمْثَالِکُمْ. (۱)

فرمود: حالا اگر حفظ دین با شما نشد، با دیگری، شما اگر خلوص را از دست دادید شما را می‌برد و دیگری را جای شما می‌آورد. این خوی بزرگ منشی را در دعاها به ما آموختند که سعی کنید این چنین دعا کنید. هرگز از خدا مال زیاد نخواهید، بلکه بخواهید که آبرویتان محفوظ باشد.

کسی که مهمان خدا شد، اوصاف صاحبخانه را به عنوان آنچه در نزد خداست، از خدا مسئلت می‌کند، آن روح بی‌نیازی و بزرگواری را طلب می‌کند، و خدای سبحان که میزبان است چنین پذیرایی می‌کند. ضیافه الله همان لقاء الله را نتیجه خواهد داد.

پیامبر صلی الله علیه و آله در ادامه فرمودند: «وجعلتم فیہ من اهل کرامه الله» شما در این ماه کریم هستید. انسان کریم آن بزرگوار و بزرگ منشی است که طبعش به طبیعت آلوده نیست. فرمود شما در این ماه از خدای سبحان کرامت بخواهید و آبروی انسان کریم را خداوند نمی‌ریزد و

ص: ۲۸

همیشه آن را حفظ می‌کند. شما باید در این ماه توشه کرامت تهیه کنید که همان وصف خاص فرشتگان است. اگر فرشتگان «بَلْ عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ» بندگان مکرم و کریم‌اند، شما در کنار سفره کرامت دعوت شده‌اید سعی کنید کریم بشوید و در ادامه فرمود: «أنفاسکم فیہ تسبیح و نومکم فیہ عبادۃ و عملکم فیہ مقبول».

ب: سفارشات در ماه مبارک

افضل اعمال در ماه مبارک

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در جواب سؤال امیرالمؤمنین علیه السلام که عرض می‌کند. «ما أفضل الاعمال فی هذا الشهر» (۱)

فرمودند: «یا أباالحسن أفضل الأعمال فی هذا الشهر الورع عن محارم الله عزوجل»؛ بهترین اعمال در این ماه پارسایی از محرمات خداست، آنچه را که خداوند تحریم فرموده انسان نسبت به آنها ورع داشته و وارسته باشد.

ورع درجاتی دارد:

اولین درجه آن که از همه نازلتر است ورع اهل توبه است که انسان از هر معصیتی می‌پرهیزد و توبه می‌کند و به اطاعت روی می‌آورد.

از این بالاتر ورع اهل صلاح است که آنها از مشتهات نیز

۱- خطبه شعبانیه، اربعین شیخ بهایی، حدیث ۹

ص: ۲۹

می‌پرهیزند:

«دَعَّ مَا يُرْبِيكَ الٰی مَا لَا يُرْبِيكَ» (۱)

؛ «کاری که مشتبه است و حلال بودن آن روشن نیست را ترک کنید.» غذای شبهه ناک را نخورده و حرف شبهه ناک نزنند.

گرچه ظاهراً حلال است ولی چون حلیتش مشکوک است، ترک کن. این ورع صالحین است.

درجه بالا-تر از آن ورع اهل تقواست. اینان نه تنها از محرّمات پرهیز داشته و از مشتبهات نیز اعراض می‌کنند بلکه از حلالهایی که انسان را به سوی مشتبه می‌کشاند نیز می‌پرهیزند. گاهی انسان درباره افراد سخن می‌گوید، همین که دید کم کم ممکن است سخن به جایی بکشد که احتمال هتک حیثیت یا غیبت می‌دهد، ترک می‌کند. یا در مسائل مالی که کم کم ممکن است دستش به مال مشتبه آلوده بشود، ترک می‌کند. آن حلالی را که احتمال می‌دهد که کم کم پیامد شبهه‌ناک داشته باشد را ترک می‌کند. این ورع اهل تقواست.

بالاترین درجه ورع صدیقین است. و آن این که از هر چه غیر خداست و ارسته‌اند، از هر چه غیر حق است پرهیز می‌کنند. اگر قلب جز محبت خدا چیز دیگر را نپذیرفت قلب صدیق است. در سوره احزاب خداوند فرمود:

مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ (۲)

قلب یعنی همان لطیفه الهی و همان جان الهی، و انسان بیش از

ص: ۳۰

یک قلب ندارد. اگر هر انسانی یک قلب دارد و اگر به ما آموختند که از خدای سبحان مسئلت کنید که در این قلب جز محبت حق چیزی راه پیدا نکند: «وَقَلْبِي بِحُبِّكَ مُتِّمًا»، این تربیت، صدیقین است، آنگاه چیزی در قلب غیر از یاد حق نیست و این قلب از هر چه غیر حق است پرهیز کرده و ارسته می‌شود.

انس با قرآن

ماه مبارک رمضان مستقیماً به خداوند سبحان استناد دارد. تنها ماهی که در قرآن کریم نام او آمده است ماه مبارک رمضان است و این ماه را خداوند سبحان به نزول قرآن معرفی کرد و فرمود:

شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ

عظمت این ماه به نزول قرآن کریم است نه به روزه گرفتن. قرآن کریم احکام و حکمی دارد که یکی از آن احکام روزه گرفتن است. ماه مبارک رمضان ماه نزول قرآن کریم است، انسان در این ماه میهمان خداوند است و خداوند هم در این ماه غذایی به نام قرآن برای انسانها فرستاده است.

از رسول الله صلی الله علیه و آله رسیده است: «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ مَأْدِبَةُ اللَّهِ» قرآن غذای آماده الهی است. قرآن سفره نیست که هر کسی غذای خود را همراه بیاورد و آن را در سر سفره قرآن بخورد. کسی حق ندارد که خواسته‌های خود را بر قرآن تحمیل کند، برداشتهای خود را به حساب قرآن گذارد. قرآن غذایی است آماده، هر کسی گرسنه معارف باشد از این غذا استفاده می‌کند.

۲- سوره احزاب، آیه ۴

ص: ۳۱

خداوند در این ماه ما را به قرآن خواندن فرا خوانده است و با ما در این ماه سخن می‌گوید. اگر کسی بخواهد با ظاهر قرآن در تماس باشد باید ظاهر پاک و طاهری داشته باشد، بدون طهارت و وضو نمی‌شود با ظاهر قرآن در تماس بود، حتی نمی‌شود قرآن را به لب گذاشت و بوسید. اما با محتوا، معنا، تفسیر و جان قرآن را لایمسه الالمطهرون (۱)

اهل بیت عصمت و طهارت را خدا از هر آلودگی منزّه و پاک کرد، اینها که مطهّرنند. می‌توانند با محتوای قرآن در تماس باشند. با جان و روح قرآن در ارتباط بوده و خود، قرآن متحرک باشند.

انسان در این ماه مهمان سفره پر بار قرآن است، هر کسی به اندازه نیاز و استعدادش می‌تواند از آن تغذیه شود.

دعا در ماه مبارک

طبق فرمایش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دعاها در ماه مبارک مقبول است که فرمود:

«ودعائکم فیه مستجاب».

باید توجه داشت که چه دعایی بکند و برای چه کسی، دعا در سطح بلند و برای همه باشد، اینطور نباشد که تنها خودمان را دعا کنیم.

مردی در حضور رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض کرد: خدایا پیامبر را بیمارز، مرا بیمارز. لسانش لسان حصر بود. حضرت فرمودند: تو چرا دور رحمت خدا را سنگ چین کردی. بگو: «إذا دعا أحدکم فلیعّم فإنه

ص: ۳۲

اوجب للدعاء».

بنگرید دعای امام رضا صلی الله علیه و آله را چقدر کریمانه است:

«واغفر لمن فی مشارق الأرض و مغاربها من المؤمنین و المؤمنات» (۱)

«خدایا در مشرق و مغرب عالم هر کسی که اهل ایمان است او را پیامرز».

آن دینی که می‌گوید سحر در نماز شب عده زیادی را دعا کن، حداقل چهل نفر، همان دین می‌گوید روز به فکر حلّ کار چهل مؤمن هم باش، برای این که وقتی می‌گوید شب برخیز و دیگران را هم دعا کن، یعنی روز هم مواظب کارشان باش. این دین درس کرم به انسان می‌آموزد که دیگران مهمان سفره انسان باشند.

ابوحزمه ثمالی از شاگردان خوب امام سجّاد علیه السلام بوده و امام علیه السلام در دعای معروف به ابوحزمه ثمالی به ما می‌آموزند که عرض کنیم: خدایا بزرگ و کوچک ما، زن و مرد، روستایی و شهری، دور و نزدیک، همه و همه را پیامرز.

این چنین نباشد که انسان در دعا فقط به فکر خود و بستگان نزدیکش باشد. و اما این که برای خود چه بخواهد در بخش پیشین گذشت که روح بی‌نیازی و کریمانه را مسئلت کند، از خدای سبحان مسئلت کند که توفیق یاری نصیب او کرده و او را در راه اسلام و انقلاب و شهدا ثابت قدم بدارد، و تداوم حاکمیت اسلام را به رهبری

ص: ۳۳

ولی فقیه تا ظهور حجت الهی «عجل الله تعالی فرجه الشریف» طلب نماید.

فضیلت صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله در ماه مبارک

وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این خطبه فرمود:

«و من أكثر فيه من الصلوة ثقل الله ميزانه يوم تُخفف فيه الموازين»

هر کس در این ماه بر من زیاد صلوات بفرستد ترازوی اعمالش سنگین خواهد شد، روزی که ترازوی اعمال بسیاری از مردم سبک می‌شود.

در قیامت اعمال انسان را با یک واحد مخصوصی می‌سنجند، نه با اجرام مادی و امثال آن در دنیا انسان اگر خواسته باشد متاع مادی را بسنجد آن را با یک ترازوی خاص مادی توزین می‌کند مثلاً درجه حرارت را با میزان مخصوص آن، اشیای کیلویی را با کیلو، اشیای متری را با متر، مسائل ادبی مثل شعر را با وزن خاص آن.

اما اعمال ما را در روز قیامت با حق می‌سنجند که قرآن می‌فرماید:

وَالْوِزْنَ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ (۱)

یعنی در آن روز اعمال و عقاید و اخلاق مردم را با حق می‌سنجند.

حق در یک طرف و اعمال در طرف دیگر که مشخص می‌شود حق است و چه عملی از حق بی‌بهره بود. و در قرآن می‌فرماید: آنان که

ص: ۳۴

اعمالشان سنگین است اهل سعادت بوده و آنان که اعمالشان سبک است از سعادت محرومند. در بیانات امیرالمؤمنین علیه السلام آمده است، چه این که در بیان رسول الله صلی الله علیه و آله هم رسیده است که حضرتش فرمود:

«زَنُوا قَبْلَ أَنْ تُوزَنُوا»

در نهج البلاغه، خطبه ۹۰ چنین آمده است:

«زَنُوا أَنْفُسَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُوزَنُوا وَ حَاسِبُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ تُحَاسَبُوا...»

روزی می‌رسد که انسانها را وزن می‌کنند که کدام انسان سبک و کدام انسان سنگین است. کمال انسان به عقل و معارف عقلی اوست، خود را با یک میزانی که خدا نازل کرده است بسنجد، با میزان قرآن کریم و با وزنی که حق است. حضرت فرمود: در ماه مبارک رمضان هر کس بیشتر بر من صلوات بفرستد خدا ترازوی او را سنگین می‌کند. چون صلوات بر آن حضرت یک دعایی مستجاب است و چون همراه صلوات حاجت خود را خواستید، خدای سبحان اینچنین نیست که یکی را برآورده کند و دیگری را برآورده نکند، لذا در برنامه‌های آموزنده امام سجاد علیه السلام که مثل اعلای نیایش و دعا را به ما می‌آموزاند، در بسیاری از فرازهای ادعیه ایشان صلوات به چشم می‌خورد، هر مطلبی را که آن حضرت از خدا می‌خواهند قبل و بعدش صلوات است، چون آن اول و این آخر را خداوند مستجاب می‌کند بین آنها را هم مستجاب خواهد کرد.

ماه مبارک و رهایی انسان از اسارت گناهان

حضرت فرمود:

«أَيُّهَا النَّاسُ أَنْ أَنْفُسَكُمْ مَرْهُونَةٌ بِأَعْمَالِكُمْ فَفَكُّوْهَا بِاسْتِغْفَارِكُمْ»

مردم شما آزاد نیستید، جانتان در گرو کارهای شماست، یعنی این کارهایی که انجام داده‌اید یک قفسی و طنابی از آنها ساخته‌اید و دست و بال خود را با آن قفس و طناب بسته‌اید، پس شما در رهن و گرو هستید.

کسی که بدهکار است گرو می‌سپارد، مثلاً خانه و فرش را گرو می‌دهد، کسی که از لحاظ عقیده و اخلاق و عمل صالح بدهکار باشد، دیگر با مال قابل گرو نیست، این جا خود شخص را گرو می‌گیرند.

نعمتی به ارزش نعمت آزادی بسیار کم است و آزاد، آن انسانی است که علی علیه السلام فرمود: «وَمَنْ تَرَكَ الشَّهَوَاتِ كَانُ حُرًّا»؛ «کسی که شهوت‌ها را ترک کرد آزاد است.»

فرمود: در این ماه خودتان را آزاد کنید و این فک رهن به استغفار و طلب مغفرت است. در قرآن کریم فرمود: **كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ ۗ إِلَّا أَصْحَابَ الْيَمِينِ (۱)**

آنهايي که با میمنت کار کردند آزادند، آنها که گرفتار شهوت و غضب نبودند آزادند. آن کسی که می‌گوید هر چه دلم بخواهد می‌گویم و هر چه دلم بخواهد می‌کنم و هر جا دلم بخواهد می‌روم، معلوم

ص: ۳۶

می‌شود صاحب این سخن در گرو شهوت است نه در اختیار عقل.

انسان برای این که ببیند آزاد است یا در قفس، ببیند چه گونه می‌اندیشد.

و انقلاب برای این بود که جز خدای سبحان کسی بر ما مسلط نشود، برای این بود که ما بنده خدا بشویم و لاغیر.

این که گفتند چندین بار در شبانه روز بگویید: «استغفر الله ربی و أتوب إلیه» در نماز و در غیر نماز برای خود و دیگران طلب مغفرت کنید برای آن است که این میله‌های فولادین را یکی پس از دیگری بشکنید و از بین ببرید.

صله ارحام و حفظ لسان از دستورهای ماه مبارک

وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در آن خطبه نورانی فرمود:

«وَصَلُّوا اِرْحَامَكُمْ وَاَحْفَظُوا السِّنَّتَكُمْ».

«ارحام را صلّه و دیدن و زبانتان را حفظ کنید».

نه تنها در روز که روزه هستید، بلکه در تمام ماه، زیرا این امور آداب روز نیست، بلکه آداب ماه روزه است. در این ماه باید زبان را حفظ کرد و چیزی بهتر از فراگیری علوم الهی، گفتن و شنیدن معارف دین نیست، علم است که زمینه‌ای برای به عقل رسیدن انسان می‌گردد و انسان عاقل آسوده است، هرگز انسان عاقل در عذاب نیست، لذا فرمود: در این ماه زبانتان را حفظ کنید.

امام صادق علیه السلام از اجداد گرامی‌شان از رسول الله صلی الله علیه و آله نقل فرمود: «مَنْ عَرَّفَ اللَّهَ وِعَظَّمَهُ مَنَعَ فَاحْسَنَ الْكَلَامِ وِ بَطَنَهُ مِنَ الطَّعَامِ وِعَنَّا نَفْسَهُ».

ص: ۳۷

بِالصَّيَامِ وَالْقِيَامِ» (۱)

حضرت فرمود: برای این که انسان مواظب دهان باشد و هر حرفی را بزند معرفت خدا لازم است: کسی که خدا را بشناسد و او را بزرگ بشمارد در پیش خدای عظیم هر حرفی را نمی‌زند و شکم را به هر غذای حرام آلوده نمی‌کند، کنار هر سفره‌ای نمی‌نشیند، عنایت دارد که خود را با روزه گرفتن بیوراند، خود او مورد عنایت اوست و خودش را فراموش نمی‌کند.

یکی از نصیحت طلبان به اباذر نوشت که مرا نصیحت کن. اباذر هم در جواب مرقوم فرمود: به عزیزترین دوستانت ستم نکن. دوباره آن شخص در جواب نوشت که این یک مطلب روشنی است، انسان که به دوست عزیزش جفا نمی‌کند. من از شما نصیحت خواستم و شما آن گونه جواب گفتید.

اباذر در جواب فرمود: عزیزترین افراد نسبت به آدم خود آدم است، هیچ کس به اندازه خود آدم پیش انسان عزیز نیست. فرمود: جان خود را نیازار، نرنجان و آسیب نرسان چون هر گناهی را که انسان مرتکب می‌شود فشاری است که به جان خود وارد می‌کند.

(۲)

و در سوره مبارکه مائده به ما فرمود: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسِكُمْ مَوَاطِبِ جَانْتَانِ بَاشِيدِ، از حریم جانتان پاسداری کنید. و در سوره مبارکه اعراف فرمود: متقین کسانی هستند که با یاد خدای سبحان اجازه نمی‌دهند که شیاطین در اطراف کعبه جانشان به

۱- اربعین شیخ بهایی، حدیث ۲

۲- ارشاد القلوب دلیلم.

ص: ۳۸

طواف پردازند.

إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِنَ الشَّيْطَانِ تَدَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ (۱)

مقدار خوردن در ماه مبارک

انسان در ماه مبارک رمضان احساس عظمت می‌کند و بزرگی خود را می‌یابد، می‌گوید:

«من بزرگتر از آن هستم که آلوده بشوم و تن به گناه بدهم». این بزرگی خود را یافتن، در اثر روزه گرفتن است، که مقدمات اولیّه روزه، امساک و کم‌خوری است.

از ارسطو سؤال کردند: چرا شما کم می‌خورید؟ گفت: من می‌خورم برای این که بمانم و دیگران می‌مانند برای این که بخورند، بگذار زیاد بخورند. آنان که پرخور هستند، هم عمرشان کم است و هم به آن معارف الهی دسترسی ندارند. هرگز انسان پرخور به فهم در نمی‌آید.

امام صادق علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل فرمود که: یک وقتی جبرئیل - سلام الله علیه - در روزی و زمانی که سابقه نداشت وارد شد، گفتم: در وقتی آمدی که بی سابقه بود، آیا خبری مهمی است، برای این که حالت شما، حالت ارباب است. فرمود: تو ترسی نداری برای این که «غفرالله لك ما تقدم من ذنبك و ما تأخر». فرمود: پس برای چه آمده‌ای؟ جبرئیل گفت: خدای سبحان شما را از چند چیز نهی کرد: اول از بت پرستی، دوم از میگساری، سوم از جدال با مردم و

ص: ۳۹

بحث علمی را به صورت مجادله در آوردن، آن گاه فرمود در کنار این دستورات، یک خصلتی دیگر را خدای سبحان به شما امر کرد که برای همه شئون زندگی است که برای مبدأ و منتهایت سودمند است:

«يقول لك ربك ما ابغضت وعاء قط كبغضى بطناً ملأناً».

خدا می گوید: چیزی پیش من مبعوض تر از شکم پر نیست، که انسان همیشه سیر باشد. چون او که مانند بهائم می خورد، مانند جماد می افتد.

پرخوری هم عمر را کم می کند و هم سلامت را از انسان می گیرد، و بالاتر از همه فهم و اندیشه و شعور را از انسان می رباید، اگر انسان بخواهد به اسرار عالم راه پیدا کند چاره‌ای جز سبکبار بودن درون ندارد و این را کسی می گوید که می فرماید: «أنا والساعة كهاتين».

در خاتمه از خدای سبحان مسئلت می کنیم که توفیق عنایت کند تا از روزه داران واقعی بوده و از بار بافته گان به ضیافت الهی باشیم.

«و آخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمين». (۱)

۱- از ص ۲۱ تا اینجا از مقاله حضرت آیه‌الله جوادی آملی، تهیه و تنظیم منصور براعتی از کتاب رهنوشه راهیان نور، ویژه ماه مبارک رمضان ۱۴۱۸ ه. ق. گرفته شده است.

ص: ۴۰

صفحه سفید

بخش دوم مناسبتها**اشاره**

- ۱- وفات حضرت خدیجه علیها السلام
- ۲- میلاد امام حسن مجتبی علیه السلام
- ۳- غزوه بدر
- ۴- برکات شب قدر
- ۵- علی علیه السلام در بستر تاریخ
- ۶- فتح مکه
- ۷- علی علیه السلام ای عدالت مظلوم
- ۸- هفته کمک به مستضعفین
- ۹- روز جهانی قدس
- ۱۰- عید فطر
- ۱۱- میعاد با فطرت

ص: ۴۲

صفحه سفید

وفات حضرت خدیجه علیها السلام

اشاره

دهم ماه مبارک رمضان مصادف است با سالروز وفات بانوی نمونه اسلام، حضرت خدیجه کبری علیها السلام. خدیجه بنت «خویلد بن اسد بن عبدالعزی بن قصی بن کلاب» همسر گرامی رسول خدا صلی الله علیه و آله اولین زنی است که به پیامبر صلی الله علیه و آله و دین اسلام گرایید و با مال و ثروت خویش آن حضرت را یاری داد. در سن خدیجه هنگام ازدواج اختلاف است که از ۲۵ تا ۴۵ سالگی گفته‌اند. (۱) پیامبر صلی الله علیه و آله تا زمانی که خدیجه زنده بود زن دیگری اختیار نکرد. آن حضرت علاقه بسیاری نسبت به ایشان داشت که به هیچ یک از زنان دیگرش نداشت. روایات زیادی از آن حضرت در مورد اوصاف و القاب وی نقل شده است از جمله:

«أَفْضَلُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ خَدِيجَةٌ» (۲)

(بهترین زنان بهشت، خدیجه است).

۱- ابی کثیر، البدایة والنهایة ۲/ ۲۹۵؛ مجلسی، بحارالانوار ۱۶/ ۱۲.

۲- احمد بن حنبل، المسند ۶/ ۱۱۷-۱۱۸.

ص: ۴۴

در جای دیگری می‌فرماید: به درستی که من خدیجه را بر زنان امتم برتری می‌دهم همان گونه که مریم بر زنان عالم برتری داده شد، (۱) قسم به خدا که بهتر از خدیجه پس از او برای من جایگزین نکرد ... او ایمان آورد هنگامی که مردم مرا تکفیر می‌کردند و هنگامی که مردم مرا تکذیب می‌کردند او مرا تأیید می‌نمود، هنگامی که مردم مالشان را از من دریغ کردند او اموالش را در اختیار من گذاشت. خداوند از او فرزندی به من عطا کرد در حالی که از زنان دیگر نداد. (۲)

خداوند متعال زحمات این بانوی فداکار را در حمایت از اسلام و پیامبر صلی الله علیه و آله چنین بیان کرده است: جبرئیل علیه السلام بر رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد شد و گفت ای نبی خدا! این خدیجه است که نزد تو می‌آید و ظرفی از غذا همراه اوست هنگامی که به تو رسید از جانب پروردگارت و از جانب من به او سلام برسان و بشارت ده که خانه‌ای در بهشت برای اوست. (۳)

عایشه می‌گوید: من پیوسته براینکه روزگار خدیجه رادرك نکرده بودم، تأسف می‌خوردم و از علاقه و مهر پیامبر، نسبت به او همیشه تعجب می‌کردم؛ زیرا پیامبر او را مکرر یاد می‌کرد؛ و اگر گوسفندی می‌کشت، سهمی برای دوستان خدیجه کنار می‌گذاشت و برایشان می‌فرستاد.

روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله در حال بیرون رفتن از خانه بود که از خدیجه

۱- هیشمی، مجمع الزوائد ۹/ ۲۲۳.

۲- هیشمی، همان جا.

۳- ابن حجر عسقلانی، فتح الباری بشرح صحیح البخاری ۷/ ۱۰۸-۱۰۹؛ سبط بن جوزی، همان ۳۰۲.

ص: ۴۵

یاد کرد و از او تعریف نمود. من نتوانستم خودم را کنترل کنم، با کمال جرأت گفتم: وی پیرزنی بیش نبود و خدا بهتر از او را نصیب شما کرده است! آثار خشم و غضب در پیشانی پیامبر ظاهر شد و فرمود: ابدأ چنین نیست، خدیجه هنگامی به من ایمان آورد که مردم همگی در حال کفر و شرک به سر می‌بردند؛ او اموال و ثروت خود را در سخت‌ترین مواقع در اختیار من گذارد و خدا از او فرزندی نصیب نمود که به دیگر همسرانم نداد. (۱)

سن خدیجه

معروف این است که خدیجه هنگام ازدواج ۴۰ سال داشته و ۱۵ سال پیش از عام الفیل، قدم به عرصه وجود نهاده است؛ ولی بعضی کمتر از این نوشته‌اند. وی قبلاً دو شوهر کرده بود، به نامهای «عتیق ابن عائد» و «ابوهاله مالک بن بناش التیمی» که رشته زندگی هر کدام به وسیله مرگ گسسته بود.

فرزندان خدیجه از پیامبر

خدیجه کبری از رسول خدا صلی الله علیه و آله دارای دو پسر به نامهای «قاسم» و «عبدالله» بود که به آنها طاهر و طیب می‌گفتند و چهار دختر داشت که رقیه، زینب، امّ کلثوم و فاطمه - سلام الله علیها - نام داشتند. دو پسر آن حضرت قبل از بعثت از دنیا رفتند؛ ولی دخترانش باقی ماندند.

شبهای تاریک، راه خانه خدیجه تا غار حراء به روزی روشن از اخلاص و امید و فداکاری تبدیل شد. کوه بزرگ نور که امروزه بعضی از

ص: ۴۶

مردان نیز از صعود به آن عاجزند، در سایه اخلاص و فداکاری و عظمت گامهای خدیجه کوچک می‌نمود. آن بانوی فداکار به رغم آن همه ثروت و مکت، سه سال در شعب ابی طالب، گرسنه در کنار پیامبر صلی الله علیه و آله خوابید و آرام جان او بود.

وفات خدیجه

حضرت خدیجه در تمام دوره دشوار و پرحادثه پیش از هجرت به عنوان همسری فداکار در کنار رسول خدا صلی الله علیه و آله بود و لحظه‌ای او را در آن کوران حوادث تنها نگذاشت و سرانجام سه سال پیش از هجرت دنیا را به درود گفت. آخرین سخن وی در آستانه مرگ، با آن سابقه خدمت و فداکاری، این بود که: «ای رسول خدا! من درباره تو کوتاهی نمودم و آنچه در خور توست به انجام نرساندم و در این لحظه اگر خواسته‌ای داشته باشم، آن خواسته رضایت توست.» و بدین ترتیب آن بانوی بزرگوار دیده از جهان فروبست؛ ولی برای همیشه به عنوان زنی نمونه برای زنان اسلام در تاریخ باقی ماند، امید است زنان مسلمان ما با الگو قرار دادن این بزرگ بانوی اسلام، شایستگی خویش را برای خدمت هر چه بیشتر به اسلام به اثبات رسانده و فرزندان صالح و متعهد تربیت نمایند. جسد پاک خدیجه را در قبرستان حجون مکه به خاک سپردند. موقعیت قبر وی در آخر قبرستان و نزدیک قبور ابوطالب و عبدالمطلب است. (۱)

میلاد امام حسن مجتبی علیه السلام

امام حسن مجتبی علیه السلام در نیمه رمضان سال سوّم هجری، در شهر مدینه منوره دیده به جهان گشود. پدرش، امیر مؤمنان علی بن ابیطالب و مادرش مهتر زنان فاطمه دختر پیامبر خدا است - درود و رحمت خدا بر آنان -.

در تاریخ، از این کوتاهتر و در عالم نسب‌ها، از این پرشرافت‌تر، نسبی وجود ندارد.

در شهر مدینه، شب نیمه ماه رمضان سال سوم هجرت، تولد یافت. فرزند نخستین پدر و مادرش بود. رسول اکرم صلی الله علیه و آله بلافاصله پس از ولادتش او را گرفت؛ در گوش راستش اذان و در گوش چپش اقامه گفت. سپس برای او گوسفندی قربانی کرد؛ سرش را تراشید و هموزن موی سرش - که یکدوم و چیزی افزون بود - نقره به مستمندان داد؛ دستور داد تا سر او را عطر آگین کنند. و از آن هنگام، آیین عقیقه و صدقه دادن به هموزن موی سر نوزاد، پدید آمد.

او را حسن نام داد و این نام در جاهلیت سابقه نداشت. و کنیه او

۱- از ص ۴۲ تا اینجا از کتاب، تاریخ و آثار اسلامی مکه مکرمه و مدینه منوره، اصغر فائدان و کتاب یاد ایام، معاونت فرهنگی شورای سیاستگذاری ائمه جمعه گرفته شده است.

ص: ۴۸

را ابو محمد نهاد و این تنها کنیه اوست.

لقب‌های او: السبط است و السید و الزکی و المجتبی و التقی.

همسران او عبارتند از: «ام الحق» دختر طلحه بن عبیدالله؛ «حفصه» دختر عبدالرحمن بن ابی بکر؛ «هند» دختر سهیل بن عمرو؛ و «جعدة» دختر اشعث بن قیس و این آخرین، همان است که به اغوای معاویه او را مسموم و شهید کرد.

فرندان آنحضرت از دختر و پسر ۱۵ نفر بوده‌اند، بنام‌های:

زید، حسن، عمرو، قاسم، عبدالله، عبدالرحمن، حسن اثرم، طلحه، ام الحسن، ام الحسین، فاطمه، ام سلمه، رقیه، ام عبدالله و فاطمه.

نسل او فقط از دو پسرش: حسن و زید، باقی ماند و از غیر ایندو انتساب به آنحضرت درست نیست.

«هیچکس از جهت منظر و اخلاق و پیکر و رویه و مجد و بزرگواری، به رسول اکرم شبیه‌تر از او نبود» وصف کنندگانش او را اینچنین ستوده‌اند. و گفته‌اند:

دارای رخساره‌ئی سفید آمیخته به اندکی سرخی؛ چشمانی سیاه؛ گونه‌ئی هموار؛ محاسنی انبوه؛ گیسوانی مجعد و پر؛ گردنی سیمگون؛ اندامی متناسب؛ شانہ‌ئی عریض؛ استخوانی درشت؛ میانی باریک؛ قدی میانه؛ نه چندان بلند و نه کوتاه؛ سیمائی نمکین و چهره‌ئی در شمار زیباترین چهره‌ها بود.

بیست و پنج بار حج کرد پیاده، در حالیکه اسبهای نجیب را با او یدک می کشیدند.

هر گاه از مرگ یاد می کرد می گریست و هر گاه از قبر یاد می کرد

ص: ۴۹

می‌گریست و هر گاه محشر را و عبور از صراط را بیاد می‌آورد می‌گریست و هر گاه به یاد ایستادن به پای حساب می‌افتاد همچون مار گزیده به خود می‌پیچید، از خدا طلب بهشت می‌کرد و به او از آتش پناه می‌برد. و چون وضو می‌ساخت و به نماز می‌ایستاد، بدنش بلرزه می‌افتاد و رنگش زرد می‌شد. سه نوبت، دارائیش را با خدا تقسیم کرد و دو نوبت از تمام مال خود برای خدا گذشت. و با این همه، در تمامی حالات به یاد خدا بود.

گفته‌اند: «در زمان خودش آن حضرت عابدترین مردم و بی‌اعتناترین مردم به زیور دنیا بود».

محمد بن اسحق گفت: «پس از رسول‌خدا صلی الله علیه و آله هیچکس از حیث آبرو و بلندی قدر، به حسن بن علی نرسید. بر در خانه‌اش فرش می‌گسترند و چون او از خانه بیرون می‌آمد و آنجا می‌نشست راه بسته می‌شد و با احترام او کسی از برابرش عبور نمی‌کرد و او چون می‌فهمید، برمی‌خاست و به خانه میرفت و آنگاه مردم رفت و آمد می‌کردند». در راه مکه از مرکبش فرود آمد و پیاده به راه ادامه داد، در کاروان کسی نماند که بدو تأسی نجوید و پیاده نشود، حتی سعد بن ابی وقاص که پیاده شد و در کنار آن حضرت راه افتاد.

«مدرک بن زیاد» به ابن عباس - که برای حسن و حسین رکاب گرفته بود و لباسشان را مرتب می‌کرد - گفت: «تو از اینها سالخوده‌تری! رکاب برایشان می‌گیری؟» وی جواب داد: «ای فرومایه

ص: ۵۰

پست! تو چه میدانی اینها کی‌اند! اینها پسران رسول خدایند. آیا این موهبتی از جانب خدا بر من نیست که رکابشان را بگیرم و لباسشان را مرتب کنم؟!».

با این شأن و منزلت، تواضعش چنان بود که: روزی بر عده‌ئی مستمند می‌گذشت و آنها پاره‌های نان را بر زمین نهاده و خود روی زمین نشسته بودند و می‌خوردند. چون حسن بن علی را دیدند گفتند:

«ای پسر رسول خدا بیا با ما هم غذا شو!» فوراً از مرکب خود فرود آمد و گفت: «خدا متکبران را دوست نمی‌دارد» و با آنان به غذا خوردن مشغول شد. آنگاه آنها را به میهمانی خود دعوت کرد، هم غذا به آنان داد و هم پوشاک.

بخشش و کرم او آنچنان بود که مردی حاجت نزد او آورد. آن حضرت باو گفت: «حاجت را بنویس و به ما بده» و چون نامه او را خواند، دو برابر خواسته‌اش بدو بخشید. یکی از حاضران گفت: این نامه چقدر برای او پربرکت بود، ای پسر رسول خدا! فرمود: «برکت آن برای ما بیشتر بود، زیرا ما را از اهل نیکی ساخت. مگر نمی‌دانی که نیکی آن است که بی‌خواهش به کسی چیزی دهند و اما آنچه پس از خواهش می‌دهند، بهای ناچیزی است در برابر آبروی او. شاید آنکس شبی را با اضطراب و میان بیم و امید بسر برده و نمیدانسته که آیا در برابر عرض نیازش، دست رد به سینه او خواهی زد یا شادی قبول به او خواهی بخشید و اکنون با تن لرزان و دل پرتپش نزد تو آمده، آنگاه اگر تو فقط بقدر خواسته‌اش باو ببخشی، در برابر آبرویی که نزد تو ریخته بهای اندکی باو داده‌ئی».

ص: ۵۱

مدائنی روایت کرده که: «حسن و حسین و عبدالله بن جعفر به راه حج می‌رفتند. توشه و تنخواه آنان گم شد. گرسنه و تشنه به خیمه‌ئی رسیدند که پیرزنی در آن زندگی می‌کرد، از او آب طلبیدند. گفت: این گوسفند را بدوشید و شیر آن را با آب بیامیزید و بیاشامید. چنین کردند.

سپس از او غذا خواستند، گفت: همین گوسفند را داریم، بکشید و بخورید. یکی از آنان گوسفند را ذبح کرد و از گوشت آن مقداری بریان کرد و همه خوردند و سپس همانجا به خواب رفتند. هنگام رفتن به پیر زن گفتند: ما از قریشیم، به حج می‌رویم، چون باز گشتیم نزد ما بیا با تو به نیکی رفتار خواهیم کرد و رفتند.

شوهر زن که آمد و از جریان خبر یافت، گفت وای بر تو! گوسفند مرا برای مردمی ناشناس می‌کشی، آنگاه می‌گوئی: از قریش بودند!؟.

روزگاری گذشت و کار بر پیر زن سخت شد، از آن محل کوچ کرد و به مدینه عبورش افتاد. حسن بن علی او را دید و شناخت. پیش رفت و گفت: مرا می‌شناسی؟ گفت نه! گفت: من همانم که در فلان روز مهمان تو شدم. و دستور داد تا هزار گوسفند و هزار دینار زر باو دادند.

آنگاه او را نزد برادرش حسین بن علی فرستاد، آنحضرت نیز به همان اندازه بدو بخشید و او را نزد عبدالله بن جعفر فرستاد و او نیز عطائی همانند آنان به او داد.

و بجز اینها، سخن در کرم و بخشش فراوان است که ما اکنون در صدد بیان آنها نیستیم.

حلم و گذشت او چنان بود که- به گفته مروان- با کوهها برابری می‌کرد.

ص: ۵۲

زهد و بی‌اعتنائی او به زیور دنیا آنچنان بود که «محمد بن علی بن الحسین بن بابویه» (متوفی به سال ۳۸۱ هجری) کتابی را بنام: زهد الحسن علیه السلام بدین صفت او اختصاص داد و در اینباره همین بس که از همه دنیا یکباره بخاطر دین صرفنظر کرد. او سرور جوانان بهشت و یکی از دو نفری است که دودمان پیامبر منحصرأً از نسل آنان بوجود آمد؛ و یکی از چهار نفری است که رسول خدا با آنان به مباحله نصارای نجران حاضر شد؛ و یکی از پنج نفر اصحاب کساء؛ و یکی از دوازده نفری است که خدا فرمانبری آنان را بر بندگانش واجب و فرض ساخته. و او یکی از کسانی است که در قرآن کریم پاک و منزّه از پلیدی معرفی شده؛ و یکی از کسانی است که خدا دوستی آنان را پاداش رسالت پیامبر دانسته؛ و یکی از آنانکه رسول اکرم ایشانرا هموزن قرآن و یکی از دو دست‌آویز گران وزنه قرار داده. و او ریحانه رسول خدا و محبوب اوست و آنکسی است که پیامبر دعا میکرد خدا دوستدار او را دوست بدارد.

افتخارات او بقدری است که یاد کردن آنها بطول می‌انجامد و تازه پس از بیانی دراز باآخر نمی‌رسد.

پس از وفات پدرش، مسلمانان با او به خلافت، بیعت کردند. در همان مدت کوتاه حکومتش، به بهترین شکلی کارها را اداره کرد. در پانزدهم جمادی الاولی سال ۴۱ (بنابر صحیح‌ترین روایتها) با معاویه قرار صلح منعقد ساخت و با اینکار هم دین را حفظ کرد و هم مؤمنان را از قتل نجات داد و در اینکار بر طبق آموزش خاصی که بوسیله پدرش از پیامبر دریافت کرده بود، عمل نمود. دوران خلافت رسمی و

ص: ۵۳

ظاهری او هفت ماه و بیست و چهار روز بود.

پس از امضای قرار داد صلح، به مدینه بازگشت و در آن شهر اقامت گزید و خانه او برای ساکنان و واردان آن شهر، دومین حرم شد و او خود در این هر دو حرم، جلوه گاه هدایت و فرازگاه دانش و پناه گاه مسلمانان گشت. دور و بر او مردمی از شهرهای دور دست گرد آمدند برای فهم و شناخت دین و سپس رفتن و قوم خود را از قهر و عذاب بیم دادن. و اینها همان شاگردان و حاملان دانش او و راویان از او بودند. و حسن بن علی بخاطر علم و دانش فراوانی که خدا بدو ارزانی داشته بود و هم بخاطر قدر و منزلت بلندی که در دل مردم داشت، تواناترین بشر بود برای پیشوائی امت و رهبر فکری آنان و درست کردن عقایدشان و متحد ساختن و بهم بستن ایشان.

نماز صبحگاه را که میخواند، تا بر آمدن آفتاب در مسجد رسول خدا می نشست و به ذکر خدا می پرداخت.

بزرگان و برگزیدگان مردم گرد او می نشستند و او با آنان سخن می گفت. ابن صباغ (در کتاب الفصول المهمه ص ۱۵۹) می نویسد: «مردم گرد او جمع می شدند و او با سخنان خود عقده‌های علمی را می گشود و ایرادهای مخالفین را پاسخ می داد». چون حج می‌گزارد، در هنگام طواف مردم برای اینکه به او سلام کنند آنچنان ازدحام میکردند که گاه نزدیک بود خود او پایمال شود!

او را بارها مسموم کردند. در آخرین بار بود که احساس خطر کرد، به برادرش حسین علیه السلام گفت: «من بزودی از تو جدا خواهم شد و به پرودرگارم خواهم پیوست بدان که مرا مسموم کرده و کبدم را تباه

ص: ۵۴

ساخته‌اند. من خود، عامل و سبب اینکار را می‌شناسم و در پیشگاه خدا از مسبب آن دادخواهی خواهم کرد، سپس فرمود: «مرا در کنار رسول خدا بخاک سپار زیرا من به او و خانه او اولی‌تر (۱)؛ ولی اگر نگذاشتند تو را به حق آن پیوندی که به خدا نزدیک ساخته و به خویشاوندی نزدیکی که با پیامبر خدا داری سوگند می‌دهم که نگذاری بخاطر من قطره خونی ریخته شود؛ بگذار تا رسول خدا را ملاقات کنیم و نزد او از دشمنان دادخواهی نمائیم و جفای مردم را باو باز گوئیم».

سپس سفارشهای لازم را درباره خاندان و فرزندان و آنچه از خود بجا گذارده بود باو کرد و او را به آنچه پدرشان علی در لحظه مرگ وصیت کرده بود، وصیت نمود و جانشینی او را به شیعیان اعلام کرد. و در روز ۱۷ ماه صفر سال ۴۹ وفات یافت.

ابوالفرج اصفهانی نوشته است: «معاویه میخواست برای پسرش یزید بیعت بگیرد و در انجام این منظور، هیچ چیز برای او گرانبارتر و مزاحم‌تر از حسن بن علی و سعد بن ابی وقاص نبود. بدینجهت هر دو را با وسائل مخفی مسموم کرد».

و بسی روشن است که فجایع بزرگی از این نوع، همچون تازیانه‌ئی

۱- اولویت به پیامبر از اینرو که فرزند و پاره تن بلکه جزئی از او بود و کسی از فرزند به پدر و از جزء به کل نزدیکتر و اولی‌تر نیست. و اما اولویت به خانه پیامبر بدینجهت که او وارث شرعی مادرش صدیقه طاهره و او یگانه وارث پدرش رسول خدا بود. فاطمه از پدر ارث می‌برد همچنانکه سلیمان از داود. و دلیلی نیست که عمو مات ارث در این مورد تخصیص خورده باشد.

ص: ۵۵

بر پیکر خواب رفته و تخدیر شده مردم بود که شعور و درک آنان را برمی‌انگیخت و احساس درد را در آنان زنده می‌ساخت. اقطار اسلامی دهان به دهان خبر این پیشامد بزرگ را پخش کردند؛ در هر گوشه، موج شیون مردم از زمینه شورشی خبر میداد و در هر سال، بلند شدن غوغائی، دستگاه حکومت را به انقلابی تهدید می‌کرد. و خدای سبحان می‌گوید: «ستمگران بزودی خواهند دانست که به چه سرانجامی دچار می‌شوند».

سبط ابن جوزی به سند خود از ابن سعد و او از واقدی روایت کرده: حسن بن علی در هنگام احتضار گفت مرا در کنار پدرم - یعنی رسول اکرم - دفن کنید. امویان و مروان حکم و سعید بن العاص - که والی مدینه بود - بپا خواستند و نگذاشتند! ابن سعد می‌گوید: یکی از مخالفان عایشه بود که گفت: «هیچکس نباید با رسول خدا دفن شود».

انبوهی از مردم گرد حسین بن علی مجتمع شده گفتند: ما را با آل مروان واگذار، بخدا قسم آنان در دست ما بسی حقیر و ناچیزند. فرمود:

«برادرم وصیت کرده که نباید بخاطر او قطره‌ئی خون ریخته شود و اگر این سفارش نمی‌بود می‌دیدید که شمشیرهای خدا با آنان چه می‌کند».

آنها عهد میان ما و خود را شکستند و شرائط ما را زیر پا نهادند» با این سخن به شرائط صلح اشاره می‌کرد.

حسن بن علی را از آنجا به قبرستان بقیع بردند و در کنار قبر جد‌اش فاطمه بنت اسد بخاک سپردند. در کتاب «الاصابه» از واقدی و او از ثعلبه نقل می‌کند که گفت: روزی که حسن بن علی وفات یافت

ص: ۵۶

و در بقیع مدفون شد، من حاضر بودم، انبوهی جمعیت آنچنان بود که اگر در بقیع سوزنی می‌افکندند بر سر انسانی می‌افتاد و به زمین نمی‌رسید. (۱)

غزوه بدر

اشاره

هفده ماه رمضان سالروز غزوه بدر می‌باشد که در این قسمت به بررسی این غزوه پرداخته شده است. از نبردهای بزرگ و نمایان اسلام، جنگ بدر است. کسانی که در این جبهه شرکت کرده بودند، بعدها امتیاز مخصوصی در میان مسلمانان پیدا نمودند. در هر واقعه‌ای که یک یا چند نفر از مجاهدان بدر شرکت می‌نمودند و یا به مطلبی گواهی می‌دادند؛ می‌گفتند چند نفر از بدری‌ها با ما موافق هستند. در شرح زندگانی اصحاب پیامبر، کسانی را که در وقعه بدر شرکت نموده‌اند، «بدری» می‌نامند و علت این اهمیت از تشریح این حادثه به دست می‌آید.

در نیمه جمادی‌الاولی سال دوم، گزارشی به مدینه رسید که کاروان قریش به سرپرستی «ابوسفیان» از مکه به شام می‌رود. پیامبر برای تعقیب کاروان تا «ذات العشیره» رفت و تا اوائل ماه دیگر، در آن نقطه توقف کرد، ولی دست به کاروان نیافت. و زمان بازگشت کاروان، تقریباً

۱- از ص ۴۷ تا اینجا از کتاب «صلح امام حسن علیه السلام» نوشته شیخ راضی آل یاسین ترجمه مقام معظم رهبری، آیه‌الله سید علی خامنه‌ای - مدظله العالی - گرفته شده است

ص: ۵۸

معین بود، زیرا اوائل پاییز کاروان قریش، از شام به مکه باز می‌گشت. در تمام نبردها کسب اطلاعات، نخستین گام پیروزی بود. تا فرمانده لشکر، از استعداد دشمن و نقطه تمرکز آنها و روحیه جنگجویان آگاه نباشد، چه بسا ممکن است در نخستین برخورد شکست بخورد. بنا به نقل مرحوم مجلسی، (۱) رسول خدا «عدی»، را برای کسب اطلاعات از مسیر کاروان و تعداد محافظان کاروان و نوع کالایشان اعزام نمود. اطلاعات رسیده به قرار زیر بود:

- ۱- کاروان بزرگی است که تمام اهل مکه در آن شرکت دارند.
- ۲- سرپرست کاروان «ابوسفیان»، و در حدود چهل نفر پاسبانی آن را بر عهده دارند.
- ۳- هزار شتر، مال التجاره را حمل می‌کند، و ارزش کالا حدود پنجاه هزار دینار است.

از آنجا که ثروت مسلمانان مهاجر مقیم مدینه، از طرف قریش مصادره شده بود، بسیار به موقع بود که مسلمانان کالاهای تجارتنی آنها را ضبط کنند! و اگر قریش، بر عناد و لجاجت خود در مصادره اموال مسلمانان مهاجر استقامت ورزند، مسلمانان متقابلاً کالاهای تجارتنی را میان خود به عنوان غنیمت جنگی تصرف کنند. از اینرو، رسول خدا رو به اصحاب خود کرد و فرمود: هان، ای مردم این کاروان قریش است. می‌توانید برای تصرف

۱- «بحار»، ج ۱۹/۲۱۷.

ص: ۵۹

اموال قریش از مدینه بیرون بروید، شاید گشایشی در کار شما رخ دهد. (۱)

سخن پیامبر می‌رساند که رسول گرامی، به آنان نوید گشایش در زندگی می‌دهد. وسیله این گشایش، ضبط کالاهائی بود که کاروان قریش آن را حمل می‌کرد، و مجوز این مسأله همان بود که یادآور شدیم و گفتیم که قریش کلیه دارائی مهاجران را در مکه ضبط کرده و به آنان اجازه رفت و آمد به محل زندگی نمی‌دادند و کلیه اموال منقول و غیر منقول آنان، در مکه متروک مانده بود. پیداست که هر انسان عاقل و خردمندی به خود اجازه می‌دهد با دشمن، همان معامله را انجام دهد که او با وی انجام داده است.

اصولا باید توجه داشت که علت هجوم مسلمانان به کاروان قریش، همان مظلومیت و ستم‌کشی مسلمانان بود که قرآن نیز متذکر آن است و به همین جهت به آنان اجازه هجوم می‌دهد و می‌فرماید:

أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ (۲)

«به افرادی که مورد هجوم واقع شده‌اند اجازه دفاع داده شد.

زیرا آنان مظلوم و ستم‌دیده‌اند و خداوند به کمک و یاری آنان قادر و توانا است».

۱- هذا غير قریش فيها اموالهم فاخرجوا اليها لعل الله يغنمكموها- «مغازی واقدی»، ج ۱ / ۲۰.

۲- سوره حج / ۳۹.

ص: ۶۰

ابوسفیان، موقع رفتن به شام متوجه شده بود که پیامبر در تعقیب کاروان او است. از این نظر هنگام مراجعت احتیاط را از دست نداد، و از کاروانها سراغ می‌گرفت که آیا محمد خطوط تجارتي را اشغال کرده است؟ تا اینکه به او گزارشی رسید: پیامبر با اصحاب خود از مدینه بیرون آمده و در تعقیب کاروان قریش می‌باشد. و در سرزمین «ذفران» که در دو منزلی «بدر» است موضع گرفته است.

ابوسفیان، از پیشروی خودداری کرد. چاره جز این ندید که قریش را از سرنوشت کاروان آگاه سازد. شترسوار تندروی به نام «ضمضم بن عمرو غفاری» را اجیر کرد و به او چنین دستور داد: خود را به مکه برسان و دلاوران قریش و صاحبان کالاها را خبر کن تا برای نجات کاروان از حمله مسلمانان، از مکه بیرون آیند.

«ضمضم»، سریعاً خود را به مکه رساند و به فرمان ابوسفیان گوشه‌های شتر خود را برید و بینی آن را شکافت و جهازش را برگردانید و پیراهن خود را از جلو و عقب چاک زد، و بر روی شتر ایستاد و فریاد زد: مردم! شترانی که حامل ناقه مشکند در خطرند. محمد و یاران او در صدد مصادره کالاهای شما هستند، گمان نمی‌کنم به دست شما برسد، به فریاد برسید! یاری کنید! (۱)

مشکلی که قریش با آن روبرو شدند

زمان حرکت اعلام شد. سران قریش متوجه شدند که دشمن سرسختی، مانند قبیله بنی بکر در پیش دارند. چه بسا ممکن است از پشت مورد حمله آنان قرار گیرند. دشمنی بنی بکر با قریش روی خون ریزی بود که ابن هشام تفصیل آن را در سیره خود نوشته است. (۲) در این هنگام «سراقة بن مالک»، از اشراف بنی کنانه که تیره‌ای از بنی بکر است به آنها اطمینان داد، که هرگز چنین حادثه‌ای رخ نخواهد داد، و قریش با اطمینان کامل از مکه بیرون بروند.

پیامبر برای مقابله با کاروان بازرگانی قریش، از مدینه حرکت کرده بود و در منزلی به نام «ذفران» فرود آمد. و در انتظار عبور کاروان بود.

ناگهان گزارش تازه‌ای رسید، و افکار فرماندهان ارتش اسلام را دگرگون ساخت، و فصل جدیدی در زندگی آنها گشود. گزارش به پیامبر رسید، که مردم مکه برای حفاظت کاروان از مکه بیرون آمده‌اند، و در همین حوالی تمرکز یافته‌اند و طوائف در تشکیل این ارتش شرکت کرده‌اند.

رهبر عزیز مسلمانان خود را بر سر دوراهی دید، از یک طرف او و یاران وی برای مصادره کالاهای تجارتي از مدینه بیرون آمده بودند و برای مقابله با یک ارتش بزرگ مکه آمادگی نداشتند؛ چه از نظر نفرات و چه از نظر وسائل جنگی. از طرف دیگر اگر از راهی که آمده بودند باز می‌گشتند، افتخاراتی را که در پناه مانورها و تظاهرات نظامی به دست

۱- اللطیمة اللطیمة اموالکم مع ابی سفیان قد عرض لها محمد فی اصحابه لاری ان تدرکوها الغوث الغوث- «تاریخ کامل»، ۲/ ۸۱.

۲- «سیره ابن هشام»، ج ۲/ ۲۴۸-۲۴۹.

ص: ۶۲

آورده بودند از دست می‌دادند.

چه بسا دشمن به پیشروی خود ادامه داده و مرکز اسلام (مدینه) را مورد حمله قرار می‌داد بنا بر این، پیامبر صلاح در این دید که هرگز عقب‌نشینی نکند و با قوایی که در اختیار دارد تا آخرین لحظه نبرد کند.

کسب اطلاعات از اوضاع دشمن

ستون رزمی اسلام در نقطه‌ای که کاملاً با اصول «استتاری» موافق بود، موضع گرفت و از هرگونه تظاهر که باعث کشف اسرار گردد جلوگیری به عمل آمد. دسته‌های مختلف شروع به کسب اطلاعات از قریش و کاروان نمودند. اطلاعات رسیده از طریق مختلف به قرار زیر بود:

الف: نخست خود پیامبر با یک سرباز دلاور مسافتی راه رفتند، و بر رئیس قبیله‌ای وارد شدند و به او گفتند: از قریش و محمد و یاران او چه اطلاعی دارید؟

وی چنین گفت: به من گزارش داده‌اند که محمد و یاران او، چنین روزی از مدینه حرکت کرده‌اند. اگر گزارش دهنده راستگو باشد، اکنون او و یارانش در چنین نقطه‌ای هستند (نقطه‌ای را نشان داد که ستون اسلام در آنجا موضع گرفته بودند)، و نیز به من خبر داده‌اند که قریش در چنین روزی از مکه حرکت کرده است. اگر گزارش رسیده صحیح باشد، ناچار اکنون در فلان نقطه هستند (نقطه‌ای را معین کرد که قریش درست در آنجا تمرکز داشتند).

ب: یک گروه گشتی که در میان آنها زبیر عوام و سعد ابی‌وقاص

ص: ۶۳

بود، به فرماندهی علی علیه السلام کنار آب «بدر» رفتند تا اطلاعات بیشتری به دست آورند. این نقطه معمولاً مرکز تجمع و دست به دست گشتن اطلاعات بود. گروه مزبور در اطراف آب، به شتر آب کشی با دو غلام که متعلق به قریش بودند برخورد کردند، و هر دو را دستگیر کرده به محضر پیامبر گرامی آوردند. پس از بازجویی معلوم شد که یکی از دو غلام متعلق به «بنی الحجاج» و دیگری متعلق به «بنی العاص» است، و مأمورند که آب قریش برسانند.

پیامبر از آنها پرسید که قریش کجا هستند؟ گفتند پشت کوهی که در بالای بیابان قرار گرفته است. سپس از تعداد نفرات پرسید. گفتند:

تحقیقا نمی‌دانیم. فرمود روزی چند شتر می‌کشند؟ گفتند یک روز ده شتر، و روز دیگر نه شتر. حضرت فرمود: عبتۀ بن ربیعہ، شیبۀ بن ربیعہ، ابوالبختری بن هشام، ابوجهل بن هشام، حکیم بن حزام، و امیئۀ بن خلف و ... در میان آنها هستند. در این هنگام رو به اصحاب خود کرد و فرمود:

شهر مکه جگر پاره‌های خود را بیرون ریخته است. (۱) «سیسپس دستور داد این دو نفر زندانی کردند تا تحقیقات ادامه یابد. ج: دو نفر مأموریت پیدا کردند که وارد دهکده «بدر» شوند، و اطلاعاتی از کاروان به عمل آورند. آنها در کنار تلی نزدیک به آب پیاده شدند، و وانمود کردند که تشنه هستند و آمده‌اند آب بخورند. اتفاقاً در کنار چاه، دو نفر زن با یکدیگر سخن می‌گفتند. یکی به دیگری

۱- هذه مكة قد القت اليكم افلاذ كبدها- «سیره ابن هشام»، ج ۱/ ۶۱۷.

ص: ۶۴

می گفت که: چرا قرض خود را نمی‌پردازی، می‌دانی که من نیز نیازمندم؟ دیگری در پاسخ وی گفت: که فردا یا پس فردا کاروان می‌رسد، و من برای کاروان کار می‌کنم، سپس بدهی خود را ادا می‌نمایم. «مجدی بن عمرو»، که در نزدیکی این دو نفر زن بود، گفتار بدهکار را تصدیق کرد و آن دو زن را از هم جدا نمود.

هر دو سوار از استماع این خبر خوشحال شدند، با رعایت قاعده «استتار»، خود را به فرماندهی کل قوای اسلام رساندند، و پیامبر را از آنچه شنیده بودند آگاه ساختند. اکنون که پیامبر گرامی با کسب این اطلاعات از ورود کاروان و موقعیت قریش کاملاً آگاه شده است؛ لازم است، به مقدمات کار پردازند.

چگونه ابوسفیان گریخت

ابوسفیان سرپرست کاروان که موقع رفتن مورد تعرض دسته‌ای از مسلمانان واقع شده بود؛ به خوبی می‌دانست که هنگام بازگشت به طور قطع از طرف مسلمانان مورد تعرض قرار خواهد گرفت. از این نظر، وقتی که کاروان به منطقه نفوذ اسلام رسید؛ او کاروان را در نقطه‌ای استراحت داد و خود برای کسب اطلاعات وارد دهکده «بدر» شد. «مجدی بن عمرو» را در آنجا ملاقات کرد و از او پرسید که: آیا در این اطراف کسانی را دیده است که به آنها بدگمان باشد؟ وی گفت چیزی که باعث بدگمانی من گردد، ندیده‌ام. فقط دو شتر سواری را دیدم که شتران خود را روی تلی خوابانیدند و پائین آمدند آب خوردند و رفتند. ابوسفیان روی تل آمد چند پیشکل از شتر آنها را شکافت، از

ص: ۶۵

هسته خرمائی که در میان پشکل بود، آنها را شناخت و یقین کرد که آنها اهل مدینه هستند. فوراً به سوی کاروان برگشت و مسیر کاروان را عوض کرد، و دو منزل را یکی کرده کاروان را از منطقه نفوذ اسلام بیرون برد. همچنین، شخصی را مأمور کرد که به قریش اطلاع دهد که کاروان از دستبرد مسلمانان جان به سلامت برد، و آنان نیز از راهی که آمده‌اند برگردند و کار محمد را به خود عرب واگذار کنند.

اختلاف نظر میان قریش

وقتی نماینده ابوسفیان پیام وی را به سران جمعیت ابلاغ کرد، دودستگی عجیبی میان آنان پدید آمد. قبیله «بنی زهره» و «اخنس بن شریق» باهم پیمانان خود از راهی که آمده بودند بازگشتند: زیرا می‌گفتند غرض ما حفظ کالاهای بزرگ «بنی زهره» بود و آن نیز عملی گردید. «طالب»، فرزند ابوطالب هم که به اجبار قریش از مکه بیرون آمده بود، بر اثر یک مشاجره لفظی که می‌گفتند قلوب شما بنی هاشم با «محمد» است، از راهی که آمده بود بازگشت. ابوجهل بر خلاف نظر ابوسفیان اصرار ورزید که ما باید به منطقه «بدر» برویم و در آنجا سه روز بمانیم و شترانی را بکشیم و شراب بخوریم و زنان رامشگر برای ما آواز بخوانند، صیت قدرت و توانائی ما به گوش عرب برسد و تا ابد از ما حساب ببرند. سخنان فریبنده ابوجهل، قریش را بر آن داشت که از آن نقطه حرکت کنند و در نقطه مرتفعی از بیابان، پشت تپه‌ای فرود آیند. باران

ص: ۶۶

شدیدی بارید که راه رفتن را برای قریش سخت کرد و آنان را از پیشروی بازداشت.

حرکت قریش

بامدادان، روز هفدهم رمضان سال دوم هجرت، قریش از پشت آن تپه ریگ به دشت «بدر» سرازیر شدند. هنگامی که چشم پیامبر به قریش افتاد، رو به آسمان کرد و گفت: خدایا، قریش با کبر و اعجاب به جنگ تو و تکذیب رسول تو برخاسته است، پروردگارا کمکی را که به من فرموده‌ای، محقق نما و آنان را از امروز هلاک ساز. (۱)

شورای قریش

نیروهای قریش در نقطه‌ای از بدر متمرکز شدند، ولی از قدرت مسلمانان و تعداد آنها آگاه نبودند. برای تحصیل آمار سربازان اسلام، «عمیر بن وهب» را که مردی دلاور و در تخمین زدن جمعیت ماهر بود؛ مأمور کردند که شمار همه یاران محمد صلی الله علیه و آله را به دست آورد. او با اسب خود در اطراف اردوگاه سربازان اسلام گردش کرد و بازگشت، و گزارش داد شماره مسلمانان در حدود سیصد نفر است. ولی گفت: لازم است با یک گشت دیگر بینم که آیا در پشت سر، کمینگاه، یا نیروی امدادی دارند یا نه؟

او سرتاسر بیابان را گردش کرد. بالا و پائین را زیر پا نهاد. خبر

۱- اللهم هذه قریش قد اقبلت بخيلائها تحادك و تكذب رسولك الخ.

ص: ۶۷

مهیّب و وحشت آوری آورد، او گفت مسلمانان کمین و پناهگاهی ندارند ولی شترانی را دیدم که برای شما از مدینه، مرگ را سوغات آورده‌اند. سپس افزود:

گروهی را دیدم که جز شمشیرهای خود پناهگاهی ندارند. تا هریک از آنها یک نفر از شما را نکشند کشته نخواهند شد. هرگاه به تعداد خودشان از شما کشتند دیگر زندگی چه سودی خواهد داشت؟

تصمیم نهائی را خود بگیرید. (۱)

«واقدی» و مرحوم «مجلسی»، جمله دیگری را نیز نقل فرموده‌اند و آن اینکه: نمی‌بینید که خاموشند و حرف نمی‌زنند و تصمیم و اراده از قیافه آن‌ها می‌بارد، همچون افعی‌های کشنده زبان‌های خود را در اطراف دهان گردش می‌دهند؟ (۲)

چیزی که جنگ را قطعی ساخت

«اسود مخزومی»، مرد تندخویی بود. چشمش به حوضی افتاد که مسلمانان ساخته بودند. پیمان بست که یکی از این سه کار را انجام دهد: یا از آب حوض بنوشد، یا آن را ویران کند، و یا کشته شود. او از صفوف مشرکان بیرون آمد و در نزدیکی حوض، با افسر رشید اسلام،

۱- قوم لیس معهم منعاً ولا- ملجأً الا سیوفهم والله ما اری ان یقتل رجل منهم حتی یقتل رجلاً منکم فاذا اصابوا منکم اعدادهم فما خیر العیش بعد ذلک فراوا رأیکم- «سیره ابن هشام»، ج ۱/ ۶۲۲.

۲- اما ترونهم خرسا لا یتکلمون یتلمطون تلمظ الافاعی- «مغازی»، ج ۱/ ۶۲ و «بحار»، ج ۱۹/ ۲۳۴.

ص: ۶۸

حمزه روبرو گردید. نبرد میان آن دو در گرفت، حمزه با یک ضربت پای او را از ساق جدا کرد. او برای اینکه به پیمان خود عمل کند خود را کنار حوض کشید تا از آب حوض بنوشد. حمزه، با زدن ضربت دیگری او را در میان آب کشت. این پیش آمد مسأله جنگ را قطعی ساخت. زیرا هیچ چیزی برای تحریک یک جمعیت، بالا-تر از خونریزی نیست. گروهی که بغض و کینه گلوی آنها را می‌فشرد و دنبال بهانه می‌گشتند، اکنون بهترین بهانه به دست آنها افتاده، دیگر خود را ملزم به جنگ می‌بینند. (۱)

جنگهای تن به تن

رسم دیرینه عرب، در آغاز جنگ، نبردهای تن به تن بود. سپس حمله عمومی آغاز می‌شد. پس از کشته شدن اسود مخزومی، سه نفر از دلاوران قریش، از صفوف قریش بیرون آمدند و مبارز طلبیدند. این سه نفر عبارت بودند از: «عتبه»، و برادر او «شیبه»، فرزندان «ربیع» و فرزند عتبه «ولید». هر سه نفر در حالی که غرق در سلاح بودند، در وسط میدان غرش کنان اسب دوانیده هم‌اورد طلبیدند. سه جوان رشید از جوانان انصار، به نامهای: «عوف» «معوذ» «عبدالله رواحه»، برای نبرد آنان از اردوگاه مسلمانان به سوی میدان آمدند. وقتی «عتبه» شناخت که آنان از جوانان مدینه هستند، گفت ما با شما کاری نداریم.

ص: ۶۹

سپس یک نفر داد زد: محمد! کسانی از اقوام ما که همشأن ما هستند، آنها را به سوی ما بفرست (۱) پیامبر رو کرد به «عبیده» و «حمزه» و «علی»، فرمود: برخیزید. سه افسر دلاور سر و صورت خود را پوشانیده روانه رزمگاه شدند. طرف نبرد حمزه «شیه» بود و هم‌اورد «عبیده» «عتبه» بوده است که حمزه و علی پس از کشتن مبارزان خود، به سوی عتبه رفتند و او را با شمشیر از پای درآوردند.

مهمه عمومی آغاز می‌گردد:

کشته شدن دلاوران قریش، سبب شد که مهمه عمومی آغاز گردد. حمله‌های دست جمعی قریش شروع شد، پیامبر از همان مقر فرماندهی دستور داد، که از حمله خودداری نمایند و با تیراندازی، از پیشروی دشمن جلوگیری کنند. خصوصیات حمله عمومی در تواریخ اسلام تا حدی ضبط گردیده است، ولی این مطلب مسلم است که پیامبر گاهی از مقر فرماندهی پایین می‌آمد، و مسلمانان را برای نبرد در راه خدا و حمله به دشمن تحریک و تحریض می‌نمود. یکبار در میان مسلمانان با صدای بلند فرمود:

به خدائی که جان محمد در دست اوست، هر کس امروز با بردباری نبرد کند، و نبرد او برای خدا باشد و در این راه کشته شود، خدا

۱- یا محمد اخرج الینا اکفاءنا من قومنا.

ص: ۷۰

او را وارد بهشت می‌کند. (۱)

سخنان فرمانده کل قوا، آنچنان تأثیر می‌کرد که برخی برای اینکه زودتر شهید شوند، زره از تن کنده و مشغول جنگ می‌شدند. «عمیر حمام»، از رسول خدا پرسید فاصله من تا بهشت چیست؟ فرمود: نبرد با سران کفر، وی چند عدد خرمائی که در دست داشت به دور ریخت و مشغول نبرد گشت. سپس پیامبر اکرم مثنی خاک برداشت و به سوی قریش ریخت و فرمود: روهای شما دگرگون باد! (۲) سپس دستور حمله عمومی داد. چیزی نگذشت که آثار پیروزی در ناحیه مسلمانان نمایان گردید. دشمن کاملاً مرعوب گشته و پا به فرار گذارد. سربازان اسلام که از روی ایمان نبرد می‌کردند و می‌دانستند که کشتن و کشته شدن هر دو سعادت است، از هیچ عاملی نمی‌ترسیدند و چیزی از پیشروی آنها جلوگیری نمی‌کرد.

میزان خسارات و تلفات

در این نبرد، چهارده نفر از مسلمانان و هفتاد نفر از قریش کشته شدند، و هفتاد نفر اسیر گشتند؛ که از سران آنها: نضر بن حارث، عقبه ابن ابی معیط، ابو غره، سهیل بن عمرو، عباس و ابوالعاص بود. (۳)

۱- والذی نفس محمد بیده، لا یقاتلهم الیوم رجل فیقتل صابرا محتسبا مقبلا غیر مدبر الا ادخله الله الجنة.

۲- شاهت الوجوه- «سیره ابن هشام»، ۱/ ۶۲۸.

۳- «سیره ابن هشام»، ج ۲/ ۷۰۶-۷۰۸؛ «مغازی واقدی»، ج ۱/ ۱۳۸-۱۷۳.

ص: ۷۱

شهدای بدر، در گوشه رزمگاه به خاک سپرده شدند. اکنون نیز قبور آنها باقی است. سپس پیامبر دستور داد، کشته‌های قریش را جمع آوری کنند، و در میان چاهی بریزند. (۱)

برکات شب قدر

«خداوند ان شاء الله شماها را توفیق دهد که با سلامت و سعادت، وارد به ضیافت الله بشوید و از این مائده‌های آسمانی که قرآن وعده داده مستفیض بشوید و با یک روح سالمی، وارد بشویم و «لیله القدر» را دریابیم.»

امام خمینی قدس سره

در گذر روزها و هفته‌ها و ماهها و سالها، گاهی لحظه‌هایی سرنوشت‌ساز می‌گذرد که انسان را، جامعه را، و گاهی تاریخی را عوض می‌کند.

لحظه‌هایی جدا از لحظه‌های دیگر.

با آب و رنگی خدایی، با ویژگی‌هایی استثنایی ... سرشار از آگاهی و اقبال و توجه و حضور و انتخاب، و ارزش شناسی و ارزش آفرینی و خودسازی.

رمضان، ماه توجه به خویشتن و پرداختن به خداست.

در این ماه، باید رنگ و بوی خدایی بگیری.

۱- از ص ۵۷ تا اینجا از کتاب فراهایی از تاریخ پیامبر اسلام، آیه الله جعفر سبحانی، نشر مشعر گرفته شده است.

ص: ۷۳

از میان ماهها، ماه رمضان، و از شبها، «شب قدر»، اهمیت خاصی دارد. این شب را باید زنده نگه‌داری، احیا کنی، از شام تا بام، بیگانه با خواب باشی و ناآشنا با غفلت.

با یاد خدا و «ذکر» و «دعا» و مناجات، به صبح آوری، وضعیت خود را تحلیل کنی، که کیستی؟ چستی؟ در کجایی؟ چه می‌کنی؟ کجا می‌روی؟ هستی ولی «چگونه»؟

اگر در شب قدر، سرنوشتها تعیین می‌شود، خودت نیز در این تعیین سرنوشت، سهیم و شریکی، بسته به این است که «امشب» چه بخواهی و چگونه بودنی را «انتخاب» کنی و کدام «قدر» و ارزش را برای خود «مقدر» نمایی.

وقتی که تو در چنگ غفلت و بی‌خبری و نسیان و خود فراموشی و خدا فراموشی اسیری، و نمی‌خواهی وضعیت خود را در رابطه با خالق و معاد و حساب و کتاب، روشن کنی، چگونه می‌توانی امیدوار رحمت، در این شب، سلام و تحیات و برکات الهی را بر تو نازل کند؟ ..

فیض حق، امشب به در خانه‌ات می‌آید، باید تو بیدار شوی که در به رویش بگشایی. لحظه‌ای غفلت سبب می‌شود محروم شوی. شب قدر، از هزار ماه، بهتر است، و تنها همین یک شب هم، شب قدر است.

به قول سعدی:

«شبها اگر همه قدر بودی، شب قدر، بی‌قدر بودی» (۱)

ص: ۷۴

برقی می‌جهد و زاویه‌های تاریک، روشن می‌شود، باید چشمانت گشوده باشد تا قبل از تاریکی مجدد، «دیدنی» ها را بینی. سروشی به گوش می‌رسد، گوشت باید باز باشد تا شنیدن‌ها را بشنوی، دریچه قلب را باید به روی آن اشراقات بگشایی و زیر آبشار فیض الهی، تطهیر جان کنی.

شب قدر، شب انتخاب و تصمیم و خود یابی و خودسازی است. در این شبها، باید «حرّیت» خویش را بازیابی. از چنگ هوس و عادت و گناه، رها شوی و به «عبودیت» خدا برسی.

سخن از ماندن و رفتن نیست. سخن از «چگونه بودن» است.

تو باید با توجه و حضور و آگاهی شب «قدر» ت، خمیر هستی‌ات را با دو دست «انتخاب» خویش، نقش ساز و شکل پرداز باشی، به بودن خود باید هویت ببخشی.

در شب قدر، باید قدر خود را بشناسی.

«در شب قدر، که از چشمه نور
 «آیه‌هایی روشن،
 «جلوه‌هایی جانسوز،
 «تا سحرگاه، فرو می‌بارد،
 «وای اگر از وزش نفحه خیر
 «و ... از این ریزش فیض
 «بهره‌هایی نبری،
 «ورنه، افسانه سرد است و سراب،
 «آن همه شور دل و ناله و فریاد گری! ..

ص: ۷۵

«می‌رسد لحظه دیدار .. ولی

«حیف اگر در «شب قدر»،

«قدر» خود، شناسی، دیده و این همه خشک،

«نفس و این همه سرد؟!»

«تو و این سنگدلی؟»

«من و این بی‌دردی؟! ..»

«کاروان رفته و ما، مانده ز «راه»

«گرد این قافله را می‌بینیم،

«وادی ایمن» و منزلگه دوست،

«گرچه دور است ... ولی

«این قدر هست که بانگ جرسی می‌آید».

شبی چنین عظیم و گرانقدر و سرنوشت ساز، که همه ساله در هر ماه رمضان تکرار می‌شود، شبی که قرآن نیز در چنین شبی نازل شده است، یکی از سه شب ۱۹ و ۲۱ و ۲۳ رمضان است.

پیشوایان، معین نکرده‌اند، تا اینکه برای دریافتن برکات آن، بیشتر رو به جانب خداوند آوری، همچنانکه خود این شب، گرمی‌تر از دیگر شبهاست، عمل تو نیز در این شب، پاداشی مضاعف و ارزشی چند برابر دارد، و پیشوایان و ائمه اهل بیت علیهم السلام تأکید فراوان در دعا و احیای این شب نموده‌اند.

اگر غفلت کنی، بعد حسرت و اندوه خواهی خورد.

خواجه عبدالله انصاری در مورد شب قدر می‌گوید:

«امشب، شب نوازش بندگان است، هنگام پذیرفتن توبه

ص: ۷۶

گناهکاران است، وعده گاه آشتی جویان است، هنگام ناز شیفتگان و رازدوستان است.

در تمام شب قدر، داعیان را اجابت، و سائلان را عطیت، و مجتهدان را معونت، و مطیعان را مثبت، و عاصیان را مغفرت، و محبتان را کرامت است.» (۱)

اگر از مطیعانی، بر طاعت بیفزای، و اگر گنهکاری، دست از معصیت بشوی، و برکات لیلة القدر را دریاب! ...

با دستانی که عطر قرآن گرفته،

با دهانی که با ذکر و دعا معطر و خوشبو گشته است،

با تن و جانی که در خدمت خدا آورده‌ای،

با قلبی که امشب، جلا داده‌ای، رو به آستان رحمت پروردگار کن و از او بخواه تا توفیقت دهد تا زبان به بیهوده نگشایی و گوش به ناروا مداری، و چشم از گناه پوشی و شکم خود را انبار حرام نسازی، و عفت را در تاراج شعله‌های فساد نسوزانی.

شرم و حیا را در خواستن از او کنار بگذار،

سرمایه اشک را بردار،

به بازار توبه و انابت برو،

در این درگاه، شکسته دلی و اشک، مشتری دارد و خضوع و نیاز، قرب می‌آورد.

از او بخواه، با عجز و لابه، با سوز و گداز، با چشمی اشکبار و قلبی

ص: ۷۷

شکسته، که تو را به «بندگی» بپذیرد و طاعتت را قبول کند.

مولایمان علی علیه السلام می فرمود:

خدایا، عزّتم همین بس که بنده تو باشم.

و افتخارم همین کافی است که پروردگار من باشی. (۱)

«برای شب قدر اعمال و آداب بسیاری وارد شده است که در بخش سوّم همین کتاب خواهد آمد.»

علی علیه السلام در بستر تاریخ

اشاره

حضرت علی علیه السلام در روز جمعه سیزدهم ماه رجب و سی سال پس از عام الفیل، از بانویی به نام فاطمه دختر اسد پسر هاشم در کعبه زاده شد.

جز علی را نبود هیچ کس این قدر و بها که بود مولد او خانه مخصوص خدا

نه عجب گر که بود زادگهش خانه حق که به یمن کرم اوست به پا هر دو سرا

پدر او ابوطالب، بزرگ بطحا (مکه) و رئیس بنی هاشم بود. سی سال از ولادت حضرت محمد صلی الله علیه و آله گذشته بود که

امیر مؤمنان علی علیه السلام پا به عرصه گیتی نهاد و از آغاز زندگی از لطف و مهربانی پیامبر صلی الله علیه و آله بهره مند شد.

علی علیه السلام در توصیف آن ایام می فرماید: «وقد علمتم موضعی من رسول الله بالقراءة القریبه»؛ (۲)

«شما خویشاوندی و نسبت و منزلت مرا

۱- برگرفته از کتاب «خط سبز سلوک» استاد جواد محدّثی.

۲- فیض الاسلام، نهج البلاغه، خطبه قاصعه.

ص: ۷۹

نزد پیامبر صلی الله علیه و آله می‌دانید.»

طهارت نفسانی علی علیه السلام و پرورش او در دامان پیامبر سبب شد تا از دوران کودکی با دیده نافذ و گوش شنوای خود چیزهایی را ببیند و صداهایی را بشنود که برای مردم عادی غیر ممکن بود. او می‌فرماید:

«أرى نورَ الوحي والرسالة وأشمُّ ريحَ النبوة...» (۱)

؛ «نور وحی و رسالت را می‌دیدم و بوی نبوت و پیامبری را می‌بوییدم...» آن حضرت بعد از بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ده ساله بود که ایمان آورد و افتخار سبقت در پذیرش اسلام را به خود اختصاص داد. خود آن حضرت می‌فرماید:

«أنا عبدالله وأخو رسول الله...» (۲)

؛ «من بنده خدا و برادر رسول خدایم.

هفت سال زودتر از سایر مردم و اولین کسی هستم که با رسول خدا صلی الله علیه و آله نماز گزاردم.»

۲۳ سال فداکاری

علی علیه السلام پس از بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ۲۳ سال در کنار پیامبر صلی الله علیه و آله و بازوی پرتوان او بود و با تمام وجود به دفاع از آرمان و اهداف عالی پیامبر عظیم‌الشأن اسلام پرداخت و در سخت‌ترین لحظات، با ایثار و از خودگذشتگی به یاری پیامبر صلی الله علیه و آله شتافت که از این ره‌گذر، به افتخارهایی نایل آمد و حوادثی مانند:

۱- همان، ص ۸۱۲.

۲- تاریخ طبری، ج ۲، ص ۲۱۳.

ص: ۸۰

۱- ماجرای یوم الانذار؛

۲- داستان لیلۃ المبیّت؛

۳- ماموریت ابلاغ آیات براءت؛

۴- فتح قلعه‌های خیبر؛

۵- واقعه غدیر؛

۶- همسری تنها دخت پیامبر.

و غیره آن را به خود اختصاص داد.

پس از جنگ احد و هنگامی که سپاه اسلام به مدینه باز می‌گشتند، حضرت فاطمه زهرا صلی الله علیه و آله به استقبال سپاهیان شتافت. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چون فاطمه علیها السلام را دید شمشیر علی علیه السلام را به او داد و فرمود: «خذیه یا فاطمه!

فقد ادی بعلک ما علیه وقد قتل الله بسیفه صنادید قریش» (۱)

؛ «ای فاطمه! این شمشیر را بگیر. شوهرت حق این شمشیر را ادا کرد و خداوند با شمشیر او، گردن کشان قریش را هلاک ساخت».

جنگ خندق با حمله همه جانبه کفار قریش به مدینه صورت گرفت. زمانی که علی علیه السلام به مصاف عمرو بن عبدود رفت،

پیامبر اکرم فرمود: «بَرَزَ الْاِيْمَانُ كُلُّهُ اِلَى الشَّرِكِ كُلِّهِ» (۲)

؛ «تمامی ایمان به جنگ تمامی کفر شتافت».

۲۵ سال سکوت تلخ

پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله صداقت، پاکی و امتیازهایی همانند سبقت در پذیرش اسلام، وصی و وزیر و برادر

پیامبر بودن، و حدیث

۱- اعلام الوری، ص ۱۹۳.

۲- کنزالفوائد، ص ۱۳۷.

ص: ۸۱

منزلت و ثقلین و غدیر و ... به دست فراموشی سپرده شد و نیرنگ، فریب، کتمان حقایق، تحریف و زور چهره گشود و غمی بزرگ بر جان دل سوزان و پیش گامان نهضت اسلامی نشست و آل رسول مجبور به سکوت و کناره گیری شدند. مهم ترین عوامل کناره گیری امیر مؤمنان علی علیه السلام از حکومت به شرح زیر بیان می شود:

۱- ضرورت حفظ اسلام و عزت مسلمین و یک پارچگی امت اسلام جهت مقابله با حملات انتقام جویانه احتمالی دشمنان داخلی و خارجی و کسانی که در صدد تلافی شکست های فزاینده بار خود به دست مسلمانان و مخصوصا علی علیه السلام بودند.

۲- لزوم جلوگیری از ایجاد زمینه انحراف و ارتداد افراد زیادی که تازه مسلمان بودند و قادر به تجزیه و تحلیل صحیح مسائل نبودند.

۳- حاکمیت جو تحریف، زور و اختناق و فشار، حتی نسبت به حریم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و خاندان آن حضرت.

۴- بی نتیجه ماندن رهنمودهای آن حضرت برای دعوت مردم به سوی حق.

علی علیه السلام پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همراه گروهی از بنی هاشم نزد خلیفه اول رفت و با او به احتجاج پرداخت و ویژگی های خود را برشمرد و به او گفت: چرا شما در میراث خلافت با من به نزاع برخاستید. (۱) طبق نوشته بسیاری از تاریخ نویسان، آن حضرت در برخی شب ها همراه با دختر گرامی پیامبر اکرم و حسنین، با سران

۱- مفصل این گفتگو در احتجاج طبرسی، ج ۱، ص ۹۵ آمده است.

ص: ۸۲

انصار ملاقات می‌کرد تا خلافت را به مسیر واقعی خود باز گرداند اما از این فعالیت‌ها نتیجه‌ای نگرفت.

۵- خو گرفتن بسیاری از مردم با وضعیت موجود بیعت بزرگان قبایل با خلیفه اول.

۶- برخوردار نبودن از امکانات و قدرت کافی برای بازپس‌گیری خلافت.

ابن ابی الحدید در ذیل خطبه ۲۱۵ نقل می‌کند: «روزی فاطمه (س) علی علیه السلام را دعوت به قیام می‌کرد. در همین حال فریاد مؤذن بلند شد که: اشهد انّ محمدا رسول الله. علی علیه السلام به زهرا (س) فرمود: آیا دوست داری این فریاد خاموش شود؟ گفت: نه. حضرت فرمود: سخن من جز این نیست».

مهم‌ترین فعالیت‌های امام علیه السلام در دوران کناره‌گیری از خلافت

آن حضرت هرچند در مقام خلافت نبود اما نسبت به سایر شئون اجتماعی نیز بی‌توجه نبود و در این دوره ۲۵ ساله خدماتی ارائه داد که مهم‌ترین آن‌ها عبارت است از:

۱- تفسیر قرآن و حل مشکلات آیات و تربیت شاگردانی مانند ابن عباس.

۲- پاسخ به پرسش‌های دانشمندان دیگر ادیان از جمله یهودیان و مسیحیان که پس از فوت پیامبر برای تحقیق در باره اسلام رهسپار مدینه می‌شدند.

ص: ۸۳

۳- بیان حکم بسیاری از مسائل جدید که در مورد آن‌ها نصی از پیامبر اکرم و قرآن نرسیده بود.

۴- برای تأمین زندگی نیازمندان و درماندگان می‌کوشید و به دست خود درخت می‌کاشت، باغ احداث می‌کرد، چاه و قنات حفر می‌کرد و حتی برای یهودیان بنی قریظه و بنی النضیر کارگری می‌کرد و حاصل کار خود را میان بی‌نویان تقسیم می‌کرد. نظر به اهمیت این قبیل خدمات و برای بهره‌گیری از سیره آن بزرگوار در زندگی روزمره خود به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

الف) آن حضرت از حاصل دست رنج خود هزار بنده را خرید و آزاد کرد. امام صادق علیه السلام با اشاره به آنچه گفته شد، فرمود: «انَّ عَلِيًّا اعْتَقَ الْفِ مَمْلُوكٍ مِنْ كَدِّ يَدِهِ» (۱)

ب) یکی از مشاغل علی علیه السلام در عصر رسالت و پس از آن، کشاورزی و درخت کاری بود و آن حضرت بسیاری از خدمات و انفاقات خود را از این طریق انجام می‌داد. آورده‌اند: «مردی در نزد آن حضرت یک وسق (هر وسق معادل شصت صاع و هر صاع تقریباً یک من است) هسته خرما دید. پرسید: مقصود از گردآوری این همه هسته خرما چیست؟ فرمود: همه آن‌ها به اذن خدا، درخت خرما خواهد شد.

راوی می‌گوید: امام آن هسته‌ها را کاشت و نخلستانی پدید آورد و آن را وقف کرد». (۲)

۱- فروع کافی، ج ۵ ص ۷۴ و بحار الانوار، ج ۴۱، ص ۴۳.

۲- بحار الانوار، ج ۶۱، ص ۳۳.

ص: ۸۴

ج) آن حضرت املاک زیادی را که خود آباد کرده بود وقف کرد که اسامی موقوفات متعدد و وقف نامه‌های آن حضرت در کتاب‌های حدیث و تاریخ آمده است. طبق نقل مورخان معتبر، در آمد سالانه آن موقوفات چهل هزار دینار بود که تمام صرف بی‌نویان می‌شد. شگفت آن که علی رغم این در آمد سرشار، آن حضرت مجبور می‌شد برای تأمین هزینه زندگی، شمشیر خود را بفروشد.

د) تأسیس و تعمیر مساجدی متعدد که منابع تاریخی به بعضی از آن اشاره کردند. مانند مسجدالفتح در مدینه، مسجدی در کنار قبر حمزه، مسجدی در میقات، مسجدی در کوفه و مسجدی در بصره و ...

ه) چاه‌های بسیار بین مکه و مدینه بدست آن حضرت حفر شد، از جمله قناتی است به نام «ینبع» که آن حضرت فرمود: «این قنات وقف زایران خانه خدا و ره‌گذرانی است که از این جا می‌گذرند. کسی حق فروش آب آن را ندارد و فرزندانم هرگز آن را به میراث نمی‌برند» (۱).

چون واسطه غیب و شهود است علی دیباچه دفتر وجود است علی

دریای کمال و هنر و علم و عمل بحر کرم و سخا وجود است علی

۵- هرگاه دستگاه خلافت در مسائلی باین بست روبرو می‌شد برای حل آن، از علی علیه السلام مدد می‌گرفت. در این مورد شواهد فراوانی

۱- جعفر سبحانی، فروغ ولایت، ص ۲۹۵ به بعد.

ص: ۸۵

وجود دارد. که گویای این حقیقت است.

ویژگی دوران خلافت عثمان

پس از سپری شدن دوران حکومت خلیفه اول و دوم و روی کار آمدن عثمان توسط شورای شش نفره، در اثر سیاست‌های غلط امویان حاکم به سرکردگی عثمان، حوادث تلخ و ناگواری رخ داد که امیر مؤمنان علی علیه السلام را به صحنه کشید و جریان‌هایی به وجود آمد و یا شدت یافت که در سقوط عثمان و فتنه‌های دوران تصدی حکومت از طرف علی علیه السلام نیز تأثیر داشت. پس از اوج‌گیری نارضایتی مردم از دستگاه خلافت و مساعد یافتن جو عمومی، مصمم شدند دستگاه حکومتی را به صراط مستقیم بازگردانند، اما تلاش آنان کارساز نشد و خلیفه سوم کشته شد. در این ماجرا علی علیه السلام باشناختی که از اوضاع و احوال سیاسی آن زمان و فتنه‌هایی که ممکن بود بعد از کشته شدن عثمان به وجود آید بارها وساطت کرد اما نتیجه مطلوبی به دست نیاورد و بالاخره مردم با کشتن عثمان؛ به حکومت او پایان دادند.

دوران خلافت امیرالمؤمنین علی علیه السلام

پس از کشته شدن عثمان، جو مدینه به شدت متشنج شد. در هرجا سخن از خلیفه آینده بود. مردم مصر، علی علیه السلام را و اهل بصره، طلحه و کوفیان زبیر را معرفی کردند و سرانجام قرعه به نام علی علیه السلام افتاد، اما آن حضرت از پذیرش خلافت با توجه به عللی که ذیلا بیان

ص: ۸۶

می شود امتناع می ورزید:

۱- از بین رفتن زمینه برای اصلاحات و سامان بخشیدن به نظام فروپاشیده سیاسی.

۲- فقدان امکانات و نیروهای کارآمد به تعداد کافی برای اداره امور کشور.

۳- عدم آمادگی مردم برای پذیرش آرمان‌های اصیل اسلامی از زبان آن حضرت و خوگرفتن با عقاید انحرافی در طول ۲۵ سال حکومت سه خلیفه.

۴- نامناسب بودن جو عمومی پس از قتل عثمان به دلیل بی خبری و عدم شناخت صحیح مردم از حوادثی که در مدینه رخ داد و منجر به قتل خلیفه شد.

حضرت علی علیه السلام با توجه به آن جو آشفته فرمود: «من به اقتضای آنچه می بینم چنین جوابی دادم و گفتم مرا رها کرده سراغ دیگری بروید و اگر گفته شما را بپذیرم حوادثی (که آن را پیش بینی می کنم) رخ خواهد داد. بنا بر این مرا واگذارید که من نیز چون یکی از شما باشم.» (۱)

سرانجام پافشاری مردم، آن حضرت را به پذیرش خواسته آنان واداشت تا حکومت را (آن گونه که خود می خواست) بپذیرد. (خود آن حضرت در خطبه شقشقیه، علت پذیرفتن حکومت و بیعت مردم را بیان می کند). مردم نیز فریادهای (البیعه، البیعه) که از اعماق

۱- تاریخ طبری، ج ۴، ص ۴۳۴ چاپ مصر.

ص: ۸۷

وجودشان می‌جوشید سر دادند و حضرت علی علیه السلام رهبری مسلمانان را به عهده گرفت و برای تأمین سعادت همه جانبه جامعه اسلامی، حرکت گسترده‌ای را آغاز کرد.

اصولی از برنامه حکومتی علی علیه السلام

- ۱- انتخاب کارگزاران لایق برای امور حکومتی و گماردن مأمورانی برای نظارت بر اعمال و گفتار آنان. هرگاه تخلفی از کارگزاران خود می‌دید آنان را مؤاخذه می‌کرد. ماجرای عثمان بن حنیف و والی اهواز، شاهد براین مدعا است.
- ۲- تبعیت از احکام الهی و پافشاری در اجرای آن، که پیش از خلافت به آن اشاره کرده بود. آن حضرت در شورای شش نفره انتخاب سؤمین خلیفه صریحا اعلام کرد که او حکومت و خلافت را به شرطی می‌پذیرد که کتاب خدا و سنت پیامبر و آن چه خود بر اساس آن تشخیص می‌دهد مبنای عمل قرار گیرد و چون پیشنهاد دیگران براساس عمل بر سیره شیخین بود از قبول آن صرف نظر کرد. پس از قتل عثمان باز همان شرایط را اعلام کرده، می‌فرماید: «واعلموا انی ان اجبتکم رکبت بکم ما اعلم...» (۱)؛ «بدانید اگر من دعوت شما را (برای خلافت) پذیرفتم آن طور که خودم می‌دانم و می‌فهمم عمل می‌کنم و به توصیه احدی گوش نخواهم داد».
- ۳- مقدم داشتن قانون و ارزش‌ها بر اصل حکومت، از دیگر اصول

ص: ۸۸

حکومت علی علیه السلام است، زیرا در منطق علی علیه السلام حکومت وسیله تحقق ارزش هاست و این طور نیست که ارزش‌ها را فدای حاکمیت چند روزه و حفظ حکومت بداند.

دوستان خیراندیش به حضور حضرت آمدند و با خلوص نیت و خیرخواهی به آن حضرت پیشنهاد کردند که خود را از درد سر افراد متنفذی که بعضی از آن‌ها از شخصیت‌های اول اسلام هستند (همچون طلحه و زبیر) راحت کند و فعلاً در باره آن‌ها مساوات و برابری را رعایت نکند تا حکومت او قدرت بگیرد. آن حضرت در پاسخ فرمود: «تأمرؤنی ان اطلب النصر بالجور (۱)؛ آیا شما از من می‌خواهید که پیروزی را به قیمت تبعیض و ستمگری به دست آورم و عدالت را فدای سیاست و سیادت کنم؟! نه سوگند به ذات پروردگار که تا دنیا دنیا است چنین کاری نخواهم کرد».

۴- تأمین آزادی‌های اجتماعی برای مردم از سوی علی علیه السلام بیشتر در زمینه برخورد با خوارج متبلور است. امیرالمؤمنین با آن‌ها با منتهی درجه آزادی رفتار کرد و در عین قدرت، با آنان کاری نداشت و تا زمانی که شمشیر نکشیده بودند، در ردیف دیگران قرار داشتند و همانند آنان حقوق خود را از بیت‌المال می‌گرفتند.

۵- امتیازات نژادی و تبعیضات قومی، از نظر امام مردود بود و همه مسلمانان از نظر امام مساوی بودند و به طور مساوی از بیت‌المال بهره می‌بردند. قبل از ایشان امتیازات قومی و نژادی فراوان به چشم

۱- همان، خطبه ۱۲۶.

ص: ۸۹

می خورد، اما اسلام علی علیه السلام مبتنی بر سیره رسول الله است، هرچند بسیار گران تمام شود. او اجازه نمی دهد که دست اندرکاران حکومت، از موقعیت خود نردبانی برای دستیابی به امیال خود و بستگان بسازند. و این برای آن حضرت که آهن گداخته را نزدیک دست برادر خود «عقیل» می برد و می گوید: «تو می خواهی با رسیدن به خواسته خویش، علی را گرفتار آتش عذاب الهی کنی؟ (۱) افتخاری می شود که به آن می بالیم.

۶- عدالت از دیگر ره آوردهای حکومت علی علیه السلام بود.

سیاست امیرالمؤمنین بر مبنای اصل عدالت پایه ریزی شد و همین امر مشکلات فراوانی را برای آن حضرت ایجاد کرد. شهید مطری رحمه الله با اشاره به این اصل می فرماید: «تبعیض و رفیق بازی، باندسازی و دهان‌ها را با لقمه‌های بزرگ بستن و دوختن، همواره ابزار لازم سیاست قلمداد شده است. اکنون مردی زمامدار و کشتی سیاست را ناخدا شده که دشمن این ابزار است» (۲).

۷- زهد و عدم دل بستگی به مظاهر دنیوی، از برجسته‌ترین ویژگی‌های امام علی علیه السلام است. استاد مطهری رحمه الله در این باره می فرماید:

[عدم دل بستگی به دنیا و بی توجهی به زرق و برق آن و هم دردی و شرکت در غم دیگران، مخصوصا در مورد پیشوایان امت که چشم‌ها به آنان دوخته است اهمیت به سزایی دارد. علی علیه السلام در دوره خلافت بیش

۱- فیض الاسلام، ترجمه نهج البلاغه، خطبه ۲۱۵

۲- سیری در نهج البلاغه، ص ۱۱۵.

ص: ۹۰

از هر وقت دیگر زاهدانه زندگی می‌کرد.

به‌طور کلی محورهای عمده برنامه‌های امیرالمؤمنین عبارت بود از:

- ۱- انتخاب افراد لایق و متدین و امین برای امور اجرایی کشور؛
- ۲- اصرار بر اجرای قانون از سوی مسئولان اجرایی؛
- ۳- حفظ آزادی‌ها و تلاش در احقاق حقوق مردم؛
- ۴- تلاش برای عمران و آبادی؛
- ۵- حفظ امنیت کشور؛
- ۶- تربیت مردم و تبیین ارزش وجودی آن‌ها و شخصیت دادن به آحاد جامعه؛
- ۷- بسط علم و دانش؛
- ۸- برخورد با متجاسرین و قانون شکنان و ...

دشمنان علی علیه السلام در سه جبهه

برای شناخت دشمنان علی علیه السلام شناخت جو و شرایط حاکم بر آن زمان و طیف بیعت کنندگان ضروری است. به طور کلی بیعت کنندگان چند دسته بودند:

- ۱- افرادی چون طلحه و زبیر که هدف‌های سیاسی - اقتصادی داشتند.
- ۲- افرادی که انگیزه قومی داشتند و به لحاظ خونی یا پیمان قومی، طرفدار بنی هاشم و بالتبع علی علیه السلام بودند.
- ۳- وفاداران و معتقدان به حضرت.
- ۴- انقلابیونی که از مناطق مختلف آمده بودند و علی رغم خواست علی علیه السلام بر خلیفه سوم شوریده بودند و به دلیل جذب عدالت آن

ص: ۹۱

حضرت، بر گرد ایشان جمع شده بودند.

از آن جا که بیعت کنندگان، یک هدف را دنبال نمی کردند، طبیعی بود برخی از آنان به لحاظ برآورده نشدن آرزوهای شان در مقابل آن حضرت صف آرای می کنند. این افراد به طور عمده سه دسته بودند. خود آن حضرت می فرماید: «چون به امر خلافت قیام کردم طایفه‌ای بیعت را شکستند (ناکثین) جمعی از دین بیرون رفتند (مارقین) و گروهی دیگر طغیان کردند (قاسطین)» (۱).

جناح ناکثین

اولین کسانی که در مقابل آن حضرت صف آرای کردند طلحه و زبیر و عایشه بودند حضرت در جلسه‌ای که با طلحه و زبیر دارد چراغ را خاموش می کند و می گوید: «این چراغ به بیت‌المال تعلق دارد و جز در کارهای مسلمین نباید مورد استفاده قرار گیرد.» آن‌ها عدالت بی انعطاف علی علیه السلام را نپسندیده و همه امیدهای خود را برباد رفته دیدند. و حتی دیدند که باید نسبت به اندوخته‌های قبلی خود نیز پاسخ گو باشند، علم خون خواهی عثمان را برافراشتند و ارتشی را سامان دادند و از مکه به سمت بصره حرکت کردند و جنگ جمل را به وجود آوردند.

جناح قاسطین

این گروه مستکبران بی ایمانی بودند که پس از فتح مکه - به

۱- فیض الاسلام، ترجمه نهج البلاغه، خطبه ۳.

ص: ۹۲

ظاهر- اسلام آوردند. در رأس این گروه معاویة بن ابوسفیان قرار داشت که از طرف خلیفه دوم عهده دار ولایت شام بود. مردم آن سامان که با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حشر و نشر نداشتند اسلام را از دید معاویه می‌شناختند و حکومت او را نسبت به سلطنت‌های خودکامه پیشینیان که دست نشانده ایران یا روم بودند، مطلوب می‌دیدند.

معاویه که در کمک به عثمان سستی کرده بود، حالا- کشته شدن عثمان را بهترین فرصت برای نیل به آرزوی دیرینه خود می‌دانست.

از این رو پیراهن عثمان را در مسجد آویخت و علم خون‌خواهی برافراشت. آن گاه با جمع کردن افراد کاردان و مطیع (که در بین آنان، شکست خوردگان جمل و سردمدارانی که در زمان عثمان به نوایی رسیده بودند نیز وجود داشتند) سپاهی بزرگ برای جنگ و قیام مسلحانه علیه امیرالمؤمنین علیه السلام فراهم کرد و جنگ صفین را به وجود آورد.

جناح مارقین

در بحبوحه جنگ صفین که چیزی نمانده بود لشکر اسلام به پیروزی نهایی برسد، معاویه با مشورت عمر و عاص به نیرنگی ماهرانه دست زد و دستور داد سپاهیان قرآن‌ها را سر نیزه کنند و مسئله حکمیت قرآن را مطرح کنند بدین وسیله، عده‌ای از سپاهیان ساده اندیش امیرالمؤمنین علیه السلام فریب خورده و از ادامه جنگ دست کشیدند و اعلام نمودند که با قرآن جنگ نخواهند کرد. این عده جاهل و ساده اندیش از ادامه جنگ با معاویه خودداری و امیرالمؤمنین علیه السلام را

ص: ۹۳

به قتل تهدید کردند. این اقدام آنان، معاویه را از شکست قطعی نجات داد.

وقتی اشعث بن قیس پیمان متارکه جنگ را بین قبایل می‌خواند مارقین زمزمه جدیدی آغاز کردند و شعار «لا حکم الا لله» را سر دادند و به حضرت علی علیه السلام اعتراض کردند که چرا حکمیت را پذیرفته است.

حضرت علی علیه السلام پاسخ داد که من از اول با توقف جنگ و قبول حکمیت مخالف بودم و این شما بودید که آن را بر من تحمیل کردید و حالا- نیز که آن را پذیرفته‌ایم خلاف اسلام عمل نکرده‌ایم، اما آنان اصرار داشتند که قبول حکمیت گناه کبیره است و مرتکب گناه کبیره از دین خارج است و باید توبه کند و خود توبه کردند و از علی علیه السلام نیز خواستند که توبه کند. آنان صف خویش را از علی علیه السلام جدا کردند و به یک فرقه سیاسی با عقاید خاصی تبدیل شدند. آنان به ایجاد مزاحمت برای امام و اهانت به وی پرداختند و سرانجام یاغی شده و بیرون شهر کوفه خیمه زدند و به عنوان طرفداری از اسلام، با ایجاد رعب و وحشت و ترور طرفداران علی علیه السلام پرداختند. هیچ کس از تیررس تکفیر و طغیان و شمشیر آنان در امان نبود. آنها تنها خود را مسلمان می‌دانستند و بقیه مسلمانان را کافر، حتی ازدواج با دیگر مسلمانان و خوردن گوشتی که به دست آنان ذبح می‌شد را حرام می‌دانستند و کشتن آنان را جایز می‌شمردند.

آنان به صورت علنی شمشیر کشیده، کسانی را که با عقایدشان مخالف بود می‌کشتند و از کشتن زنان و فرزندان که در رحم داشتند ابا نداشتند.

ص: ۹۴

وقتی شرارت آنان به این حد رسید، علی علیه السلام دیگر درنگ را جایز ندانست و آماده مقابله با آنان شد، ولی ابتدا پرچمی را به عنوان پرچم امان نصب کرد تا آنان که مایلند از افکار و روش خود دست بردارند و به مسلمانان بپیوندند. از جمعیت دوازده هزار نفری آنان، هشت هزار تن زیر پرچم جمع شدند، اما چهار هزار بر موضع خویش اصرار ورزیدند و آن گونه که تاریخ می‌نویسد، حضرت آنان را در نبرد نهروان از دم شمشیر گذراند و کمتر از ده نفر نجات یافتند که این ملجم یکی از این افراد بود. هرچند ترسیم چهره خبیث و پلید این افراد با چند نمونه تاریخی غیر ممکن است، اما شواهد عینی و وجود همین طرز تفکر جاهلانه و مقدس مآبانه در انقلاب و جامعه اسلامی امروز تا اندازه‌ای ما را در شناخت این جریان، کمک می‌کند.

سیاست شیطنانی معاویه

پس از واقعه نهروان و پیروزی امام در این جنگ، آن حضرت در صدد بود که با سامان بخشیدن به نیروهای موجود و بازگرداندن آرامش به مناطق تحت امر خود، زمینه اجرای منویات و برنامه‌های زیربنایی خود را آغاز نماید و از طرفی با ایجاد ارتشی منسجم و قوی کار را بر معاویه تنگ گرفته و منطقه شام را از زیر سلطه او خارج سازد، اما نیرنگ و حيله معاویه از یک سو و بی تفاوتی، راحت‌طلبی، بهانه‌گیری و ساده اندیشی مردم از سوی دیگر، چنین فرصتی را از آن حضرت سلب کرد. معاویه در این مقطع حساس از تاریخ، سیاست

ص: ۹۵

ایجاد رعب و وحشت، ترور، غارت و ایجاد ناامنی و سلب آسایش مردم را در پیش گرفت و نیروهای قوی و بی باک و خون آشام را در قالب لشگرهایی با فرماندهانی مجرب، روانه مناطق مختلف و سرزمین‌های تحت امر امام علیه السلام کرد که به موارد زیر اشاره می‌شود:

۱- ضحاک بن قیس فهری را به فرماندهی سه الی چهار هزار نفر برگزید و فرمان داد که به سمت کوفه برود و قبایل تحت امر امام را غارت کند.

۲- بسر بن ارطاة را در رأس سه هزار نفر فرستاد تا راه حجاز و مدینه را در پیش گیرند و به هر جا که رسیدند مردم را به بیعت با معاویه فراخوانند و اگر تن ندادند آنان را بکشند. جنایاتی که بسر، در مدینه، طایف، سرزمین تباله و بنی کنانه، یمن، نجران، صنعا و جیشان مرتکب شد تاریخ را شرمنده کرد. تاریخ می‌نویسد: «بسر در این سفر، سی هزار نفر را کشت و گروهی را در آتش سوزاند.»

۳- سفیان بن عوف غامدی را در رأس لشکر جرار شش هزار نفری به سمت فرات حرکت داد تا به شهر هیبت (که در بالای انبار قرار داشت) برسد و از آن جا به سمت انبار برود و اگر در مسیر خود مقاومتی ندید غارت کنان تا شهر انبار بتازد و اگر در آن جا لشکری ندید، تا به مداین برود و از آن جا به شام باز گردد.

اخبار و گزارش‌های دردناک و تکان دهنده این وقایع و حوادث تلخ از گوشه و کنار به امام می‌رسید و از آن جا که مردم سخت به دنیا چسبیده بودند، فریادهای آن حضرت در دل سنگ آنان اثر نمی‌گذاشت. آن حضرت پس از شنیدن اخبار غارت‌گری ضحاک، خطبه ۲۹ و هنگام اطلاع از جنایات بسر، خطبه ۲۵ و با شنیدن فجایع

ص: ۹۶

سفیان خطبه ۲۷ را ایراد کردند. (۱)

سرانجام روزی برای آخرین بار خطبه‌ای آتشین ایراد کرد و در مردم شوری به پا ساخت و اشتیاق به جهاد را در دل آنان زنده کرد. حضرت در این خطبه فرمود:

«سپاس خدایی را سزاست که سرانجام بندگان و امور جهان به سوی اوست. برادران ما که خون آنان در صفین ریخته شد زیانی نکردند، زیرا چنین روزی را ندیدند تا جام‌های غصه را سر بکشند ...

کجا رفتند برادران من که در راه حق گام برداشتند، و در آن راه جان سپردند! کجاست عمار؟! کجاست ابن تیهان؟! کجاست ذوالشهادتین؟! بندگان خدا! جهاد به پا دارید. من امروز اردو می‌زنم و هرکس که خواهان رفتن به میدان جهاد است آماده رفتن شود.»

نوف بکالی می‌گوید: پس از آن، حسین علیه السلام را بر ده هزار تن، قیس ابن سعد را بر ده هزار، ابو ایوب انصاری را بر ده هزار و دیگران را به فرماندهی گروه‌های دیگر گمارد و اراده بازگشت به صفین داشت (که با اهل شام و در رأس آن با معاویه بجنگد) اما هنوز صبح نشده بود که ابن ملجم، حضرت را در محراب از پای درآورد. لشگریان باز گشتند و ما چون گوسفندانی بودیم که شبان خود را گم کرده باشند و از هر طرف طعمه گرگان شده باشند.» (۲)

در شب نوزدهم ماه مبارک رمضان افطار را میهمان دخترش «ام کلثوم» بود. هنگام افطار سه لقمه غذا خورد و سپس به عبادت پرداخت.

۱- شماره خطبه‌ها براساس نهج البلاغه فیض الاسلام تنظیم شده است.

۲- فیض الاسلام، ترجمه نهج البلاغه، خطبه ۱۸۱.

ص: ۹۷

آن شب را تا صبح در اضطراب بود. گاهی به آسمان نگاه می‌کرد و حرکت ستارگان را می‌نگریست و هرچه طلوع فجر نزدیک‌تر می‌شد تشویش آن حضرت بیشتر می‌شد و می‌فرمود: «به خدا قسم نه من دروغ می‌گویم و نه آن کسی که به من خبر داده دروغ گفته است. این است شبی که به من وعده داده‌اند و شهادت من در همین شب است».

و سرانجام آن شب هولناک به پایان رسید و علی علیه السلام در تاریکی سحر برای ادای نماز صبح به سوی مسجد حرکت کرد. امام وارد مسجد شد و به نماز ایستاد و تکبیر افتتاح گفت و پس از قرائت به سجده رفت. در این هنگام ابن ملجم در حالی که فریاد می‌زد: «لله الحکم لا لک یا علی» با شمشیر زهرآلود ضربتی بر سر مبارک علی علیه السلام وارد آورد. از قضا این ضربت بر محلی اصابت کرد که سابقاً شمشیر عمرو بن عبدود بر آن وارد شده بود و فرق مبارک آن حضرت را تا پیشانی شکافت.

ایمان و امان و مذهبش بود نماز در وقت عروج مرکبش بود نماز

هنگام که هنگامه آن کار رسید چون بوسه میان دولبش بود نماز

خون از سر علی در محراب جاری شد و محاسن شریفش را رنگین کرد.

در این حال فرمود: «فرت و ربّ الکعبه (۱)؛ به خدای کعبه سوگند که رستگار شدم.» (۲)

فتح مکه

اشاره

سرگذشت «فتح مکه»، از فرازهای خواندنی و شیرین تاریخ اسلام و در عین حال آموزنده و روشنگر اهداف مقدس پیامبر اسلام، و روشن کننده اخلاق و رفتار نیکوی آن حضرت است.

در این فصل از تاریخ، راستگویی و وفاداری پیامبر و پیروان وی به کلیه موادی که در قرارداد «حدیبه» امضاء کرده بودند، روشن می‌گردد.

و در برابر آن، نفاق و خیانت مشرکان قریش در اجراء مواد صلحنامه، آشکار می‌شود.

بررسی این قسمت از تاریخ، کاردانی و حسن تدبیر و سیاست خردمندان پیامبر را در گشودن آخرین و سخت‌ترین دژ دشمن ثابت می‌نماید. گوئی این مرد آسمانی، پاسی از عمر خود را در یکی از دانشگاه‌های بزرگ نظامی گذرانده بود، که بسان یک فرمانده توانا نقشه فتح را، آنچنان طرح و ترسیم نمود که بدون رنج و مشقت، بزرگترین پیروزی نصیب مسلمانان گردید.

در این جریان تاریخی، چهره انسان دوست و پرمهر پیامبر به جان

۱- جعفر سبحانی، فروغ ولایت، ص ۶۹۷-۶۹۵.

۲- مطالب ص ۷۸ تا اینجا از مقاله آقای نادعلی صالحی از کتاب ره‌توشه ماه رمضان ۱۳۷۵ ه. ش. گرفته شده است.

ص: ۹۹

و مال دشمنان خون آشام خود، روشن می‌گردد. و خواهیم دید که آن مرد بزرگ، با روشن بینی خاصی پس از پیروزی عظیم، جنایات قریش را نادیده گرفت، و عفو عمومی را اعلام نمود. اینک آغاز مطلب:

در سال هشتم هجرت، قراردادی میان سران قریش و پیامبر بسته شد، که به امضاء طرفین رسید. ماده سوم آن حاکی از این بود که: مسلمانان و قریش می‌توانند با هر قبیله‌ای پیمان ببندند. براساس این ماده، قبیله «خزاعه» با مسلمانان هم‌پیمان شدند و پیامبر اسلام دفاع از آب و خاک و جان و مال آنان را به عهده گرفت: و قبیله «بنی کنانه» که از دشمنان دیرینه قبیله «خزاعه» و هم‌مرز آنان بودند، با قریش هم‌پیمان گشتند. این جریان، با بستن یک قرارداد صلح دهساله که حافظ امنیت اجتماعی و صلح عمومی در نقاط عربستان بود، پایان پذیرفت.

طبق این قرارداد، طرفین نباید بر ضد یکدیگر قیام مسلحانه نمایند، و یا هم‌پیمانان خود را بر ضد هم‌پیمان طرف مقابل، تحریک کنند. دو سال از آغاز این قرارداد گذشت، و طرفین در صلح و رفاه، و امنیت بسر می‌بردند؛ تا آنجا که مسلمانان در سال بعد با کمال آزادی، به زیارت خانه خدا رفته و مراسم مذهبی و وظائف اسلامی خود را در برابر دیدگان هزاران دشمن بت‌پرست انجام دادند.

پیامبر در ماه «جمادی الاولی» سال هشتم، یک‌هنگ سه هزار نفری را به فرماندهی سه تن از افسران ارشد اسلام، به کرانه‌های شام برای سرکوبی عمال روم - که مبلغان بی‌پناه اسلام را ناجوانمردانه کشته بودند - اعزام نمود. سپاه اسلام در این مأموریت اگرچه جان

به

ص: ۱۰۰

سلامت بردند، و فقط سه افسر و چند سرباز بیش کشته ندادند؛ ولی با پیروزی چشمگیری که از مجاهدان اسلام انتظار می‌رفت، باز نگشتند، و عملیات آنها بیشتر به حالت «جنگ و گریز» شباهت داشت. انتشار این خبر در میان سران قریش، موجب جرأت و جسارت آنان گردید.

آنان تصور کردند که نیروی نظامی اسلام به ضعف و ناتوانی گرائیده، و مسلمانان روح سلحشوری و سربازی را از دست داده‌اند. از این نظر، تصمیم گرفتند که محیط صلح و آرامش را بهم بزنند. نخست در میان قبیله «بنوبکر» (۱) اسلحه پخش کرده و آنان را تحریک کردند، که شبانه به قبیله «خزاعه» - که با مسلمانان هم‌پیمان بودند - حمله ببرند و گروهی را کشته و دسته‌ای را اسیر کردند. حتی به این نیز اکتفا نکرده، دسته‌ای از قریش شبانه در جنگ بر ضد «خزاعه» شرکت کردند. و از این طریق پیمان «حدیبیه» را زیر پا نهاده؛ صلح و آرامش دوساله را به نبرد و خونریزی تبدیل کردند.

در نتیجه این حمله شبانه، گروهی از قبیله خزاعه که در بستر خواب آرمیده و یا در حالت عبادت بودند، کشته شده، و دسته‌ای اسیر گردیدند. عده‌ای نیز خانه و آشیانه را ترک گفته، و به مکه - که سرزمین «امنی» برای عرب به شمار می‌رفت - پناه بردند. آوارگانی که به مکه آمده بودند، به خانه «بدیل بن ورقاع» (۲) رفته، سرگذشت جانگداز قبیله خویش را تشریح نمودند.

۱- ر

۲- بدیل، یکی از شخصیت‌های بزرگ و سالخورده قبیله خزاعه بود که در مکه‌زندگی می‌کرد و در آنروز ۹۷ سال داشت - «امالی طوسی» / ۲۳۹.

ص: ۱۰۱

ستمیدگان خزاعه برای اینکه ندای مظلومیت خود را به گوش پیامبر برسانند، رئیس قبیله خود «عمرو سالم» را خدمت پیامبر فرستادند. او وارد مدینه شد و یکسره به مسجد آمد و در میان مردم ایستاد. اشعار جانسوزی را که حاکی از مظلومیت و استغاثه قبیله «خزاعه» بود، با آهنگ خاصی قرائت کرد و پیامبر را به احترام آن پیمانی که با قبیله خزاعه بسته بود سوگند داد؛ و او را دعوت به کمک گرفتن خون مظلومان نمود و در پایان اشعار خود، چنین گفت:

هم بیتونا بلوتیر هجدا (۱) و قتلونا رکعا و سجداً

ای پیامبر خدا! مشرکان قریش، امضاء کنندگان متارکه جنگ به مدت دهسال، نیمه شب در حالی که گروهی از ما در کنار آب «وتیر» خواب بودیم و دسته‌ای در دل شب در حال پرستش و رکوع و سجود بودند، بر سر این جمعیت بی‌پناه غیر مسلح ریخته، آنها را قتل عام کردند. این شاعر جمله زیر را به منظور تحریک عواطف و روح سلحشوری مسلمانان، زیاد تکرار می‌کرد و گفت:

قُتِلْنَا وَقَدْ اسْلَمْنَا: یعنی در حالی که مسلمان بودیم، قتل عام شدیم.

اشعار عاطفی و تحریک آمیز رئیس قبیله، کار خود را کرد. پیامبر در برابر انبوهی از مسلمانان رو به عمرو نمود و گفت: «نُصِرْتَ يَا عمرو سالم»، یعنی: ای عمرو ترا کمک خواهم کرد. این وعده قطعی، آرامش

۱- «وتیر»، آبگاهی در پایین «مکه» برای قبیله «خزاعه» بود. و «هجد»، جمع «ههاجد» به معنی خفته‌ها و گاهی به معنی «بیدارها» نیز به کار می‌رود، و در حقیقت کلمه از «اضداد» است

ص: ۱۰۲

عجیبی به «عمرو» بخشید، زیرا او یقین کرد که پیامبر در این نزدیکی انتقام قبیله خزاعه را از قریش که مسبب واقعی جریان بودند خواهد گرفت؛ ولی هرگز تصور نمی‌کرد که این کار با فتح و برانداختن حکومت ظالمانه قریش صورت خواهد گرفت. چیزی نگذشت که «بدیل و رقاء»، با گروهی از قبیله خزاعه برای استمداد، خدمت پیامبر رسیدند، و همکاری «قریش» را با بنی بکر در کوییدن و کشتن جوانان خزاعه به عرض پیامبر رسانیدند، و سپس راه مکه را در پیش گرفتند.

جاسوسی به دام افتاد

پیامبر اسلام برای فتح مکه و گشودن محکمترین دژهای بت پرستی، و برانداختن حکومت ظالمانه قریش - که بزرگترین سد در راه پیشرفت آئین توحید بود - بسیج عمومی اعلام کرد. او از خداوند خواست که جاسوسان قریش از حرکت مسلمانان آگاه نشوند. در آغاز ماه رمضان، از اطراف و اکناف، سپاهیان انبوهی در «مدینه» جمع شدند که تاریخ نگاران خصوصیات آن را چنین می‌نگارند:

مهاجران، هفتصد نفر با سیصد اسب و سه پرچم.
انصار، چهار هزار نفر با هفتصد اسب و پرچم‌های بیشتر.
قبیله مزینه، هزار نفر با صد اسب و صد زره و سه پرچم.
قبیله اسلم، با چهارصد نفر با سی اسب و دو پرچم.
قبیله جهینه، هشتصد نفر با پنجاه اسب و چهار پرچم.
قبیله بنی کعب، پانصد نفر با سه پرچم.

ص: ۱۰۳

و باقیمانده سپاه را افراد قبیله‌های غفار، اشجع و بنی سلیم تشکیل می‌دادند. (۱)

ابن هشام می‌گوید: کلیه سپاهیان اسلام به ده هزار نفر می‌رسیدند.

آنگاه می‌افزاید:

از بنی سلیم هفتصد و برخی می‌گویند هزار نفر، از بنی غفار چهارصد نفر، از اسلم چهارصد نفر، از «مزینه» هزار و سیصد نفر و

باقیمانده از مهاجر و انصار و هم‌پیمانان آنان و گروهی از قبائل تمیم و قیس و اسد بودند.

برای عملی ساختن این موضوع، تمام طرق و شوارعی که منتهی به مکه می‌گردید، تحت مراقبت مأموران حکومت اسلام قرار

گرفت، و رفت و آمد، شدیداً تحت کنترل درآمد.

پیامبر حرکت می‌کند

برای رعایت اصل «غافلگیری»، تا لحظه فرمان حرکت، وقت حرکت و مسیر و مقصد برای کسی روشن نبود. روز دهم ماه رمضان

سال هشتم هجرت، فرمان حرکت صادر گردید. البته فرمان آماده باش به کلیه مسلمانان مدینه و حوالی آن قبلاً داده شده بود.

روزی که پیامبر از «مدینه» خارج شد، مردی را به نام «ابورهم» غفاری نماینده خود در مدینه قرار داد، و در نزدیکی مدینه از سپاه

خود سان دید. وقتی حضرتش، کمی از مدینه فاصله گرفت، در نقطه‌ای به

ص: ۱۰۴

نام «کدید» آبی خواست و روزه خود را افطار نمود، و به همه دستور داد که افطار کنند. گروه زیادی افطار کردند، ولی عده کمی تصور کردند که اگر روزه بگیرند و با دهن روزه جهاد نمایند، پاداش آنها افزون‌تر خواهد بود. از این نظر از شکستن روزه خودداری نمودند.

این افراد ساده لوح، تصور نکردند که پیامبری که دستور روزه در ماه رمضان را داده، همان پیامبر نیز دستور افطار داده است. اگر او رهبر سعادت و راهنمای حق می‌باشد، در هر دو حالت و در هر دو فرمان، خواهان سعادت و نیک فرجامی مردم است و تبعیض در دستورهای او نیست. پیامبر از امتناع این دسته ناراحت شد و فرمود:

آنان گروه گناهکار و سرکش می‌باشند. (۱)

یک چنین سبقت و پیشی‌گیری بر پیامبر، یک نوع انحراف از حق و حاکی از عدم ایمان کامل این عده به پیامبر و شریعت او است. از این نظر، قرآن چنین افرادی را ملامت کرده و می‌گوید: «یا أيها الذین آمنوا لا تقدّموا بین یدی اللّٰه و رسوله» (۲) یعنی: ای افراد باایمان! بر خدا و پیامبر او سبقت نگیرید.

عباس بن عبدالمطلب، از مسلمانان مقیم مکه بود که به دستور پیامبر در مکه اقامت گزیده و پیامبر را از تصمیمات قریش آگاه می‌ساخت. او پس از جنگ «خیبر»، تظاهر به اسلام می‌نمود، ولی روابط او با سران قریش محفوظ بود. او تصمیم گرفت که به عنوان

۱- «وسائل الشیعه»، ج ۷ / ۱۲۴؛ «سیره حلبی»، ج ۳ / ۹۰.

۲- سوره حجرات / ۱.

ص: ۱۰۵

یکی از آخرین خانواده‌های مسلمان، مکه را ترک گوید و در مدینه اقامت گزیند. در همان روزهایی که پیامبر عازم مکه بود؛ او به سمت مدینه حرکت کرده و در نیمه راه، در سرزمین «جحفه» با پیامبر ملاقات نمود. وجود عباس در فتح مکه بسیار سودمند و به نفع طرفین تمام گردید، و اگر او نبود شاید فتح مکه بدون مقاومت قریش صورت نمی‌گرفت. از این نظر، هیچ بعید نیست که حرکت او به دستور پیامبر بوده، تا در این بین نقش اصلاح طلبانه خود را ایفا کند.

تاکتیک جالب ارتش اسلام

«مَرَّ الظَّهْرَانِ»، در چند کیلومتری مکه قرار دارد. پیامبر، با کمال مهارت اردوی ده‌هزار نفری خود را تا کرانه‌های مکه رهبری نمود؛ در حالی که قریش و جاسوسان آنها و کسانی که به نفع آنها فعالیت می‌کردند، هرگز از حرکت سپاه آگاهی نداشتند. پیامبر برای ایجاد رعب و هراس در دل مردم مکه، و برای اینکه اهالی بدون مقاومت سر تسلیم فرود آورند، و این دژ بزرگ و مرکز بزرگ و مقدس بدون خونریزی فتح گردد؛ دستور داد، که سربازان اسلام در نقاط مرتفع آتش افروزند. و برای ایجاد ترس بیشتر، دستور داد هر فردی به طور مستقل آتش افروخته، تا نواری از شعله‌های آتش؛ کلیه کوهها و نقاط مرتفع را فراگیرد، قریش و هم‌پیمانان آنان، در خواب غفلت فرو رفته بودند. از طرف دیگر، زبانه‌های آتش و شعله‌های آن- که کلیه نقاط مرتفع را به صورت توده آتشی درآورده، و به بیوت و خانه‌های اهل

ص: ۱۰۶

مکه روشنائی بخشیده بود- رعب و وحشتی در دل آنها افکند، و توجه آنها را بسوی نقاط مرتفع جلب نمود. در این لحظه، سران قریش مانند «ابوسفیان بن حرب» و «حکیم ابن حزام»، که برای تحقیق از مکه بیرون آمده به جستجو پرداختند. «عباس بن عبدالمطلب»، که از «جحفه» ملازم رکاب پیامبر بود، با خود فکر کرد که اگر اردوی اسلام با مقاومت قریش روبرو شوند؛ گروه زیادی از قریش کشته خواهد شد. پس چه بهتر، نقشی را ایفاء کند که به نفع طرفین تمام گردد و قریش را وادار به تسلیم نماید.

او بر استر سفید پیامبر سوار شد، و شبانه راه مکه را در پیش گرفت، تا محاصره مکه را بوسیله سپاه اسلام به سمع سران قریش برساند و آنها را از فزونی سپاه اسلام؛ و روح سلحشوری آنان، آگاه سازد، و به آنها بفهماند که چاره‌ای جز تسلیم نیست.

او از دور مذاکره «ابوسفیان» و «بدیل ورقاء» را شنید که به یکدیگر چنین می گفتند:

ابوسفیان: من تا کنون آتشی به این فزونی و سپاهی به این فراوانی ندیده‌ام.

بدیل بن ورقاء: آنان قبیله «خزاعه» هستند که برای نبرد آماده شده‌اند.

ابوسفیان: خزاعه کمتر از آنند که چنین آتشی روشن کنند، و چنین اردویی تشکیل دهند.

در این بین عباس سخنان آنان را قطع کرد و ابوسفیان را صدا زد و گفت: «ابو حنظله!» (ابوحنظله کنیه ابوسفیان بود). ابوسفیان فوراً

ص: ۱۰۷

صدای عباس را شناخت و گفت: «ابوالفضل» (کنیه عباس است) چه می‌گوئی؟، عباس گفت: به خدا سوگند این شعله‌ها و آتش‌ها مربوط به سربازان محمد است. او با سپاه بس نیرومندی به سوی قریش آمده، و هرگز قریش تاب مقاومت آن را ندارند. سخنان عباس، لرزه شدیدی بر اندام ابی‌سفیان افکند، و در حالی که بدنش می‌لرزید و دندانهایش بهم می‌خورد، رو به عباس کرد و گفت: پدر و مادرم فدای تو چاره چیست؟

گفت چاره اینست که همراه من به ملاقات پیامبر بیائی و از او امان بخواهی، و گرنه جان همه قریش در خطر است. سپس او را بر ترک استر سوار کرد و به جانب اردوی اسلام روانه گردید. و آن دو نفر (بدیل بن ورقاء و حکیم بن حزام) که همراه ابوسفیان برای تفتیش حال آمده بودند؛ بسوی مکه باز گشتند.

ابوسفیان در حضور پیامبر

وقتی چشم پیامبر به ابوسفیان افتاد گفت: آیا وقت آن نشده است که بدانی جز خدای یگانه خدائی نیست؟! ابوسفیان در پاسخ وی گفت:

پدر و مادرم فدای تو باد چقدر بردبار و کریم و با بستگان خود مهربانی؟ من اکنون فهمیدم که اگر خدائی جز او بود تا کنون به سود ما کاری انجام می‌داد. پیامبر پس از اقرار وی به یگانگی خدا افزود، که آیا وقت آن نشده که بدانی من پیامبر خدا هستم؟! ابوسفیان جمله قبلی را تکرار کرده گفت: چقدر تو بردبار و کریمی و با خویشاوندان مهربانی! من در رسالت شما فعلا در فکر و اندیشه هستم. «عباس»، از تردید و

ص: ۱۰۸

شک ابوسفیان ناراحت شد و گفت: اگر اسلام نیاوری جانت در خطر است. هرچه زودتر به یگانگی خدا و رسالت محمد گواهی بده.

ابوسفیان اقرار و اعتراف به یگانگی و رسالت حضرت رسول نمود و در سلک مسلمانان درآمد.

اگرچه ابوسفیان، در محیط رعب و ترس ایمان آورد و این طرز ایمان هیچ گاه مورد نظر و هدف پیامبر اسلام و آئین وی نبود؛ ولی مصالحی ایجاب می‌کرد، که به هر نحوی باشد ابوسفیان در سلک مسلمانان درآید، تا بزرگترین مانع از سر راه گرایش مردم مکه به اسلام برداشته شود. زیرا افرادی مانند ابوسفیان و ابوجهل و عکرمه و صفوان بن امیه و ... سالیان درازی بود که محیطی پر از رعب و وحشت به وجود آورده بودند و کسی جرأت نمی‌کرد در باره اسلام فکر کند، و یا تمایلات خود را ابراز نماید. اگر اسلام ظاهری ابوسفیان، برای او مفید نبود، برای پیامبر اسلام و افراد دیگری که تحت سیطره او قرار گرفته و رابطه خویشاوندی با او داشتند، بسیار مفید و سودمند بود.

با این حال، پیامبر دستور آزادی ابوسفیان را صادر نکرد، زیرا از تحریکات وی تا قبل از فتح مکه، مطمئن نبود. از اینرو، به عباس دستور داد- که برای جهتی که بعداً خواهیم گفت- او را در تنگنای دره‌ای نگاه دارد. عباس رو به پیامبر نموده، گفت: ابوسفیان که ریاست و عظمت را دوست دارد، اکنون که کارش به اینجا رسیده، برای او در این جریان مقامی مرحمت بفرما. با اینکه ابوسفیان در طول بیست سال، بزرگترین ضربه‌ها را بر اسلام و مسلمانان وارد ساخته بود، با این وصف پیامبر روی مصالحی،

ص: ۱۰۹

به ابوسفیان مقامی داد و جمله تاریخی خود را که حاکی از یک جهان، بزرگی روح است، به این صورت بیان کرد: «ابوسفیان می‌تواند به مردم اطمینان دهد که هر کس به محیط مسجدالحرام پناهنده شود، و یا سلاح به زمین بگذارد و بی‌طرفی خود را اعلام کند، و یا در خانه‌اش را ببندد، و یا به خانه ابی‌سفیان پناه ببرد، (و بنا به نقلی: یا به خانه حکیم بن حزام برود)، از تعرض ارتش اسلام محفوظ خواهد ماند» (۱).

مکه بدون خونریزی تسلیم می‌شود

اردوی باشکوه اسلام تا چند کیلومتری «مکه» پیشروی کرده بود.

پیامبر تصمیم داشت که شهر را بدون مقاومت و خونریزی فتح کند؛ و دشمن بدون قید و شرط تسلیم گردد. از عواملی که به تحقق این هدف - علاوه بر مسأله «استتار» و «اصل غافلگیری» - کمک شایانی نمود؛ این بود که عباس عموی پیامبر بعنوان خیرخواهی برای قریش به سوی مکه رفت، و ابوسفیان را به اردوگاه اسلام آورد، و سران قریش بدون ابوسفیان نمی‌توانستند، تصمیم قاطعی بگیرند.

هنگامی که او در برابر عظمت بی‌سابقه پیامبر اسلام، سر تسلیم فرود آورد و ابراز ایمان نمود، پیامبر خواست از وجود او برای ارباب

۱- «سیره ابن هشام»، ج ۲ / ۴۰۰-۴۰۴؛ «مجمع البیان»، ج ۱۰ / ۵۵۴-۵۵۶؛ «مغازی واقدی»، ج ۲ / ۸۱۶-۸۱۸؛ «شرح ابن ابی‌الحدید»، ج ۱۷ / ۲۶۸.

ص: ۱۱۰

مشركان، حداكثر استفاده را بنمايد. از اين نظر، دستور داد عباس، ابوسفیان را در تنگنای دره بازداشت کند تا واحدهای ارتش نوین‌یاد اسلام، با تجهیزات و ساز و برگ خود، در برابر او رژه روند، و او در روز روشن از قدرت نظامی اسلام آگاه گردد، و پس از بازگشت به مکه، مردم را از قدرت ارتش اسلام بترساند، و آنها را از فکر مقاومت باز دارد.

عظمت واحدهای ارتش اسلام آن چنان «ابوسفیان» را مرعوب خود ساخته بود که بی اختیار رو به عباس کرد و گفت: هیچ قدرتی نمی‌تواند در برابر این نیروها مقاومت کند، عباس! سلطنت و ریاست برادرزاده تو خیلی اوج گرفته است. عباس برگشته با قیافه توییخ‌آمیز گفت: سرچشمه قدرت برادرزاده من، نبوت و رسالتی است که از طرف خدا دارد و هرگز مربوط به قدرتهای ظاهری و مادی نیست.

پیامبر مصلحت دید که ابوسفیان را آزاد نماید، تا او به موقع قبل از ورود نیروها و واحدهای ارتش اسلام، به مکه رفته؛ اهالی را از قدرت فوق‌العاده مسلمانان آگاه سازد، و راه نجات را به آنها نشان بدهد. زیرا تنها مرعوب ساختن مردم، بدون نشان دادن راه نجات، هدف پیامبر را عملی نمی‌ساخت.

ابوسفیان وارد شهر گردید. مردم که شب گذشته در اضطراب و وحشت بسر برده بودند، و بدون هم فکری وی نمی‌توانستند تصمیمی بگیرند؛ دور او حلقه زدند. او با رنگ پریده و بدن لرزان، در حالی که به سوی مدینه اشاره می‌کرد، رو به مردم کرد و گفت:

ص: ۱۱۱

واحد هائی از ارتش اسلام که هیچ کس را تاب مقاومت آنان نیست، شهر را محاصره کرده‌اند و چند لحظه دیگر وارد شهر می‌گردند. پیشوای آنان «محمد»، به من قول داده که هر کس به مسجد و محیط کعبه پناه ببرد، و یا اسلحه به زمین گذارد، در خانه خود را به عنوان بی‌طرفی ببندد، و یا وارد خانه من و یا خانه «حکیم حزام» گردد؛ جان و مال او محترم و از خطر مصون است. پیامبر به این نیز اکتفاء نکرد. پس از ورود به مکه علاوه بر پناهگاههای سه گانه، پرچمی به دست «عبدالله خثعمی» داد و فرمود که فریاد کند: هر کس زیر پرچم او گرد آید در امان است. (۱)

«ابوسفیان» با این پیام، آنچنان روحیه مردم مکه را تضعیف نمود که اگر فکر مقاومت در دسته‌ای نیز وجود داشت به کلی از بین رفت و کلیه مقدماتی که از شب گذشته، با اقدامات عباس صورت گرفته بود، به ثمر رسید، و در نظر واقع بینان، فتح مکه آنهم بدون مقاومت قریش امری مسلم گردید. مردم وحشت زده هر کدام به نقطه‌ای پناه بردند، و گریز و فرار در شهر به راه افتاد، و دشمن شماره یک اسلام، بر اثر نقشه خردمندان پیامبر، بزرگترین خدمت را به ارتش اسلام نمود.

در این میان، زن ابوسفیان، «هند»، مردم را به مقاومت دعوت نمود، و سخنانی رکیک نثار همسرش می‌کرد. کار از کار گذشته، و هرگونه داد و فریادی مشت بر سندان بود. گروهی از سران افراطی، مانند «صفوان امیه» و «عکرمه بن ابی جهل» و «سهیل بن عمرو»

ص: ۱۱۲

(قهرمانان و نماینده مخصوص قریش در صلح حدیبیه)، سوگند یاد کردند که از ورود نیروهای اسلام به شهر جلوگیری کنند؛ و گروهی فریب آنان را خورده، با شمشیرهای برهنه راه را به روی نخستین واحد ارتش اسلام بستند.

نیروهای نظامی اسلام وارد شهر می‌شوند

پیش از آنکه نیروهای اسلام وارد شاهراههای مکه شوند، پیامبر تمام فرماندهان را احضار کرد و فرمود: تمام کوشش من این است که فتح مکه بدون خونریزی صورت گیرد. از این نظر، از کشتن افراد غیر مزاحم باید خودداری نمود، ولی باید ده نفر به نامهای «عکرمه بن ابی جهل» و «هتبار بن الاسود» و «عبدالله بن سعد ابیسرح» و «مقیس حبابه لثی» (۱) و «حویرث بن نقیذ» و عبدالله ابن الزبیری» و «حارث بن طلاطله» و چهار زن که هر کدام از این ده نفر مرتکب قتل و جنایت شده و یا آتش افروز جنگهای گذشته بودند؛ در هر کجا دستگیر شوند بلافاصله اعدام گردند. (۲)

تمام واحدها بدون نبرد و جنگ وارد شهر شدند و دروازه‌ها به روی آنها باز بود؛ جز در مسیر واحدی که خالد بن ولید فرماندهی آن را در اختیار داشت، دسته‌ای به تحریک عکرمه و صفوان، و سهیل به نبرد پرداختند و با پرتاب کردن تیر و شمشیر، بسوی آنان ابراز مقاومت

۱- یا «صبابه»، چنانکه تاریخ الخمیس در ج ۲ ص ۹۳ ضبط کرده است

۲- «سیره ابن هشام»، ج ۲ / ۴۰۹؛ «تاریخ الخمیس»، ۲ / ۹۰-۹۴.

ص: ۱۱۳

کردند؛ ولی با دادن دوازده یا سیزده کشته محرکان متواری گردیدند، و دیگران پا به فرار گذاردند. (۱)

شکستن بتها! شست و شوی کعبه

شهر مکه که سالیان درازی پایگاه شرک و بت پرستی بود، در برابر نیروهای چشمگیر توحید، تسلیم گردید، و همه نقاط شهر در تصرف سربازان اسلام درآمد. پیامبر لحظه‌ای چند، در خیمه‌ای که مخصوص آن حضرت بود و در نقطه‌ای به نام «حجون» زده بودند، استراحت نمود. سپس در حالی که سوار شتر بود، برای زیارت و طواف خانه خدا رهسپار مسجدالحرام گردید. در نخستین دور طواف، متوجه بت‌های بزرگی به نام «هَیْل» و «اساف» و «نائله» گردید، که بالای در کعبه نصب کرده بودند. و با نیزه‌ای که در دست داشت، ضربه محکمی بر آنها زد، و آنها را روی زمین افکند. و این آیه را خواند: «قل جاء الحقّ و زهق الباطل، إنّ الباطل کان زهوقاً»: یعنی: حق با شکوه و پیروزمندانه جلوه کرد، و باطل محو و نابود گردید، حقا که باطل از نخست بی‌اساس بود. «هیل» در برابر دیدگان مشرکان به دستور پیامبر شکسته گردید. این بت بزرگی که سالیان دراز بر افکار مردم شبه جزیره حکومت می‌کرد، در برابر دیدگان آنها سرنگون گردید. «زبیر» به عنوان مسخره رو به ابی سفیان کرد و

۱- «سیره ابن هشام»، ج ۲/ ۴۰۸؛ و به نقل واقدی ج ۲/ ۸۲۵-۸۲۶، بیست و هشت کشته داشتند.

ص: ۱۱۴

گفت: «هبل» این بت بزرگ شکسته شد!!
 «ابوسفیان»، با کمال ناراحتی به زبیر گفت: دست بردار، و ما را رها ساز. اگر از «هبل» کاری ساخته بود، سرانجام کار ما این نبود و فهمید که مقدرات آنها به دست آن نبود.

علی علیه السلام بر دوش پیامبر صلی الله علیه و آله

محدثان و تاریخ نگاران می گویند:

قسمتی از بت‌های منصوب بر داخل کعبه، و یا بیرون آن، به وسیله علی علیه السلام سرنگون شد. پیامبر به علی فرمود: علی! بنشین تا من بر دوش تو قرار گیرم، و بت‌ها را سرنگون کنم. علی در حالی که کنار دیوار کعبه قرار گرفته بود، پیامبر را بر دوش گرفت ولی احساس سنگینی و ضعف نمود. پیامبر از وضع علی آگاه شد، دستور داد که علی بر دوش او قرار گیرد. علی بر دوش پیامبر قرار گرفت و بت بزرگ قریش را که از مس بود، بر زمین افکند. آنگاه به انداختن دیگر بت‌ها پرداخت. (۱)

شاعر سخنور «حله»، و «ابن العرندس» که از شاعران قرن نهم اسلامی است؛ در قصیده خود پیرامون این فضیلت چنین می گوید:

و صعود غارب احمد فضل له دون القرابة والصحابه افضلا

صعود علی بر دوش احمد، فضیلتی است برای او. این فضیلت، غیر

۱- مدارک این فضیلت تاریخی، در کتاب «الغدیر»، ج ۷/ ۱۰-۱۳، وارد شده است.

ص: ۱۱۵

از خویشاوندی و هم‌نشینی است.

پیامبر دستور داد درب کعبه را باز کردند، و در حالی که دستهای خود را بر چهار چوبه‌های درب گذارده بود، و همه مردم قیافه نورانی و جذاب او را می‌دیدند؛ رو به مردم کرده چنین گفت: «الحمد لله الذی صدق و عدّه و نصر عبده و هزم الأحزاب وحده»: سپاس خدائی را که بو وعده خود عمل نمود و بنده خود را کمک کرد، و دشمنان را به تنهائی سرکوب ساخت.

سکوت تامی بر محوطه مسجد و بیرون آن، حکفرما بود. نفسها در سینه‌ها حبس، و افکار و تصورات مختلفی بر مغز و عقل مردم حکومت می‌کرد. مردم مکه در این لحظات به یاد آن همه ظلم و ستم و بیداد‌گریهای خود افتاده، فکرهای مختلفی می‌کردند.

اکنون گروهی که چند بار با پیامبر به نبرد خونین برخاسته، و جوانان و یاران او را به خاک و خون کشیده‌اند، و سرانجام هم تصمیم گرفته بودند که شبانه به خانه بی پناه او بریزند، او را ریزه ریزه کنند؛ در چنگال قدرت پیامبر گرفتار شده، و پیامبر می‌تواند از آنان همه نوع انتقام بگیرد.

این مردم با تذکر جرائم بزرگ خود، به یکدیگر می‌گفتند: لابد همه ما را از دم تیغ خواهد گذرانند. یا گروهی را کشته، و گروهی را بازداشت خواهد نمود و زنان و اطفال ما را به اسارت خواهد کشید.

آنان گرفتار افکار مختلف شیطانی بودند که ناگهان پیامبر با جمله‌های زیر سکوت آنها را شکست و چنین گفت: ماذا تقولون؟! و

ص: ۱۱۶

ماذا تظنون؟! یعنی: چه می‌گوئید و در باره من چگونه فکر می‌کنید، مردم بهت زده و حیران و بیمناک، همگی با صدای لرزان و شکسته روی سوابق و عواطف بزرگی که از پیامبر داشتند، گفتند: ما جز خوبی و نیکی چیزی در باره تو نمی‌اندیشیم؛ ترا برادر بزرگوار خویش؛ و فرزند برادر بزرگوار خود می‌دانیم. پیامبر که بالطبع رؤف و مهربان و باگذشت بود وقتی با جمله‌های عاطفی و تحریک‌آمیز آنان روبرو گردید؛ چنین گفت:

من نیز همان جمله‌ای را که برادرم یوسف به برادران ستمگر خود گفت؛ بشما می‌گویم: لَمَّا تَثْرِبَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ يَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ؛ «امروز بر شما ملامتی نیست. خدا گناهان شما را می‌آمرزد، او ارحم‌الراحمین است.» (۱)

پیامبر عفو عمومی اعلام می‌کند

پیامبر عفو عمومی را به شرح زیر آغاز کرد و گفت: شما مردم هموطنان بسیار نامناسبی بودید. رسالت مرا تکذیب کردید و مرا از خانه‌ام بیرون ساختید، و در دورترین نقطه‌ای که به آنجا پناهنده شده بودم، با من به نبرد برخاستید، ولی من با این جرائم، همه شماها را می‌بخشم و بند بردگی را از پای شما باز می‌کنم و اعلام می‌نمایم که:

«أَذْهَبُوا فَأَنْتُمُ الطُّلَقَاءُ»؛ «بروید دنبال زندگی خود، همه شماها آزادید.» (۲)

علی علیه السلام، ای عدالت مظلوم

به مناسبت ۲۱ ماه رمضان، شهادت اولین پیشوای شیعیان جهان، حضرت علی علیه السلام «نجوایی با پیشوای پاکان و امام حقیقت، که کشته عدالت گردید و محراب خونین کوفه را سندی زنده و جاوید، بر رسوایی خوارج ساخت تا تاریخ بداند که وقتی دسته‌ای، پیوند «ولایت» را از امام بگسلند، تا مرز کشتن «امام» نیز پیش می‌روند و «امت» را بی «امام» می‌گذارند. و این، ستمی است بزرگ به امت، که «عدالت مجسم» را از دست می‌دهد...»

ای علی! ... ای عدالت مظلوم

ای علی، ای حماسه انسان!

ای علی، ای عصاره‌ای ز وجود!

اینک ما، سنگینی رسالتی را بر دوش خود احساس می‌کنیم که به پهنای هستی، بر چهارده ستون قرن‌های این هزار و چهارصد سال استوار شده است.

۱- «مغازی واقدی»، ج ۲ / ۸۳۵؛ بحار، ج ۲۱ / ۱۰۷ و ۱۳۲.

۲- از ص ۹۷ تا اینجا از کتاب، فراهایی از تاریخ پیامبر اسلام، آیه الله جعفر سبحانی گرفته شده است.

ص: ۱۱۸

ما که باده عشق تو را می‌کشیم و خود را عاشق و شیعه سینه چاک تو می‌دانیم، بار سنگین چهارده قرن خون و حماسه و شهادت و ایثار را به دوش می‌کشیم. ادعایی است بس بزرگ ...

توانمان باد تا که زیر این بار، نلغزیم و حامل این «امانت» باشیم.

هشیاری مان باد، تا رگه‌های باریک و جویبارهای کوچک «حرف» ها و «دعوت» ها و «راه» ها و «هدف» ها، ما را از آن رود پرخروش علوی منحرف نسازد و همواره داخل «خط» باشیم.

* ای علی! ای شهید شیوه عدل

ای علی، ای امید هر محروم

سرتاسر زندگانی‌ات یک «فریاد» بود و تمام سخنانت یک «پیام» را باز می‌گفت و تمام گریه‌ها و مناجات‌هایت یک «عشق» را می‌نمایاند و تمام شمشیر زدن‌ها و جهادها و حماسه‌آفرینی‌هایت در پاسداری از یک «حقیقت والا» بود.

از آنروزی که در شبه قاره مستطیل شکل عربستان به کانون وحی و آیین خدا ایمان آوردی و تلاش‌هایت را در «طول» خط ایمان و «عرض» پهنه دعوت مکی و جهاد مدنی متمرکز ساختی، «محیط» جهل و کفر و شرارت را، به «مساحت» علم و ایمان و تقوا و خیر مبدل ساختی و به تنهایی در پیرامون محمد صلی الله علیه و آله امتی به پا ایستاده بودی، همچنانکه ابراهیم، آن تبرزن توحید، و شرک ستیز نستوه، به تنهایی امتی بود، قائم و قانت!

*

ص: ۱۱۹

ای علی، ای تجسم ایمان

ای علی، ای تبلور مکتب

ای علی، ای تو معنی قرآن!

یار محمّد صلی الله علیه و آله در «حرا» بودی و بازوی توانای اسلام، در «بدر».

شمشیر برنده ایمان بودی، در «احد».

گرد دلاور مدینه بودی، در «احزاب»

در رکاب رسول، پا به رکاب فاتح بدر و خیبر و احزاب

برای گسترش دین و زدودن موانع راه، از «خندق» به «خیبر» و از «یمن» به «ینبع» همواه در تلاش و حرکت بودی.

برای جهاد با «نفاق» و «بغی» گامی در «صفین» داشتی و شمشیری در میان اصحاب «جمل» می‌زدی و مبارزه‌ای در «نهروان» می‌کردی.

از «مکه» تا «مدینه» را، با بال «هجرت» پیمودی و از مدینه تا کوفه را، برای پی‌ریزی حکومت عدل بی‌نظیر در گیتی، به شوق، سپردی و زندگیت تمام، این بود.

از «کعبه ولادت» تا «محراب شهادت»، فاصله‌ای از نور را طی کردی و همانند بسیاری از صفات که منحصر به توست، در این افتخار نیز بی‌شریک بودی.

ندیده کسی در جهان این سعادت به کعبه ولادت، به مسجد شهادت

و شهادت خونین تو در محراب، همان میلاد شکفت در کعبه بود.

از خدا، به سوی خدا ... و در خانه خدا.

*

ص: ۱۲۰

ای علی ... ای قضاوت داود

ای علی ... ای تحمل ایوب

ای علی ... ای شکوه ابراهیم

ای بزرگ آیتی، ز غیب و شهود!

سینه‌ات به فراخنای هفت آسمان بود و نورت، برگرفته از سایه عرش خدا. و تو خود، فرشته‌ای زمینی و انسانی و آسمانی بودی، و درد تلخ و بزرگ تو، زیستن با ما! ...

تو از سلاله آن سلسله پاک‌نهادی بودی که دنیا و آنچه در آنست در برابر بهای معنویات بی‌بهاست و حکومت و ریاست و دنیا و فرمانروایی در برابر شکوه روح به رایگان هم نمی‌ارزد.

اما تو، ای قدیس پاک، با خاکیان نشست و برخاست می‌کردی و از پیامبر زیباترین و محبوب‌ترین کنیه دلخواهت را جایزه گرفتی ...

- آری ای «ابوتراب»!

در کنار اینهمه، نهروانیان و پیروان جمل و اهل بغی در «صفین» به جنگ تو آمدند و تو، به ناچار با «قاسطین و ناکثین و مارقین» به نبردی مقدس و خدایی برخاستی و عمری را با جهل ابوجهل‌ها و لهیب آتش فتنه ابولهب‌ها و زوزه‌های معاویه‌ها و بی‌شعوری ابوموسی اشعری‌ها و سفاهت ابوسفیان‌ها و لجام‌گسیختگی «ابن ملجم» ها درگیر بودی و پتک حق بر فرق باطل می‌کوبیدی.

* ای علی، ای حقیقت روشن

ای علی، ای جمال جلوه داد

ص: ۱۲۱

ای علی، ای طلوع، در ظلمت.

ای که میلادت، انفجار «فلاح»

سخن بسیار است و مجال اندک، فرصت آن نیست که از شکوه ولادتت، از برگرفتن نامت از نام خدای علی اعلا، از مراسم نامگذاریات، از دوران کودکیات در دامان تربیت محمدی، از جوانی و رزم‌هایت، از مردانگی ایثارهایت، از زهد و عبادت‌هایت، از اخلاص و استقامتت، از شیردلی و شجاعتت، از دانش و حکمتت، از نهج‌البلاغه فیاضت، از «غرر الحکم» موج خیز و درخشانت، از سخنوری و فصاحتت، از نیایش‌های شبانه‌ات، از ... از ... سخنی بگویم.

اما ...

آب دریا را اگر نتوان کشید هم به قدر تشنگی باید چشید

وما تشنگان چشمه‌زالال معرفت امیدواریم تا در پرتو شناخت بهتر و بیشتر تو، راه زندگی را روشنتر پیدا کنیم و تو را اسوه خویش سازیم.

چرا که تو اسوه انسان و الگوی ایمان آوردگان اخلاص‌پیشه‌ای، و انسانیت از تو درس می‌گیرد. تو نسخه منحصر به فرد عالم خلقتی، جان بر کف نهاده راه دینی، شهید عدل کشته شرفی، معجون «اشک» و «آهنی». وجودی چند بعدی هستی.

ای نخستین شهید، در محراب ای کشیده ز خون، به چهره نقاب

مسجد کوفه داغدار از تو «خون» و «محراب» یادگراز تو

خون فرقت هنوز می‌جوشد شب، ز سوگت سیاه می‌پوشد (۱)

هفته کمک به مستضعفین

اشاره

از پانزدهم تا بیست و یکم ماه مبارک رمضان از سوی کمیته امداد امام خمینی رحمه الله به عنوان هفته کمک به مستضعفین اعلام گردیده است. آغاز این هفته، ولادت سبط اکبر رسول خدا صلی الله علیه و آله حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام می‌باشد که در انفاق و کمک به مستضعفان جامعه شایسته‌ترین الگو و اسوه به شمار می‌آید. بنابراین بسیار بجا و مناسب است که مردم ایثارگر ما به پیروی از آن حضرت تا آنجا که در توان خویش دارند، به یاری این قشر محروم جامعه شتافته و به آنان کمک نمایند؛ به خصوص که در این هفته مقارن با ایام ماه پرفضیلت رمضان می‌باشد.

ماه رمضان و انفاق

گر چه انفاق در راه خدا، در هر ماهی از ماههای سال، اجر و ثواب بسیار دارد ولی همانگونه که این ماه نسبت بر دیگر ماهها، دارای فضیلت و برتری بیشتری است، اعمال خیر و از آن جمله انفاق در آن

ص: ۱۲۳

نیز از مزایای ویژه‌ای برخوردار است و رسول گرامی اسلام آن را ماه مواسات (شهر المواساة) نامیده و مردم را به حمایت و یاری مستضعفان فراخوانده است. امیرمؤمنان علیه السلام از آن حضرت روایت می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مردم! ماه خداوند همراه با برکت و رحمت و مغفرت، به شما روی آورده است؛ ماهی که نزد خداوند بهترین ماهها، روزهایش بهترین روزها و شبهایش بهترین شبها و ساعت‌هایش برترین ساعات می‌باشد... به هنگام احساس گرسنگی و تشنگی در آن، گرسنگی و تشنگی روز رستاخیز را به خاطر آورید، و بر تهی‌دستان و مستمندان جامعه خویش انفاق نمایید. (۱)

یکی از علل تشریح روزه در روایات اهل بیت علیهم السلام احساس رنج گرسنگی و محرومیت مستمندان ذکر شده است. امام صادق علیه السلام در این زمینه می‌فرماید:

علت تشریح روزه این است که توانمندان و تهی‌دستان باهم مساوی گردند؛ زیرا که ثروتمند چنین نیست که گرسنگی را احساس نماید تا بر مستمند ترحم کند، برای اینکه او هر چه بخواهد به آن دست می‌یابد، لذا خدای عزوجل اراده فرموده تا (به این وسیله) میان خلق خویش مساوات برقرار سازد، و انسان توانمند رنج گرسنگی را بچشد و در نتیجه بر ضعیف و محروم رقت نموده و به شخص گرسنه و تهی‌دست

ص: ۱۲۴

ترحم ورزد. (۱)

و در حدیث دیگری، رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره مزایای ماه رمضان می‌فرماید:
 «... وینادی منادٍ کلَّ لیلۃ: هل من سائل؟ هل من مستغفر؟ اللهم اعطِ کلَّ منفق خلفاً واعطِ کلَّ ممسک تلفاً»
 «در هر شب (رمضان) منادی آسمانی ندا می‌دهد: آیا کسی هست که خواسته و حاجتی طلب نماید؟ آیا توبه‌کننده‌ای هست؟
 خداوندا! به هر کس که انفاق می‌نماید عوض عنایت فرما و هر کس از انفاق مالش خودداری ورزد، آن را تلف کن.» (۲)

روز جهانی قدس

اشاره

(آخرین جمعه ماه مبارک رمضان)

قدس، قبله نخستین و حرم دوم مسلمانان جهان، سرزمین اصلی و وطن میلیون‌ها آواره مسلمان فلسطینی است که استکبار جهانی توسط صهیونیسم جنایتکار، از سال ۱۹۴۸ آن سرزمین را از دست ساکنانش خارج ساخت و تحت سلطه نیروهای اشغالگر قدس قرار داد.

این توطئه از همان اولین سالهای اجرا، با مقاومت مردم مسلمان فلسطین و اعتراض مسلمانان و انسانهای آزاده و بیدار دل جهان مواجه شد و به شکل مبارزات پیگیر و سیاسی- نظامی، چهره خود را نشان داد. ملت بزرگوار و مسلمان ایران نیز پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی، مسأله آزادسازی فلسطین از چنگال غاصبان قدس را سرلوحه آرمانهایش قرار داده و همه ساله روز قدس را به فریاد کشیدن بر سر ستمکاران تاریخ تبدیل کرده است.

نجات قدس، آرمان امام راحل

چنانکه می‌دانیم مسأله فلسطین در روح و جان امام خمینی قدس سره جای

۱- بحار الانوار، ج ۶۹، ص ۳۷۱

۲- برگرفته از کتاب یاد ایام، ج ۲، شورای سیاستگذاری ائمه جمعه.

ص: ۱۲۶

گرفته بود و ایشان در مواضع و سخنان، با قدرت از آن یاد می‌کردند.

امام، امت اسلامی را به تحریم اسرائیل و تشدید محاصره و افزایش مقابله با آن تا آزادی سرزمینهای اشغالی از چنگک صهیونیستها، دعوت کردند. همین امر یکی از علل دشمنی استعمار و صهیونیسم جهانی با ایشان بود و نخستین مسأله اسلامی که پیش از انقلاب بارها و بارها توجه و اهتمام امام را به خود جلب کرد قضیه اشغال سرزمین بیت‌المقدس بود، که در این زمینه امام در پیامهای مکرر خویش، افکار عمومی مسلمانان را متوجه این جنایت می‌نمودند.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، امام امت قدس سره در اولین فرصت روزی را برای نجات قدس از چنگال صهیونیستهای جنایتکار، به عنوان روز قدس تعیین نمودند و در بخشی از پیامی که به همین مناسبت صادر نمودند، فرمودند:

«من در طی سالیان دراز، خطر اسرائیل غاصب را گوشزد مسلمین نمودم که اکنون، این روزها به حملات وحشیانه خود به برادران و خواهران فلسطینی شدت بخشیده است و به ویژه در جنوب لبنان به قصد نابودی مبارزان فلسطینی پیاپی خانه و کاشانه ایشان را بمباران می‌کند.

من از عموم مسلمانان جهان و دولتهای اسلامی می‌خواهم که برای کوتاه کردن دست این غاصب و پشتیبانان آن، به هم بپیوندند؛ و جمیع مسلمانان را دعوت می‌کنم آخرین جمعه ماه مبارک رمضان را که از ایام قدر است و می‌تواند تعیین کننده سرنوشت مردم فلسطین نیز باشد، به عنوان «روز

ص: ۱۲۷

قدس» انتخاب و طی مراسمی همبستگی بین‌المللی مسلمانان را در حمایت از حقوق قانونی مردم مسلمان فلسطین اعلام نمایند.» و به این سان پیام پیامبر گونه امام راحل‌مان، نور امید به دل مظلومان فلسطینی تاباند و میلیونها انسان آزاده و مبارز را برای مقابله عملی با توطئه‌های رژیم اشغالگر قدس و آمریکای جهانخوار مصمم‌تر و استوارتر کرد.

پیام امام خمینی قدس سره نقطه عطفی در تاریخ مبارزات ملت فلسطین شد و مسلمانان جهان را برای مقابله با جنایت‌پیشگان تاریخ، به یکپارچگی و وحدت کلمه دعوت کرد.

امام خمینی قدس سره با اعلام آخرین جمعه ماه مبارک رمضان به عنوان «روز قدس» بر مبارزه پایان ناپذیر مستضعفین با جهانخواران ظالم تأکید کردند و فرمودند:

«روز قدس روز جهانی است، روزی نیست که فقط اختصاص به قدس داشته باشد، روز مقابله مستضعفین با مستکبرین است.» (۱)

عید فطر

اشاره

عید فطر یکی از اعیاد بزرگ اسلامی است، به همین مناسبت بیانات پرمحتوای شهید بزرگوار حجة الاسلام والمسلمین باهنر را، که حاوی نکات مهمی در باره شکوه و عظمت این عید است، می‌آوریم:

ما در اسلام دو عید داریم؛ یکی عید فطر و دیگری عید قربان؛ و نماز عیدهم در همین دو عید وارد شده است و دعوت به اجتماع مردم هم در این دو عید سفارش شده است. این دو عید را برادران اهل سنت در کشورهای عربی خیلی ارج می‌نهند و جشن می‌گیرند و مراسم بزرگ برپا می‌کنند.

خوشبختانه در اوایل انقلاب و پس از آن، در ایران اسلامی نیز عید فطر شکل و شمایل تازه‌ای پیدا کرد و برادران و خواهران شاهد بودند که مراسم عید فطر در تپه‌های قیطریه مبدأ حرکت منظم و راهپیمایی عظیمی در سراسر خیابانهای تهران بود که به دنبال آن، راهپیمایی‌ها و تظاهرات و شهادتها و استقبال از مرگ و حرکت انقلابی به سوی پیروزی، به صورت گسترده‌ای آغاز شد.

عید فطر عید پیروزی است

عید فطر و عید قربان به دنبال دو توفیق است و در حقیقت عید پیروزی است. عید فطر به دنبال پیروزی در عبادت‌های ماه رمضان است، آنان که روزه می‌گیرند و نماز می‌گزارند و قرآن تلاوت می‌کنند و سحرگاهان ماه مبارک رمضان به راز و نیاز و عبادت و مناجات مشغولند و در محافل و مجالس مذهبی شرکت می‌کنند و روح خود را با برادران مسلمانان در سراسر دنیا پیوند معنوی می‌دهند، ماه رمضان یک موفقیت و توفیق الهی است برای آنها که به دنبالش عید فطر می‌آید.

و چنین است عید قربان؛ آنگاه که سیل عظیمی از جمعیت سراسر دنیا در اجتماع ایام حج و مراسم زیارت خانه خدا موفق به انجام این فریضه بزرگ می‌شوند و این کنگره عظیم اجتماعی، سیاسی و اسلامی را برپا می‌دارند، پس از آن عید قربان را که عید پیروزی است و موفقیت در اعمال و مناسک است بر آنان گرامی خواهد بود.

جلوه‌های عید اسلامی فطر

ما معمولاً در این دو عید اسلامی، سه جلوه بزرگ به دنبال پیروزی می‌بینیم که این سه جلوه برای مراحل بعد از پیروزی، درسی

است بسیار آموزنده و جالب:

۱- دانستیم که عید فطر و قربان در واقع عید پیروزی است، عید توفیق، سربلندی، نشاط معنوی و انجام وظیفه است؛ و یکی از اعمال جالب و ارزشمند که در این عید بر عهده هر مسلمان است، این است

۱- برگرفته از کتاب یاد ایام، ج ۲، شورای سیاستگذاری ائمه جمعه.

ص: ۱۳۰

که سهمی از آنچه دارد برای مستضعفان اختصاص دهد. در عید فطر مردم زکات فطره می‌دهند؛ یعنی حداقل از طرف خود و افراد خانواده و تحت تکفل خویش به اندازه ۳ کیلوگرم - تقریباً - از غذای معمولی روزمره در اختیار بیچارگان و مستمندان قرار می‌دهند و در عید قربان، مردم با قربانی کردن شتر و گاو و گوسفند می‌توانند کمکی به گرسنگان بکنند اطعموا القانع و المغتر. (۱)

این مسأله را می‌توان به عنوان الگویی از خدمت به مستضعفان دانست و در حقیقت گامی کوتاه و نمونه‌ای کوچک از وظایف بعد از پیروزی است که باید نسبت به بینوایان و مستضعفان انجام پذیرد.

هر پیروزی که علیه طاغوتها، مستکبران، مترفین و زورگویان و زراندوزان خون آشام انجام می‌شود، بایستی به دنبال آن پیروزی، برق نشاط در جبین مستضعفین بجهد. باید اقدامهای فعال و جدی در راه حاکمیت مستضعفین و روی کار آمدن محرومان و بیچارگان باشد. باید در پرتو آزادی، زیر بازوی مستضعف و محروم گرفته شود و آنان بتوانند به حیات و حرکت و آزادی و حقوق اولیه خود برسانند.

وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ.

درس تزکیه و خودسازی

۲- درس دیگری که از عید فطر و قربان می‌گیریم، درس نماز

ص: ۱۳۱

است. درس تزکیه، خودسازی و پاکسازی درون است. «قد افلح من زکاهها و قد خاب من دسّاهها» این آیه در نماز عید خوانده می‌شود؛ یعنی وقتی اوج پیروزی می‌رسد، لازم است انسان به خودش باز گردد و خود را از آلودگیها پاک و منزّه کند. مبادا غرور پیروزی او را دچار نوعی خودسری و یا انحراف کند. و لذا در سوره فتح می‌فرماید: «وقتی نصر و پیروزی پروردگارت رسید و دیدی که فوج فوج جمعیت وارد دین خدا می‌شوند، خدای را حمد و سپاس گو و استغفار کن». تازه پس از پیروزی موقع استغفار و خودسازی است ...

درس بسیج عمومی و همبستگی اجتماعی

۳- سومین درسی که از این دو عید بزرگ می‌گیریم، درس بسیج عمومی و همبستگی اجتماعی و وحدت است. ماه رمضان را با توفیق پشت سر گذاشته‌ایم و اکنون عید فطر را جشن می‌گیریم، اما درست در دل جشن، فرمان نماز عید فطر و حرکت دسته جمعی مردم و اتحاد و هماهنگی داده می‌شود؛ و در خطبه‌های نماز عید برنامه‌های سیاسی و اجتماعی برای مردم در یک هماهنگی و وحدت و بسیج عمومی بیان می‌شود. (۱)

میعاد با فطرت

«عید»، «میعاد» ی در زمان است.
و «فطر»، میثاقی با «فطرت»!
چرا که رمضان، دعوتی است به بازیافتن «خود گمشده»،
ندایی است، برای توجه به خدای فراموش شده،
ضیافتی است برای تناول از مائده «تقوا»
و پایان این مهمانی خدایی، «عید قبول» است،
عید توفیق بر «طاعت» و «اطاعت»،
عید توبه و تهذیب نفس،
عید ذکر و یاد محرومان و گرسنگان،
عید «کفّ نفس» و «کنترل خواسته‌ها»
*** «فطر»، چیدن میوه‌هایی است که از «فطرت» می‌جوشد!
فطر، سپاس نعمتی است که در رمضان نازل شده است.
اگر «تقوا»، فلسفه فریضه روزه است (... لعکم تتقون)

۱- برگرفته از کتاب «یاد ایام» معاونت فرهنگی شورای سیاستگذاری ائمه جمعه.

ص: ۱۳۳

و اگر روزه، آزمایش اخلاص بندگان است (... وَالصَّيَامُ ابْتِلَاءٌ لِاخْلَاصِ الْخَلْقِ)

پس فطر هم، عیدی است بر این پیروزی معنوی در جبهه «جهاد اکبر»!

اگر غلبه بر خصم بیرون، شیپور پیروزی می‌طلبد،

پیروزی بر خصم درون (نفس) جشنی روحانی دارد بنام «عید فطر»، که میثاق بستن با فطرت ما از سوی روزه داران مجاهده‌گر اعلام می‌دارد.

اگر در بند «شکم» و «شهوت» بودن، اسارت است.

روزه، رها سازنده انسان از این «تعلق» است.

پس، «فطر»، شادی این توفیق یکماهه در مهار زدن به خواسته‌های نفس و تمنیات غرایز است.

برای «بنده»، هیچ لحظه‌ای زیباتر از قبول و پسند «مولا» نیست!

و برای «مهمان»، هیچ صحنه‌ای دلپذیرتر از پذیرایی «میزبان» نیست!

آیا حضور یک ماه بر سفره نعمت و رحمت خدا، خرسندی ندارد؟

آیا پذیرش در مائده کرامت مولا، «عید» نیست؟

دست ما، واسطه است.

نعمت‌ها، از آن خداست و بندگان محتاج و بینوا، «عیال خداوند» ند.

اطعامی که می‌دهی،

احسانی که می‌کنی،

ص: ۱۳۴

سفره‌ای که می‌گشایی،

بار و توشه‌ای که برای محرومی می‌بندی

همه و همه ... رساندن «رزق خدا» به «عبد خدا» است.

و دستهای ما، عامل این ربط و ایصال و وصول است.

پس درود بر دستی که در این ماه، بر چهره یتیمی لبخند شادی نشانده است.

تبریک بر کسی که سعادت «طعام فقیر» داشته است،

مریزاد، دستی که از مهر، بر سر یتیمی کشیده شده است،

مرحبا، بر مالی که در راه خدا خرج شده است،

عید «فطر»، پاداش «افطار» های خالصانه و بجا است.

مهر قبولی انفاق‌های به قصد قربت است،

«پایان نامه» دوره ایثار و گذشت، در مسائل مالی است.

***رمضانی را پشت سر نهادی، که فصل عبادت و بهار قرآن بود.

از شب تا روز، برکات آسمانی نازل می‌شد.

«شب قدر» ش، اوج این «جذبه» معنوی بود که بر تارک رمضان می‌درخشید.

رمضان، ماهی بود خجسته و مبارک،

با شب زنده داری‌های سالکان،

با اشکهای شب بیداران،

با استغفارهای متهم‌جدا،

با «یارب، یارب» های سحرخیزان،

ص: ۱۳۵

با دست‌های گشوده از نیاز،
 با دل‌های لرزان از خوف و خشیت خدا،
 با لحظه‌های سرشار از معنا و معنویت پیش از افطار،
 با ترنم دلنشین و حزین «تلاوت قرآن» در صبح و شام،
 با نمازهای مستحبی و دعاهای روزانه،
 با توجه‌های بیشتر به خدا،
 با کاهش چشمگیر گناه تقلب، نیرنگ و شیادی!
 با زنده شدن چراغ «فطرت» در شبستان «دل»،
 با آمادگی‌های سی روزه، برای نشستن پیرامون شبچراغ «فطر»! پس، این عید، مدرک کامیابی و موفقیت، در «کلاس فشرده رمضان» است.

«فطر»، عید خداجوئی و خداترسی و خداپرستی است.

برکت بخش «ماه مبارک» است.

*** درود بر فطر «فطرت»،

سلام بر «فطر» ذکر و نیایش،

این رمضان نیز گذشت!

و چه حسرتی می‌خورند، آنانکه از این «بازار خیر»، تهیدست برگشتند ...

و چه زیانکارند، آنانکه در «ماه مغفرت»، دستی به استغفار، بر آستان «غفار» نگشودند،

و میثاقی با «فطرت خدائی» و «فطر الهی» نبستند.

ص: ۱۳۶

تا ... رضانی دیگر،

و شب قدر و روزهای روزه‌ای دیگر، که زنده باشد و که رخت به عالمی دیگر کشیده باشد، خدا می‌داند! ...
«عید فطر»، بر فاتحان عرصه‌های «جهاد با نفس»، گرامی باد. (۱)

۱- برگرفته از کتاب روایت انقلاب، ج ۲، استاد جواد محدّثی.

ص: ۱۳۷

بخش سوّم

۱- نیت روزه

۲- مبطلات روزه

۳- قضا و كفاره روزه

۴- روزه مسافر

۵- راههای ثابت شدن اوّل ماه

۶- اعتكاف

۷- زكات فطره

ص: ۱۳۸

صفحه سفید

احکام روزه**نیت روزه****احکام روزه (۱)**

نیت روزه

۱- روزه از عبادات است و باید برای انجام فرمان خداوند به جا آورده شود. (۲)

۲- انسان می‌تواند در هر شب ماه رمضان برای روزه فردای آن، نیت کند و بهتر است که شب اول ماه هم روزه همه ماه را نیت کند. (۳)

۳- لازم نیست نیت روزه را به زبان بگویید بلکه همین قدر که برای انجام دستور خداوند عالم، از اذان صبح تا مغرب، کاری که روزه را باطل می‌کند انجام ندهد کافی است. (۴)

مُبطلات روزه

روزه‌دار باید از «اذان صبح» تا «مغرب» از برخی کارها پرهیزد و اگر پرهیز نکند، روزه‌اش باطل می‌شود، به مجموعه این کارها «مُبطلاتِ روزه» گفته می‌شود، که عبارتند از:

* خوردن و آشامیدن.

* دروغ بستن به خدا و پیغمبر صلی الله علیه و آله و جانشینان آن حضرت علیهم السلام.

* رساندن غبار غلیظ به حلق. (۵)

* فرو بردن تمام سر در آب. (۶)

* قی کردن.

* آمیزش.

* استمناء.

* باقی ماندن بر جنابت و حیض و نفاس تا اذان صبح.

* اماله کردن با چیزهای روان. (۷)

احکام مبطلات روزه**خوردن و آشامیدن**

۱- اگر روزه‌دار عمداً چیزی بخورد یا بیاشامد، روزه‌اش باطل می‌شود هرچند خوردن و آشامیدن آن معمول نباشد؛ مانند خاک و نفت. (۸)

۲- اگر کسی عمداً چیزی را که لای دندانش مانده است فرو برد، روزه‌اش باطل می‌شود. (۹)

۳- فرو بردن آب دهان، روزه را باطل نمی‌کند، هر چند زیاد باشد. (۱۰)

- ۴- اگر روزه‌دار به سبب فراموشی (نمی‌داند روزه است) چیزی بخورد یا بیاشامد، روزه‌اش باطل نمی‌شود. (۱۱)
- ۵- انسان نمی‌تواند، بخاطر ضعف، روزه را بخورد ولی اگر ضعف او به قدری است که معمولاً نمی‌شود آن را تحمل کرد، خوردن روزه اشکال ندارد. (۱۲)
- ۶- فرو بردن اخلاط سر و سینه، تا به فضای دهان نرسیده روزه را باطل نمی‌کند، ولی اگر داخل فضای دهان شود، احتیاط واجب آن

- ۱- متن این بخش، از کتاب «آموزش فقه»، محمد حسین فلاح‌زاده و حواشی آن از کتب فقهی مراجع عظام تقلید گرفته شده است.
- ۲- توضیح المسائل، م ۱۵۵۰.
- ۳- توضیح المسائل، م ۱۵۵۱.
- ۴- توضیح المسائل، م ۱۵۵۰.
- ۵- آیات عظام، اراکی، خویی، سیستانی، بهجت: رساندن غبار به حلق. آیه الله زنجانی: احتیاط مستحب آن است که از رساندن غبار به حلق جلوگیری کند.
- ۶- آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: فرو بردن تمام سر در آب حرام است و بنابر احتیاط لازم روزه را هم باطل می‌کند. آیه الله زنجانی: بر روزه‌دار حرام است سر را در آب فرو برد ولی ظاهراً روزه را باطل نمی‌کند. آیه الله سیستانی: روزه را باطل نمی‌کند، گر چه کراهت شدید دارد.
- ۷- توضیح المسائل، م ۱۵۷۲.
- ۸- توضیح المسائل، م ۱۵۷۳.
- ۹- توضیح المسائل، م ۱۵۷۷.
- ۱۰- توضیح المسائل، م ۱۵۷۹.
- ۱۱- توضیح المسائل، م ۱۵۷۵.
- ۱۲- توضیح المسائل، م ۱۵۸۳.

ص: ۱۴۲

است که آن را فرو نبرد. (۱)

تزیق آمپول**اشاره**

اگر آمپول به جای غذا (۲)، هر چند عضو را بی حس کند ولی احتیاط واجب (۳) آن است از آمپولی که به جای غذا به کار می‌رود پرهیز کند. (۴)

رساندن غبار غلیظ به حلق «۵»

رساندن غبار غلیظ به حلق (۵)

اگر روزه‌دار غبار غلیظی به حلق برساند، روزه‌اش باطل می‌شود؛ چه غبار خوراکیها باشد مانند آرد، یا غیر خوراکی مانند خاک.

فرو بردن تمام سر در آب

اگر روزه‌دار عمداً تمام سر را در آب مطلق فروبرد، روزه‌اش باطل می‌شود (۶)

ص: ۱۴۳

قی کردن

۱- هر گاه روزه‌دار عمداً قی کند، هر چند به سبب بیماری باشد، روزه‌اش باطل می‌شود. (۷)

۲- اگر روزه‌دار بی‌اختیار قی کند، روزه‌اش باطل نمی‌شود. (۸)

باقی ماندن بر جنابت تا اذان صبح

۱- اگر شخص جنب در روزه رمضان یا قضای (۹) آن عمداً تا اذان صبح غسل نکند و یا اگر وظیفه‌اش تیمم است تیمم نکند روزه‌اش باطل است.

۲- اگر جنب در روزه ماه رمضان غسل یا تیمم را فراموش کند و پس از یک یا چند روز یادش بیاید: باید آن روزه‌ها را قضا کند.

(۱۰)

۳- اگر روزه‌دار، در خواب جنب شود، واجب نیست فوراً غسل کند و روزه‌اش صحیح است. (۱۱)

۴- اگر شخص جنب در شب ماه رمضان می‌داند برای غسل، قبل از اذان صبح بیدار نمی‌شود، نباید بخوابد و اگر بخوابد و بیدار نشود،

- ۱- توضیح المسائل، م ۱۵۸۰.
- ۲- آیه الله مکارم: اگر به جای غذا یا نباشد تزریق آن روزه را باطل نمی‌کند.
- ۳- آیات عظام خویی تبریزی، سیستانی: بهتر آن است که پرهیز کند. آیه الله فاضل: باید از آن پرهیز کند.
- ۴- توضیح المسائل، م ۱۵۷۶.
- ۵- به حاشیه ۱ صفحه ۱۴۰ مراجعه فرمایید.
- ۶- به حاشیه ۲، صفحه ۱۴۰ مراجعه فرمایید.
- ۷- توضیح المسائل، م ۱۶۴۶.
- ۸- توضیح المسائل، م ۱۶۴۶.
- ۹- آیه الله زنجانی: اگر وقت قضای روزه ماه رمضان تنگ شده و تا اذان صبح جنب بماند بنا بر احتیاط واجب، روزه آن روز را گرفته، عوض آن را هم بجا آورد.
- ۱۰- توضیح المسائل، م ۱۶۲۲.
- ۱۱- توضیح المسائل، م ۱۶۳۲.

ص: ۱۴۴

روزه‌اش باطل است. (۱)

باقی ماندن بر حیض و نفاس

- ۱- اگر زن در ماه رمضان قبل از اذان صبح از خون پاک شود و الف: عمداً تا اذان غسل نکند یا اگر وظیفه‌اش تیمم است تیمم نکند، روزه‌اش باطل است.
 - ب: برای غسل وقت ندارد: باید تیمم کند و روزه‌اش صحیح است.
 - ۲- اگر نزدیک اذان صبح پاک شود، و برای تیمم یا غسل وقت نداشته باشد، روزه‌اش صحیح است.
 - ۳- اگر بعد از اذان بفهمد که قبل از اذان پاک شده روزه‌اش صحیح است.
 - ۴- اگر بعد از اذان پاک شود، روزه‌اش باطل است.
 - ۵- اگر در روز، حیض یا نفاس ببیند، گرچه نزدیک مغرب باشد، روزه‌اش باطل است.
- اگر مستحاضه غسلهای خود را به تفصیلی که در احکام استحاضه گفته شده به جا آورد روزه‌اش صحیح است. (۲)

کارهایی که بر روزه‌دار مکروه است

- ۱- انجام دادن هر کاری که سبب ضعف شود؛ مانند خون دادن.
- ۲- بوییدن گیاهان معطر (عطر زدن مکروه نیست).
- ۳- خیس کردن لباسی که بر تن دارد.
- ۴- مسواک کردن با چوب تر.
- ۵- کشیدن دندان و هر کاری که به سبب آن از دهان خون بیاید. (۳)

روزه قضا

اگر کسی روزه را در وقت آن نگیرد، باید روز دیگری، به جای آن روزه بگیرد، پس روزه‌ای که بعد از وقت آن، به جا آورده می‌شود، «روزه قضا» نام دارد.

کناره روزه

کناره، همان جریمه‌ای است که برای باطل کردن روزه معین شده است و عبارت است از:

- * آزاد کردن یک برده
- * دو ماه روزه گرفتن که سی و یک روز آن باید پی در پی باشد
- * سیر کردن شصت فقیر، یا دادن یک مُدّ طعام به هریک از آنها.

۲- توضیح المسائل، م ۱۶۴۳.

آیه الله سیستانی، آیه الله زنجانی: هر چند غسل‌های خود را بجا نیاورد روزه‌اش صحیح است. آیه الله زنجانی ولی احتیاط مستحب است که قضای روزه را نیز بجا آورد.

آیه الله خویی، آیه الله تبریزی: اگر زنی که در حال استحاضه کثیره است غسل‌های خود را به تفصیلی که در احکام استحاضه گفته شده بجا آورد روزه‌اش صحیح است.

۳- توضیح المسائل، م ۱۶۵۷.

ص: ۱۴۶

کسی که کفاره بر او واجب شود، باید یکی از این سه را انجام دهد و چون امروزه «برده» به معنای فقهی آن یافت نمی‌شود، مورد دوم یا سوم را انجام می‌دهد، و اگر هیچ‌یک از اینها برایش مقدور نیست، (۱) هر مقدار که می‌تواند باید به فقیر طعام بدهد و اگر اصلاً نتواند طعام بدهد، باید استغفار کند. (۲)

* اگر عمداً روزه رمضان را نگیرد و یا عمداً آن را باطل کند، قضا و کفاره واجب می‌شود. (۳)

در این موارد بجا آوردن قضای روزه واجب است ولی کفاره ندارد:

۱- روزه‌هایی که به واسطه سفر باطل شده است. (۴)

۱- آیه الله اراکی: ۱۸ روز روزه بگیرد، هر چند که می‌تواند به فقرا طعام دهد و اگر بتواند ۱۸ روز روزه بگیرد یا چند مدّ طعام بدهد هر مقدار از این دو را که می‌تواند عمل کند و اگر آن را هم نتواند انجام دهد باید استغفار کند.

آیه الله گلپایگانی: هر مقدار که میتواند صدقه به فقرا بدهد و اگر از صدقه دادن هم عاجز باشد ۱۸ روز پی‌درپی روزه بگیرد و اگر روزه هم نتوانست بگیرد، استغفار کند، و هر قدر می‌تواند روزه بگیرد و اگر اصلاً نمی‌تواند روزه بگیرد، استغفار کند.

آیه الله فاضل: مخیر است بین اینکه ۱۸ روز روزه بگیرد یا هر چند مدّ که می‌تواند به فقرا طعام بدهد و اگر نتواند، باید استغفار کند.

آیه الله صافی، آیه الله مکارم: هر قدر می‌تواند صدقه به فقرا بدهد و استغفار کند.

آیه الله خویی، آیه الله تبریزی: بنابر احتیاط باید به قدر امکان صدقه بدهد و استغفار کند.

۲- توضیح المسائل، م ۱۶۶۰-۱۶۶۱.

۳- همان، م ۱۶۵۸ و ۱۷۱۰.

۴- تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۲۹۸، م ۴.

ص: ۱۴۷

۲- روزه‌های ایام حیض و نفاس بانوان. (۱)

۳- بر اثر ندانستن مسأله، مبطلی انجام داده ولی نمی‌توانسته مسأله را یاد بگیرد، یا اصلاً ملتفت نبوده. (۲)

مواردی که فقط باید برای هر یک روز یک مد طعام به فقیر داده شود:

۱- به واسطه مرض نتواند روزه بگیرد و مرض او تا سال بعد طول بکشد و اگر چنانچه مرض او تا چندین سال طول بکشد قضای

سال آخر را باید به‌جا آورد و سالهای گذشته را برای هر یک روز یک مد طعام به فقیر بدهد. (۳)

۲- کسی که به واسطه پیری، روزه گرفتن برایش مشقت دارد و بعد از رمضان هم نمی‌تواند قضای آن را به‌جا آورد. (۴)

مواردی که باید قضای روزه را به‌جا آورد و برای هر یک روز یک مد طعام به فقیر بدهد:

۱- به واسطه عذری روزه نگرفته و بعد از ماه رمضان عذر برطرف شده و تا رمضان سال بعد عمداً قضای آن را به‌جا نیاورده است.

(۵)

۲- به واسطه عذری روزه نگرفته و بعد از رمضان عذر او برطرف

۱- العروة الوثقی، ج ۲، ص ۳۹۰، م ۳.

۲- همان، م ۱۶۵۹.

۳- توضیح المسائل، م ۱۷۰۳ و ۱۷۰۷.

۴- توضیح المسائل، م ۱۷۲۶.

۵- توضیح المسائل، م ۱۷۰۵.

ص: ۱۴۸

- شده و تا چند سال قضای آن را تأخیر انداخته (قضا و یک کفاره ۱۰ سیری)، کفاره تکرار نمی‌شود. (۱)
- ۳- موقعی که عذر دارد، تصمیم او بر این است که بعد از برطرف شدن عذر، قضای روزه را به جا آورد و عذر برطرف شد و پیش از آن که قضا کند در تنگی وقت عذری برایش پیدا شود، قضای آن واجب و یک مد طعام احتیاط واجب است. (۲)
- ۴- در قضای روزه کوتاهی کند و وقت تنگ شود و در تنگی وقت عذری برایش پیش آید. (۳)

احکام قضا و کفاره روزه

- ۱- لازم نیست قضای روزه را فوراً به جا آورد، ولی بنا بر احتیاط واجب باید تا رمضان سال بعد انجام دهد. (۴)
- ۲- اگر چند ماه رمضان روزه قضا دارد، هر کدام را اول بگیرد اشکال ندارد، ولی اگر وقت قضای روزه آخرین ماه رمضان تنگ است؛ مثلاً ده روز از رمضان آخر، قضا دارد و ده روز به رمضان مانده است، باید اول قضای آن را بگیرد. (۵)
- ۳- انسان نباید در انجام کفاره کوتاهی کند، ولی لازم نیست، فوراً

۱- توضیح المسائل، م ۱۷۰۹.

۲- توضیح المسائل، م ۱۷۰۶.

۳- توضیح المسائل، م ۱۷۰۶.

۴- العروة الوثقی، ج ۲، ص ۲۳۰، م ۷ و تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۲۹۸، م ۴.

۵- توضیح المسائل، م ۱۶۹۸.

ص: ۱۴۹

آن را انجام دهد. (۱)

۴- اگر کفاره بر انسان واجب شود، چند سال بر آن بگذرد و به جا نیاورد، چیزی بر آن اضافه نمی‌شود. (۲)

۵- اگر به سبب عذری مانند سفر، روزه نگرفته و پس از رمضان عذر او بر طرف شود و تا رمضان سال بعد، عمداً قضای آن را به جا نیاورد، باید علاوه بر قضا، برای هر روز یک مُدّ طعام به فقیر بدهد. (۳)

۶- کسی که قضای روزه رمضان را گرفته، (۴) اگر بعد از ظهر عمداً آن را باطل کند، باید به ده فقیر، هر کدام یک مُدّ طعام بدهد. و اگر نمی‌تواند طعام بدهد، بنا بر احتیاط واجب باید سه روز پی در پی روزه بگیرد. (۵)

روزه مسافر

اشاره

مسافری که باید نمازهای چهار رکعتی را در سفر، دو رکعت بخواند، نباید در آن سفر روزه بگیرد ولی باید قضای آن را به جا آورد و مسافری که نمازش را تمام می‌خواند؛ مثل (۶) کسی که شغل او سفر

۱- توضیح المسائل، م ۱۶۸۴.

۲- توضیح المسائل، م ۱۶۸۵.

۳- توضیح المسائل، م ۱۷۰۵.

۴- آیه‌الله زنجانی: کسی که قضای روزه ماه رمضان را گرفته، اگر از شب نیت روزه کرده و پیش از ظهر عمداً کاری که روزه را باطل می‌کند انجام دهد نیز باید همین مقدار کفاره بدهد.

۵- توضیح المسائل، م ۱۶۸۷.

۶- آیه‌الله زنجانی، آیه‌الله صانعی: مثل کسی که زیاد مسافرت می‌کند یا سفر او معصیت است باید در سفر روزه بگیرد.

ص: ۱۵۰

است، باید در سفر روزه بگیرد. (۱)

احکام روزه مسافر:

به سفر رفتن:

از سفر برگشتن:

۱- قبل از ظهر به مسافرت می‌رود: وقتی به حد ترخص رسید، (۲) باید روزه‌اش را باطل کند و اگر قبل از آن روزه را باطل کند، به احتیاط واجب باید کفاره بدهد.

۲- بعد از ظهر به مسافرت می‌رود: روزه‌اش صحیح است و نباید آنرا باطل کند.

۱- قبل از ظهر به وطن یا جایی که بنا دارد ده روز بماند

الف: کاری که روزه را باطل می‌کند، انجام نداده است: باید روزه آن روز را تمام کند و صحیح است.

ب: روزه را باطل کرده است: روزه آن روز بر او واجب نیست و باید قضای آن را بجا آورد.

۲- بعد از ظهر برسد: روزه‌اش باطل است و باید قضای آن را بجا آورد. (۳)

۱- توضیح المسائل، م ۱۷۱۴- توضیح المسائل، م ۱۷۱۴.

۲- آیه الله خویی، آیه الله تبریزی: در صورتی که از شب نیت سفر داشته باشد روزه‌اش باطل می‌شود و الا بنا بر احتیاط واجب روزه را تمام کند و بعداً قضا لازم نیست و اگر پیش از رسیدن به حد ترخص روزه را باطل کند کفاره بر او واجب است.

آیه الله صافی: باید نیت روزه نداشته باشد و اگر شب قصد سفر نکرده باشد احتیاط مستحب اتمام روزه و قضای آن است.

آیه الله خویی: در صورتی که از شب نیت سفر داشته باشد روزه‌اش باطل می‌شود و الا بنا بر احتیاط واجب روزه را تمام و بعداً قضا کند و اگر پیش از رسیدن به حد ترخص روزه را باطل کند کفاره بر او واجب است.

۳- توضیح المسائل. م ۱۷۱۴- ۱۷۲۱- ۱۷۲۲- ۱۷۲۳.

ص: ۱۵۱

مسأله: مسافرت در ماه رمضان اشکال ندارد، ولی اگر برای فرار از روزه باشد مکروه است. (۱)

نماز مسافر

پس از بیان احکام روزه مسافر مناسب است تعدادی از مسائل نماز مسافر که مورد نیاز زائران بیت الله الحرام می‌باشد، یادآور شویم:

- ۱- اگر مدت اقامت زائران در مدینه منوره ده روز یا بیشتر باشد باید نماز را تمام بخوانند هر چند در بین ده روز به مسجد قبا، قبلتین، مساجد خندق یا به زیارت شهدای احد بروند، چون به سبب توسعه شهر، این اماکن به شهر متصل شده است.
- ۲- زائرانی که در ماه رمضان، در مکه مکرمه قصد ماندن ده روز دارند، باید نماز را تمام بخوانند و روزه صحیح است و رفتن به عرفات و مشعرالحرام و منی، چون به حد مسافت نیست، هر چند عرفات خارج از ترخص است ولی چون قصد توقف زیاد در آنجا را ندارد و معمولاً در سفر عمره توقفشان در عرفات زیاد طول نمی‌کشد، ضرری به قصد ده روز ندارد.
- ۳- برادرانی که برای انجام کار خود، زیاد به مدینه یا جدّه یا بیرون شهر مدینه یا مکه- در مسافت چهار فرسخ یا بیشتر- تردد دارند، ولی

ص: ۱۵۲

سفر برای آنها شغل نمی‌باشد نمازشان در سفر شکسته و روزه باطل است. (۱)

۴- مسافری که نمازش شکسته است در اماکن زیر می‌تواند نماز را تمام یا شکسته بخواند ولی نمی‌تواند روزه بگیرد.

مسجد الحرام، مسجد النبی صلی الله علیه و آله، مسجد کوفه، حرم امام حسین علیه السلام (۲)

۵- حکم مسأله قبل اختصاص به مسجد قدیم ندارد، بلکه در قسمتهای توسعه یافته جدید هم مسافر می‌تواند نماز را تمام یا شکسته بخواند.

راههای ثابت شدن اول ماه

۱- خود انسان ماه را ببیند.

۱- آیات عظام اراکی، خامنه‌ای، تبریزی، بهجت، زنجانی، مکارم، صانعی، سیستانی، صافی: چنین افرادی در غیر سفر اول باید نماز را تمام بخوانند و روزه نیز صحیح است.

۲- آیه الله اراکی، آیه الله بهجت: اگر بخواهد در جایی که اول جزء مسجد نبوده و عبد اضافه شده نماز بخواند احتیاط آن است که شکسته بخواند.

آیات عظام گلپایگانی، خامنه‌ای، فاضل، مکارم، صافی، سیستانی: بلکه در تمام دو شهر مکه و مدینه هم می‌تواند نماز را تمام بخواند.

آیه الله خویی، آیه الله تبریزی: در دو شهر قدیمی مکه و مدینه می‌تواند تمام بخواند.

آیه الله زنجانی: در شهرهای مکه و مدینه و نجف (یا کوفه) و کربلا تأکید بسیار شده که قصد اقامت ده روز کرده و نماز را تمام بخوانند ولی تا قصد اقامه نکرده، ظاهراً مانند سایر شهرها باید نماز را شکسته بخوانند.

ص: ۱۵۳

۲- عده‌ای که از گفته آنان یقین (۱) پیدا می‌شود بگویند ماه را دیده‌ایم و همچنین است هر چیزی که بواسطه آن یقین پیدا شود.

۳- دو مرد عادل بگویند که در شب ماه را دیده‌ایم.

۴- سی روز از اول شعبان بگذرد، اول رمضان ثابت می‌شود و سی روز از اول رمضان بگذرد اول شوال ثابت می‌شود.

۵- حاکم شرع حکم کند که اول ماه است. (۲)

چند مسأله:

۱- اول ماه با پیشگویی منجمان ثابت نمی‌شود ولی اگر انسان از گفته آنان یقین پیدا کند باید به آن عمل نماید. (۳)

۲- بلند بودن ماه یا دیر غروب کردن آن، دلیل نمی‌شود که شب پیش، شب اول ماه بوده است. (۴)

۳- اگر در شهری، اول ماه ثابت شود، برای مردم شهر دیگر فایده ندارد؛ (۵) مگر آن دو شهر به هم نزدیک باشند یا انسان بدانند که افق

۱- آیات عظام: گلپایگانی، خوبی، صافی، تبریزی، سیستانی، بهجت، زنجانی: یا اطمینان پیدا می‌شود.

۲- توضیح المسائل، م ۱۷۳۰.

۳- توضیح المسائل، م ۱۷۳۲.

۴- توضیح المسائل، م ۱۷۳۳.

۵- آیات عظام: خوبی، تبریزی، نوری: در شهرهای دیگر چه دور باشند چه نزدیک چه در افق متحد باشند یا نه ثابت می‌شود نوری همین قدر که در شب بودن آن مثل مکه و کراچی یا لندن و کابل که مثل تهران و واشنگتن اشتراک داشته باشند ثابت می‌شود.

ص: ۱۵۴

آنها یکی است. (۱)

۴- روزی را که انسان نمی‌داند آخر رمضان است یا اول شوال، باید روزه بگیرد، ولی اگر پیش از مغرب بفهمد که اول شوال است باید افطار کند. (۲)

۵- اگر حاکم شرع حکم کند که اول ماه است، کسی هم که از او تقلید نمی‌کند باید به حکم او عمل کند (۳) ولی کسی که می‌داند حاکم شرع اشتباه کرده است نمی‌تواند به حکم او عمل کند. (۴)

اعتكاف

اشاره

اعتكاف

یکی از کارهای مستحب، اعتکاف است و اعتکاف عبارت است از ماندن در مسجد با شرایطی که خواهد آمد. (۵) چون برخی از زائران عزیز در ماه مبارک رمضان، مایل به اعتکاف در مسجد الحرام می‌باشند خلاصه‌ای از احکام آن را در اینجا می‌آوریم ولی یادآوری می‌کنیم که هرگز بدون هماهنگی با مسؤولان و روحانی کاروان، معتکف نشوند.

شرایط اعتکاف

اشاره

- ۱- معتکف عاقل باشد، پس اعتکاف از دیوانه صحیح نیست.
- ۲- نیت، با قصد قربت و اخلاص در مسجد بماند.
- ۳- روزه گرفتن، مدتی که در مسجد است باید روزه‌دار باشد، پس

- ۱- توضیح المسائل، م ۱۷۳۵.
- ۲- توضیح المسائل، م ۱۷۳۷.
- ۳- آیه الله خویی، آیه الله سیستانی: اول ماه به حکم حاکم شرع ثابت نمی‌شود و رعایت احتیاط اولی است. آیه الله زنجانی: ثبوت ماه به حکم حاکم محل اشکال است، بلی اگر موجب اطمینان باشد کافی است.
- ۴- توضیح المسائل، م ۱۷۳۱.
- ۵- تحریر الوسیله، ج ۱، کتاب صوم، خاتمه فی الاعتکاف، ص ۳۰۴.

ص: ۱۵۶

کسی که نمی‌تواند روزه بگیرد یا می‌تواند روزه بگیرد ولی روزه نگیرد اعتکاف او صحیح نیست.

۴- از سه روز کمتر نباشد، حداقل اعتکاف سه روز است ولی در زیاده حدی ندارد.

۵- در یکی از این مساجد معتکف شود:

مسجد الحرام، مسجد النبی صلی الله علیه و آله، مسجد کوفه، مسجد بصره

و در غیر این چهار مسجد، تنها در مسجد جامع هر شهر، (۱) به قصد رجاء مانع ندارد. و در سایر مساجد جایز نیست.

۶- اجازه گرفتن از کسی که اجازه او لازم است، مثل اجازه زن از شوهر خویش در صورتی که اعتکاف موجب از بین رفتن حق او باشد (بنابر احتیاط واجب اجازه او لازم است) و اجازه فرزند از والدین، در صورتی که اعتکاف او موجب اذیت و آزار آنها باشد.

۷- ماندن در مسجد و بیرون نرفتن از آن در مدت اعتکاف (۲)

شرایط اعتکاف

۱- معتکف عاقل باشد، پس اعتکاف از دیوانه صحیح نیست.

۲- نیت، با قصد قربت و اخلاص در مسجد بماند.

۳- روزه گرفتن، مدتی که در مسجد است باید روزه‌دار باشد، پس

کسی که نمی‌تواند روزه بگیرد یا می‌تواند روزه بگیرد ولی روزه نگیرد اعتکاف او صحیح نیست.

۴- از سه روز کمتر نباشد، حداقل اعتکاف سه روز است ولی در زیاده حدی ندارد.

۵- در یکی از این مساجد معتکف شود:

مسجد الحرام، مسجد النبی صلی الله علیه و آله، مسجد کوفه، مسجد بصره

و در غیر این چهار مسجد، تنها در مسجد جامع هر شهر، (۳) به قصد رجاء مانع ندارد. و در سایر مساجد جایز نیست.

۶- اجازه گرفتن از کسی که اجازه او لازم است، مثل اجازه زن از شوهر خویش در صورتی که اعتکاف موجب از بین رفتن حق او باشد (بنابر احتیاط واجب اجازه او لازم است) و اجازه فرزند از والدین، در صورتی که اعتکاف او موجب اذیت و آزار آنها باشد.

۷- ماندن در مسجد و بیرون نرفتن از آن در مدت اعتکاف (۴)

احکام اعتکاف

۱- نیت اعتکاف باید از اذان صبح که آغاز روزه است باشد، بنابراین کسی که دیرتر از آن وقت به مسجد برسد، آن روز نمی‌تواند

۱- آیات عظام، خوبی، گلپایگانی، اراکی، فاضل، نوری، سیستانی، مکارم: اعتکاف در مسجد جامع شهر نیز کافی است

۲- تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۰۴، القول فی شروطه.

۳- آیات عظام، خوبی، گلپایگانی، اراکی، فاضل، نوری، سیستانی، مکارم: اعتکاف در مسجد جامع شهر نیز کافی است.

۴- تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۰۴، القول فی شروطه.

ص: ۱۵۷

اعتکاف را شروع کند. (۱)

۲- روزه در اعتکاف لازم نیست برای اعتکاف باشد، بلکه می‌تواند روزه ماه رمضان، قضای آن، یا روزه نذری باشد. (۲)

۳- قطع و رها کردن اعتکاف مستحبی، در روزهای اول و دوم جایز است ولی پس از تمام شدن دو روز، ماندن روز سوم واجب می‌شود و قطع اعتکاف جایز نیست. (۳)

۴- اگر عمداً و با اختیار از مسجد خارج شود، اعتکاف باطل می‌شود، هر چند جاهل به حکم باشد ولی از روی ضرورت چه ضرورت عقلی یا شرعی یا عرفی باشد خارج شدن از مسجد اشکال ندارد مانند این موارد:

* برای قضای حاجت (تخلی)

* انجام غسل جنابت

* اقامه شهادت (شهادت دادن در دادگاه)

* عیادت مریض

* تشییع جنازه

* بدرقه مسافر

* استقبال کسی که از سفر برمی‌گردد

اگر به خاطر ضرورت از مسجد بیرون رود، بنابر احتیاط واجب باید

۱- همان- الثانی.

۲- تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۰۵، الثالث.

۳- تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۰۶، م ۳.

ص: ۱۵۸

نزدیکترین راه را انتخاب کند و بیش از مقدار نیاز بیرون مسجد نماند و ننشیند و زیر سایه حرکت نکند و در صورت امکان نباید زیر سایه بنشیند. (۱)

محرّمات اعتكاف

انسان در حال اعتكاف از این کارها باید پرهیز کند:

- ۱- امور جنسی و شهوت‌آمیز؛ مانند بوسه، لمس، آمیزش
- ۲- استمنا (بنابر احتیاط واجب)
- ۳- بوییدن چیزهای خوشبو و عطریات حتی گیاهان خوشبو، همراه با لذت. (۲)
- ۴- خرید و فروش
- ۵- سایر انواع تجارت؛ مثل صلح و اجاره و غیر اینها (بنابر احتیاط واجب)
- ۶- جدال در امور دینی و دنیوی برای غلبه بر دیگری و اظهار فضل و برتری بر او. (۳)

زکات فطره

پس از پایان یافتن ماه مبارک رمضان؛ یعنی در شب عید فطر، افرادی که دارای شرایط باشند، باید زکاتی بپردازند که مقدار و مواد مصرف آن خواهد آمد. این زکات بنام زکات فطره خوانده می‌شود.

کسی که در شب عید فطر دارای این شرایط باشد زکات فطره بر او واجب است:

- ۱- بالغ باشد. ۲- عاقل باشد. ۳- بنده کسی نباشد. ۴- فقیر نباشد. (۴)

فردی که دارای شرایط فوق باشد باید زکات خود و کسانی که در مغرب شب عید فطر نان‌خور او هستند را بپردازد، کوچک باشند یا بزرگ، مسلمان باشند یا کافر، خرج آنان بر او واجب باشد یا نه، در شهر خود او باشند یا در شهر دیگر (یعنی حتی اگر فرزند کوچک او که

۱- تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۰۶ السابع و ص ۳۰۷، م ۹.

۲- آیه الله مکارم، آیه الله نوری: هر چند برای لذت نباشد حرام است؛ مثلاً برای امتحان ببوید.

آیه الله گلپایگانی: بدون قصد لذت بردن نیز بنابر احتیاط واجب جایز نیست.

۳- تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۰۹.

۴- توضیح المسائل، م ۱۹۹۱.

ص: ۱۶۰

نان خور اوست به مسافرت رفته باشد باید زکات او را بدهد) و همچنین مهمانی که با رضایت او پیش از غروب شب عید فطر وارد خانه‌اش شده باشد، (۱) باید زکات او را بدهد. (۲)

مقدار زکات فطره: هر نفری یک صاع که تقریباً ۳ کیلو است. (۳)

جنس زکات فطره: گندم یا جو یا خرما یا کشمش یا برنج یا ذرت و مانند اینها. (۴)

وقت وجوب زکات فطره: شب عید فطر. (۵)

وقت پرداخت زکات فطره: از شب عید تا ظهر روز عید فطر و بهتر آن است که در روز عید بدهد و اگر نماز عید می‌خواند بنا بر احتیاط واجب قبل از نماز عید پردازد. (۶)

مصرف زکات فطره: همان مصرف زکات مال است، گرچه احتیاط مستحب آنست که فقط به فقرا و مؤمن و اطفال آنها و به مساکین بدهد. (۷)

احکام زکات فطره

۱- کسی که مخارج سال خود و اهل و عیالش را ندارد و کسی هم ندارد که بتواند مخارج سال خود و اهل و عیالش را بگذراند فقیر است و دادن زکات فطره بر او واجب نیست. (۸)

۲- فطره مهمانی که پیش از غروب شب عید فطر، بدون رضایت صاحبخانه وارد می‌شود در»

(۹) صورتی که نان خور او حساب شود، واجب است و همچنین است فطره کسی که انسان را مجبور کرده‌اند که خرجی او را بدهد. (۱۰)

۱- آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: در صورتی که بگویند امشب نان او را داده واجب است زکات فطره او را پرداخت کند هر چند نان خور او حساب نشود.

۲- توضیح المسائل، م ۱۹۹۱ و ۱۹۹۵.

آیه الله مکارم: اما اگر فقط برای شب عید دعوت شده فطره او بر میزبان واجب نیست.

۳- توضیح المسائل، م ۱۹۹۱.

۴- همان.

۵- تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۴۸.

۶- تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۴۸؛ توضیح المسائل، م ۲۰۲۹.

۷- توضیح المسائل، م ۲۰۱۴.

۸- توضیح المسائل، م ۱۹۹۲.

۹- آیه الله مکارم: بنا بر احتیاط واجب فطره او را بدهد.

آیات عظام صافی، سیستانی، گلپایگانی: و مدتی نزد او می‌ماند بنا بر احتیاط واجب است.

آیه الله خویی: و مدتی نزد او می‌ماند محل اشکال است بلکه اظهار عدم وجوب است اگر چه بهتر دادن زکات است.

آیه الله فاضل: و مدتی نزد او می‌ماند در صورتی که نان خور او حساب شود بنا بر احتیاط واجب است.

آیه الله تبریزی: و مدتی نزد او می ماند محل اشکال است اگر چه احوط دادن زکات فطره او است.

۱۰- توضیح المسائل، م ۱۹۹۶

آیه الله بهجت: فطره کسی که پیش از برآمدن هلال ماه شوال مهمان شخص دیگری شده است بر میزبان واجب است به شرط آن که برای خوردن غذا به منزل او آمده باشد ولی بعداً مانعی پیش آید که نتواند غذا صرف کند.

ص: ۱۶۲

- ۳- فطره مهمانی که بعد از غروب شب عید فطر وارد می‌شود، (۱) بر صاحبخانه واجب نیست، اگر چه پیش از غروب او را دعوت کرده باشد و در خانه او هم افطار کند. (۲)
- ۴- کسی که دیگری باید فطره او را بدهد واجب نیست فطره خود را بدهد. (۳)
- ۵- اگر فطره انسان بر کسی واجب باشد و او فطره را ندهد بر خودش (۴) واجب نمی‌شود. (۵)
- ۶- کسی که سید نیست نمی‌تواند به سید فطره بدهد، حتی اگر سیدی نان‌خور او باشد نمی‌تواند فطره او را به سید دیگر بدهد. (۶)
- ۷- فقیری که فطره به او می‌دهند لازم نیست عادل باشد ولی

- ۱- آیه الله خویی، آیه الله تبریزی: در صورتی که ناخور او حساب شود بنا بر احتیاط واجب است و الا واجب نیست اگر چه پیش از غروب او را دعوت کرده باشد و در خانه او افطار کند.
- ۲- توضیح المسائل، م ۱۹۹۷
- آیه الله مکارم: اگر میهمان قبل از غروب آفتاب و فقط برای شب عید دعوت شده باشد فطره او بر میزبان واجب نیست.
- ۳- توضیح المسائل، م ۲۰۰۵.
- ۴- آیه الله سیستانی، آیه الله مکارم: بنا بر احتیاط، واجب می‌شود.
- ۵- توضیح المسائل، م ۲۰۰۶.
- ۶- توضیح المسائل، م ۲۰۰۹.

ص: ۱۶۳

- احتیاط واجب آن است که به شرابخوار (۱) و کسی که آشکارا معصیت کبیره می‌کند فطره ندهند. (۲)
- ۸- به کسی که فطره را در معصیت مصرف می‌کند نباید فطره بدهند. (۳)
- ۹- احتیاط (۴) واجب آن است که به یک فقیر بیش از مخارج سالش و کمتر از یک صاع فطره ندهند. (۵)
- ۱۰- اگر فطره را کنار بگذارد، نمی‌تواند آن را برای خودش بردارد و مالی دیگر را برای فطره بگذارد. (۶)
- ۱۱- اگر در محل خودش مستحق پیدا شود (۷) احتیاط واجب آنست که فطره را به جای دیگر نبرد و اگر به جای دیگر ببرد و تلف شود باید عوض آن را بدهد. (۸)

- ۱- یات عظام فاضل، گلپایگانی، صافی: و به کسی که معصیت می‌کند فطره ندهند.
- ۲- توضیح المسائل، م ۲۰۱۶
- آیه الله بهجت: به کسی که معصیت کبیره و اموری که در اسلام منکر و قبیح هست مرتکب می‌شود خصوصاً کسی که آشکارا معصیت انجام می‌دهد بنابر احتیاط واجب نباید زکات بدهند مگر به قدر ضروریات او و خانواده‌اش.
- ۳- توضیح المسائل، م ۲۰۱۷.
- ۴- آیه الله سیستانی: احتیاط مستحب است.
- ۵- توضیح المسائل، م ۲۰۱۸.
- ۶- توضیح المسائل، م ۲۰۳۲.
- ۷- آیه الله اراکی: می‌تواند آن را به جای دیگر ببرد اگر چه احتیاط مستحب آن است که به جای دیگر نبرد.
- ۸- توضیح المسائل، م ۲۰۳۵.

ص: ۱۶۴

بسم الله الرحمن الرحيم

محضر مبارک حضرت آیه الله العظمی خامنه‌ای - مدّ ظلّه العالی

با عرض سلام و تحیت، در آستانه ماه شریف و مبارک رمضان و با توجّه به توسعه شهرها و عدم امکان تشخیص دقیق لحظه طلوع فجر خواهشمند است نظر شریف خود را در مورد زمان امساک برای روزه و اقامه نماز صبح اعلام فرمایند. خداوند سایه پربرکت آن زعیم عالیمقام را تا ظهور ولی عصر (عج) بر سر مسلمانان مستدام فرماید.

مصلاى امام خمینی طهران

بسمه تعالی

مقتضی است مؤمنین محترم ایدهم الله تعالی جهت رعایت احتیاط در مورد امساک روزه و وقت نماز صبح همزمان با شروع اذان صبح اعلامی از رسانه‌ها برای روزه امساک نمایند و حدود پنج الی شش دقیقه بعد از اذان شروع به ادای فریضه صبح نمایند.

بخش چهارم ادعیه و آداب

اشاره

در تهیه این توشه از کتابهای زیر استفاده شده است:

۱- ره توشه راهیان نور، ویژه ماه مبارک رمضان، ۱۴۱۸ هـ.

ق. / ۱۳۷۶ هـ. ش. دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم. معاونت آموزش مبلغین (طرح هجرت).

۲- ره توشه راهیان نور، ویژه ماه مبارک رمضان (۱۴۱۷ ق، ۱۳۷۶ ش). دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، معاونت آموزش مبلغین (طرح هجرت).

۳- خطّ سبز سلوک، استاد جواد محدّثی، انتشارات نصر، چاپ اوّل ۱۳۷۶.

۴- روایت انقلاب، ج ۱، استاد جواد محدّثی، انتشارات امیر کبیر، چاپ سوّم ۱۳۷۱.

۵- روایت انقلاب ج ۲، استاد جواد محدّثی، انتشارات تربیت، چاپ دوّم، ۱۳۷۶.

۶- یاد ایام، ج ۲، معاونت فرهنگی شورای سیاستگذاری ائمه جمعه، ناشر شورای سیاستگذاری ائمه جمعه، چاپ اوّل، ۱۳۷۵.

۷- صلح امام حسن علیه السلام، شیخ راضی آل یاسین، ترجمه رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیه الله خامنه‌ای، انتشارات آسیا، چاپ اوّل، ۱۳۴۸.

۸- تاریخ و آثار اسلامی مکه مکرمه و مدینه منوره، اصغر قائدان،

ص: ۱۶۷

نشر مشعر، چاپ دوم، ۱۳۷۴.

۹- فراهایی از تاریخ پیامبر اسلام. آیه الله جعفر سبحانی، نشر مشعر.

۱۰- آموزش فقه، محمد حسین فلاح‌زاده، دفتر نشر الهادی، چاپ پنجم، ۱۳۷۷.

۱۱- مفاتیح الجنان، ترجمه استاد حاج سید هاشم رسولی محلاتی، انتشارات کتابخانه صدر، چاپ دوم، ۱۳۷۶.

اعمال مشترک ماه رمضان

ادعیه و اعمالی که در تمام ماه رمضان مستحب است:

اعمال مشترک ماه رمضان (۱)

ادعیه و اعمالی که در تمام ماه رمضان مستحب است:

۱- بهترین اعمال در ماه مبارک رمضان، خواندن قرآن است و در حدیث است که هر چیزی را بهاری است و بهار قرآن ماه رمضان است، چه اینکه قرآن در این ماه نازل شده و روایت شده است که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام قبل از شروع به تلاوت قرآن این دعا را می‌خواند.

اللَّهُمَّ اِنِّي اشْهَدُ اَنَّ هَذَا كِتَابُكَ الْمُنَزَّلُ مِنْ عِنْدِكَ عَلَى رَسُولِكَ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَكَلَامُكَ النَّاطِقُ عَلَى لِسَانِ نَبِيِّكَ جَعَلْتَهُ هَادِيًا مِنْكَ اِلَى خَلْقِكَ وَحَبْلًا مُتَّصًا لِمَا فِيمَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ عِبَادِكَ اللَّهُمَّ اِنِّي نَشَرْتُ عَهْدَكَ وَكِتَابَكَ اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ نَظْرِي فِيهِ عِبَادَةً وَقِرَاتِي فِيهِ فِكْرًا وَفِكْرِي فِيهِ اِعْتِبَارًا وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ اَتَّعَظَ بِبَيَانِ مَوَاعِظِكَ فِيهِ وَاجْتَنَبَ مَعَاصِيكَ وَلَا

۱- مطالب بخش سوم از کتاب شریف مفاتیح الجنان، حاج شیخ عباس قمی گرفته شده است.

ص: ۱۶۸

تَطْبَعُ عِنْدَ قِرَائَتِي عَلَى سَمْعِي وَلَا تَجْعَلْ عَلَيَّ بَصِيرِي غِشَاوَةً وَلَا تَجْعَلْ قِرَائَتِي قِرَاءَةً لَا تَدْبُرُ فِيهَا بَلٍ اجْعَلْنِي اتَدَبَّرُ آيَاتِهِ وَاحْكَامَهُ آخِذًا بِشَرَائِعِ دِينِكَ وَلَا تَجْعَلْ نَظْرِي فِيهِ غَفْلَةً وَلَا قِرَائَتِي هَذَا أَنْتَ الرَّؤُوفُ الرَّحِيمُ.

و بعد از قرائت قرآن مجید این دعا را می‌خواند:

اللَّهُمَّ أَنِّي قَدْ قَرَأْتُ مَا قَضَيْتَ مِنْ كِتَابِكَ الَّذِي أَنْزَلْتَهُ عَلَيَّ نَبِيِّكَ الصَّادِقِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَالْحَمْدُ رَبَّنَا اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِمَّنْ يُحِلُّ حَلَالَهُ وَيُحَرِّمُ حَرَامَهُ وَيُؤْمِنُ بِمُحْكَمِهِ وَمُتَشَابِهِهِ وَاجْعَلْهُ لِي أَنْسًا فِي قَبْرِي وَأَنْسًا فِي حَشْرِي وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ تُزْقِيهِ بِكُلِّ آيَةٍ قَرَأَهَا دَرَجَةً فِي أَعْلَى عِلِّيِّينَ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ.

۲- خواندن دعای حج که حضرت صادق علیه السلام در ماه رمضان می‌خواند و آن دعا این است:

اللَّهُمَّ أَنِّي بِبِكَ وَمِنْكَ أَطْلُبُ حَاجَتِي وَمَنْ طَلَبَ حَاجَتَهُ إِلَى النَّاسِ فَأَنِّي لَا أَطْلُبُ حَاجَتِي إِلَّا مِنْكَ وَخِذْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ وَإِسْمُكَ بِفَضْلِكَ وَرِضْوَانِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآهِلِ بَيْتِهِ وَأَنْ تَجْعَلَ لِي فِي عَامِي هَذَا إِلَى بَيْتِكَ الْحَرَامِ سَبِيلًا حَجَّةً مَبْرُورَةً مُتَقَبَّلَةً زَكِيَّةً خَالِصَةً لَكَ تَقَرُّ بِهَا عَيْنِي وَتَرْفَعُ بِهَا

ص: ۱۶۹

دَرَجَتِي وَتَرْزُقَنِي اِنْ اَعْصَيْتَ بِصَيْرِي وَاِنْ اَحْفَظْتَ فَوْجِي وَاِنْ اَكْفَيْتَ بِهَا عَنْ جَمِيعِ مَحَارِمِكَ حَتَّى لَا يَكُونَ شَيْءٌ آتَرَ عِنْدِي مِنْ طَاعَتِكَ وَحَسْبَتِكَ وَالْعَمَلِ بِمَا احْبَبْتَ وَالتَّوَكُّلِ لِمَا كَرِهْتَ وَنَهَيْتَ عَنْهُ وَاَجْعَلْ ذَلِكَ فِي يُسْرٍ وَيَسَارٍ وَعَافِيَةٍ وَمَا اَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ وَاَسْئَلُكَ اَنْ تَجْعَلَ وَفَاتِي قَتْلًا فِي سَبِيلِكَ تَحْتَ رَايَةِ نَبِيِّكَ مَعَ اَوْلِيَائِكَ وَاَسْئَلُكَ اَنْ تَقْتَلَ بِي اَعْدَاءَكَ وَاَعْدَاءَ رَسُوْلِكَ وَاَسْئَلُكَ اَنْ تُكْرِمَنِي بِهَوَانٍ مَنْ شِئْتَ مِنْ خَلْقِكَ وَلَا تُهْنِي بِكَرَامَةٍ اَحَدٍ مِنْ اَوْلِيَائِكَ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ لِي مَعَ الرَّسُوْلِ سَبِيْلًا حَسْبِي اَللّٰهُ مَا شَاءَ اَللّٰهُ.

دعاهایی که پس از نمازهای واجب خوانده می‌شود

۱- دعایی که از امام جعفر صادق و امام موسی کاظم علیهما السلام روایت شده است:

اَللّٰهُمَّ اَرْزُقْنِي حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ، فِي عَامِي هَذَا وَفِي كُلِّ عَامٍ، مَا ابْتَيْتَنِي فِي يُسْرٍ مِنْكَ وَعَافِيَةٍ وَسَعَةِ رِزْقٍ وَلَا تُخْلِنِي مِنْ تِلْكَ الْمَوَاقِفِ الْكَرِيْمَةِ وَالْمَشَاهِدِ الشَّرِيْفَةِ وَزِيَارَةِ قَبْرِ نَبِيِّكَ صِلْ مَوَاتِكَ عَلَيَّ وَ اِلَهِي وَفِي جَمِيعِ حَوَاطِجِ الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ فَكُنْ لِي اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ فِيْمَا تَقْضِي وَتُقَدِّرُ مِنَ الْاَمْرِ الْمَحْتُوْمِ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ مِنَ الْقَضَاءِ الَّذِي لَا يَرُدُّ وَلَا يُبَدَّلُ اِنْ تَكْتَبْنِي مِنْ

ص: ۱۷۰

حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ، الْمُبْرُورِ حُجُّهُمْ، الْمَشْكُورِ سَيِّئُهُمْ، الْمَغْفُورِ ذُنُوبُهُمْ، الْمُكْفَرِ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَاجْعَلْ فِيمَا تَقْضِي وَتَقْدِرُ أَنْ تُطِيلَ عُمْرِي وَتُوسِّعَ عَلَيَّ رِزْقِي وَتُوَدِّدَ عَنِّي أَمَانَتِي وَدِينِي آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ.

۲- دعای معروف:

يَا عَلِيُّ يَا عَظِيمُ يَا غَفُورُ يَا رَحِيمُ أَنْتَ الرَّبُّ الْعَظِيمُ الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ وَهَذَا شَهْرُ عَظَمَتِهِ وَكَرَمَتِهِ وَشَرَفَتِهِ وَفَضْلَتِهِ عَلَيَّ الشُّهُورِ وَهُوَ الشَّهْرُ الَّذِي فَرَضْتَ صِيَامَهُ عَلَيَّ وَهُوَ شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْآنَ هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ وَجَعَلْتَ فِيهِ لَيْلَةَ الْقَدْرِ وَجَعَلْتَهَا خَيْرًا مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ فَيَا ذَا الْمَنْ وَلا يَمُنُّ عَلَيْكَ مَنْ عَلَيَّ بِفِكَاكِ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ فَيَمُنُّ تَمُنُّ عَلَيْهِ وَادْخِلْنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

۳- دعایی که از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است:

اللَّهُمَّ ادْخِلْ عَلَيَّ أَهْلَ الْقُبُورِ السُّرُورَ اللَّهُمَّ اغْنِ كُلَّ فَقِيرٍ اللَّهُمَّ اشْبِعْ كُلَّ جَائِعٍ اللَّهُمَّ اكْسُ كُلَّ عَزِيانٍ اللَّهُمَّ اقْضِ دَيْنَ كُلِّ مَدِينٍ اللَّهُمَّ فَرِّجْ عَنِّي كُلَّ مَكْرُوبٍ اللَّهُمَّ رُدِّ كُلَّ غَرِيبٍ اللَّهُمَّ فَكِّ كُلَّ اسِيرٍ اللَّهُمَّ اصْلِحْ كُلَّ فَاسِدٍ مِنْ أُمُورِ

ص: ۱۷۱

الْمُسْلِمِينَ اللَّهُمَّ اشْفِ كُلَّ مَرِيضٍ اللَّهُمَّ سُدِّ فَقْرُنَا بِغِنَاكَ اللَّهُمَّ غَيِّرْ سُوءَ حَالِنَا بِحُسْنِ حَالِكَ اللَّهُمَّ أَفْضِ عَنَّا الدَّيْنَ وَاعْنِنَا مِنَ الْفَقْرِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

اعمال شبهای ماه رمضان

اعمال مشترک شبهای ماه رمضان:

۱- آنکه افطار کردن با چیز پاکیزه از حرام و شُبّهات و بهتر آنست که به خرمای حلال افطار کند تا ثواب نمازش چهارصد برابر گردد و به خرما و آب و به رطب و به شیر و به حلوا و به نبات و به آب گرم به هر کدام که افطار کند نیز خوبست.

۲- در وقت افطار دعاهایی که از معصومین علیهم السلام رسیده است بخواند و از جمله آنهاست این دعا:
اللَّهُمَّ لَكَ صُومْتُ وَعَلَى رِزْقِكَ أَفْطَرْتُ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ.

تا خدا عطا کند به او ثواب هر کسی را که در این روز روزه داشته و روایت شده که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام هرگاه میخواست افطار کند می گفت:

بِسْمِ اللَّهِ اللَّهُمَّ لَكَ صُومْنَا وَعَلَى رِزْقِكَ أَفْطَرْنَا فَتَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ.

ص: ۱۷۳

در لقمه اول بگوید: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ یا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ اغْفِرْ لِي تا خدا او را بیامرزد.
۳- در وقت افطار سوره قدر بخواند.

۴- در وقت افطار صدقه و افطار دهد روزه‌داران را اگر چه به چند دانه خرما یا آب نوشیدن باشد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است، کسی که افطار دهد روزه داری را از برای او خواهد بود مثل اجر آن روزه‌دار بدون آنکه از اجر او چیزی کم شود.

۶- هر شب خواندن هزار مرتبه سوره «قدر» مستحب است.

۷- هر شب صد مرتبه سوره «دُحان» را بخواند.

۸- بخواند این دعا را:

اللَّهُمَّ رَبَّ شَهْرِ رَمَضَانَ الَّذِي أَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْآنَ وَافْتَرَضْتَ عَلَيَّ عِبَادَتَكَ فِيهِ الصِّيَامَ صِلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارزُقْنِي حَيْجَ بَيْتِكَ الْحَرَامِ فِي عَامِي هَذَا وَفِي كُلِّ عَامٍ وَأَغْفِرْ لِي تِلْكَ الذُّنُوبَ الْعِظَامَ فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُهَا غَيْرُكَ يَا رَحْمَنُ يَا عَلَّامُ.

۹- هر شب بخواند بعد از مغرب دعای حج را که در صفحه ۱۶۸ گذشت.

۱۰- بخواند در هر شب از ماه رمضان دعای معروف افتتاح را.

دعای افتتاح

دعای افتتاح

اللَّهُمَّ إِنِّي افْتَبِحُ الثَّنَاءَ بِحَمْدِكَ وَأَنْتَ مُسَدِّدٌ لِلصَّوَابِ بِمَنْكَ وَإِنْفَنْتُ أَنْكَ أَنْتَ ارْحَمِ الرَّاحِمِينَ فِي مَوْضِعِ الْعَفْوِ وَالرَّحْمَةِ وَأَشَدُّ الْمُعَاقِبِينَ فِي مَوْضِعِ النَّكَالِ وَالنَّقْمَةِ وَأَعْظَمُ الْمُتَجَبَّرِينَ فِي مَوْضِعِ الْكِبْرِيَاءِ وَالْعُظْمَةِ اللَّهُمَّ اذْنُتْ لِي فِي دُعَائِكَ وَمَسْئَلَتِكَ فَاسْمَعْ يَا سَمِيعُ مَدْحِي وَاجِبْ يَا رَحِيمُ دَعْوَتِي وَقَلِّ يَا غَفُورُ عَثْرَتِي فَكَمْ يَا أَلَهِي مِنْ كُرْبِيَةٍ قَدْ فَرَجْتَهَا وَهَمُومٍ قَدْ كَشَفْتَهَا وَعَثْرَةٍ قَدْ أَقْلَتَهَا وَرَحْمَةٍ قَدْ نَشَرْتَهَا وَحَلْقَةٍ بَلَاءٍ قَدْ فَكَّكْتُهَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبِيَّةً وَلَا وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذَّلِّ وَكَبْرُهُ تَكْبِيرًا الْحَمْدُ لِلَّهِ بِجَمِيعِ مَحَامِدِهِ كُلِّهَا عَلَى جَمِيعِ نِعَمِهِ كُلِّهَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا شَرِيكَ لَهُ فِي خَلْقِهِ وَلَا شَبِيهَهُ لَهُ فِي عَظَمَتِهِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الْفَاشِي فِي الْخَلْقِ امْرُءٌ وَحَمْدُهُ الظَّاهِرُ بِالْكَرَمِ مَجْدُهُ الْبَاسِطُ بِالْجُودِ يَدُهُ الَّذِي لَا تَنْقُصُ خَزَائِنُهُ وَلَا تَزِيدُهُ كَثْرَةُ الْعَطَاءِ الْأَجُودِ وَكَرَمًا أَنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الْوَهَّابُ اللَّهُمَّ إِنِّي اسْتَسْتَلُكَ قَلِيلًا مِنْ كَثِيرٍ مَعَ حَاجَةٍ بِي إِلَيْهِ عَظِيمَةٍ وَغِنَاكَ عَنْهُ قَدِيمٌ وَهُوَ عِنْدِي كَثِيرٌ وَهُوَ

ص: ۱۷۵

عَلَيْكَ سَهْلٌ يَسِيرٌ اللَّهُمَّ إِنَّ عَفْوَكَ عَنْ ذَنْبِي وَتَجَاوُزَكَ عَنْ خَطِيئَتِي وَصَفْحَكَ عَنْ ظُلْمِي وَسِتْرَكَ عَلَى قَبِيحِ عَمَلِي وَحِلْمَكَ عَنْ كَثِيرِ جُرْمِي عِنْدَ مَا كَانَ مِنْ خَطَأِي وَعَمْدِي أَطْمَعُنِي فِي أَنْ أَسْئَلُكَ مَا لَا أَسْئَلُكَ مِنْكَ الَّذِي رَزَقْتَنِي مِنْ رَحْمَتِكَ وَأَرْزَيْتَنِي مِنْ قُدْرَتِكَ وَعَرَفْتَنِي مِنْ اجَابَتِكَ فَصَبْرُكَ إِذْ دَعَوْتُكَ آمِنًا وَأَسْئَلُكَ مِسْتَأْنَسًا لَا خَائِفًا وَلَا وَجِلًا مُدَلًّا عَلَيْكَ فِيمَا قَصَدْتُ فِيهِ إِلَيْكَ فَإِنْ ابْطَأَ عَنِّي عَثَبْتُ بِجَهْلِي عَلَيْكَ وَلَعَلَّ الَّذِي ابْطَأَ عَنِّي هُوَ خَيْرٌ لِي لِعِلْمِكَ بِعَاقِبَتِهِ الْأُمُورِ فَلَمْ أَرِ مَوْلًا كَرِيمًا أَصْبَرَ عَلَى عِبْدٍ لَثِيمٍ مِنْكَ عَلَيَّ يَا رَبَّ إِنَّكَ تَدْعُونِي فَمَا وَلِيَّ عَنْكَ وَتَتَحَبَّبُ إِلَيَّ فَاتَبَغَّضُ إِلَيْكَ وَتَتَوَدَّدُ إِلَيَّ فَلَا أَقْبَلُ مِنْكَ كَأَنَّ لِي التَّطَوُّلَ عَلَيْكَ فَلَمْ يَمْنَعَكَ ذَلِكَ مِنَ الرَّحْمَةِ لِي وَالْإِحْسَانِ إِلَيَّ وَالتَّفَضُّلِ عَلَيَّ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ فَارْحَمْ عَبْدَكَ الْجَاهِلَ وَجِدْ عَلَيَّ بِفَضْلِ إِحْسَانِكَ إِنَّكَ جَوَادٌ كَرِيمٌ الْحَمْدُ لِلَّهِ مَا لِكَ الْمُلْكِ مُجْرَى الْفُلْكِ مَسِيرِ الْرِيَّاحِ فَالِقِ الْأَصْبَاحِ دَيَّانِ الدِّينِ رَبِّ الْعَالَمِينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى حِلْمِهِ بَعْدَ عِلْمِهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى عَفْوِهِ بَعْدَ قُدْرَتِهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى طَوْلِ انْسَاتِهِ فِي غَضَبِهِ وَهُوَ قَادِرٌ عَلَى مَا يُرِيدُ الْحَمْدُ لِلَّهِ خَالِقِ الْخَلْقِ بِاسِطِ الرِّزْقِ فَالِقِ الْأَصْبَاحِ ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ وَالْفَضْلِ وَالْإِنْعَامِ الَّذِي بَعْدَ فَلَا يُرَى وَقَرَّبَ فَشَهِدَ النَّجْوَى تَبَارَكَ وَتَعَالَى الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي

ص: ۱۷۶

لَيْسَ لَهُ مُنَازِعٌ يُعَادِلُهُ وَلَا شَبِيهُ يُشَاكِلُهُ وَلَا ظَهِيرٌ يُعَاضِدُهُ قَهَرَ بَعِزَّتِهِ الْأَعَزَّاءَ وَتَوَاضَعَ لِعَظَمَتِهِ الْعُظَمَاءَ فَبَلَغَ بِقُدْرَتِهِ مَا يَشَاءُ الْحَمْدُ لِلَّهِ
الَّذِي يُجِيبُنِي حِينَ أُنَادِيهِ وَيَسْتُرُّ عَلَيَّ كُلَّ عَوْرَةٍ وَأَنَا اعْصِيهِ وَيُعْظِمُ النِّعْمَةَ عَلَيَّ فَلَا أُجَازِيهِ فَكَمْ مِنْ مَوْهَبَةٍ هَنِيئَةٍ قَدْ أَعْطَانِي وَعَظِيمَةٍ
مَخُوفَةٍ قَدْ كَفَانِي وَبَهْجَةٍ مُونِقَةٍ قَدْ أَرَانِي فَاتْنِي عَلَيْهِ حَامِدًا وَأَذْكُرُهُ مُسَبِّحًا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يُهْتَكُ حِجَابُهُ وَلَا يُغْلَقُ بَابُهُ وَلَا يُرَدُّ سَأَلُهُ
وَلَا يُخَيَّبُ أَمَلُهُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُؤْمِنُ الْخَائِفِينَ وَيُنَجِّي الصَّالِحِينَ وَيَرْفَعُ الْمُسْتَضْعَفِينَ وَيَضَعُ الْمُسْتَكْبِرِينَ وَيُهْلِكُ مُلُوكًا وَيَسُدُّ تَخَلُفَ
آخِرِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ قَاصِمِ الْجَبَّارِينَ مُبِيرِ الظَّالِمِينَ مُدْرِكِ الْهَارِبِينَ نَكَالِ الظَّالِمِينَ صَرِيحِ الْمُسْتَضْعِرِّينَ مَوْضِعِ حَاجَاتِ الظَّالِمِينَ مُعْتَمِدِ
الْمُؤْمِنِينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مِنْ خَشْيَتِهِ تَرَعَدُ السَّمَاءُ وَتُرْجَفُ الْأَرْضُ وَعُمَارُهَا وَتَمُوجُ الْبِحَارُ وَمَنْ يَسْبِحُ فِي عَمْرَاتِهَا الْحَمْدُ لِلَّهِ
الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يَخْلُقُ وَلَمْ يَخْلُقْ وَيَرْزُقْ وَلَا يَرْزُقْ وَلَا يُطْعَمْ وَلَا يُطْعَمُ وَيُمِيتُ الْأَحْيَاءَ
وَيُحْيِي الْمَوْتَى وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَامِيتِكَ وَصِيِّمِكَ
وَحَبِيبِكَ وَخَيْرَتِكَ مَنْ خَلَقَكَ وَحَافِظِ سِرِّكَ وَمُبَلِّغِ رِسَالَتِكَ أَفْضَلَ وَأَحْسَنَ وَأَجْمَلَ

ص: ۱۷۷

وَ اكْمِلْ وَاذْكَى وَاْنْمِى وَاطْيِبْ وَاطْهَرْ وَاَسْنِنِى وَاكْثِرْ مَا صَيَّلْتْ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ وَتَحَنَّنْتَ وَسَيَّلْتْ عَلِى اَحَدٍ مِّنْ عِبَادِكَ وَاَنْبِيَايِكَ
وَرُسُلِكَ وَصِفْوَتِكَ وَاَهْلِ الْكِرَامَةِ عَلَيْكَ مِّنْ خَلْقِكَ اللّٰهُمَّ وَصَلِّ عَلِىِّ اميرِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَصِىِّ رَسُوْلِ رَبِّ الْعَالَمِينَ عَبْدِكَ وَوَلِيِّكَ
وَاخِى رَسُوْلِكَ وَحُجَّتِكَ عَلِى خَلْقِكَ وَاَيْتِكَ الْكُبْرَى وَالنَّبِىَّ الْعَظِيْمَ وَصَلِّ عَلِى الصِّدِيْقَةِ الطَّاهِرَةِ فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَصَلِّ عَلِى
سَيِّطِى الرَّحْمِيَّةِ وَاِمَامِى الْهُدَى الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ سَيِّدَى شَبَابِ اَهْلِ الْجَنَّةِ وَصَلِّ عَلِى اِثْمَةَ الْمُسْلِمِينَ عَلِىِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِىِّ
وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَعَلِىِّ بْنِ مُوسَى وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِىِّ وَعَلِىِّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِىِّ وَالْخَلْفِ الْهَادِى الْمَهْدِىِّ
حُجَجِكَ عَلِى عِبَادِكَ وَاَمَنَاتِكَ فِى بِلَادِكَ صِلْمَوْهَ كَثِيْرَةً دَائِمَةً اللّٰهُمَّ وَصَلِّ عَلِى وَلِىِّ امْرِكَ الْقَائِمِ الْمُؤْمَلِ وَالْعَدْلِ الْمُتَنْظَرِ وَحُفَّةِ
بِمَلَانِكَتِكَ الْمُفْرَبِينَ وَاَيْدِهِ بَرُوْحِ الْقُدُسِ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ اللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ الدَّاعِىَ اِلَى كِتَابِكَ وَالْقَائِمَ بِحَدِيْقِكَ اسْتَخْلَفْهُ فِى الْاَرْضِ كَمَا
اسْتَخْلَفْتَ الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِ مَكَّنْ لَهُ دِيْنَهُ الَّذِى اَرْتَضَيْتَهُ لَهُ اَبْدَلُهُ مِنْ بَعْدِ حَوْفِهِ اَمْنًا يَعْْبُدُكَ لَا يُشْرِكُ بِكَ شَيْئًا اللّٰهُمَّ اِعْزِزْ بِهِ وَاَنْصُرْهُ
وَاَنْصُرْ بِهِ وَاَنْصُرْهُ نَصْرًا عَزِيْزًا وَاَفْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيْرًا وَاَجْعَلْ لَهُ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَّصِيْرًا اللّٰهُمَّ

ص: ۱۷۸

أَظْهَرَ بِهِ دِينَكَ وَسَيِّئَةَ نَبِيِّكَ حَتَّى لَا يَسْتَحْفِي بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخَافَةَ أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ اللَّهُمَّ إِنَّا نَزَعُبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةِ كَرِيمَةٍ تُعَزُّ بِهَا الْأِسْلَامَ
 وَاهْلَهُ وَتُدَلُّ بِهَا النَّفَاقَ وَاهْلَهُ وَتَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاءِ إِلَى طَاعَتِكَ وَالْقَادَةِ إِلَى سَبِيلِكَ وَتَرْزُقُنَا بِهَا كِرَامَةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ اللَّهُمَّ مَا عَرَفْتَنَا مِنَ
 الْحَقِّ فَحَمَلْنَاهُ وَمَا قَصَرْنَا عَنْهُ فَبَلَّغْنَاهُ اللَّهُمَّ الْمُؤْمِنِينَ بِهٍ شَعْنَا وَاشْعَبْ بِهٍ صِدْعًا وَارْتُقْ بِهٍ فَتَقْنَا وَكَثِّرْ بِهٍ قَلْتَنَا وَاعْزِزْ بِهٍ ذَلَّتْنَا وَاعْنِ بِهٍ عَائِلَنَا
 وَأَقْضِ بِهٍ عَنْ مُغْرَمِنَا وَاجْبِرْ بِهٍ فَقْرَنَا وَسُدِّ بِهٍ خَلْتَنَا وَيَسِّرْ بِهٍ عُسْرَنَا وَبَيِّضْ بِهٍ وُجُوهَنَا وَفُكِّ بِهٍ اسْرِنَا وَأَنْجِحْ بِهٍ طَلِبَتَنَا وَأَنْجِزْ بِهٍ مَوَاعِيدَنَا
 وَاسْتَجِبْ بِهٍ دَعْوَتَنَا وَاعْطِنَا بِهٍ سُؤْلَنَا وَبَلِّغْنَا بِهٍ مِنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ آمَالَنَا وَاعْطِنَا بِهٍ فَوْقَ رَغْبَتِنَا يَا خَيْرَ الْمَسْئُولِينَ وَأَوْسَعَ الْمُعْطِينَ اشْفِ بِهٍ
 صُدُورَنَا وَأَذْهِبْ بِهٍ غَيْظَ قُلُوبِنَا وَاهْدِنَا بِهٍ لِمَا اخْتَلَفَ فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِأَذْنِكَ أَنْتَ تَهْدِي مَنْ تَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ وَأَنْصِرْنَا بِهٍ عَلَى
 عِدُوِّكَ وَعِدُونَا إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقَدْ بَيَّنَّا صِلَمَاتِكَ عَلَيْهِ وَإِلَيْهِ وَعَيْبَهُ وَلَيْتْنَا وَكَثْرَةَ عِدُونَا وَقَلَّةَ عَدَدِنَا وَشِدَّةَ الْفِتَنِ بِنَا
 وَتَظَاهَرَ الزَّمَانِ عَلَيْنَا فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَإِلَيْهِ وَعِنَّا عَلَى ذَلِكَ بِفَتْحٍ مِنْكَ تُعَجِّلُهُ وَبُضْرًا تَكْشِفُهُ وَنَصِيرًا تُعَزِّهُ وَسُلْطَانٍ حَقٌّ تَظْهَرُهُ وَرَحْمَةٍ
 مِنْكَ تَجَلِّلُنَاهَا وَعَافِيَةٍ مِنْكَ تُبَلِّسُنَاهَا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

ص: ۱۷۹

۱۱- هر شب این دعا را نیز بخواند:

اللَّهُمَّ بِرَحْمَتِكَ فِي الصَّالِحِينَ فَادْخِلْنَا وَفِي عَالِيَيْنَ فَارْفَعْنَا وَبِكَاسٍ مِنْ مَعِينٍ مِنْ عَيْنٍ سَلَسْبِيلٍ فَاسْرِقْنَا وَمِنَ الْهُورِ الْعَيْنِ بِرَحْمَتِكَ فَزَوِّجْنَا وَمِنَ الْوَالِدَانِ الْمُخَلَّدِينَ كَمَا نَهَّمْ لَوْلُو مَكُونُ فَاخْذِمْنَا وَمِنَ ثِمَارِ الْجَنَّةِ وَالْحُومِ الطَّيْرِ فَاطْعِمْنَا وَمِنَ ثِيَابِ السُّنْدُسِ وَالْحَرِيرِ وَالْأَسَدِ تَبْرِقِ فَالْبَسْنَا وَلَيْلَةَ الْقَدْرِ وَحَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ وَقَتْلًا فِي سَبِيلِكَ فَوْقَ لَنَا وَصَالِحِ الدُّعَاءِ وَالْمَسْئَلَةِ فَاسْتَجِبْ لَنَا وَإِذَا جَمَعَتِ الْأُولَى وَالْآخِرِينَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَارْحَمْنَا وَبِرَأْتَهُ مِنَ النَّارِ فَمَا كُتِبَ لَنَا وَفِي جَهَنَّمَ فَلَا تَغْلُنَا وَفِي عَذَابِكَ وَهَوَانِكَ فَلَا تَبْتَلِنَا وَمِنَ الرُّقُومِ وَالضَّرِيعِ فَلَا تُطْعِمْنَا وَمَعَ الشَّيَاطِينِ فَلَا تَجْعَلْنَا وَفِي النَّارِ عَلَى وَجْهِهَا فَلَا تَكْجِبْنَا وَمِنَ ثِيَابِ النَّارِ وَسِرَابِيلِ الْقَطِرَانِ فَلَا تُلْبَسِنَا وَمِنْ كُلِّ سُوءٍ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ فَانْجِنَا.

اعمال شبهای ماه رمضان

۱۲- از حضرت صادق علیه السلام روایت است که در هر شب ماه رمضان می‌خوانی:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ لِي فِي مَا تَقْضِي وَتُقَدِّرُ مِنَ الْأَمْرِ الْمَحْتُمِ فِي الْأَمْرِ الْحَكِيمِ مِنَ الْقَضَاءِ الَّذِي لَا يُرَدُّ وَلَا يُبَدَّلُ أَنْ تَكْتُبَنِي مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ الْمَبْرُورِ حَجُّهُمْ الْمَشْكُورِ سَعْيُهُمُ الْمَغْفُورِ ذُنُوبُهُمُ الْمَكْفَرِ عَنْ سَيِّئَاتِهِمْ وَأَنْ تَجْعَلَ لِي فِي مَا

ص: ۱۸۰

تَقْضَى وَتُقَدَّرُ أَنْ تُطِيلَ عُمْرِي فِي خَيْرٍ وَعَافِيَةٍ وَتُوسِّعَ فِي رِزْقِي وَتَجْعَلَنِي مِمَّنْ تَنْتَصِرُ بِهِ لِدِينِكَ وَلَا تَسْتَبْدِلْ بِي غَيْرِي

۱۳- در انیس الصالحین است که در هر شب از شبهای ماه رمضان بخواند:

أَعُوذُ بِجَلَالِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ أَنْ يَنْقُضِيَ عَنِّي شَهْرَ رَمَضَانَ أَوْ يُطْلِعَ الْفَجْرَ مِنْ لَيْلَتِي هَذِهِ وَلَكَ قَبْلِي تَبِعُهُ أَوْ ذَنْبٌ تُعَذِّبُنِي عَلَيْهِ

۱۴- بجا آوردن نمازهای مستحبی شبهای ماه رمضان، بدین ترتیب: در هر شب ماه رمضان دو رکعت نماز در هر رکعت حمد و

توحید سه مرتبه و چون سلام داد بگوید:

سُبْحَانَ مَنْ هُوَ حَفِیْظٌ لَا یَعْفُلُ سُبْحَانَ مَنْ هُوَ رَحِیْمٌ لَا یَعْجَلُ سُبْحَانَ مَنْ هُوَ قَائِمٌ لَا یَسْهُو سُبْحَانَ مَنْ هُوَ دَائِمٌ لَا یَلْهُو.

پس بگوید تسبیحات اربع را هفت مرتبه پس بگوید:

سُبْحَانَكَ سُبْحَانَكَ سُبْحَانَكَ يَا عَظِيمُ اغْفِرْ لِي الذَّنْبَ الْعَظِيمَ.

پس ده مرتبه صلوات بفرستد بر پیغمبر و آل او علیهم السلام در دهه اول و دهه دوم ماه رمضان (بیست شب اول) در هر شبی

بیست رکعت خوانده شود هر دو رکعت به یک سلام به این طریق که هشت رکعت آنرا بعد از نماز مغرب بخواند و دوازده

رکعت دیگر را بعد از نماز عشاء و در دهه آخر در هر شب سی رکعت بخواند باز هشت رکعت آنرا بعد

ص: ۱۸۱

از نماز مغرب و بیست و دو رکعت دیگر را بعد از نماز عشاء و مجموع این نمازها هفتصد رکعت می‌شود و باقیمانده را که سیصد رکعت است در شبهای قدر بخواند یعنی شب نوزدهم صد رکعت و شب بیست و یکم صد رکعت و شب بیست و سیم صد رکعت پس مجموع هزار رکعت شود.

و روایت شده که می‌خوانی بعد از هر دو رکعت از نمازهای مستحبی ماه رمضان:

اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِيهَا تَقْضَى وَتُقَدَّرُ مِنَ الْأَمْرِ الْمَحْتُومِ وَفِيهَا تَفْرُقُ مِنَ الْأَمْرِ الْحَكِيمِ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ أَنْ تَجْعَلَ لِي مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ الْمَبْرُورِ حُجَّتَهُمُ الْمَشْكُورِ سَعْيُهُمُ الْمَغْفُورِ ذُنُوبُهُمْ وَأَسْئَلُكَ أَنْ تُطِيلَ عُمْرِي فِي طَاعَتِكَ وَتُوسِّعَ لِي فِي رِزْقِي يَا رَحِيمَ الرَّاحِمِينَ.

اعمال مختص شبهای ماه رمضان

اعمال شب اول

۱- به دنبال رؤیت هلال رفتن.

۲- چون ماه را دید رو به قبله دستها را به طرف آسمان بلند کند و بگوید:

رَبِّي وَرَبُّكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ اهْلِهِ عَلَيْنَا بِالْأَمْنِ وَالْإِيمَانِ وَالسَّلَامَةِ وَالْإِسْلَامِ وَالْمُسَارَعَةِ إِلَى مَا تُحِبُّ وَتَرْضَى

ص: ۱۸۲

اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِي شَهْرِنَا هَذَا وَارْزُقْنَا خَيْرَهُ وَعَوْنَهُ وَاصْرِفْ عَنَّا ضُرَّهُ وَشَرَّهُ وَبَلَاءَهُ وَفِتْنَتَهُ.

و روایت شده که حضرت رسول صلی الله علیه و آله چون رؤیت می کرد هلال ما رمضان را روی شریف را به جانب قبله می فرمود و می گفت:

اللَّهُمَّ اهْلُهُ عَلَيْنَا بِالْإِيمَانِ وَالْإِسْلَامِ وَالْعَافِيَةِ الْمَجْلَلَةِ وَدِفَاعِ الْأَسْقَامِ وَالْعَوْنِ عَلَى الصَّلَاةِ وَالصَّيَامِ وَالْقِيَامِ وَتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ اللَّهُمَّ سَلِّمْ لَنَا لِسَهْرِ رَمَضَانَ وَتَسَلِّمْهُ مِنَّا وَسَلِّمْ فِيهِ حَتَّى يَنْقُضِيَ عَنَّا شَهْرُ رَمَضَانَ وَقَدْ عَفَوْتَ عَنَّا وَعَفَرْتَ لَنَا وَرَحِمْتَنَا.

و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که چون رؤیت هلال نمودی بگو:

اللَّهُمَّ قَدْ حَضَرَ شَهْرُ رَمَضَانَ وَقَدْ افْتَرَضْتَ عَلَيْنَا صِيَامَهُ وَأَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْآنَ هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ اللَّهُمَّ اعِنَّا عَلَى صِيَامِهِ وَتَقَبَّلْهُ مِنَّا وَسَلِّمْ فِيهِ وَسَلِّمْ مِنْهُ وَسَلِّمْ لَنَا فِي يُسْرِ مِنْكَ وَعَافِيَةِ أَنْكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ.

۳- خواندن دعای چهل و سوم صحیفه سجادیه که امام

ص: ۱۸۳

زین العابدین علیه السلام در وقت رؤیت هلال خوانده‌اند و آن دعا این است:

أَيُّهَا الْخَلْقُ الْمُطِيعُ الدَّائِبُ السَّرِيعُ الْمُتَرَدِّدُ فِي مَنَازِلِ التَّقْدِيرِ الْمُتَصَدِّقُ فِي فَلَكَ التَّدْبِيرِ اأَمْتُ بِمَنْ نَوَّرَ بِكَ الظُّلْمَ وَأَوْضَحَ بِكَ الْبُهْمَ
وَجَعَلَكَ آيَةً مِنْ آيَاتِ مُلْكِهِ وَعَلَامِيَةً مِنْ عِلْمَاتِ سُلْطَانِهِ فَحَدِّدْ بِكَ الزَّمَانَ وَامْتَهَنَكَ بِالْكَمَالَ وَالنُّقْصَانَ وَالطُّلُوعَ وَالْأَفْوَاجَ وَالْإِنَارَةَ
وَالكُسُوفَ فِي كُلِّ ذَلِكَ أَنْتَ لَهُ مُطِيعٌ وَالِي أَرَادَتِهِ سَرِيعٌ سُبْحَانَهُ مَا اعْجَبَ مَا دَبَّرَ مِنْ أَمْرِكَ وَالطَّفَّ مَا صَنَعَ فِي شَأْنِكَ جَعَلَكَ مِفْتَاحَ
شَهْرِ حَادِثٍ لِأَمْرِ حَادِثٍ فَاسْتَلِ اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكَ وَخَالِقِي وَخَالِقَكَ وَمُقَدِّرِي وَمُقَدِّرَكَ وَمُصَوِّرِي وَمُصَوِّرَكَ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ وَأَنْ يَجْعَلَكَ هِلَالَ بَرَكَتِهِ لَا تَمَحِّقُهَا الْأَيَّامُ وَطَهَارَةَ لَا تُدْنِسُهَا الْأَثَامُ هِلَالَ أَمْنٍ مِنَ الْأَفَاتِ وَسَلَامَةٍ مِنَ السَّيِّئَاتِ هِلَالَ سَعْدٍ لَا نَحْسَ
فِيهِ وَيُؤْمِنُ لَا نَكَدَ مَعَهُ وَيُسِيرُ لَا يَمَازِجُهُ عُشِيرٌ وَخَيْرٌ لَا يَشُوبُهُ شَرٌّ هِلَالَ أَمْنٍ وَإِيمَانٍ وَنِعْمَةٍ وَاحْسَانٍ وَسَلَامَةٍ وَاللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ
وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنَا مِنْ أَرْضِي مَنْ طَلَعَ عَلَيْهِ وَأَزْكَى مَنْ نَظَرَ إِلَيْهِ وَاسْتَعَدَّ مَنْ تَعَبَّدَ لَكَ فِيهِ وَوَفَّقْنَا اللَّهُمَّ فِيهِ لِلطَّاعِيَةِ وَالتَّوْبَةِ وَأَعِصِمْنَا فِيهِ
مِنَ الْإِثَامِ وَالحَوْبِيَةِ وَأَوْزِعْنَا فِيهِ شُكْرَ النُّعْمَةِ وَالبَسِينَا فِيهِ جُنْحَ العَافِيَةِ وَاثْمَمْنَا بِاسْمِكَ بِإِسْمِكَ طَاعَتِكَ فِيهِ الْإِمْنَةَ أَنْتَ الْمَنَّانُ الْحَمِيدُ
وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

ص: ۱۸۴

الطَّيِّبِينَ وَاجْعَلْ لَنَا فِيهِ عَوْنًا مِنْكَ عَلَى مَا نَدْبَتْنَا إِلَيْهِ مِنْ مُفْتَرَضٍ طَاعَتِكَ وَتَقَبَّلْهَا إِنَّكَ الْأَكْرَمُ مِنْ كُلِّ كَرِيمٍ وَالْأَرْحَمُ مِنْ كُلِّ رَحِيمٍ آمِينَ
 آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ.

۴- زیارت قبر امام حسین علیه السلام کند تا گناهانش ریخته شود و ثواب حجاج و معتمرین آن سال را دریابد.

۵- از این شب ابتدا کند به خواندن هزار رکعت نماز این ماه به نحوی که در اعمال مشترک ماه رمضان صفحه ۱۸۰ گذشت.

۶- خواندن دو رکعت نماز در هر رکعت پس از حمد، سوره انعام.

۷- بعد از نماز مغرب دستها را بلند کند و بخواند این دعاء را که از امام جواد علیه السلام نقل شده است.

اللَّهُمَّ يَا مَنْ يَمْلِكُ التَّدْبِيرَ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ يَا مَنْ يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ وَتُجْنُ الضَّمِيرُ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ اللَّهُمَّ
 اجْعَلْنَا مِمَّنْ نَوَى فَعَمَلٌ وَلَا تَجْعَلْنَا مِمَّنْ شَقِيَ فَكَسَلٌ وَلَا مِمَّنْ هُوَ عَلَى غَيْرِ عَمَلٍ يَتَّكِلُ اللَّهُمَّ صِيحْحُ إِيْدَانِنَا مِنَ الْعَمَلِ وَإِعْنَا عَلَى مَا
 افْتَرَضْتَ عَلَيْنَا مِنَ الْعَمَلِ حَتَّى يَنْقُضَهُ عَنَّا شَهْرُكَ هَذَا وَقَدْ آدَيْنَا مَفْرُوضَكَ فِيهِ عَلَيْنَا اللَّهُمَّ اعِنَّا عَلَى صِيَامِهِ وَوَفَّقْنَا لِقِيَامِهِ وَنَشْطْنَا فِيهِ
 لِلصَّلَاةِ وَلَا تَحْجُبْنَا مِنَ الْقِرَاءَةِ وَسَهِّلْ لَنَا فِيهِ ابْتِئَاءَ الزَّكَاةِ اللَّهُمَّ لَا تُسَلِّطْ عَلَيْنَا وَصِيْبًا وَلَا تَعْبًا وَلَا سِقْمًا وَلَا عَطْبًا اللَّهُمَّ اَرْزُقْنَا الْإِفْطَارَ مِنْ
 رِزْقِكَ الْحَلَالِ

ص: ۱۸۵

اللَّهُمَّ سَهِّلْ لَنَا فِيهِ مَا قَسَيْمَتْهُ مِنْ رِزْقِكَ وَيَسِّرْ مَا قَسَدَرْتَهُ مِنْ أَمْرِكَ وَاجْعَلْهُ حَلَالًا طَيِّبًا نَقِيًّا مِنَ الْأَثَامِ خَالِصًا مِنَ الْأَصَارِ وَالْأَجْرَامِ اللَّهُمَّ لَا تُطْعِمْنَا إِلَّا طَيِّبًا غَيْرَ حَبِيثٍ وَلَا حَرَامٍ وَاجْعَلْ رِزْقَكَ لَنَا حَلَالًا لَا يَشُوبُهُ دَنْسٌ وَلَا اسْتِقَامٌ يَا مَنْ عَلَّمَهُ بِالسِّرِّ كَعَلِمِهِ بِالْأَعْلَانِ يَا مُتَفَضِّلًا عَلَى عِبَادِهِ بِالْإِحْسَانِ يَا مَنْ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَبِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ خَبِيرُ الْهَمَمِ ذِكْرُكَ وَجَنَّبْنَا عُسْرَكَ وَإِنلْنَا يُسْرَكَ وَاهْدِنَا لِلرَّشَادِ وَوَفَّقْنَا لِلسَّدَادِ وَاعْصِمْنَا مِنَ الْبَلَايَا وَصُنِّمْنَا مِنَ الْبُؤْسَاتِ وَالْأَوْزَارِ وَالْخَطَايَا يَا مَنْ لَا يَغْفِرُ عَظِيمَ الذُّنُوبِ غَيْرُهُ وَلَا يَكْشِفُ السُّوءَ إِلَّا هُوَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَالْأَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ وَاجْعَلْ صِيَامَنَا مَقْبُولًا وَبِالْبِرِّ وَالتَّقْوَى مَوْصُولًا وَكَذَلِكَ فَاجْعَلْ سَعِينًا مَشْكُورًا وَقِيَامَنَا مَبْرُورًا وَقُرْآنًا مَرْفُوعًا وَدُعَاءَنَا مَسْمُوعًا وَاهْدِنَا لِلْخَيْرِ وَجَنَّبْنَا الْعُسْرَ وَيَسِّرْنَا لِلْيُسْرِ وَاعْلِمْ لَنَا الدَّرَجَاتِ وَضَاعِفْ لَنَا الْحَسَنَاتِ وَأَقْبَلْ مِنَّا الصُّومَ وَالصَّلَاةَ وَاسْمَعْ مِنَّا الدَّعَوَاتِ وَأَغْفِرْ لَنَا الْخَطِيئَاتِ وَتَجَاوَزْ عَنَّا السَّيِّئَاتِ وَاجْعَلْنَا مِنَ الْعَامِلِينَ الْفَائِزِينَ وَلَا تَجْعَلْنَا مِنَ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ حَتَّى يَنْقَضِيَ شَهْرُ رَمَضَانَ عَنَّا وَقَدْ قَبِلْتَ فِيهِ صِيَامَنَا وَقِيَامَنَا وَرَكَّيْتَ فِيهِ أَعْمَالَنَا وَغَفَرْتَ فِيهِ ذُنُوبَنَا وَاجْرَلْتَ فِيهِ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ نَصَبْنَا فَانْكُ الْإِلَهَ الْمُجِيبُ وَالرَّبُّ الْقَرِيبُ وَأَنْتَ بِكُلِّ شَيْءٍ مُحِيطٌ.

ص: ۱۸۶

۸- خواندن این دعا که از امام صادق علیه السلام نقل شده است:

اللَّهُمَّ رَبَّ شَهْرِ رَمَضَانَ مُنَزَّلَ الْقُرْآنِ فِيهِ هَذَا شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْآنَ وَأَنْزَلْتَ فِيهِ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا صِيَامَهُ وَاعِنَّا عَلَى قِيَامِهِ اللَّهُمَّ سَلِّمْهُ لَنَا وَسَلِّمْنا فِيهِ وَتَسَلِّمْهُ مِنَّا فِي يُسْرِ مِنْكَ وَمُعَافَاةٍ وَاجْعَلْ فِيهَا تَقْضَى وَتُقَدَّرُ مِنَ الْأَمْرِ الْمَحْتُمِ وَفِيهَا تَفْرُقُ مِنَ الْأَمْرِ الْحَكِيمِ فِي لَيْلِهِ الْقَدَرِ مِنَ الْقَضَاءِ الَّذِي لَا يُرَدُّ وَلَا يُبَدَّلُ أَنْ تَكْتُبَنِي مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ، الْمَبْرُورِ حُجَّتِهِمُ الْمَشْكُورِ سَعْيِهِمْ، الْمَغْفُورِ ذُنُوبِهِمْ، الْمُكْفَرِ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَاجْعَلْ فِيهَا تَقْضَى وَتُقَدَّرُ أَنْ تُطِيلَ عُمْرِي وَتُوسِّعَ عَلَيَّ مِنَ الرِّزْقِ الْحَلَالِ.

۹- خواندن دعایی که حضرت رسول صلی الله علیه و آله در شب اول ماه رمضان می خواند:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَكْرَمَنَا بِكَ أَيُّهَا الشَّهْرُ الْمُبَارَكُ اللَّهُمَّ فَقَوْنَا عَلَى صِيَامِنَا وَقِيَامِنَا وَتَبَّتْ أقدامنا وَأَنْصِرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ اللَّهُمَّ أَنْتَ الْوَاحِدُ فَلَا- وَوَلَدَ لَكَ وَأَنْتَ الصَّمِيدُ فَلَا شَبِيهَ لَكَ وَأَنْتَ الْعَزِيزُ فَلَا يُعْزُكَ شَيْءٌ وَأَنْتَ الْعَبْدُ وَأَنْتَ الْغَفُورُ وَأَنَا الْمُدْنِبُ وَأَنْتَ الرَّحِيمُ وَأَنَا الْمُخْطِئُ وَأَنْتَ الْخَالِقُ وَأَنَا الْمَخْلُوقُ وَأَنْتَ الْحَيُّ وَأَنَا الْمَيِّتُ

ص: ۱۸۷

اسْتَلْكَ بِرَحْمَتِكَ اَنْ تَغْفِرَ لِي وَتَجَاوَزَ عَنِّي اَنَّكَ عَلَيَّ كَلِّشِيَّ قَدِيرٌ.

۱۰- خواندن دعای جوشن کبیر که در آخر کتاب خواهد آمد.

۱۱- خواندن دعای حج که در صفحه ۱۶۸ گذشت.

اعمال شب سیزدهم

۱- غسل.

۲- چهار رکعت نماز در هر رکعت حمد و بیست و پنج مرتبه توحید.

۳- دو رکعت نماز که در شب سیزدهم رجب و شعبان نیز خوانده می‌شود در هر رکعت بعد از حمد یس و تَبَارَكَ الْمَلِكُ و توحید بخواند.

اعمال شب چهاردهم

دو نماز دو رکعتی که در هر یک از آنها سوره «یس» و «تبارک» و «توحید» خوانده می‌شود.

اعمال شب پانزدهم

از شبهای با برکت و اعمال آن عبارت است از:

۱- غسل.

۲- زیارت امام حسین علیه السلام.

۳- شش رکعت نماز به حمد و یس و تبارک و توحید.

۴- صدر رکعت نماز در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه توحید بخواند.

اعمال شبهای قدر

اعمال مشترک

۱- غسل و بهتر است هنگام غروب آفتاب غسل کند.

۲- دو رکعت نماز، در هر رکعت بعد از حمد هفت مرتبه توحید بخواند و بعد از فراغ هفتاد مرتبه اسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَاتُوبُ إِلَيْهِ بگویند.

۳- قرآن مجید را بکشاید و بگذارد در مقابل خود و بگوید:

اللَّهُمَّ بِحَقِّ هَذَا الْقُرْآنِ وَبِحَقِّ مَنْ أَرْسَلْتَهُ بِهِ وَبِحَقِّ كُلِّ مُؤْمِنٍ مَدَّحْتَهُ فِيهِ وَبِحَقِّكَ عَلَيْهِمْ فَلَا اِحْدَاغْرَفُ بِحَقِّكَ مِنْكَ پس ده مرتبه بگویند بِسْمِ اللَّهِ و ده مرتبه بِمُحَمَّدٍ و ده مرتبه بِعَلِيِّ و ده مرتبه بِفَاطِمَةَ و ده مرتبه بِالْحَسَنِ و ده مرتبه بِالْحُسَيْنِ و ده مرتبه بِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ و ده مرتبه بِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ و ده مرتبه بِجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ و ده مرتبه بِمُوسَى بْنِ مُوسَى و ده مرتبه بِعَلِيِّ بْنِ مُوسَى و ده مرتبه بِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ و ده مرتبه بِالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ و ده مرتبه بِالْحُجَّةِ. پس هر حاجت که داری طلب کن.

ص: ۱۸۹

۵- زیارت کند امام حسین علیه السلام.

۶- احیا بدارد این شبها را.

۷- صد رکعت نماز کند که فضیلت بسیار دارد و افضل آنست که در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه توحید بخواند.

۸- بخواند دعایی که از امام زین العابدین علیه السلام روایت شده و آن دعا این است:

اللَّهُمَّ اِنِّي اَمْسَيْتُ لَكَ عَبْدًا دَاخِرًا لَا اَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا وَلَا اَصْرِفُ عَنْهَا سُوءًا اَشْهَدُ بِذَلِكَ عَلَي نَفْسِي وَاَعْتَرِفُ لَكَ بِضَعْفِ قُوَّتِي وَقِلَّةِ حِيلَتِي فَصَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَاَلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي وَجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالمُؤْمِنَاتِ مِنَ المَغْفِرَةِ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ وَاَتِمِّمْ عَلَي مَا اتَيْتَنِي فَاِنِّي عَبْدُكَ المَسِيكِيْنِ المُسِيْتِكِيْنِ الضَّعِيْفِ الفَقِيْرِ المَهِيْنِ اللّٰهُمَّ لَا تَجْعَلْنِي نَاسِيًا لِذِكْرِكَ فِيمَا اَوْلَيْتَنِي وَلَا [غَافِلًا] لِاِحْسَانِكَ فِيمَا اَعْطَيْتَنِي وَلَا اَيْسًا مِنْ اَجَابَتِكَ وَاَنْ اِبْطَاثَ عَنِّي فِي سِرِّرَاءٍ اَوْ ضَرَّرَاءٍ اَوْ شِدَّةٍ اَوْ رَخَاءٍ اَوْ عَافِيَةٍ اَوْ بَلَاءٍ اَوْ بُؤْسٍ اَوْ نَعْمَاءٍ اَنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ.

علامه مجلسی رحمه الله فرموده که بهترین اعمال در این شبها طلب آمرزش و دعا از برای مطالب دنیا و آخرت خود و پدر و مادر و خویشان خود و برادران مؤمن زنده و مرده ایشان است و اذکار و صلوات بر محمد و آل محمد عليهم السلام آنچه مقدور شود.

۹- خواندن دعای جوشن کبیر که در آخر کتاب خواهد آمد.

اعمال مختص

اعمال و آداب شب نوزدهم

۱- صد مرتبه اسْتَغْفِرُ اللهَ رَبِّي وَ اَتُوبُ اِلَيْهِ.

۲- صد مرتبه اللّٰهُمَّ العَنُ قَتْلَةَ اميرِ الْمُؤْمِنِينَ.

۳- خواندن این دعا:

اللّٰهُمَّ اجْعَلْ فِيمَا تَقْضِي وَتُقَدِّرُ مِنَ الْأَمْرِ المَحْتُومِ وَفِيمَا تَفْرُقُ مِنَ الْأَمْرِ الحَكِيمِ فِي لَيْلَةِ القَدْرِ وَفِي القَضَاءِ الَّذِي لَا يُرَدُّ وَلَا يَبْدُلُ اِنْ تَكْتَبِنِي مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ المَبْرُورِ حُجَّتِهِمُ المَشْكُورِ سِعْتِهِمُ المَغْفُورِ ذُنُوبُهُمُ المُكْفَرِ عَنْهُمْ سَيِّئَاتُهُمْ وَاجْعَلْ فِيمَا تَقْضِي وَتُقَدِّرُ اِنْ تُطِيلَ عُمْرِي وَتُوسِّعَ عَلَيَّ فِي رِزْقِي سِيسَ حاجتِهای خود را از خداوند درخواست کند.

اعمال شب بیست و یکم

فضیلتش زیادتر از شب نوزدهم است و باید اعمال مشترک شبهای قدر را بجا آورد(۱) و در این شب که شب شهادت حضرت

امیرالمؤمنین علیه السلام است صلوات زیاد بفرستد و قاتلان آن حضرت را لعن و نفرین کند و می تواند بگوید:

۱- اعمال مشترک شبهای قدر را در صفحه ۱۸۸ گذشت.

ص: ۱۹۱

«اللَّهُمَّ الْعَن قَتْلَهُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ» و از این شب شروع کند به دعاهاى شبهای دهه آخر ماه رمضان.

اعمال شب بیست و سیم

این شب نیز از شبهای قدر است و علاوه بر اعمال مشترک شبهای قدر این اعمال نیز برای آن ذکر شده است:

۱- خواندن سوره عنكبوت و روم که حضرت صادق علیه السلام قسم یاد فرموده که: خواننده این دو سوره در این شب از اهل بهشت است.

۲- خواندن سوره دُخان.

۳- خواندن سوره قدر هزار مرتبه.

۴- خواندن این دعاها نیز وارد شده است:

* يَا رَبِّ لَيْلِيهِ الْقَدْرُ وَجَاعِلِهَا خَيْرًا مِنْ الْفِ شَهْرِ وَرَبِّ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْجِبَالِ وَالْبِحَارِ وَالظُّلَمِ وَالْأَنْوَارِ وَالْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ يَا بَارِيَّ يَا مُصَوِّرُ
يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا اللَّهُ يَا قَيُّوْمُ يَا اللَّهُ يَا بَدِيعُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَالْأَمْثَالُ الْعُلْيَا وَالْكَجْرِيَاءُ وَالْأَلَاءُ
اسْمُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعْدَاءِ وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ وَاحْسَانِي فِي عَلِيِّينَ
وَاسَاتِي مَغْفُورَةً وَأَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا تَبَاشَّرُ بِهِ قَلْبِي وَإِيمَانًا يُذْهِبُ الشَّكَّ عَنِّي وَتُرْضِيَ بَيْنِي بِمَا قَسَمْتَ لِي وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ
حَسَنَةً وَقِنَا

ص: ۱۹۲

عَذَابِ النَّارِ الْحَرِيقِ وَارْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَالْإِنَابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفِيقَ لِمَا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ.

بعد از ستایش کردن حق تعالی به بزرگواری و فرستادن صلوات بر پیغمبر صلی الله علیه و آله مکرر می گوئی:

اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيِّكَ الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ صِلَاؤَتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَحَافِظًا وَقَائِدًا وَنَاصِرًا وَدَلِيلًا وَعَيْنًا حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا.

و دستهای خود را به سوی آسمان بلند می کنی و می خوانی:

يَا مُدَبِّرَ الْأُمُورِ يَا بَاعِثَ مَنْ فِي الْقُبُورِ يَا مُجْرِيَ الْبُحُورِ يَا مُلَيِّنَ الْحَدِيدِ لِداوُدَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ.

سپس حاجات خود را از خدا می خواهی.

و نیز بخواند این دعا را: اللَّهُمَّ امدُدْ لِي فِي عُمْرِي وَاوْسِعْ لِي فِي رِزْقِي وَاصِحِّ لِي جِسْمِي وَبَلِّغْنِي اَمَلِي وَاَنْ كُنْتُ مِنَ الْأَشْقِيَاءِ فَأَمْحِنِي مِنَ الْأَشْقِيَاءِ وَاكْتُبْنِي مِنَ السُّعَدَاءِ فَإِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ الْمُنزَلِ عَلَى نَبِيِّكَ الْمُرْسَلِ صِلَاؤَتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ.

ص: ۱۹۳

۵- آنکه غیر از غسل اول شب در آخر شب نیز غسل کند و بدانکه از برای غسل و احیاء این شب و زیارت امام حسین علیه السلام و صد رکعت نماز، فضیلت بسیار است. شیخ طوسی در تهذیب روایت کرده از ابوبصیر از حضرت صادق علیه السلام که فرمود: در شبی که امید می‌رود شب قدر باشد صد رکعت نماز کن و بخوان در هر رکعت قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ را ده مرتبه. گفتم: فدایت شوم اگر قوت نداشته باشم ایستاده بجا آورم فرمود: نشسته بجا آور، گفتم: اگر قوت نداشته باشم نشسته بجا آورم، فرمود: بجا آور به همان حالی که به قفا خفته‌ای در فراش خود و از دعائم الاسلام روایتست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله در دهه آخر ماه رمضان رختخواب خود را جمع می‌کرد و کمر خود را محکم می‌بست برای عبادت و در شب بیست و سیم اهل خود را بیدار می‌کرد و آنها را که خواب رُبوده بود آب بصورتشان می‌پاشید و حضرت فاطمه علیها السلام نمی‌گذاشت در این شب احدی از اهلش بخوابد و علاج می‌فرمود خواب آنها را به کمی طعام و مهینا می‌کرد آنها را برای احیاء آن شب از روز؛ یعنی امر می‌فرمود که روز را خواب و استراحت کنند که شب خوابشان نبرد و احیا بدارند و می‌فرمود: محروم کسی است که از خیر امشب محروم بماند و روایت شده که حضرت صادق علیه السلام سخت مریض شده بود چون شب بیست و سیم ماه رمضان شد موالی خود را امر فرمود که حرکتش دادند به مسجد بردند و آن شب را در مسجد بود تا به صبح علامه مجلسی رحمه الله فرموده که هر مقدار قرآن که ممکن باشد در

ص: ۱۹۴

این شب بخواند و دعاهای صحیفه کامله سجّادیه را بخواند خصوصاً دعای مکارم‌الاخلاق و دعای توبه و روزهای این شبها را نیز باید حرمت داشت و به عبادت و تلاوت و دعا به سیر آورد زیرا که در احادیث معتبره وارد شده است که روز قدر در فضیلت مثل شب قدر است.

اعمال شبهای دهه آخر ماه رمضان

* اعمال شبهای دهه آخر ماه رمضان

۱- امام جعفر صادق علیه السلام روایت فرمود: می‌گویی در دهه آخر ماه رمضان در هر شب:

أَعُوذُ بِجَلَالِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ أَنْ يَنْقُضِيَ عَنِّي شَهْرَ رَمَضَانَ أَوْ يَطْلُعَ الْفَجْرُ مِنْ لَيْلَتِي هَذِهِ وَلَكَ قَبْلِي ذَنْبٌ أَوْ تَبِعَهُ تُعَذِّبُنِي عَلَيْهِ.

۲- و نیز آن حضرت علیه السلام در هر شب از دهه آخر، پس از تمام نمازهای واجب و مستحب می‌خواند:

اللَّهُمَّ ادْعْنَا حَقًّا مَا مَضَى مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَاغْفِرْ لَنَا تَقْصِيرَنَا فِيهِ وَتَسَلُّمَهُ مِنَّا مَقْبُولًا وَلَا تُوَاخِذْنَا بِأَسْرَافِنَا عَلَى أَنْفُسِنَا وَاجْعَلْنَا مِنَ الْمَرْحُومِينَ وَلَا تَجْعَلْنَا مِنَ الْمَحْرُومِينَ.

۳- و از جمله نقل شده است که حضرت صادق علیه السلام در هر شب از دهه آخر می‌خواند:

ص: ۱۹۶

عَلَيْهِ السَّلَامُ اَيُّ مُفَرِّجٍ هَمِّ يَعْقُوبَ عَلَيْهِ السَّلَامُ اَيُّ مُنْفَسِّ غَمِّ يُوسُفَ عَلَيْهِ السَّلَامُ صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا اَنْتَ اَهْلُهُ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِمْ اَجْمَعِينَ وَافْعَلْ بِي مَا اَنْتَ اَهْلُهُ وَلَا تَفْعَلْ بِي مَا اَنَا اَهْلُهُ.

۴- در هر شب از شبهای این دهه، غسل مستحب است.

۵- اعتکاف در این دهه، مستحب است و فضیلت بسیار دارد و افضل اوقات اعتکاف است. (۱)

دعای شب بیست و دویم

يَا سَالِحَ النَّهَارِ مِنَ اللَّيْلِ فَاِذَا نَحْنُ مُظْلَمُونَ لِمَسِيَّتِهَا بِتَقْدِيرِكَ يَا عَزِيزُ يَا عَلِيمُ وَمُقَدَّرَ حَتَّى عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ يَا نُورَ كُلِّ نُورٍ وَمُنْتَهَى كُلِّ رَغْبَةٍ وَوَلِيَّ كُلِّ نِعْمَةٍ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا اللَّهُ يَا قُدُّوسُ يَا أَحَدُ يَا وَاحِدُ يَا فَرْدُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَالْأَمْثَالُ الْعُلْيَا وَالْكَبْرِيَاءُ وَالْأَلَاءُ اسْمُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآهْلِ بَيْتِهِ وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعِيدِ آءِ وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ وَاحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ وَاسْأَلْتِي مَغْفُورَةً وَأَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي وَآيْمَانًا يُدْهِبُ الشَّكَّ عَنِّي وَتُرْضِيَنِي بِمَا قَسَمْتَ لِي وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ الْحَرِيقِ وَارْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ

۱- احکام اعتکاف در صفحه ۱۵۶ گذشت.

ص: ۱۹۷

وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَالْإِنَابَةَ وَالتَّوْفِيقَ لِمَا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَالْأُمَّةَ عَلَيْهِمُ السَّلَامَ.

دعای شب بیست و سوم

در اعمال شب‌های قدر ذکر شد.

دعای شب بیست و چهارم

يَا فَالِقَ الْإِصْبَاحِ وَجَاعِلَ اللَّيْلِ سَكَنًا وَالشَّمْسِ وَالْقَمَرَ حُسْبَانًا يَا عَزِيزُ يَا عَلِيمُ يَا ذَا الْمَنِّ وَالطُّوْلِ وَالْقُوَّةِ وَالْحَوْلِ وَالْفَضْلِ وَالْإِنْعَامِ وَالْجَلَالِ
وَالْإِكْرَامِ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا اللَّهُ يَا فَزْدُ يَا وَتْرُ يَا اللَّهُ يَا ظَاهِرُ يَا بَاطِنُ يَا حَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَالْأَمْثَالُ الْعُلْيَا وَالْكَبْرِيَاءُ
وَالْأَلَاءُ اسْتَمْلِكُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَالْمُحَمَّدِ وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعْدَاءِ وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ وَاحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ
وَاسَائَتِي مَغْفُورَةً وَأَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي وَإِيمَانًا يَذْهَبُ بِالشَّكِّ عَنِّي وَرِضَى بِمَا قَسَمْتُ لِي وَاتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ
حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ الْحَرِيقِ وَارزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَالْإِنَابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفِيقَ لِمَا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَالْأُمَّةَ عَلَيْهِمُ
صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ

ص: ۱۹۸

دعای شب بیست و پنجم

يا جاعِلَ اللَّيْلِ لِبَاساً وَالنَّهَارِ مَعاشاً وَالْبَارِضِ مِهَاداً وَالْجَبالِ اوتاداً يا اللهُ يا قاهرُ يا اللهُ يا جبارُ يا اللهُ يا سميعُ يا اللهُ يا قريبُ يا اللهُ يا
 مُجيبُ يا اللهُ يا اللهُ يا اللهُ لكَّ الأَسْمَاءُ الحُسْنى وَالْأَمْثالُ العُلْيا وَالْكِبْرِياءُ وَالْأَلْأاءُ اسئَلُكَ انْ تُصَلِّىَ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَانْ تَجْعَلَ
 اسْمى فى هذِهِ اللَّيْلَةِ فى السُّعْداءِ وَرُوحى مَعَ الشُّهَداءِ وَاحْسانى فى عِلِّيِّينَ وَاسألتى مَغْفورَةً وَانْ تَهَبَ لى يَقِيناً تُباشِرُ بِهِ قَلْبى وَإيماناً
 يُذْهِبُ الشُّكَّ عَنى وَرِضىً بِما قَسَمْتَ لى وَاتنا فى الدُّنيا حَسَنَةً وَفى الآخِرَةِ حَسَنَةً وَقنا عَذابَ النَّارِ الحَرِيقِ وَارزُقنى فىها ذِكْرَكَ
 وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَالْإِنابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفِيقَ لِمَا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ

دعای شب بیست و ششم

يا جاعِلَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ ايتينِ يا مَنْ مَحَا اِيَّهَ اللَّيْلَ وَجَعَلَ اِيَّهَ النَّهارِ مُبْصِرَةً لَتَبْتَغُوا فَضْلاً مِنْهُ وَرِضواناً يا مُفْصِّلَ كُلِّ شَيْءٍ تَفْصِيلاً يا ماجِدُ يا
 وَهابُ يا اللهُ يا جوادُ يا اللهُ يا اللهُ يا اللهُ لكَّ الأَسْمَاءُ الحُسْنى وَالْأَمْثالُ العُلْيا وَالْكِبْرِياءُ وَالْأَلْأاءُ اسئَلُكَ انْ تُصَلِّىَ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
 وَانْ تَجْعَلَ اسْمى فى هذِهِ اللَّيْلَةِ فى السُّعْداءِ وَرُوحى مَعَ الشُّهَداءِ وَاحْسانى فى عِلِّيِّينَ

ص: ۱۹۹

وَاسَأْتِي مَغْفُورَةً وَأَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي وَإِيمَانًا يُذْهِبُ الشَّكَّ عَنِّي وَتُرْضِيَنِي بِمَا قَسَمْتَ لِي وَاتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ الْحَرِيقِ وَارْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَالْإِنَابَةَ [والتَّوْبَةَ] وَالتَّوْفِيقَ لِمَا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ.

دعای شب بیست و هفتم

يَا مَادَّ الظِّلَّ وَلَوْ شِئْتَ لَجَعَلْتَهُ سَاكِنًا وَجَعَلْتَ الشَّمْسَ عَلَيْهِ دَلِيلًا ثُمَّ قَبَضْتَهُ [إِلَيْكَ قَبْضًا يَسِيرًا] يَا ذَا الْجُودِ وَالطُّوْلِ وَالْكَبْرِيَاءِ وَالْأَلَاءِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ يَا قُدُّوسُ يَا سَلَامُ يَا مُؤْمِنُ يَا مُهَيِّمُنُ يَا عَزِيزُ يَا جَبَّارُ يَا مُتَكَبِّرُ يَا اللَّهُ يَا خَالِقُ يَا بَارِئُ يَا مُصَوِّرُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَالْأَمْثَالُ الْعُلْيَا وَالْكَبْرِيَاءُ وَالْأَلَاءُ اسْمُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعْدَاءِ وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ وَاحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ وَاسَأْتِي مَغْفُورَةً وَأَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي وَإِيمَانًا يُذْهِبُ الشَّكَّ عَنِّي وَتُرْضِيَنِي بِمَا قَسَمْتَ لِي وَاتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ الْحَرِيقِ وَارْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَالْإِنَابَةَ وَالتَّوْبَةَ

ص: ۲۰۰

والتَّوْفِيقَ لِمَا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ.

دعای شب بیست و هشتم

يَا خَازِنَ اللَّيْلِ فِي السَّمَاءِ وَمَا فِي السَّمَاءِ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَحَابِسِيَهُمَا أَنْ تَزُولَا يَا عَلِيمُ يَا عَظِيمُ يَا غَفُورُ يَا دَائِمُ يَا اللَّهُ يَا وَارِثُ يَا بَاعِثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَالْأَمْثَالُ الْعُلْيَا وَالْكَبْرِيَاءُ وَالْأَلَاءُ اسئَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعْدَاءِ وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ وَاحْسِنِي فِي عِلِّيِّينَ وَأَسْأَلُكَ مَغْفُورَةً وَأَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي وَآيْمَانًا يُذْهِبُ الشُّكَّ عَنِّي وَتُرْضِيَنِي بِمَا قَسَمْتَ لِي وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ الْحَرِيقِ وَارزُقني فيها ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَالْإِنَابَةَ [والتَّوْبَةَ] وَالتَّوْفِيقَ لِمَا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ.

برای این شب نیز به خصوص، غسل کردن مستحب است و روایت شده که حضرت امام زین العابدین علیه السلام در این شب این دعا را مکرر می‌خواند از اول شب تا به آخر شب:

ص: ۲۰۱

اللَّهُمَّ ارزُقْنِي التَّجَافِي عَن دَارِ الْعُزُورِ وَالْإِنَابَةَ إِلَى دَارِ الْخُلُودِ وَالْإِسْتِعْدَادَ لِلْمَوْتِ قَبْلَ حُلُولِ الْفُوتِ.

دعای شب بیست و نهم

يَا مُكَوَّرَ اللَّيْلِ عَلَى النَّهَارِ وَمُكَوَّرَ النَّهَارِ عَلَى اللَّيْلِ يَا عَلِيمُ يَا حَكِيمُ يَا رَبَّ الْأَرْبَابِ وَسَيِّدَ السَّادَاتِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ يَا أَقْرَبَ إِلَيَّ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَالْأَمْثَالُ الْعُلْيَا وَالْكَبِيرِيَاءُ وَالْأَلَاءُ اسئَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعِيدَاءِ وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ وَاحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ وَأَسْأَلُكَ مَغْفُورَةً وَأَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي وَإِيمَانًا يُذْهِبُ الشَّكَّ عَنِّي وَتَرْضَى بَيْنِي بِمَا قَسَمْتَ لِي وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ الْحَرِيقِ وَارزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَالْإِنَابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفِيقَ لِمَا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ.

دعای شب سی ام

الْحَمْدُ لِلَّهِ لَا شَرِيكَ لَهُ الْحَمْدُ لِلَّهِ كَمَا يَنْبَغِي لِكَرَمِ وَجْهِهِ وَعِزِّ جَلَالِهِ وَكَمَا هُوَ أَهْلُهُ يَا قُدُّوسُ يَا نُورُ يَا نُورَ الْقُدْسِ يَا سُبُّوحُ يَا مُنْتَهَى التَّسْبِيحِ يَا رَحْمَنُ يَا فَاعِلَ الرَّحْمَةِ يَا اللَّهُ يَا عَلِيمُ يَا كَبِيرُ

ص: ۲۰۲

يا الله يا لطيف يا جليل يا الله يا سميع يا بصير يا الله يا الله لك الاسماء الحسنى والامثال العليا والكبرياء والالاء اسئلك ان
تصلي على محمد واهل بيته وان تجعل اسمي في هذه الليلة في السعداء وروحي مع الشهداء واحساني في عليين واساتتي مغفورة وان
تهب لي يقيناً تباشير به قلبي وايماناً يذهب الشك عني وترضيني بما قسمت لي وآتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار
الحريق وارزقني فيها ذكرك وشكرك والرغبة اليك والابانة والتوبة والتوفيق لما وفقت له محمداً وال محمد صلى الله عليه وعليهم.
اللهم اجعل فيما تقضى وفيما تقدر من الامر المحتوم وفيما تفرق من الامر الحكيم في ليله القدر من القضاء الذي لا يرد ولا يبدل ان
تكسبني من حجاج بيتك الحرام في عامي هذا المبرور حجهم المشكور سيئهم المغفور ذنوبهم المكفر عنهم سيئاتهم واجعل فيما
تقضى وتقدر ان تطيل عمري وتوسع لي في رزقي

این دعا را: یا باطناً فی ظهوره ویا ظاهراً فی بطونه ویا باطناً لیس یخفی ویا ظاهراً لیس یری یا موصوفاً لا یبلغ بکینونته موصوف ولا
حد محدود ویا غائباً غیر مفقود ویا شاهداً غیر

ص: ۲۰۳

مَشْهُودٍ يُطَلَّبُ فَيَصَابُ وَلَمْ يَخُلْ مِنْهُ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ وَمَا بَيْنَهُمَا طَرَفَةً عَيْنٍ لَا يُدْرِكُ بِكَيْفٍ وَلَا يُؤَيَّنُ بَيْنٍ وَلَا بِحَيْثٍ أَنْتَ نُورُ النُّورِ
وَرَبُّ الْأَرْبَابِ أَحَطَّ بِجَمِيعِ الْأُمُورِ سُبْحَانَ مَنْ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ سُبْحَانَ مَنْ هُوَ هَكَذَا وَلَا هَكَذَا غَيْرُهُ پس دعا
می کنی بدانچه بخواهی.

شب آخر ماه رمضان

شب بسیار مبارکی است و از برای این شب چند عمل است.

۱- غسل.

۲- زیارت امام حسین علیه السلام.

۳- خواندن سوره انعام و كهف و يس و صد مرتبه اسْتَغْفِرُ اللَّهُ وَتُوبُ إِلَيْهِ.

۴- خواندن این دعا که شیخ کلینی از حضرت صادق علیه السلام نقل کرده:

اللَّهُمَّ هَذَا شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْآنَ وَقَدْ تَصَيَّرَمَ وَأَعُوذُ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ يَا رَبِّ انْ يَطْلُعَ الْفَجْرُ مِنْ لَيْلَتِي هَذِهِ أَوْ يَتَصَيَّرَمَ شَهْرُ
رَمَضَانَ وَلَكَ قَبْلِي تَبَعَةٌ أَوْ ذَنْبٌ تُرِيدُ أَنْ تُعَذِّبَنِي بِهِ يَوْمَ الْقَاكَ.

۵- بخواند دعاء یا مُدَبِّرِ الْأُمُورِ که در اعمال شب بیست و سوم گذشت.

۶- وداع کند ماه رمضان را به دعاهاى وداع و شاید بهترین آنها

ص: ۲۰۴

دعای چهل و پنجم صحیفه کامله (۱) باشد و سید بن طاووس روایت کرده است از حضرت صادق علیه السلام که هر که در شب آخر ماه رمضان وداع کند آن ماه شریف را و بگوید:

اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ صِيَامِي لِشَهْرِ رَمَضَانَ وَأَعُوذُ بِكَ أَنْ يَطَّلَعَ فَجْرُ هَذِهِ اللَّيْلَةِ إِلَّا وَقَدْ غَفَرْتَ لِي

بیمارزد حق تعالی او را پیش از آنکه صبح کند و روزی فرماید او را توبه و انابه.

نمازهای شبهای ماه رمضان

نمازهای شبهای ماه رمضان

بجز نمازهایی که قبلاً در اعمال برخی از شبهای ماه رمضان ذکر شد علامه مجلسی رحمه الله در زادالمعاد در فصل آخر اعمال ماه رمضان ذکر فرموده که ما نیز در پایان این نوشته می‌آوریم تا کسانی که فرصت و توفیق دارند بتوانند آنها را بجا آورند.

نماز شب اول: چهار رکعت در هر رکعت بعد از حمد پانزده مرتبه توحید

نماز شب دوم: چهار رکعت در هر رکعت بعد از حمد بیست مرتبه «قدر».

نماز شب سیم: ده رکعت در هر رکعت حمد و پنجاه مرتبه توحید.

نماز شب چهارم: هشت رکعت در هر رکعت حمد و بیست مرتبه «قدر».

نماز شب پنجم: دو رکعت در هر رکعت حمد و پنجاه مرتبه توحید و

۱- به جهت طولانی بودن دعا از ذکر آن صرف نظر کردیم، علاقمندان می‌توانند به صحیفه سجاده مراجعه کنند.

ص: ۲۰۵

بعد از سلام صد مرتبه اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ.

نماز شب ششم: چهار رکعت در هر رکعت حمد و سوره تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ.

نماز شب هفتم: چهار رکعت در هر رکعت حمد و سیزده مرتبه «قدر».

نماز شب هشتم: دو رکعت در هر رکعت حمد و ده مرتبه توحید و بعد از سلام هزار مرتبه سُبْحَانَ اللَّهِ.

نماز شب نهم: شش رکعت میان نماز شام و خفتن در هر رکعت حمد و هفت مرتبه آیه الكرسي و بعد از اتمام پنجاه مرتبه اللَّهُمَّ صَلِّ

عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ.

نماز شب دهم: بیست رکعت در هر رکعت حمد و سی مرتبه توحید.

نماز شب یازدهم: دو رکعت در هر رکعت حمد و بیست مرتبه سوره «کوثر».

نماز شب دوازدهم: هشت رکعت در هر رکعت حمد و سی مرتبه أَنَا أَنْزَلْنَاهُ.

نماز شب سیزدهم: چهار رکعت در هر رکعت حمد و بیست و پنج مرتبه توحید.

نماز شب چهاردهم: شش رکعت در هر رکعت حمد و سی مرتبه إِذَا زُلْزِلَتْ.

نماز شب پانزدهم: چهار رکعت در دو رکعت اول بعد از حمد صد مرتبه توحید و در دو رکعت دیگر پنجاه مرتبه توحید.

نماز شب شانزدهم: دوازده رکعت در هر رکعت حمد و دوازده مرتبه اللَّهُمَّ التَّكَاثُرُ.

ص: ۲۰۶

نماز شب هفدهم: دو رکعت در رکعت اول حمد و هر سوره که خواهد و در رکعت دوم حمد و صد مرتبه توحید و بعد از سلام صد مرتبه لا اله الا الله.

نماز شب هیجدهم: چهار رکعت در هر رکعت حمد و بیست و پنج مرتبه اَنَا اعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ.

نماز شب نوزدهم: پنجاه رکعت با حمد و پنجاه مرتبه اِذَا زُلْزِلَتْ و گویا مراد آن باشد که در هر رکعت یک مرتبه بخواند زیرا که مشکست در یک شب دو هزار و پانصد مرتبه اِذَا زُلْزِلَتْ خواندن.

نماز شب بیستم و یکم و بیست و دوم و بیست و سیم و بیست و چهارم: در هر یک هشت رکعت به هر سوره که میسر شود. نماز شب بیست و پنجم: هشت رکعت در هر رکعت حمد و ده مرتبه توحید.

نماز شب بیست و ششم: هشت رکعت در هر رکعت حمد و صد مرتبه توحید.

نماز شب بیست و هفتم: چهار رکعت در هر رکعت حمد و تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ و اگر نتواند بیست و پنج مرتبه توحید.

نماز شب بیست و هشتم: شش رکعت در هر رکعت حمد و صد مرتبه آيَةُ الْكُرْسِيِّ و صد مرتبه توحید و صد مرتبه كَوَثُرُ و بعد از نماز صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد.

نماز شب بیست و نهم: دو رکعت در هر رکعت حمد و بیست مرتبه توحید.

نماز شب سیام: دوازده رکعت در هر رکعت حمد و بیست مرتبه توحید و بعد از فارغ شدن صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد و این نمازها چنانچه مذکور شد هر دو رکعت به یک سلام است.

اعمال سحرهای ماه مبارک رمضان

۱- سحری خوردن اگر چه به یک دانه خرما یا جرعه‌ای آب باشد.

۲- خواندن سوره قدر در وقت خوردن سحری.

۳- خواندن دعای عظیم الشانی که از حضرت امام رضا علیه السلام نقل شده که فرمود: این دعایی است که حضرت امام محمد باقر علیه السلام در سحرهای ماه رمضان می‌خواند:

اللَّهُمَّ اِنِّي اسئَلُكَ مِنْ بَهَائِكَ بِابْهَاءِ وَكُلُّ بَهَائِكَ بِهَيِّ اللَّهُمَّ اِنِّي اسئَلُكَ بِبَهَائِكَ كُلَّهُ اللَّهُمَّ اِنِّي اسئَلُكَ مِنْ جَمَالِكَ بِاجْمَلِهِ وَكُلُّ جَمَالِكَ جَمِيلٌ اللَّهُمَّ اِنِّي اسئَلُكَ بِجَمَالِكَ كُلَّهُ اللَّهُمَّ اِنِّي اسئَلُكَ مِنْ جَلَالِكَ بِاجْلِهِ وَكُلُّ جَلَالِكَ جَلِيلٌ اللَّهُمَّ اِنِّي اسئَلُكَ بِجَلَالِكَ كُلَّهُ اللَّهُمَّ اِنِّي اسئَلُكَ مِنْ عَظَمَتِكَ بِاعْظَمِهَا وَكُلُّ عَظَمَتِكَ عَظِيمَةٌ اللَّهُمَّ اِنِّي اسئَلُكَ بِعَظَمَتِكَ كُلِّهَا اللَّهُمَّ اِنِّي اسئَلُكَ مِنْ نُورِكَ بِانْوَرِهِ وَكُلُّ نُورِكَ نَبِيْرٌ اللَّهُمَّ اِنِّي اسئَلُكَ بِنُورِكَ كُلِّهِ اللَّهُمَّ اِنِّي اسئَلُكَ مِنْ رَحْمَتِكَ بِاَوْسَعِهَا وَكُلُّ رَحْمَتِكَ وَاسِعَةٌ اللَّهُمَّ اِنِّي اسئَلُكَ بِرَحْمَتِكَ كُلِّهَا اللَّهُمَّ

ص: ۲۰۸

اِنِّیْ اَسْتَلُّكَ مِنْ کَلِمَاتِكَ بِاَتَمِّهَا وَکُلُّ کَلِمَاتِكَ تَامَةٌ اللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْتَلُّكَ بِکَلِمَاتِكَ کُلِّهَا اللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْتَلُّكَ مِنْ کَمَالِكَ بِاَكْمَلِهِ وَکُلُّ کَمَالِكَ کَامِلٌ اللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْتَلُّكَ بِکَمَالِكَ کُلِّهِ اللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْتَلُّكَ مِنْ اَسْمَائِكَ بِاَكْبَرِهَا وَکُلُّ اَسْمَائِكَ کَبِیْرَةٌ اللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْتَلُّكَ بِاَسْمَائِكَ کُلِّهَا اللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْتَلُّكَ مِنْ عِزَّتِكَ بِاَعَزِّهَا وَکُلُّ عِزَّتِكَ عِزَّةٌ اللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْتَلُّكَ بِعِزَّتِكَ کُلِّهَا اللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْتَلُّكَ مِنْ مَشِیَّتِكَ بِاَمْضَاهَا وَکُلُّ مَشِیَّتِكَ مَاضِیَةٌ اللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْتَلُّكَ بِمَشِیَّتِكَ کُلِّهَا اللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْتَلُّكَ مِنْ قُدْرَتِكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتِیْ اسْتَطَلَّتْ بِهَا عَلٰی کُلِّشَیْءٍ وَکُلُّ قُدْرَتِكَ مُسْتَطِیْلَةٌ اللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْتَلُّكَ بِقُدْرَتِكَ کُلِّهَا اللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْتَلُّكَ مِنْ عِلْمِكَ بِاَنْفِذِهِ وَکُلُّ عِلْمِكَ نَافِذٌ اللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْتَلُّكَ بِعِلْمِكَ کُلِّهِ اللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْتَلُّكَ مِنْ قَوْلِكَ بِاَرْضَاهُ وَکُلُّ قَوْلِكَ رَضِیٌّ اللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْتَلُّكَ بِقَوْلِكَ کُلِّهِ اللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْتَلُّكَ مِنْ مَسَائِلِكَ بِاَحَبِّهَا اِلَيْكَ وَکُلُّ مَسَائِلِكَ اِلَيْكَ حَبِیْبَةٌ اللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْتَلُّكَ بِمَسَائِلِكَ کُلِّهَا اللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْتَلُّكَ مِنْ شَرَفِكَ بِاَشْرَفِهِ وَکُلُّ شَرَفِكَ شَرِیْفٌ اللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْتَلُّكَ بِشَرَفِكَ کُلِّهِ اللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْتَلُّكَ مِنْ سُلْطَانِكَ بِاَدْوَمِهِ وَکُلُّ سُلْطَانِكَ دَائِمٌ اللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْتَلُّكَ بِسُلْطَانِكَ کُلِّهِ اللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْتَلُّكَ مِنْ مُلْكِكَ بِاَفْخَرِهِ وَکُلُّ مُلْكِكَ فَاخِرٌ اللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْتَلُّكَ بِمُلْكِكَ کُلِّهِ اللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْتَلُّكَ مِنْ عُلُوِّكَ بِاَعْلَاهُ وَکُلُّ عُلُوِّكَ

ص: ۲۰۹

عَالِ اللَّهُمَّ اِنِّي اسئَلُكَ بِعُلُوكِ كَلِمَةِ اللّٰهُمَّ اِنِّي اسئَلُكَ مِنْ مَنَّكَ بِاِقْدَمِهِ وَكُلِّ مَنَّكَ قَدِيمِ اللّٰهُمَّ اِنِّي اسئَلُكَ بِمَنَّكَ كَلِمَةِ اللّٰهُمَّ اِنِّي اسئَلُكَ مِنْ آيَاتِكَ بِاَكْرَمِهَا وَكُلِّ آيَاتِكَ كَرِيمَةً اللّٰهُمَّ اِنِّي اسئَلُكَ بِآيَاتِكَ كُلِّهَا اللّٰهُمَّ اِنِّي اسئَلُكَ بِمَا اَنْتَ فِيهِ مِنَ الشَّانِ وَالْجَبْرُوتِ وَاسئَلُكَ بِكُلِّ شَأْنٍ وَحَدِّهِ وَجَبْرُوتٍ وَحَدِّهَا اللّٰهُمَّ اِنِّي اسئَلُكَ بِمَا تُجِيبُنِي [بِهِ حِينَ اسئَلُكَ فَاجِبْنِي يَا اللّٰهُ.

پس هر حاجت که داری از خدا بطلب که البته برآورده است.

۴- خواندن دعایی که «ابو حمزه ثمالی» روایت کرده که حضرت امام زین العابدین علیه السلام درماه رمضان بیشتر از شب را نماز می کرد و چون سحر می شد این دعا را می خواند.

دعای ابو حمزه ثمالی

دعای ابو حمزه ثمالی

الهِى لَا تُؤَدِّبْنِي بِعُقُوبَتِكَ وَلَا تَمَكِّرْ بِي فِي حِيلَتِكَ مِنْ اَيْنَ لِي الْخَيْرُ يَا رَبِّ وَلَا يُوْجَدُ اِلَّا مِنْ عِنْدِكَ وَمِنْ اَيْنَ لِي النِّجَاءُ وَلَا تُسَيِّطِعْ اِلَّا بِسُكِّ لِيَ الَّذِي احْسَنَ اِسْمِي عَلَيَّ عَنْ عَوْنِكَ وَرَحْمَتِكَ وَلَا الَّذِي اسَاءَ وَاجْتَرَّ عَلَيَّكَ وَلَمْ يُرْضِكَ خَرَجَ عَنْ قُدْرَتِكَ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ بگويد تا آنکه نفس قطع شود [بِسُكِّ عَرَفْتِكَ وَاَنْتَ دَلَلْتَنِي عَلَيَّكَ وَدَعَوْتَنِي اِلَيْكَ وَلَوْلَا- اَنْتَ لَمْ اَدْرِ مَا اَنْتَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي اَدْعُوهُ فَيَجِيبُنِي وَاَنْ كُنْتُ بَطِيئًا حِينَ يَدْعُونِي وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي اسئَلُهُ فَيُعْطِينِي وَاَنْ كُنْتُ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي

ص: ۲۱۰

اِنَادِيهِ كَلَّمَا سِتُّتُ لِحَاجَتِي وَاخْلُو بِه حَيْثُ سِتُّتُ لِسِرِّي بِغَيْرِ شَفِيعٍ فَيَقْضِي لِي حَاجَتِي اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَا اَدْعُو غَيْرَهُ وَلَوْ دَعَوْتُ غَيْرَهُ لَمْ
 يَسْتَجِبْ لِي دُعَائِي وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَا اَرْجُو غَيْرَهُ وَلَوْ رَجَوْتُ غَيْرَهُ لَأَخْلَفَ رَجَائِي وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي وَكَلَنِي اِلَيْهِ فَاعْزَمْنِي وَلَمْ يَكِلْنِي
 اِلَى النَّاسِ فَيَهِيئُونِي وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي تَحَبَّبَ اِلَيَّ وَهُوَ غَنِيٌّ عَنِّي وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي يَحْلُمُ عَنِّي حَتَّى كَانِي لَا ذَنْبَ لِي فَزَبِّي اِحْمَدُ شَيْءٍ
 عِنْدِي وَاحَقُّ بِحَمْدِي اللّٰهُمَّ اِنِّي اَجِدُ سُبُلَ الْمَطَالِبِ اِلَيْكَ مُشْرَعَةً وَمَنَاهِلَ الرَّجَاءِ اِلَيْكَ مُتْرَعَةً وَالْاَسْرِيَعَانَهُ بِفَضْلِكَ لِمَنْ اَمَلَكَ مُبَاحَةً
 وَاِبْوَابَ الدُّعَاءِ اِلَيْكَ لِلصَّارِحِينَ مَفْتُوحَةً وَاَعْلَمُ اَنَّكَ لِلرَّاجِي بِمَوْضِعِ اجَابَةٍ وَلِلْمَلْهُوفِينَ بِمَرْصِدِ اغَاثَةٍ وَاَنَّ فِي اللّٰهُفِ اِلَى جُودِكَ
 وَالرِّضَا بِقَضَائِكَ عَوْضًا مِنْ مَنَعِ الْبَاخِلِينَ وَمَنْدُوحَةً عَمَّا فِي اَيْدِي الْمُسْتَأْثِرِينَ وَاَنَّ الرَّاحِلَ اِلَيْكَ قَرِيبُ الْمَسَافَةِ وَاَنَّكَ لَا تَحْتَجِبُ عَن
 خَلْقِكَ اِلَّا اَنْ تَحْجِبَهُمُ الْاَعْمَالُ دُونَكَ وَقَدْ قَصِدْتُ اِلَيْكَ بِطَلْبَتِي وَتَوَجَّهْتُ اِلَيْكَ بِحَاجَتِي وَجَعَلْتُ بِكَ اسْتِغَاثَتِي وَبَدَعَاثِكَ تَوَسُّلِي
 مِنْ غَيْرِ اسْتِحْقَاقٍ لِاسْتِمَاعِكَ مِنِّي وَلَمَّا اسْتَجَابَ لِعَفْوِكَ عَنِّي يَلُّ لِيَتْقَتِي بِكَرَمِكَ وَسَيَكُونِي اِلَى صِدْقِ وَعْدِكَ وَلَجَائِي اِلَى الْاِيْمَانِ
 بِتَوْحِيدِكَ وَيَقِينِي بِمَعْرِفَتِكَ مِنِّي اَنْ لَا رَبَّ اِلَى غَيْرِكَ وَلَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ وَحَدَّكَ لَا شَرِيكَ

ص: ۲۱۱

لَكَ اللَّهُمَّ أَنْتَ الْفَائِلُ وَقَوْلُكَ حَقٌّ وَوَعْدُكَ صِدْقٌ وَاسْتَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا وَلَيْسَ مِنْ صِفَاتِكَ يَا سَيِّدِي أَنْ تَأْمُرَ
بِالسُّؤَالِ وَتَمْنَعَ الْعَطِيَّةَ وَأَنْتَ الْمَنَّانُ بِالْعَطِيَّاتِ عَلَى أَهْلِ مَمْلَكَتِكَ وَالْعَائِدُ عَلَيْهِمْ بِتَحَنُّنٍ رَأْفَتِكَ الْهِيَ رَبِّيَّتِي فِي نِعْمِكَ وَإِحْسَانِكَ صَغِيرًا
وَنَوَّهْتَ بِاسْمِي كَبِيرًا فَيَا مَنْ رَبَّنِي فِي الدُّنْيَا بِإِحْسَانِهِ وَتَفَضَّلَهُ وَنَعِمَهُ وَأَشَارَ لِي فِي الْمَأْخِرَةِ إِلَى عَفْوِهِ وَكَرَمِهِ مَعْرِفَتِي يَا مَوْلَايَ دَلِيلِي
عَلَيْكَ وَحُبِّي لَكَ شَفِيعِي إِلَيْكَ وَأَنَا وَاثِقٌ مِنْ دَلِيلِي بِدَلَالَتِكَ وَسَاكِنٌ مِنْ شَفِيعِي إِلَى شَفَاعَتِكَ ادْعُوكَ يَا سَيِّدِي بِلِسَانٍ قَدْ أَخْرَسَهُ
ذَنْبُهُ رَبِّ اناجِيكَ بِقَلْبٍ قَدْ أَوْبَقَهُ جُزْمُهُ ادْعُوكَ يَا رَبِّ رَاهِبًا رَاغِبًا راجِيًا خَائِفًا إِذَا رَأَيْتُ مَوْلَايَ ذُنُوبِي فَرَعْتُ وَإِذَا رَأَيْتُ كَرَمَكَ
طَمَعْتُ فَإِنْ عَفَوْتَ فَخَيْرٌ رَاحِمٌ وَأَنْ عَزَّدْتَ فَغَيْرُ ظَالِمٍ حُجَّتِي يَا اللَّهَ فِي جُزَاتِي عَلَى مَسَائِلَتِكَ مَعَ اتِّبَانِي مَا تَكَرَّرَ جُودُكَ وَكَرَمُكَ
وَعَزَّدْتِي فِي شِدَّتِي مَعَ قَلْبِهِ حَيَّائِي رَأْفَتِكَ وَرَحْمَتِكَ وَقَدْ رَجَوْتُ أَنْ لَا تَخِيبَ بَيْنَ ذَيْنِ وَذَيْنِ مُتَيْبِي فَحَقُّوْا رَجَائِي وَاسْمِعْ دُعَائِي يَا خَيْرَ
مَنْ دَعَاهُ دَاعٍ وَأَفْضَلَ مَنْ رَجَاهُ رَاجٍ عَظُمَ يَا سَيِّدِي أَمَلِي وَسَاءَ عَمَلِي فَأَعْطِنِي مِنْ عَفْوِكَ بِمَقْدَارِ أَمَلِي وَلَا تُؤَاخِذْنِي بِسَوْءِ عَمَلِي فَإِنَّ
كَرَمَكَ يَجِلُّ عَنْ مُجَازَاهِ الْمُذْنِبِينَ وَحِلْمَكَ يَكْبُرُ عَنْ مُكَافَاةِ الْمُقْصِرِينَ وَأَنَا يَا سَيِّدِي عَائِدٌ بِفَضْلِكَ هَارِبٌ مِنْكَ إِلَيْكَ مُتَنَجِّزٌ

ص: ۲۱۲

مَا وَعَدْتْ مِنَ الصَّفْحِ عَمَّنْ أَحْسَنَ بِكَ ظَنًّا وَمَا أَنَا يَا رَبِّ وَمَا خَطْرِي هَبْنِي بِفَضْلِكَ وَتَصَدَّقْ عَلَيَّ بِعَفْوِكَ أَيُّ رَبِّ جَلَلْنِي بِسِتْرِكَ
 وَأَعْفُ عَنْ تَوْبِيحِي بِكَرَمِ وَجْهِكَ فَلَوْ اطَّلَعَ الْيَوْمَ عَلَى ذَنْبِي غَيْرَكَ مَا فَعَلْتَهُ وَلَوْ خَفْتُ تَعْجِيلَ الْعُقُوبِيَّةِ لَا اجْتَنَبْتُهُ لِأَنَّكَ أَهْوَنُ النَّاطِرِينَ
 وَأَخْفُ الْمُطَّلَعِينَ [عَلَى بَلِّ لَأَنَّكَ يَا رَبِّ خَيْرُ السَّاتِرِينَ وَأَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ وَأَكْرَمُ الْأَكْرَمِينَ سَيِّئَارُ الْعُيُوبِ غَفَّارُ الذُّنُوبِ عَلَامُ الْغُيُوبِ تَسْتُرُ
 الذَّنْبَ بِكَرَمِكَ وَتُوَخِّرُ الْعُقُوبِيَّةَ بِحِلْمِكَ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى حِلْمِكَ بَعْدَ عِلْمِكَ وَعَلَى عَفْوِكَ بَعْدَ قُدْرَتِكَ وَيَحْمِلُنِي وَيَجْرِي عَلَيَّ
 مَعْصِيَتِكَ حِلْمِكَ عَنِّي وَيَدْعُونِي إِلَى قَلْبِهِ الْحَيَاءِ سِتْرِكَ عَلَيَّ وَيُسْرِعُنِي إِلَى التَّوْبِ عَلَى مَحَارِمِكَ مَعْرِفَتِي بِسِعَةِ رَحْمَتِكَ وَعَظِيمِ
 عَفْوِكَ يَا حَلِيمُ يَا كَرِيمُ يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ يَا غَافِرَ الذَّنْبِ يَا قَابِلَ التَّوْبِ يَا عَظِيمَ الْمَنِّ يَا قَدِيمَ الْأَحْسَانِ ائِنَّ سِتْرَكَ الْجَمِيلُ ائِنَّ عَفْوَكَ
 الْجَلِيلُ ائِنَّ فَرْجَكَ الْقَرِيبُ ائِنَّ غِيَاثَكَ السَّرِيعُ ائِنَّ رَحْمَتَكَ الْوَاسِعَةَ ائِنَّ عَطَايَاكَ الْفَاضِلَةَ ائِنَّ مَوَاهِبِكَ الْهَنِيئَةَ ائِنَّ صِدَائِعِكَ السَّيِّئَةَ
 ائِنَّ فَضْلَكَ الْعَظِيمُ ائِنَّ مَنَّكَ الْجَسِيمُ ائِنَّ احْسَانَكَ الْقَدِيمُ ائِنَّ كَرَمِكَ يَا كَرِيمُ بِهِ وَبِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فَاسْتَنْقِذْنِي وَبِرَحْمَتِكَ
 فَخَلِّصْنِي يَا مُحْسِنُ يَا مُجْمِلُ يَا مُنْعَمُ يَا مُفْضِلُ لَسْتُ أَتَّكِلُ فِي النَّجَاهِ مِنْ عِقَابِكَ عَلَى اَعْمَالِنَا بَلِّ بِفَضْلِكَ عَلَيْنَا

ص: ۲۱۳

لِأَنَّكَ أَهْلُ التَّقْوَى وَاهْلُ الْمَغْفِرَةِ تُبْدِي بِالْإِحْسَانِ نِعْمًا وَتَعْفُو عَنِ الذَّنْبِ كَرَمًا فَمَا نَدْرِي مَا تَشْكُرُ أَجْمِيلًا مَا تَشْتُرُ أَمْ قَبِيحًا مَا تَشْتُرُ أَمْ عَظِيمًا مَا ابْتَلَيْتَ وَأَوْلَيْتَ أَمْ كَثِيرًا مَا مِنْهُ نَجَيْتَ وَعَافَيْتَ يَا حَبِيبَ مَنْ تَحَبَّبَ إِلَيْكَ وَيَا قُرَّةَ عَيْنٍ مَنْ لَذِيكَ وَأَنْقَطَعَ إِلَيْكَ أَنْتَ الْمُحْسِنُ وَنَحْنُ الْمُسِيئُونَ فَتَجَاوَزْ يَا رَبِّ عَنْ قَبِيحِ مَا عِنْدَنَا بِجَمِيلِ مَا عِنْدَكَ وَائِيَّ جَهْلِي يَا رَبِّ لَا يَسَعُهُ جُودُكَ أَوْ أَيُّ زَمَانٍ اطْوَلُ مِنْ أُنَاتِكَ وَمَا قَدَّرُ أَعْمَالِنَا فِي جَنبِ نِعْمِكَ وَكَيْفَ نَسْتَكْثِرُ أَعْمَالًا نُقَابِلُ بِهَا كَرَمَكَ بَلْ كَيْفَ يَضِيقُ عَلَى الْمُذْنِبِينَ مَا وَسَّعَهُمْ مِنْ رَحْمَتِكَ يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ فَوْعَزْنِكَ يَا سَيِّدِي لَوْ نَهَزْتَنِي مَا بَرِحْتُ مِنْ بَابِكَ وَلَا كَفَفْتُ عَنْ تَمَلُّقِكَ لِمَا أَنْتَهَى إِلَيَّ مِنَ الْمَعْرِفَةِ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ وَأَنْتَ الْفَاعِلُ لِمَا تَشَاءُ تُعَدِّبُ مَنْ تَشَاءُ بِمَا تَشَاءُ كَيْفَ تَشَاءُ وَتَرْحِمُ مَنْ تَشَاءُ بِمَا تَشَاءُ كَيْفَ تَشَاءُ لَا تُشِئُلُ عَنْ فِعْلِكَ وَلَا تُنَازِعُ فِي مُلْكِكَ وَلَا تُشَارِكُ فِي أَمْرِكَ وَلَا تُضَادُّ فِي حُكْمِكَ وَلَا يَعْتَرِضُ عَلَيْكَ أَحَدٌ فِي تَدْبِيرِكَ لَكَ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ يَا رَبِّ هَذَا مَقَامُ مَنْ لَذِيكَ وَاسْتَجَارَ بِكَرَمِكَ وَالْفَاحِشَاتُ وَنِعْمَتِكَ وَأَنْتَ الْجَوَادُ الَّذِي لَا يَضِيقُ عَفْوُكَ وَلَا يَنْقُصُ فَضْلُكَ وَلَا تَقِلُّ رَحْمَتُكَ وَقَدْ تَوَثَّقْنَا مِنْكَ بِالصَّفْحِ الْقَدِيمِ وَالْفَضْلِ الْعَظِيمِ وَالرَّحْمَةِ الْوَاسِعَةِ افْتَرَاكَ يَا رَبِّ تُخْلِفُ

ص: ۲۱۵

وَرَحْمَتِكَ وَمَغْفِرَتِكَ وَرِضْوَانِكَ عَلَيْهِ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ إِنَّكَ قَرِيبٌ مُجِيبٌ وَارْزُقْنَا عَمَلًا بِطَاعَتِكَ وَتَوْفَقًا عَلَى مَلَّتِكَ وَسِنَّةً نَبِيِّكَ صَلَّى
 اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا اجْزِهِمَا بِالْإِحْسَانِ إِحْسَانًا وَبِالسَّيِّئَاتِ غُفْرَانًا اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ
 وَالْمُؤْمِنَاتِ الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ وَتَابِعْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ بِالْخَيْرَاتِ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِحَيِّنَا وَمَيِّتِنَا وَشَاهِدِنَا وَغَائِبِنَا ذَكَرْنَا وَانْثَانَا صَغِيرِنَا وَكَبِيرِنَا حُرْنَا
 وَمَمْلُوكِنَا كَذَبِ الْعَادِلُونَ بِاللَّهِ وَضَلُّوا ضَلَالًا بَعِيدًا وَخَسِرُوا خُسْرَانًا مُبِينًا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاخْتِمْ لِي بِخَيْرٍ وَاكْفِنِي مَا
 أَهَمَّنِي مِنْ أَمْرِ دُنْيَايَ وَآخِرَتِي وَلَا تُسَلِّطْ عَلَيَّ مَنْ لَا يَرْحَمُنِي وَاجْعَلْ عَلَيَّ مِنْكَ وَقِيَةً بَاقِيَةً وَلَا تَسْلُبْنِي صَالِحَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ وَارْزُقْنِي
 مِنْ فَضْلِكَ رِزْقًا وَاسِعًا حَلَالًا طَيِّبًا اللَّهُمَّ احْرُسْنِي بِحِرَاسَتِكَ وَاحْفَظْنِي بِحِفْظِكَ وَاكْلَأْنِي بِكِلَابَتِكَ وَارْزُقْنِي حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ فِي عَامِنَا
 هَذَا وَفِي كُلِّ عَامٍ وَزِيَارَةَ قَبْرِ نَبِيِّكَ وَالْأَنْثَمَةَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَلَا تُخَلِّنِي يَا رَبِّ مِنْ تِلْكَ الْمَشَاهِدِ الشَّرِيفَةِ وَالْمَوَاقِفِ الْكَرِيمَةِ اللَّهُمَّ تُبَّ
 عَلَيَّ حَتَّى لَا اعْصِيَّكَ وَالْهَمْنِي الْخَيْرَ وَالْعَمَلِ بِهِ وَخَشِيَّتِكَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ مَا ابْقَيْتَنِي يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ أَنَّى كَلَّمَا قُلْتُ قَدْ تَهَيَّأْتُ
 وَتَعَبَّأْتُ وَقَمْتُ لِلصَّلَاةِ بَيْنَ يَدَيْكَ وَنَاجَيْتُكَ الْقَيْتَ عَلَيَّ نِعَاسًا إِذَا صَلَّيْتُ

ص: ۲۱۶

وَسَيَلِّبْتَنِي مُنَاجَاتِكَ إِذَا أَنَا نَاجَيْتُ مَالِي كُلَّمَا قُلْتُ قَدْ صَلَحْتُ سَرِيرَتِي وَقَرَّبَ مِنْ مَجَالِسِ التَّوَابِينَ مَجْلِسِي عَرَضْتُ لِي بَلِيَّةٌ أَزَالَتْ قَدَمِي
وَحَالَتْ بَيْنِي وَبَيْنَ خِدْمَتِكَ سَيِّدِي لَعَلَّكَ عَنْ بَابِكَ طَرَدْتَنِي وَعَنْ خِدْمَتِكَ نَحَيْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي مُسْتَخْفًا بِحَقِّكَ فَأَقْصِهْ مِنِّي أَوْ
لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي مُعْرِضًا عَنْكَ فَقَلِّبْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ وَجَدْتَنِي فِي مَقَامِ الْكَادِبِينَ فَرَفَضْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي غَيْرَ شَاكِرٍ لِنِعْمَائِكَ فَحَرَمْتَنِي أَوْ
لَعَلَّكَ فَقَدْتَنِي مِنْ مَجَالِسِ الْعُلَمَاءِ فَخَذَلْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي فِي الْغَافِلِينَ فَمِنْ رَحْمَتِكَ آيَسْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي آلِفَ مَجَالِسِ الْبَطَّالِينَ
فَسَبِنِي وَبَيْنَهُمْ خَلَيْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ لَمْ تُحِبَّ أَنْ تَسْمَعَ دُعَائِي فَبَاعِدْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ بِجُزْمِي وَجَرِيرَتِي كَافَيْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ بِقَلْبِهِ حَيَّائِي مِنْكَ
جَازَيْتَنِي فَإِنْ عَفَوْتَ يَا رَبِّ فَطَالَ مَا عَفَوْتَ عَنِ الْمُذْنِبِينَ قَبْلِي لِأَنَّ كَرَمَكَ أَيُّ رَبِّ يَجِلُّ عَنْ مُكَافَاتِ الْمُفْضَرِينَ وَأَنَا عَائِدٌ بِفَضْلِكَ
هَارِبٌ مِنْكَ إِلَيْكَ مُتَنَجِّزٌ مَا وَعَدْتْ مِنَ الصَّفْحِ عَمَّنْ أَحْسَنَ بِكَ ظَنًّا أَلْهِمْنِي أَنْتَ أَوْسَعَ فَضْلًا وَأَعْظَمَ حِلْمًا مِنْ أَنْ تُقَاسِمَنِي بِعَمَلِي أَوْ أَنْ
تَسْتَرْلَنِي بِخَطِيئَتِي وَمَا أَنَا يَا سَيِّدِي وَمَا خَطَرِي هَبْنِي بِفَضْلِكَ سَيِّدِي وَتَصَدَّقْ عَلَيَّ بِعَفْوِكَ وَجَلِّلْنِي بِسِتْرِكَ وَأَعْفُ عَنْ تَوْبِيخِي بِكَرَمِ
وَجْهِكَ سَيِّدِي أَنَا الصَّغِيرُ الَّذِي رَبَّيْتَهُ وَأَنَا الْجَاهِلُ الَّذِي عَلَّمْتَهُ وَأَنَا الضَّالُّ الَّذِي هَدَيْتَهُ

ص: ۲۱۷

وَ اَنَا الْوَضِيعُ الَّذِي رَفَعْتَهُ وَ اَنَا الْخَائِفُ الَّذِي آمَنْتَهُ وَ الْجَائِعُ الَّذِي اشْبَعْتَهُ وَ الْعَطْشَانُ الَّذِي ارْوَيْتَهُ وَ الْعَارِي الَّذِي كَسَوْتَهُ وَ الْفَقِيرُ الَّذِي اغْنَيْتَهُ
وَ الضَّعِيفُ الَّذِي قَوَّيْتَهُ وَ الدَّلِيلُ الَّذِي اعَزَزْتَهُ وَ السَّقِيمُ الَّذِي شَفَيْتَهُ وَ السَّائِلُ الَّذِي اعْطَيْتَهُ وَ الْمُدْنِبُ الَّذِي سَتَرْتَهُ وَ الْخَاطِئُ الَّذِي اَقْلَنْتَهُ وَ
اَنَا الْقَلِيلُ الَّذِي كَثَّرْتَهُ وَ الْمُسْتَضْعَفُ الَّذِي نَصَرْتَهُ وَ اَنَا الطَّرِيدُ الَّذِي اَوْيْتَهُ اَنَا يَا رَبِّ الَّذِي لَمْ اسْتَحْيِكَ فِي الْخَلَاءِ وَ لَمْ اِرَاقِبِكَ فِي الْمَلَأِ
اَنَا صَاحِبُ الدَّوَاهِي الْعُظْمَى اَنَا الَّذِي عَلَيَّ سَيِّدُهُ اجْتَرَى اَنَا الَّذِي عَصَيْتُ جَبَّارَ السَّمَاءِ اَنَا الَّذِي اعْطَيْتُ عَلَيَّ مَعَاصِيَ الْجَلِيلِ الرَّشَا اَنَا
الَّذِي حِينَ بُشِّرْتُ بِهَا خَرَجْتُ إِلَيْهَا اسْمِعِي اَنَا الَّذِي امْهَلْتَنِي فَمَا ارْعَوَيْتُ وَسَيَّرْتِ عَلَيَّ فَمَا اسْتَحْيَيْتُ وَعَمَلْتُ بِالْمَعَاصِي فَتَعَدَّدْتُ
وَ اسْتَقَطْتَنِي مِنْ عَيْبِكَ فَمَا بِالْإِتِّ فَبِحِلْمِكَ امْهَلْتَنِي وَ بِسِرِّكَ سَتَرْتَنِي حَتَّى كَانَتْكَ اغْفَلْتَنِي وَ مِنْ عِقُوبَاتِ الْمَعَاصِي جَنَّبْتَنِي حَتَّى كَانَتْكَ
اسْتَحْيَيْتَنِي الْهَى لَمْ اعْصِكَ حِينَ عَصَيْتُكَ وَ اَنَا بِرُبُوبِيَّتِكَ جَاحِدٌ وَ لَا بِأَمْرِكَ مُسْتَخَفٌّ وَ لَا لِعِقُوبَتِكَ مُتَعَرِّضٌ وَ لَا لَوَعِيدِكَ مَتَهَاوِنٌ لَكِنْ
خَطِيئَةٌ عَرَضَتْ وَ سَوَّلَتْ لِي نَفْسِي وَ غَلَبَنِي هَوَايَ وَ اعَانَنِي عَلَيْهَا شِقْوَتِي وَ غَرَّنِي سِرُّكَ الْمُرْخِي عَلَيَّ فَقَدْ عَصَيْتُكَ وَ خَالَفْتُكَ بِجَهْدِي
فَالآنَ مِنْ عَذَابِكَ مَنْ يَسْتَنْفِذْنِي وَ مِنْ أَيْدِي الْخُصَمَاءِ غَدًا مَنْ

ص: ۲۱۹

بِئِنِّي وَبَيْنَ الْمُصِطَفَى وَآلِهِ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَخَاتَمِ النَّبِيِّينَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأَنْقَلْنِي إِلَى دَرَجَةِ التَّوْبَةِ إِلَيْكَ وَاعْنِي بِالْبُكَاءِ عَلَى نَفْسِي فَقَدْ أَفْنَيْتُ بِالتَّسْوِيفِ وَالْأَمَالِ عُمُرِي وَقَدْ نَزَلْتُ مَنْزِلَهُ الْاَيْسِينَ مِنْ خَيْرِي فَمَنْ يَكُونُ اسْوَاءَ حَالًا مِنِّي أَنْ أَنَا نُقِلْتُ عَلَى مِثْلِ حَالِي إِلَى قَبْرِي لَمْ أَمْهَدْهُ لِرُقْدَتِي وَلَمْ أَفْرُشْهُ بِالْعَمَلِ الصَّالِحِ لِضَجْعَتِي وَمَالِي لَا ابْنِي وَلَا أَدْرِي إِلَى مَا يَكُونُ مَصِيرِي وَارِي نَفْسِي تُخَادِعُنِي وَأَيَّامِي تُخَاتِلُنِي وَقَدْ خَفَقْتُ عِنْدَ رَأْسِي اجْنَحَهُ الْمَوْتِ فَمَالِي لَا ابْنِي ابْنِي ابْنِي لِحُرُوجِ نَفْسِي ابْنِي لِظُلْمَةِ قَبْرِي ابْنِي لِضَيْقِ لِحْدِي ابْنِي لِسِوَالِ مُنْكَرٍ وَنَكِيرٍ أَيَّ ابْنِي لِحُرُوجِي مِنْ قَبْرِي عَزِيانًا ذَلِيلًا حَامِلًا ثِقَلِي عَلَى ظَهْرِي أَنْظُرْ مَرَّةً عَنْ يَمِينِي وَآخَرِي عَنْ شِمَالِي إِذِ الْخَلَائِقُ فِي شَأْنٍ غَيْرِ شَأْنِي لِكُلِّ امْرَأٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُعْنِيهِ وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُسْتَبْشِرَةٌ وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ تَرْهَقُهَا قَتَرَةٌ وَذَلِكَ سَيِّدِي عَلَيْكَ مَعْوَلِي وَمُعْتَمِدِي وَرَجَائِي وَتَوَكُّلِي وَبِرَحْمَتِكَ تَعَلَّقِي تُصِيبُ بِرَحْمَتِكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَهْدِي بِكَرَامَتِكَ مَنْ تُحِبُّ فَلَمَّا كَفَّ الْحَمِيدُ عَلَى مَا نَقَّيْتُ مِنَ الشُّرْكِ قَلْبِي وَلَكَ الْحَمِيدُ عَلَى بَسْطِ لِسَانِي أَفِلسَانِي هَذَا الْكَلَامُ اشْكُرْكَ أُمَّ بَغَايَةَ جَهْدِي فِي عَمَلِي أَرْضِيكَ وَمَا قَدَّرَ لِسَانِي يَا رَبِّ فِي جَنْبِ شُكْرِكَ وَمَا قَدَّرَ عَمَلِي فِي جَنْبِ نِعَمِكَ

ص: ۲۲۰

وَاحْسَانِيكَ [الَى الهى اَن جُودَكَ بَسَطَ اَمَلِي وَشُكْرَكَ قَبْلَ عَمَلِي سَيِّدِي اَلَيْكَ رَغْبَتِي وَاَلَيْكَ رَهْبَتِي وَاَلَيْكَ تَامِلِي وَقَدْ سَاقَنِي اَلَيْكَ
اَمَلِي وَعَلَيْكَ يَا وَاحِدِي عَكَفْتُ هَمَّتِي وَفِي مَا عِنْدَكَ اَتَّبَسَطْتُ رَغْبَتِي وَلَكَ خَالِصُ رَجَائِي وَخَوْفِي وَبِكَ اِنْسَتْ مَحَبَّتِي وَاَلَيْكَ الْقَيْتُ
بِيَدِي وَبِحَبْلِ طَاعَتِكَ مَيَّدْتُ رَهْبَتِي [يَا] مَوْلَايَ بِجِدِّكَ عَاشَ قَلْبِي وَبِمَنَاجَاتِكَ بَرَّدْتُ اَلَمَ الْخَوْفِ عَنِّي يَا مَوْلَايَ يَا مُؤَمِّلِي وَيَا
مُنْتَهَى سُؤْلِي فَرَّقَ بَيْنِي وَبَيْنَ ذَنْبِي الْمَانِعِ لِي مِنْ لُزُومِ طَاعَتِكَ فَاِنَّمَا اَسْتُلُكَ لِقَدِيمِ الرَّجَاءِ فِيكَ وَعَظِيمِ الطَّمَعِ مِنْكَ الَّذِي اَوْجَبْتَهُ عَلَيَّ
نَفْسِكَ مِنَ الرَّافِعِ وَالرَّحْمَةِ فَالْأَمْرُ لَكَ وَخِيَدُكَ لَا شَرِيكَ لَكَ وَالْخَلْقُ كُلُّهُمْ عِيَالُكَ وَفِي قَبْضَتِكَ وَكُلُّشَيْءٍ خَاضِعٌ لَكَ تَبَارَكَتَ يَا
رَبَّ الْعَالَمِينَ الهى اِرْحَمْنِي اِذَا انْقَطَعَتْ حُجَّتِي وَكَلَّ عَنْ جَوَابِكَ لِسَانِي وَطَاشَ عِنْدَ سُؤْلِكَ اَيَّامِي يَا عَظِيمَ رَجَائِي لَا تُخَيِّبْنِي
اِذَا اشْتَدَّتْ فَاقَتِي وَلَا تَزِدَّنِي لِجَهْلِي وَلَا تَمْنَعْنِي لِقَلْبِي صَبْرِي اَعْطِنِي لِفَقْرِي وَاِرْحَمْنِي لِضَعْفِي سَيِّدِي عَلَيْكَ مُعْتَمِدِي وَمُعَوَّلِي وَرَجَائِي
وَتَوَكُّلِي وَبِرَحْمَتِكَ تَعَلَّقِي وَبِفَنَائِكَ اِحْطُ رَحْلِي وَبِجُودِكَ اَقْصِدْ طَلِبَتِي وَبِكَرَمِكَ اِي رَبِّ اَسْتَفْتِحُ دُعَائِي وَلَمَدِيكَ اِرْجُو فَاقَتِي
وَبِعِنَاكَ اَجْبُرْ عَيْلَتِي وَتَحْتَ ظِلِّ عَفْوِكَ قِيَامِي وَالَى جُودِكَ وَكَرَمِكَ اِرْفَعْ بَصْرِي وَالَى مَعْرُوفِكَ اَدِيمُ

ص: ۲۲۱

نَظَرِي فَلَا تُخْرِقْنِي بِالنَّارِ وَأَنْتَ مَوْضِعُ أَمَلِي وَلَا تُشِيْكِنِي الْهَاطِرَةَ فَإِنَّكَ قُرَّةُ عَيْنِي يَا سَيِّدِي لَا تُكَذِّبْ ظَنِّي بِإِحْسَانِكَ وَمَعْرُوفِكَ فَإِنَّكَ
 ثَقْتِي وَلَا تَخْرِمْنِي ثَوَابَكَ فَإِنَّكَ الْعَارِفُ بِفَقْرِي الْهَيَّ أَنْ كَانَ قَدْ دَنَا اجْلِي وَلَمْ يُفَرِّبْنِي مِنْكَ عَمَلِي فَقَدْ جَعَلْتُ الْأَعْتِرَافَ إِلَيْكَ بِذَنْبِي
 وَسَأَيْلَ عَلَيَّ الْهَيَّ أَنْ عَفَوْتَ فَمَنْ أَوْلَى مِنْكَ بِالْعَفْوِ وَأَنْ عَيَّدْتَ فَمَنْ عَيَّدَلُ مِنْكَ فِي الْحُكْمِ أَرْحَمُ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا غُرْبَتِي وَعِنْدَ الْمَوْتِ
 كُرْبَتِي وَفِي الْقَبْرِ وَخِدَتِي وَفِي اللَّحْدِ وَخَشْتِي وَإِذَا نُشِزْتُ لِلْحِسَابِ بَيْنَ يَدَيْكَ ذُلُّ مَوْفِي وَأَغْفِرْ لِي مَا خَفِيَ عَلَيَّ الْآدَمِيِّينَ مِنْ عَمَلِي
 وَأَدِمْ لِي مَا بِيهِ سَتَرْتَنِي وَأَرْحَمْنِي صَبْرِي عَلَى الْفِرَاشِ ثَقْلِي إِيدِي أَحِبَّتِي وَتَفَضَّلْ عَلَيَّ مَمْدُودًا عَلَى الْمُغْتَسِلِ يُقَلِّبُنِي صَالِحِ جِيرَتِي
 وَتَحْنُنْ عَلَيَّ مَحْمُولًا قَدْ تَنَاوَلَ الْأَقْرَبَاءُ أَطْرَافَ جِنَازَتِي وَجُدْ عَلَيَّ مَنقُولًا قَدْ نَزَلَتْ بِكَ وَحِيدًا فِي حُفْرَتِي وَأَرْحَمْ فِي ذَلِكَ الْبَيْتِ الْجَدِيدِ
 غُرْبَتِي حَتَّى لَا اسْتَأْنَسَ بِغَيْرِكَ يَا سَيِّدِي أَنْ وَكَلْتَنِي إِلَى نَفْسِي هَلَكْتُ سَيِّدِي فَبِمَنْ اسْتَعِيْتُ أَنْ لَمْ تُقَلِّبْنِي عَثْرَتِي فَالِي مَنْ أَفْرَعُ أَنْ فَقَدْتُ
 عِنَايَتِكَ فِي ضَجْعَتِي وَالِي مَنْ التَّجِيُّ أَنْ لَمْ تُنْفَسْ كُرْبَتِي سَيِّدِي مَرْنُ لِي وَمَنْ يَرْحَمْنِي أَنْ لَمْ تَرْحَمْنِي وَفَضَّلْ مَنْ أَوْمَلُ أَنْ عَيَّدْتُمْ
 فَضْلَكَ يَوْمَ فَاقَتِي وَالِي مَنْ الْفِرَارُ مِنَ الذُّنُوبِ إِذَا انْقَضَى اجْلِي سَيِّدِي لَا تُعَذِّبْنِي وَأَنَا

ص: ۲۲۲

اَرْجُوْكَ الْهٰی حَقَّقْ رَجَائِیْ وَ اَمِنْ خَوْفِیْ فَسَانَّ كَثْرَةَ ذُنُوْبِیْ لَا- اَرْجُوْ فِيْهَا اِلَّا عَفْوَكَ سَيِّدِیْ اِنَّا اَسْئَلُكَ مَا لَا اَسْئَلُكَ وَاَنْتَ اَهْلُ التَّقْوٰی
 وَاَهْلُ الْمَغْفِرَةِ فَاغْفِرْ لِیْ وَ الْبَسْنِیْ مِنْ نَظْرِكَ تُوْبًا یُعْطٰی عَلٰی التَّعٰبِ وَ تَعْفُرُهَا لِیْ وَلَا اَطٰلُبُ بِهَا اَنْتَكَ ذُوْ مَنْ قَدِیْمٌ وَ صَفْحٌ عَظِیْمٌ وَ تَجَاوُزٌ
 كَرِیْمٌ الْهٰی اَنْتَ الَّذِیْ تُفِیْضُ سَبِّیْكَ عَلٰی مَنْ لَا یَسْئَلُكَ وَ عَلٰی الْجٰحِدِیْنَ بِرُبُوْبِیَّتِكَ فَكَيْفَ سَيِّدِیْ بِمَنْ سَئَلُكَ وَایْقَنَنَّ اَنَّ الْخُلُقَ لَكَ
 وَ الْاَمْرَ اِلَیْكَ تَبَارَكْتَ وَ تَعَالٰیْتَ یَا رَبَّ الْعٰلَمِیْنَ سَيِّدِیْ عِنْدَكَ بِبَابِكَ اَقَامَتْهُ الْخِصَاصِیْهُ بَیْنَ یَدَیْكَ یَقْرَعُ بَابَ اِحْسَانِكَ بِدَعَاۓهِ فَلَا
 تُعْرِضُ بِوَجْهِكَ الْكَرِیْمِ عَنِّیْ وَ اَقْبَلْ مِنِّیْ مَا اَقُوْلُ فَفَعْدُ دَعَوْتُ بِهَذَا الدُّعَاۓ وَ اِنَّا اَرْجُوْ اَنْ لَا تَرُدَّنِیْ مَعْرِفَةً مِنِّیْ بِرَافِقِكَ وَ رَحْمَتِكَ الْهٰی
 اَنْتَ الَّذِیْ لَا یُحْفِیْكَ سَاۓِلٌ وَلَا یَنْقُصُكَ نَائِلٌ اَنْتَ كَمَا تَقُوْلُ وَ فَوْقَ مَا نَقُوْلُ اللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ صَبْرًا جَمِیْلًا وَ فَرَجًا قَرِیْبًا وَ قَوْلًا صَادِقًا
 وَ اَجْرًا عَظِیْمًا اَسْئَلُكَ یَا رَبُّ مِنْ الْخَیْرِ كُلِّهِ مَا عَلِمْتُ مِنْهُ وَ مَا لَمْ اَعْلَمْ اَسْئَلُكَ اللّٰهُمَّ مِنْ خَیْرِ مَا سَأَلْتُكَ مِنْهُ عِبَادُكَ الصّٰلِحُوْنَ یَا خَیْرَ مَنْ
 سُئِلَ وَ اَجْوَدَ مَنْ اُعْطِیَ اَعْطِنِیْ سُؤْلِیْ فِیْ نَفْسِیْ وَ اَهْلِیْ وَ وَاِلْدِیْ وَ وَاِلْدِیْ وَ اَهْلِیْ حُزَانَتِیْ وَ اِخْوَانِیْ فِیْكَ وَ اِرْغَدْ عَیْشِیْ وَ اَظْهَرْ مُرَوَّتِیْ وَ اَصْلِحْ
 جَمِیْعَ اَحْوَالِیْ وَ اجْعَلْنِیْ مِمَّنْ اَطَّلَتْ عُمُرُهُ وَ حَسَّنَتْ عَمَلُهُ وَ اَتَمَمَتْ عَلَیْهِ نِعْمَتَكَ وَ رَضِیْتَ عَنْهُ

ص: ۲۲۳

وَاحْيَيْتُهُ حَيَوْهُ طَيِّبُهُ فِي ادْوَمِ الشُّرُورِ وَاسْبِيغِ الْكِرَامَةِ وَاتَمِّ الْعَيْشِ اِنَّكَ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ وَلَا تَفْعَلُ مَا يَشَاءُ غَيْرُكَ اللَّهُمَّ خُصَّنِي مِنْكَ بِخَاصَّةِ ذِكْرِكَ وَلَا تَجْعَلْ شَيْئاً مِمَّا اتَّقَرَّبُ بِهِ فِي آتَاءِ اللَّيْلِ وَاطْرَافِ النَّهَارِ رِيَاءً وَلَا سُمْعَةً وَلَا اِشْرَاءً وَلَا بَطْراً وَاجْعَلْنِي لَكَ مِنَ الْخَاشِعِينَ اللَّهُمَّ اعْطِنِي السَّعْيَةَ فِي الرِّزْقِ وَالْأَمْنَ فِي الْوَطَنِ وَقُوَّةَ الْعَيْنِ فِي الْأَهْلِ وَالْمَالِ وَالْوَلَدِ وَالْمُقَامَ فِي نِعْمِكَ عِنْدِي وَالصَّحَّةَ فِي الْجِسْمِ وَالْقُوَّةَ فِي الْبَدَنِ وَالسَّلَامَةَ فِي الدِّينِ وَاسْتَعْمَلْنِي بِطَاعَتِكَ وَطَاعَةِ رَسُولِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ابداً مَا اسْتَعْمَرْتَنِي وَاجْعَلْنِي مِنْ أَوْفَرِ عِبَادِكَ عِنْدَكَ نَصيباً فِي كُلِّ خَيْرٍ أَنْزَلْتَهُ وَتُنزِلُهُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَمَا أَنْتَ مُنزِلُهُ فِي كُلِّ سَنَةٍ مِنْ رَحْمَةٍ تَنْشُرُهَا وَعَافِيَةٍ تُلْبِسُهَا وَبَلِيَّةٍ تَدْفَعُهَا وَحَسَنَاتٍ تَتَقَبَّلُهَا وَسَيِّئَاتٍ تَتَجَاوَزُ عَنْهَا وَارْزُقْنِي حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ فِي عَامِنَا هَذَا وَفِي كُلِّ عَامٍ وَارْزُقْنِي رِزْقاً وَسِعاً مِنْ فَضْلِكَ الْوَاسِعِ وَاصْبِرْ عَنِّي يَا سَيِّدِي الْمَأْسُوءَ وَأَقْضِ عَنِّي الدَّيْنَ وَالظُّلُمَاتِ حَتَّى لَا اتَّادِيَ بِشَيْءٍ مِنْهُ وَخُذْ عَنِّي بِاسْمَاعِ وَأَبْصَارِ اعْيَادِي وَحُسَادِي وَالْبَاغِينَ عَلَيَّ وَأَنْصِرْ نِي عَلَيْهِمْ وَاقِرَّ عَيْنِي وَفَرِّحْ قَلْبِي وَاجْعَلْ لِي مِنْ هَمِّي وَكَرْبِي فَرْجاً وَمَخْرَجاً وَاجْعَلْ مَنْ ارَادَنِي بِسُوءٍ مِنْ جَمِيعِ خَلْقِكَ تَحْتَ قَدَمَيَّ وَاكْفِنِي شَرَّ الشَّيْطَانِ وَشَرِّ

ص: ۲۲۴

السُّلْطَانِ وَسَيِّئَاتِ عَمَلِي وَطَهَّرْنِي مِّنَ الذُّنُوبِ كُلِّهَا وَاجْرِنِي مِّنَ النَّارِ بِعَفْوِكَ وَادْخِلْنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ وَرَوِّجْنِي مِّنَ الْحُورِ الْعِينِ
بِفَضْلِكَ وَاحْفَظْنِي بِأَوْلِيَاءِكَ الصَّالِحِينَ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْأَبْرَارِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ صِلْ مَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ وَعَلَى اجْسَادِهِمْ وَارْزُقْهُمْ
وَرَحْمَةً اللَّهُ وَبَرَكَاتُهُ الْهِيَ وَسَيِّدِي وَعَزَّتِكَ وَجَلَالِكَ لِيُنْ طَالِبْتَنِي بِذُنُوبِي لِطَالِبْتَنِكَ بِعَفْوِكَ وَلِيُنْ طَالِبْتَنِي بِلُؤْمِي لِطَالِبْتَنِكَ بِكَرَمِكَ
وَلِيُنْ ادْخَلْتَنِي النَّارَ لِأُخْبِرَنَّ أَهْلَ النَّارِ بِحُبِّي لَكَ الْهِيَ وَسَيِّدِي أَنْ كُنْتُ لَا تَغْفِرُ إِلَّا لِأَوْلِيَاءِكَ وَأَهْلِ طَاعَتِكَ فَالِي مَنْ يَفْرَعُ الْمُذْنِبُونَ وَأَنْ
كُنْتُ لَا تُكْرِمُ إِلَّا أَهْلَ الْوَفَاءِ بِكَ فَبِمَنْ يَسْتَعِيْثُ الْمُسِيْئُونَ الْهِيَ أَنْ ادْخَلْتَنِي النَّارَ فَفِي ذَلِكَ سُرُورٌ عِدُّوكَ وَأَنْ ادْخَلْتَنِي الْجَنَّةَ فَفِي
ذَلِكَ سُرُورٌ نَبِيِّكَ وَأَنَا وَاللَّهِ اعْلَمُ أَنْ سُرُورَ نَبِيِّكَ أَحَبُّ إِلَيْكَ مِنْ سُرُورِ عِدُّوكَ اللَّهُمَّ إِنِّي اسئَلُكَ أَنْ تَمَلَأَ قَلْبِي حُبًّا لَكَ وَحَشِيَّةً مِنْكَ
وَتَضِيدِقًا بِكِتَابِكَ وَإِيمَانًا بِكَ وَفَرَقًا مِنْكَ وَشَوْقًا إِلَيْكَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ حَبِّبْ إِلَيَّ لِقَائِكَ وَاحْبِبْ لِقَائِي وَاجْعَلْ لِي فِي لِقَائِكَ
الرَّاحَةَ وَالْفَرَجَ وَالْكَرَامَةَ اللَّهُمَّ احْفَظْنِي بِصَالِحِ مَنْ مَضَى وَاجْعَلْنِي مِنْ صَالِحِ مَنْ بَقِيَ وَخُذْ بِي سَبِيلَ الصَّالِحِينَ وَاعْنِي عَلَى نَفْسِي بِمَا
تُعِينُ بِهِ الصَّالِحِينَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَاحْتِمِ عَمَلِي بِأَحْسَنِهِ وَاجْعَلْ ثَوَابِي مِنْهُ الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ وَاعْنِي عَلَيَّ

ص: ۲۲۵

صَالِحٍ مَا أَعْطَيْتَنِي وَتَبَّئْتَنِي يَا رَبِّ وَلَا تَرُدَّنِي فِي سُوءِ اسْتِنْفَذْتَنِي مِنْهُ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي اسْتَلُكَ إِيمَانًا لَا أَجَلَ لَهُ دُونَ لِقَائِكَ
 أَحِينِي مَا أَحْيَيْتَنِي عَلَيْهِ وَتَوَفَّنِي إِذَا تَوَفَّيْتَنِي عَلَيْهِ وَابْعَثْنِي إِذَا بَعَثْتَنِي عَلَيْهِ وَابْرَأْ قَلْبِي مِنَ الرِّيَاءِ وَالشُّكِّ وَالسُّمْعَاءِ فِي دِينِكَ حَتَّى يَكُونَ
 عَمَلِي خَالِصًا لِمَكَ اللَّهُمَّ اعْطِنِي بَصِيرَةً فِي دِينِكَ وَفَهْمًا فِي حُكْمِكَ وَفَقْهًا فِي عِلْمِكَ وَكِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِكَ وَوَرَعًا يَحْجُزْنِي عَنْ
 مَعَاصِيكَ وَيُبَيِّضُ وَجْهِي بِنُورِكَ وَاجْعَلْ رَغْبَتِي فِيْمَا عِنْدَكَ وَتَوَفَّنِي فِي سَبِيلِكَ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ
 بِكَ مِنَ الْكَسَلِ وَالْفَسَلِ وَالْهَمِّ وَالْجُبْنِ وَالْبُخْلِ وَالْغَفْلَةِ وَالْقَسْوَةِ وَالْمَسِيكَةِ وَالْفَقْرِ وَالْفَاقَةَ وَكُلِّ بَلِيَّةٍ وَالْفَوَاحِشِ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ
 وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَا تَقْنَعُ وَبَطْنٍ لَا يَشْبَعُ وَقَلْبٍ لَا يَحْشَعُ وَدُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ وَعَمَلٍ لَا يَنْفَعُ وَأَعُوذُ بِكَ يَا رَبِّ عَلَى نَفْسِي وَدِينِي وَمَالِي
 وَعَلَى جَمِيعِ مَا رَزَقْتَنِي مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ اللَّهُمَّ أَنَّهُ لَا يُجِيرُنِي مِنْكَ أَحَدٌ وَلَا أَجِدُ مِنْ دُونِكَ مُلْتَجِدًا فَلَا
 تَجْعَلْ نَفْسِي فِي شَيْءٍ مِنْ عَذَابِكَ وَلَا تَرُدَّنِي بِهَلَاكِهِ وَلَا تَرُدَّنِي بِعَذَابِ الْيَمِّ اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي وَأَعِلْ ذِكْرِي وَارْفَعْ دَرَجَتِي وَحُطِّ وَزْرِي وَلَا
 تَذْكَرْنِي بِخَطِيئَتِي وَاجْعَلْ ثَوَابَ مَجْلِسِي وَثَوَابَ مَنْطِقِي وَثَوَابَ دُعَائِي رِضَاكَ

ص: ۲۲۶

وَالْجَنَّةَ وَاعْطِنِي يَا رَبِّ جَمِيعَ مَا سَأَلْتُكَ وَزِدْنِي مِنْ فَضْلِكَ اِنِّي اِلَيْكَ رَاغِبٌ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ اللّٰهُمَّ اَنْتَ اَنْزَلْتَ فِي كِتَابِكَ اَنْ نَعْفُو عَمَّنْ ظَلَمْنَا وَقَدْ ظَلَمْنَا اَنْفُسَنَا فَاَعْفُ عَنَّا فَاِنَّكَ اَوْلَى بِذَلِكُمْ مِنَّا وَاَمَرْتَنَا اَنْ لَا نُرَدَّ سَائِلًا عَنْ اَبْوَابِنَا وَقَدْ جِئْتِكَ سَائِلًا فَلَا تَرُدَّنِي اِلَّا بِقَضَاءٍ حَاجَتِي وَاَمَرْتَنَا بِالْاِحْسَانِ اِلَى مَا مَلَكَتْ اِيْمَانُنَا وَنَحْنُ اِرْقَاءُكَ فَاَعْتِقْ رِقَابَنَا مِنَ النَّارِ يَا مَفْزَعِي عِنْدَ كُرْبَتِي وَيَا غَوْثِي عِنْدَ شِدَّتِي اِلَيْكَ فَزِعْتُ وَبِكَ اَسْتَعِثْتُ وَلَدْتُ لَا الْوُدَّ بِسِوَاكَ وَلَا اَطْلُبُ الْفَرَجَ اِلَّا مِنْكَ فَاغْنِنِي وَفَرِّجْ عَنِّي يَا مَنْ يَفُكُّ الْاَسِيرَ وَيَعْفُو عَنِ الْكَثِيرِ اَقْبَلْ مِنِّي الْيَسِيرَ وَاغْفُ عَنِّي الْكَثِيرَ اِنَّكَ اَنْتَ الرَّحِيمُ الْغَفُورُ اللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ اِيْمَانًا تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي وَيَقِينًا صَادِقًا حَتَّى اَعْلَمَ اَنَّهُ لَنْ يُصِيبَنِي اِلَّا مَا كَتَبْتَ لِي وَرَضْتَنِي مِنَ الْعَيْشِ بِمَا قَسَمْتَ لِي يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

۵- خواندن این دعا که مختصرترین دعاهاى سحر است:

يَا مَفْزَعِي عِنْدَ كُرْبَتِي وَيَا غَوْثِي عِنْدَ شِدَّتِي اِلَيْكَ فَزِعْتُ وَبِكَ اَسْتَعِثْتُ وَلَدْتُ لَا الْوُدَّ بِسِوَاكَ وَلَا اَطْلُبُ الْفَرَجَ اِلَّا مِنْكَ فَاغْنِنِي وَفَرِّجْ عَنِّي يَا مَنْ يَفُكُّ الْاَسِيرَ وَيَعْفُو عَنِ الْكَثِيرِ اَقْبَلْ مِنِّي الْيَسِيرَ وَاغْفُ عَنِّي الْكَثِيرَ اِنَّكَ اَنْتَ الرَّحِيمُ الْغَفُورُ اللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ اِيْمَانًا تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي وَيَقِينًا حَتَّى اَعْلَمَ اَنَّهُ لَنْ

ص: ۲۲۷

يُصَيِّنِي إِلَّا مَا كَتَبْتَ لِي وَرَضْنِي مِنَ الْعَيْشِ بِمَا قَسَمْتَ لِي يَا اِرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا عُدَّتِي فِي كُرْبَتِي وَيَا صَاحِبِي فِي شِدَّتِي وَيَا وَلِيِّي فِي نِعْمَتِي وَيَا غَايَتِي فِي رَغْبَتِي أَنْتَ السَّاتِرُ عَوْرَتِي وَالْأَمِينُ رَوْعَتِي وَالْمُقِيلُ عَثْرَتِي فَاعْفُزْ لِي خَطِيئَتِي يَا اِرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

۶- خواندن این تسبیحات:

سُبْحَانَ مَنْ يَعْلَمُ جَوَارِحَ الْقُلُوبِ سُبْحَانَ مَنْ يُحْصِي عَدَدَ الذُّنُوبِ سُبْحَانَ مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ خَافِيَةٌ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ سُبْحَانَ الرَّبِّ الْوَدُودِ سُبْحَانَ الْفَرْدِ الْوَتَرِ سُبْحَانَ الْعَظِيمِ الْمَاعْظَمِ سُبْحَانَ مَنْ لَا يَعْتَدِي عَلَى أَهْلِ مَمْلَكَتِهِ سُبْحَانَ مَنْ لَا يُؤَاخِذُ أَهْلَ الْأَرْضِ بِأَلْوَانِ الْعَذَابِ سُبْحَانَ الْحَنَّانِ الْمَنَّانِ سُبْحَانَ الرَّؤُوفِ الرَّحِيمِ سُبْحَانَ الْجَبَّارِ الْجَوَادِ سُبْحَانَ الْكَرِيمِ الْحَلِيمِ سُبْحَانَ الْبَصِيرِ الْعَلِيمِ سُبْحَانَ الْبَصِيرِ الْوَاسِعِ سُبْحَانَ اللَّهِ عَلَى أَقْبَالِ النَّهَارِ سُبْحَانَ اللَّهِ عَلَى أَذْبَارِ النَّهَارِ سُبْحَانَ اللَّهِ عَلَى أَذْبَارِ اللَّيْلِ وَأَقْبَالِ النَّهَارِ وَلَهُ الْحَمْدُ وَالْمَجْدُ وَالْعَظْمَةُ وَالْكَبْرِيَاءُ مَعَ كُلِّ نَفْسٍ وَكُلِّ طَرْفَةِ عَيْنٍ وَكُلِّ لَمَحَةٍ سَبَقَ فِي عِلْمِهِ سُبْحَانَكَ مَلَأَ مَا أَحْصَى كِتَابُكَ سُبْحَانَكَ زَنَهُ عَرْشُكَ سُبْحَانَكَ سُبْحَانَكَ سُبْحَانَكَ.

ص: ۲۲۸

اعمال روزهای ماه رمضان

اعمالی که هر روز انجام می‌شود:

۱- خواندن این دعا:

اللَّهُمَّ هَذَا شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْآنَ هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ وَ هَذَا شَهْرُ الصَّيَامِ وَ هَذَا شَهْرُ الْقِيَامِ وَ هَذَا شَهْرُ
 الْإِنَابَةِ وَ هَذَا شَهْرُ التَّوْبَةِ وَ هَذَا شَهْرُ الْمَغْفِرَةِ وَالرَّحْمَةِ وَ هَذَا شَهْرُ الْعِتْقِ مِنَ النَّارِ وَالْفَوْزِ بِالْجَنَّةِ وَ هَذَا شَهْرٌ فِيهِ لَيْلَةُ الْقَدْرِ الَّتِي هِيَ خَيْرٌ مِنْ
 أَلْفِ شَهْرٍ اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اعْنِي عَلَى صِيَامِهِ وَ قِيَامِهِ وَ سَلِّمْهُ لِي وَ سَلِّمْهُ لِي وَ اعْنِي عَلَيْهِ بِأَفْضَلِ عَوْنِكَ وَ وَفِّقْنِي فِيهِ
 لِمَا طَاعَتِكَ وَ طَاعِيَهُ رَسُولِكَ وَ أَوْلِيَائِكَ صِلِّ عَلَى اللَّهِ عَلَيْهِمْ وَ فَرِّغْنِي فِيهِ لِعِبَادَتِكَ وَ دُعَائِكَ وَ تِلَاوَةِ كِتَابِكَ وَ اعْظِمْ لِي فِيهِ الْبَرَكَهَ وَ احْسِنْ لِي
 فِيهِ الْعَافِيَةَ وَ اصْحَحْ فِيهِ بَدَنِي وَ أَوْسِعْ لِي فِيهِ رِزْقِي وَ اكْفِنِي فِيهِ مَا أَهْمَنِي وَ اسْتَجِبْ فِيهِ دُعَائِي وَ بَلِّغْنِي فِيهِ رَجَائِي اللَّهُمَّ صَلِّ

ص: ۲۲۹

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَذْهَبْ عَنِّي فِيهِ الثُّعَاسَ وَالْكَسِيلَ وَالسَّامِيَةَ وَالْفِتْرَةَ وَالْقَشْوَةَ وَالْعَفْلَمَةَ وَالْغِرَّةَ وَجَبِّنِي فِيهِ الْعِلَلَ وَالْأَسِقَامَ وَالْهُمُومَ
 وَالْأَخْزَانَ وَالْأَعْرَاضَ وَالْأَمْرَاضَ وَالْخَطَايَا وَالذُّنُوبَ وَاصْرِفْ عَنِّي فِيهِ الشُّوَاءَ وَالْفَحْشَاءَ وَالْجَهْدَ وَالْبَلَاءَ وَالنَّعَبَ وَالْعَنَاءَ إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاعِزَّنِي فِيهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وَهَمَزِهِ وَلَمَزِهِ وَنَفْثِهِ وَنَفْحِهِ وَوَسْوَسَاتِهِ وَتَشْبِيْطِهِ وَكَيْدِهِ وَمَكْرِهِ وَحَبَائِلِهِ
 وَخُدَعِهِ وَأَمَانِيَّتِهِ وَعُزُورِهِ وَفِتْنَتِهِ وَشَرَكَهِ وَأَخْزَابِهِ وَاتِّبَاعِهِ وَأَشْيَاعِهِ وَأَوْلِيَاءِهِ وَشُرَكَائِهِ وَجَمِيعِ مَكَائِدِهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
 وَارْزُقْنَا قِيَامَهُ وَصِيَامَهُ وَبُلُوغَ الْأَمَلِ فِيهِ وَفِي قِيَامِهِ وَاسْتِكْمَالَ مَا يُرْضِيكَ عَنِّي صَبْرًا وَاحْتِسَابًا وَإِيمَانًا وَيَقِينًا ثُمَّ تَقَبَّلْ ذَلِكَ مِنِّي بِالْأَضْعَافِ
 الْكَثِيرَةِ وَالنَّجْرِ الْعَظِيمِ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْزُقْنِي الْحَيَّ وَالْعُمْرَةَ وَالْإِجْتِهَادَ وَالْقُوَّةَ وَالنَّشَاطَ وَالْإِنَابَةَ
 وَالتَّوْبَةَ وَالْقُرْبَى وَالْحَيْرَ الْمَقْبُولَ وَالرَّغْبَةَ وَالرَّهْبَةَ وَالتَّصَرُّعَ وَالْخُشُوعَ وَالرِّقَّةَ وَالتَّيَّةَ الصَّادِقَةَ وَصِدْقَ اللِّسَانِ وَالْوَجَلَ مِنْكَ وَالرَّجَاءَ لَكَ
 وَالتَّوَكُّلَ عَلَيْكَ وَالثَّقَّةَ بِكَ وَالْوَرَعَ عَنِ مَحَارِمِكَ مَعَ صَالِحِ الْقَوْلِ وَمَقْبُولِ السَّعْيِ وَمَرْفُوعِ الْعَمَلِ وَمُسْتَجَابِ الدَّعْوَةِ وَلَا تَحُلْ بَيْنِي وَبَيْنَ
 شَيْءٍ مِنْ ذَلِكَ بَعْرَضٍ وَلَا مَرَضٍ وَلَا هَمٍّ وَلَا

ص: ۲۳۰

عَمَّ وَلَا- سُدِّمَ وَلَا- عَقْلِيَّ وَلَا- نَشِيَانٍ بَلِّ بِالتَّعَاهُدِ وَالتَّحْفُظِ لَكَ وَفِيكَ وَالرَّعَايَةِ لِحَقِّكَ وَالْوَفَاءِ بَعَهْدِكَ وَوَعْدِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَقْسِمْ لِي فِيهِ أَفْضَلَ مَا تَقَسَّمُهُ لِعِبَادِكَ الصَّالِحِينَ وَأَعْطِنِي فِيهِ أَفْضَلَ مَا تُعْطِي أَوْلِيَاءَكَ الْمُقَرَّبِينَ مِنَ الرَّحْمَةِ وَالْمَغْفِرَةِ وَالتَّحْنِ وَالْإِجَابَةِ وَالْعَفْوِ وَالْمَغْفِرَةَ الدَّائِمَةَ وَالْعَافِيَةَ وَالْمُعَافَاةَ وَالْعِتْقَ مِنَ النَّارِ وَالْفَوْزَ بِالْجَنَّةِ وَخَيْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ دُعَائِي فِيهِ إِلَيْكَ وَاصِدًا وَرَحْمَتَكَ وَخَيْرَكَ إِلَيَّ فِيهِ نَازِلًا وَعَمَلِي فِيهِ مَقْبُولًا وَسِعْيِي فِيهِ مَشْكُورًا وَذَنْبِي فِيهِ مَغْفُورًا حَتَّى يَكُونَ نَصِيبِي فِيهِ الْأَكْثَرَ وَحَظِّي فِيهِ الْأَوْفَرَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَوَفِّقْنِي فِيهِ لِلْيَلَةِ الْقَدْرِ عَلَى أَفْضَلِ حَالٍ تُحِبُّ أَنْ يَكُونَ عَلَيْهَا أَحَدٌ مِنْ أَوْلِيَاءِكَ وَأَرْضَاهَا لَكَ ثُمَّ اجْعَلْهَا لِي خَيْرًا مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ وَأَزْزُقْنِي فِيهَا أَفْضَلَ مَا رَزَقْتَ أَحَدًا مِمَّنْ بَلَغَتْهُ أَيَّامُهَا وَكَرَّمَتْهُ بِهَا وَأَجْعَلْنِي فِيهَا مِنْ عِتْقَائِكَ مِنْ جَهَنَّمَ وَطُلُقَائِكَ مِنَ النَّارِ وَسِعْدَاءِ خَلْقِكَ بِمَغْفِرَتِكَ وَرِضْوَانِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَزْزُقْنَا فِي شَهْرِنَا هَذَا الْجِدَّ وَالْإِجْتِهَادَ وَالْقُوَّةَ وَالنَّشَاطَ وَمَا تُحِبُّ وَتَرْضَى اللَّهُمَّ رَبَّ الْفَجْرِ وَلَيَالِ عَشْرِ وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ وَرَبَّ شَهْرِ رَمَضَانَ وَمَا أَنْزَلْتَ فِيهِ مِنْ

ص: ۲۳۱

الْقُرْآنِ وَرَبِّ جِبْرِئِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ وَعِزْرَائِيلَ وَجَمِيعِ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَرَبِّ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَرَبِّ مُوسَى وَ
النَّبِيِّينَ صِلْ لِمَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ وَاسْئَلْكَ بِحَقِّكَ عَلَيْهِمْ وَبِحَقِّهِمْ عَلَيْكَ وَبِحَقِّكَ الْعَظِيمِ لِمَا صِلَّيْتَ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ
وَنَظَرْتَ إِلَيَّ نَظْرَةً رَحِيمَةً تَرْضَى بِهَا عَنِّي رِضًى لَا سِخَطَ عَلَيَّ بَعْدَهُ أَبَدًا وَأَعْطَيْتَنِي جَمِيعَ سُؤْلِي وَرَغْبَتِي وَآمِنِيَّتِي وَارَادَتِي وَصَرَفْتَ عَنِّي
مَا أَكْرَهُ وَأَخَذْتُ وَأَخَافُ عَلَى نَفْسِي وَمَا لَا أَخَافُ وَعَنْ أَهْلِي وَمَالِي وَأَخْوَانِي وَذُرِّيَّتِي اللَّهُمَّ إِلَيْكَ فَرَزْنَا مِنْ ذُنُوبِنَا فَأَوِنَا تَائِبِينَ وَتُبْ عَلَيْنَا
مُسْتَجِرِينَ وَاعْفُ لَنَا مُتَعَوِّذِينَ وَاعْزِزْنَا مُسْتَجِيرِينَ وَاجْزِزْنَا مُسْتَسْلِمِينَ وَلَا تَخْذُلْنَا رَاهِبِينَ وَآمِنًا رَاغِبِينَ وَشَفِّعْنَا سَائِلِينَ وَاعْظِنَا أَنْكَ سَمِيعِ
الدُّعَاءِ قَرِيبٌ مُجِيبُ اللَّهُمَّ أَنْتَ رَبِّي وَأَنَا عَبْدُكَ وَاحِقٌ مَنْ سَأَلَ الْعَبْدَ رَبَّهُ وَلَمْ يَسْتَلِ الْعَبَادَ مِثْلَكَ كَرَمًا وَجُودًا يَا مُؤْضِعَ شُكُورَى السَّائِلِينَ
وَيَا مُنْتَهَى حَاجَةِ الرَّاغِبِينَ وَيَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ وَيَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ وَيَا مَلِجًا الْهَارِبِينَ وَيَا صَيْرِيخَ الْمُسْتَضِيرِّينَ وَيَا رَبَّ
الْمُسْتَضْعَفِينَ وَيَا كَاشِفَ كَرْبِ الْمَكْرُوبِينَ وَيَا فَارِجَ هَمِّ الْمَهْمُومِينَ وَيَا كَاشِفَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ يَا رَحِمَ الرَّاحِمِينَ
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ وَجُزْمِي وَإِسْرَافِي عَلَى نَفْسِي وَارْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ وَرَحْمَتِكَ

ص: ۲۳۲

فَأَنَّهُ لَا يَمْلِكُهَا غَيْرُكَ وَأَعْفُ عَنِّي وَأَعْفِرْ لِي كُلَّ مَا سَلَفَ مِن ذُنُوبِي وَأَعْصِمْنِي فِي مَا بَقِيَ مِن عُمْرِي وَاسْتُرْ عَلَيَّ وَعَلَى وَالِدَيَّ وَوَلَدِي
 وَقَرَابَتِي وَاهْلِي حُزَانَتِي وَ[كُلُّ مَنْ كَانَ مِنِّي بِسَبِيلٍ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَإِنَّ ذَلِكَ كُلَّهُ بِيَدِكَ وَأَنْتَ وَسِعَ الْمَغْفِرَةَ
 فَلَا تُخَيِّبْنِي يَا سَيِّدِي وَلَا تَزِدْ دُعَائِي وَلَا يَدِي إِلَى نَحْرِي حَتَّى تَفْعَلَ ذَلِكَ بِي وَتَسْتَجِيبَ لِي جَمِيعَ مَا سَأَلْتُكَ وَتَزِيدَنِي مِن فَضْلِكَ
 فَإِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَنَحْنُ إِلَيْكَ رَاغِبُونَ اللَّهُمَّ لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَالْأَمْثَالُ الْعُلْيَا وَالْكَبْرِيَاءُ وَالْأَلَاءُ اسْمُكَ بِاسْمِكَ بِسْمِ اللَّهِ
 الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِنْ كُنْتَ قَضَيْتَ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ تَنْزِيلَ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ فِيهَا إِنْ تُصَلِّئَنِي عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي
 السُّعْدَاءِ وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ وَاحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ وَاسْأَلْتَنِي مَغْفُورَةً وَأَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي وَإِيمَانًا لَا يَشُوبُهُ شَكٌّ وَرِضًى بِمَا
 قَسَيْمْتَ لِي وَآتَيْتَنِي فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنِي عَذَابَ النَّارِ وَإِنْ لَمْ تَكُنْ قَضَيْتَ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ تَنْزِيلَ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ فِيهَا
 فَاخْرُجْنِي إِلَى ذَلِكَ وَارْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَطَاعَتَكَ وَحُسْنَ عِبَادَتِكَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ بِأَفْضَلِ صِلَاوَاتِكَ يَا أَرْحَمَ
 الرَّاحِمِينَ يَا أَحَدُ يَا صَمَدُ يَا رَبَّ مُحَمَّدٍ اغْضَبِ الْيَوْمَ لِمُحَمَّدٍ وَلِأَبْرَارِ عَثْرَتِهِ وَاقْتُلْ

ص: ۲۳۳

اعْدَانَهُمْ بَدَدًا وَاحْصِيَهُمْ عَدَدًا وَلَا تَدْعُ عَلَى ظَهْرِ الْأَرْضِ مِنْهُمْ أَحَدًا وَلَا تَغْفِرْ لَهُمْ أَبَدًا يَا حَسَنَ الصُّحْبَةِ يَا خَلِيفَةَ النَّبِيِّنَ أَنْتَ
 أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ الْيَدَىءُ الْيَدِيعُ الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِكَ شَيْءٌ وَالِدَاتُكُمْ غَيْرُ الْغَافِلِ وَالْحَيُّ الَّذِي لَا يَمُوتُ أَنْتَ كُلَّ يَوْمٍ فِي شَأْنِ أَنْتَ خَلِيفَةُ
 مُحَمَّدٍ وَنَاصِرُ مُحَمَّدٍ وَمُفَضَّلُ مُحَمَّدٍ اسْتَبْلَكَ أَنْ تَنْصِرَ وَصِيَّتِي مُحَمَّدٍ وَخَلِيفَتَهُ مُحَمَّدٍ وَالْقَائِمُ بِالْقِسْطِ مِنْ أَوْصِيَاءِ مُحَمَّدٍ صِلْ لِمَوَاتِكَ عَلَيْهِ
 وَعَلَيْهِمْ اعْطِفْ عَلَيْهِمْ نَصِيرَكَ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي مَعَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاجْعَلْ
 عَاقِبَةَ أَمْرِي إِلَى غُفْرَانِكَ وَرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَكَذَلِكَ نَسَبَتْ نَفْسُكَ يَا سَيِّدِي بِاللَّطِيفِ بَلَى أَنْكَ لَطِيفٌ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
 وَآلِ مُحَمَّدٍ وَالطُّفْ بِي لِمَا تَشَاءُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْزُقْنِي الْحَيَّ وَالْعُمْرَةَ فِي عَامِنَا هَذَا وَتَطَوَّلْ عَلَيَّ بِجَمِيعِ حَوَائِجِي
 لِلْآخِرَةِ وَالْدُّنْيَا بِسْمِ اللَّهِ بِكَوَيْدِ اسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَآتُوبُ إِلَيْهِ أَنْ رَبِّي قَرِيبٌ مُجِيبٌ اسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَآتُوبُ إِلَيْهِ أَنْ رَبِّي رَحِيمٌ وَدُودٌ
 اسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَآتُوبُ إِلَيْهِ أَنْهُ كَانَ غَفَّارًا اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي أَنْكَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ رَبِّ انِّي عَمِلْتُ سُوءًا وَظَلَمْتُ نَفْسِي فَاعْفِرْ لِي أَنْهُ لَا يَغْفِرُ
 الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ اسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ الْحَلِيمُ الْعَظِيمُ الْكَرِيمُ الْغَفَّارُ

ص: ۲۳۴

لِلذَّنْبِ الْعَظِيمِ وَاتُوبُ إِلَيْهِ اسْتَغْفِرِ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُوراً رَحِيماً پس این دعا را بخواند اللَّهُمَّ إِنِّي اسئَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ لِي مَا تَقْضِي وَتُقَدِّرُ مِنَ الْأَمْرِ الْعَظِيمِ الْمُحْتُمِ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ مِنَ الْقَضَاءِ الَّذِي لَا يُرَدُّ وَلَا يُبَدَّلُ أَنْ تَكْتُبَنِي مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ الْمَبْرُورِ حُجَّتِهِمُ الْمَشْكُورِ سِعْيِهِمُ الْمَغْفُورِ ذُنُوبُهُمُ الْمَكْفَرِ عَنْهُمْ سَيِّئَاتُهُمْ وَأَنْ تَجْعَلَ لِي مَا تَقْضِي وَتُقَدِّرُ أَنْ تُطِيلَ عُمُرِي وَتَوْسِعَ فِي رِزْقِي وَتُوَدِّيَ عَنِّي أَمَانَتِي وَدِينِي آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي مِنْ أَمْرِي فَرجاً وَمَخْرَجاً وَارْزُقْنِي مِنْ حَيْثُ احْتَسَبْتُ وَمِنْ حَيْثُ لَا احْتَسَبْتُ وَاحْرُسْنِي مِنْ حَيْثُ احْتَرَسْتُ وَمِنْ حَيْثُ لَا احْتَرَسْتُ وَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَسَلِّمْ كَثِيراً.

۲- خواندن این تسبیحات که ده جزء است و هر جزء آن مشتمل بر ده سُبْحَانَ اللَّهِ:

(۱) سُبْحَانَ اللَّهِ بَارِي النَّسَمِ سُبْحَانَ اللَّهِ الْمُصَوِّرِ سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا سُبْحَانَ اللَّهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ سُبْحَانَ اللَّهِ فَالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوَى سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ كُلِّشَيْءٍ سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ مَا يَرَى وَمَا لَا يَرَى سُبْحَانَ اللَّهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ سُبْحَانَ اللَّهِ السَّمِيعِ الَّذِي لَيْسَ شَيْءٌ اسْمَعَهُ مِنْهُ يَسْمَعُ مِنْ فَوْقِ عَرْشِهِ مَا تَحْتَ سَبْعِ أَرْضِينَ وَيَسْمَعُ

ص: ۲۳۵

ما فی ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَيَسْمَعُ الْأَنِينَ وَالشُّكُوى وَيَسْمَعُ السَّرَّ وَآخْفَى وَيَسْمَعُ وَسَاوِسَ الصُّدُورِ وَلَا يُصَمُّ سَمْعُهُ صَوْتٌ (۲) سُبْحَانَ اللَّهِ بَارِئِ النَّسَمِ سُبْحَانَ اللَّهِ الْمَصُورِ سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا سُبْحَانَ اللَّهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ سُبْحَانَ اللَّهِ فَالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوَى سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ كُلِّشَيْءٍ سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ مَا يُرَى وَمَا لَا يُرَى سُبْحَانَ اللَّهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ سُبْحَانَ اللَّهِ الْبَصِيرِ الَّذِي لَيْسَ شَيْءٌ أَبْصَرَ مِنْهُ يُبْصِرُ مَنْ فَوْقَ عَرْشِهِ مَا تَحْتَ سَمِعَ أَرْضِينَ وَيُبْصِرُ مَا فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ لَا تُغْشَى بَصِيرَهُ الظُّلْمَةُ وَلَا يُسْتَتَرُ مِنْهُ بَسْتَرٌ وَلَا يُوَارَى مِنْهُ جِدَارٌ وَلَا يَغِيبُ عَنْهُ بَرٌّ وَلَا بَحْرٌ وَلَا يَكُنُّ مِنْهُ جَبَلٌ مَا فِي أَرْضِهِ وَلَا قَلْبٌ مَا فِيهِ وَلَا جَنْبٌ مَا فِي قَلْبِهِ وَلَا يَسْتَتِرُ مِنْهُ صَغِيرٌ وَلَا كَبِيرٌ وَلَا يَسْتَخْفَى مِنْهُ صَغِيرٌ لِصَغَرِهِ وَلَا يَخْفَى عَلَيْهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۳) سُبْحَانَ اللَّهِ بَارِئِ النَّسَمِ سُبْحَانَ اللَّهِ الْمَصُورِ سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا سُبْحَانَ اللَّهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ سُبْحَانَ اللَّهِ فَالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوَى سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ كُلِّشَيْءٍ سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ مَا يُرَى وَمَا لَا يُرَى سُبْحَانَ اللَّهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ

ص: ۲۳۶

سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ سُبْحَانَ اللَّهِ الَّذِي يُنْشِئُ السَّحَابَ الثَّقَالَ وَيُسَبِّحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ وَالْمَلَائِكَةُ مِنْ خِيفَتِهِ وَيُرْسِلُ الصَّوَاعِقَ فَيُصِيبُ بِهَا مَنْ يَشَاءُ وَيُرْسِلُ الرِّيَّاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ وَيَنْزِلُ الْمَاءَ مِنَ السَّمَاءِ بِكَلِمَتِهِ وَيُنْبِتُ النَّبَاتَ بِقُدْرَتِهِ وَيَسْقِطُ الْوَرَقَ بِعِلْمِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ الَّذِي لَا يَعْزُبُ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَلَا اضْيَعُرُ مِنْ ذَلِكَ وَلَا اكْبُرُ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ (۴) سُبْحَانَ اللَّهِ بَارِي النَّسَمِ سُبْحَانَ اللَّهِ الْمُصَوِّرِ سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا سُبْحَانَ اللَّهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ سُبْحَانَ اللَّهِ فَالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوَى سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ كُلِّشَيْءٍ سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ مَا يَرَى وَمَا لَا يَرَى سُبْحَانَ اللَّهِ مِتَادَ كَلِمَاتِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ سُبْحَانَ اللَّهِ الَّذِي يَعْلَمُ مَا تَحْمِلُ كُلُّ أُنْثَى وَمَا تَغِيصُ الْأَرْحَامُ وَمَا تَزْدَادُ وَكُلِّشَيْءٍ عِنْدَهُ بِمِقْدَارٍ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْكَبِيرِ الْمُتَعَالِ سَوَاءٌ مِنْكُمْ مَنْ أَسَرَ الْقَوْلَ وَمَنْ جَهَرَ بِهِ وَمَنْ هُوَ مُسْتَخْفٍ بِاللَّيْلِ وَسَارِبٌ بِالنَّهَارِ لَهُ مُعَقَّبَاتٌ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ سُبْحَانَ اللَّهِ الَّذِي يُمِيتُ الْأَحْيَاءَ وَيُحْيِي الْمَوْتَى وَيَعْلَمُ مَا تَنْقُصُ الْأَرْضُ مِنْهُمْ وَيُقَرِّ فِي الْأَرْحَامِ مَا يَشَاءُ إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى (۵) سُبْحَانَ اللَّهِ بَارِي النَّسَمِ سُبْحَانَ اللَّهِ الْمُصَوِّرِ سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا سُبْحَانَ اللَّهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ سُبْحَانَ اللَّهِ

ص: ۲۳۷

فَالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوَى سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ مَا يَرَى وَمَا لَا يَرَى سُبْحَانَ اللَّهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
 سُبْحَانَ اللَّهِ مَا لَكَ الْمَلِكِ تُوْتِي الْمَلِكِ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمَلِكِ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعْزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُنْزِلُ مَنْ تَشَاءُ بِرَبِّكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَى
 كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ تُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَتُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ تُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَتَرْزُقُ مَنْ تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ
 (۶) سُبْحَانَ اللَّهِ بَارِئِ النَّسَمِ سُبْحَانَ اللَّهِ الْمُصَوِّرِ سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا سُبْحَانَ اللَّهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ سُبْحَانَ اللَّهِ فَالِقِ
 الْحَبِّ وَالنَّوَى سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ مَا يَرَى وَمَا لَا يَرَى سُبْحَانَ اللَّهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ مَفَاتِحِ
 الْغَيْبِ لَا- يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٌ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي
 كِتَابٍ مُبِينٍ (۷) سُبْحَانَ اللَّهِ بَارِئِ النَّسَمِ سُبْحَانَ اللَّهِ الْمُصَوِّرِ سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا سُبْحَانَ اللَّهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ سُبْحَانَ
 اللَّهِ فَالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوَى سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ مَا يَرَى وَمَا لَا يَرَى سُبْحَانَ اللَّهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
 سُبْحَانَ اللَّهِ الَّذِي لَا يُحْصَى مَدْحَتُهُ الْقَائِلُونَ وَلَا يَجْزَى بِالْإِنِّهِ الشَّاكِرُونَ

ص: ۲۳۸

الْعَابِدُونَ وَهُوَ كَمَا قَالَ وَفَوْقَ مَا نَقُولُ وَاللَّهُ سُبْحَانَهُ كَمَا اتْنَى عَلَى نَفْسِهِ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ (۸) سُبْحَانَ اللَّهِ بَارِئِ النَّسَمِ سُبْحَانَ اللَّهِ الْمَصُورِ سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا سُبْحَانَ اللَّهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ سُبْحَانَ اللَّهِ فَالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوَى سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ كُلِّشَيْءٍ سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ مَا يَرَى وَمَا لَا يَرَى سُبْحَانَ اللَّهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ سُبْحَانَ اللَّهِ الَّذِي يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَرْجِعُ فِيهَا وَلَا يَشْغَلُهُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا عَمَّا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَلَا يَشْغَلُهُ مَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَرْجِعُ فِيهَا عَمَّا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَلَا يَشْغَلُهُ عِلْمُ شَيْءٍ عَنْ عِلْمِ شَيْءٍ وَلَا يَشْغَلُهُ خَلْقُ شَيْءٍ عَنْ خَلْقِ شَيْءٍ وَلَا حِفْظُ شَيْءٍ عَنْ حِفْظِ شَيْءٍ وَلَا يُسَاوِيهِ شَيْءٌ وَلَا يَعْدِلُهُ شَيْءٌ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ (۹) سُبْحَانَ اللَّهِ بَارِئِ النَّسَمِ سُبْحَانَ اللَّهِ الْمَصُورِ سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا سُبْحَانَ اللَّهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ سُبْحَانَ اللَّهِ فَالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوَى سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ كُلِّشَيْءٍ سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ مَا يَرَى وَمَا لَا يَرَى سُبْحَانَ اللَّهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ سُبْحَانَ اللَّهِ فَاطِرِ

ص: ۲۳۹

السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا أُولَىٰ أَجْنِحَةٍ مَّثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ مَا يَفْتَحِ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَتِهِ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا وَمَا يُمْسِكُ فَلَا مُرْسِلَ لَهُ مِنْ بَعْدِهِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۱۰) سُبْحَانَ اللَّهِ بَارِئِ النَّسَمِ سُبْحَانَ اللَّهِ الْمَصُورِ سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ الْمَأْزُوجِ كُلِّهَا سُبْحَانَ اللَّهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ سُبْحَانَ اللَّهِ فَالِقِ الْوَجِّ وَالنَّوَىٰ سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ مَا يُرَىٰ وَمَا لَا يُرَىٰ سُبْحَانَ اللَّهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ سُبْحَانَ اللَّهِ الَّذِي يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَا يَكُونُ مِنْ نَجْوَىٰ ثَلَاثَةٍ إِلَّا هُوَ رَابِعُهُمْ وَلَا خَمْسَةٍ إِلَّا هُوَ سَادِسُهُمْ وَلَا اذْنَىٰ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْثَرَ إِلَّا هُوَ مَعَهُمْ إِنْ كَانُوا تُبَّيِّنُهُمْ بِمَا عَمِلُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ.

۳- خواندن این صلوات:

إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا لَبَّيْكَ يَا رَبِّ وَسِعَدَيْكَ وَسُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ اللَّهُمَّ ارْحَمْ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ كَمَا رَحِمْتَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ

ص: ۲۴۱

الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ اميرِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَالِ مَنْ وَالَهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَضَاعِفِ الْعِذَابِ عَلَى مَنْ شَرِكَ فِي دَمِهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى فاطِمَةَ بِنْتِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ وَالْعَنْ مَنْ آذَى نَبِيِّكَ فِيهَا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ اِمَامِي الْمُسْلِمِينَ وَوَالِ مَنْ وَالَهُمَا وَضَاعِفِ الْعِذَابِ عَلَى مَنْ شَرِكَ فِي دِمَائِهِمَا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ اِمَامِ الْمُسْلِمِينَ وَوَالِ مَنْ وَالَهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَضَاعِفِ الْعِذَابِ عَلَى مَنْ ظَلَمَهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ اِمَامِ الْمُسْلِمِينَ وَوَالِ مَنْ وَالَهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَضَاعِفِ الْعِذَابِ عَلَى مَنْ ظَلَمَهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ اِمَامِ الْمُسْلِمِينَ وَوَالِ مَنْ وَالَهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَضَاعِفِ الْعِذَابِ عَلَى مَنْ ظَلَمَهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُوسَى اِمَامِ الْمُسْلِمِينَ وَوَالِ مَنْ وَالَهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَضَاعِفِ الْعِذَابِ عَلَى مَنْ شَرِكَ فِي دَمِهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُوسَى اِمَامِ الْمُسْلِمِينَ وَوَالِ مَنْ وَالَهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَضَاعِفِ الْعِذَابِ عَلَى مَنْ ظَلَمَهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ اِمَامِ الْمُسْلِمِينَ وَوَالِ مَنْ وَالَهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَضَاعِفِ الْعِذَابِ عَلَى مَنْ ظَلَمَهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ اِمَامِ

ص: ۲۴۲

الْمُسْلِمِينَ وَوَالٍ مَنْ وَالَاهُ وَعَادٍ مَنْ عَادَهُ وَضَاعِفِ الْعَذَابِ عَلَى مَنْ ظَلَمَهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْخَلْفِ مِنْ بَعْدِهِ إمامِ الْمُسْلِمِينَ وَوَالٍ مَنْ وَالَاهُ
 وَعَادٍ مَنْ عَادَهُ وَعَجَّلْ فَرَجَهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْقَاسِمِ وَالطَّاهِرِ ابْنَيْ نَبِيِّكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى رُقَيْئَةَ بِنْتِ نَبِيِّكَ وَالْعَنْ مَنْ آذَى نَبِيِّكَ فِيهَا اللَّهُمَّ
 صَلِّ عَلَى أُمِّ كَلْثُومِ بِنْتِ نَبِيِّكَ وَالْعَنْ مَنْ آذَى نَبِيِّكَ فِيهَا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى ذُرِّيَّةِ نَبِيِّكَ اللَّهُمَّ اخْلُفْ نَبِيِّكَ فِي أَهْلِ بَيْتِهِ اللَّهُمَّ مَكِّنْ لَهُمْ
 فِي الْأَرْضِ اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مِنْ عِدَدِهِمْ وَمِدَدِهِمْ وَأَنْصَارِهِمْ عَلَى الْحَقِّ فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ اللَّهُمَّ اطْلُبْ بِذَخْلِهِمْ وَوِثْرِهِمْ وَدِمَائِهِمْ وَكُفِّ عَنَّا
 وَعَنْهُمْ وَعَنْ كُلِّ مُؤْمِنٍ وَمُؤْمِنَةٍ بَأْسِ كُلِّ بَاغٍ وَطَاغٍ وَكُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصَتِهَا أَنْكَ أَشَدُّ بَأْسًا وَأَشَدُّ تَنْكِيلًا سَيِّدِ بْنِ طَاوُسٍ فَرموده و
 می گوئی: یا عِدَّتِي فِي كُرْبَتِي وَيَا صَاحِبِي فِي شِدَّتِي وَيَا وَلِيِّي فِي نِعْمَتِي وَيَا غَايَتِي فِي رَغْبَتِي أَنْتَ السَّائِرُ عَوْرَتِي وَالْمُؤْمِنُ رَوْعَتِي
 وَالْمُقِيلُ عَثْرَتِي فَاعْفِرْ لِي خَطِيئَتِي يَا اِرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَ مِی گوئی اللَّهُمَّ اِنِّي اذْعُوكَ لَهُمْ لَا- يُفَرِّجُهُ غَيْرُكَ وَلِرَحْمَةٍ لَا- تُنَالُ اَلَّا بِكَ
 وَلِكَرْبٍ لَا- يَكْسِبُهُ اَلَّا اَنْتَ وَلِرَغْبَةٍ لَا تُبْلَغُ اَلَّا بِكَ وَلِحَاجَةٍ لَا يَقْضِيهَا اَلَّا اَنْتَ اللَّهُمَّ فَكَمَا كَانَ مِنْ شَأْنِكَ مَا اِذْنَتْ لِي بِهِ مِنْ مَسْئَلَتِكَ
 وَرَحْمَتِي بِهِ مِنْ ذِكْرِكَ فَلْيَكُنْ مِنْ شَأْنِكَ سَيِّدِي الْاِجَابَةُ لِي فِيمَا دَعَوْتُكَ وَعَوَّائِدُ

ص: ۲۴۳

الْأَفْضَالِ فِيمَا رَجَوْتِكَ وَالنَّجَاءِ مِمَّا فَرَعْتُ إِلَيْكَ فِيهِ فَإِنْ لَمْ أَكُنْ أَهْلًا أَنْ أَبْلُغَ رَحْمَتَكَ فَإِنَّ رَحْمَتَكَ أَهْلٌ أَنْ تَبْلُغَنِي وَتَسِعَنِي وَإِنْ لَمْ أَكُنْ لِلْإِجَابَةِ أَهْلًا فَإِنَّتِ أَهْلُ الْفَضْلِ وَرَحْمَتِكَ وَسَعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَلْتَسِعْ عَنِّي رَحْمَتَكَ يَا هَلِي يَا كَرِيمُ اسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ أَنْ تُصَلِّئَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ وَأَنْ تُفَرِّجَ هَمِّي وَتَكْشِفَ كَرْبِي وَغَمِّي وَتَرْحَمَنِي بِرَحْمَتِكَ وَتَرْزُقَنِي مِنْ فَضْلِكَ أَنْتَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ قَرِيبٌ مُجِيبٌ.

۴- خواندن این دعا:

اللَّهُمَّ إِنِّي اسأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ بِأَفْضَلِهِ وَكُلُّ فَضْلِكَ فَاضِلٌ اللَّهُمَّ إِنِّي اسأَلُكَ بِفَضْلِكَ كُلَّهُ اللَّهُمَّ إِنِّي اسأَلُكَ مِنْ رِزْقِكَ بِأَعَمِّهِ وَكُلُّ رِزْقِكَ عَامٌّ اللَّهُمَّ إِنِّي اسأَلُكَ بِرِزْقِكَ كُلَّهُ اللَّهُمَّ إِنِّي اسأَلُكَ مِنْ عَطَائِكَ بِأَهْنَأِهِ وَكُلُّ عَطَائِكَ هَنِيءٌ اللَّهُمَّ إِنِّي اسأَلُكَ بِعَطَائِكَ كُلَّهُ اللَّهُمَّ إِنِّي اسأَلُكَ مِنْ خَيْرِكَ بِأَعْجَلِهِ وَكُلُّ خَيْرِكَ عَاجِلٌ اللَّهُمَّ إِنِّي اسأَلُكَ بِخَيْرِكَ كُلَّهُ اللَّهُمَّ إِنِّي اسأَلُكَ مِنْ إِحْسَانِكَ بِأَحْسَنِهِ وَكُلُّ إِحْسَانِكَ حَسَنٌ اللَّهُمَّ إِنِّي اسأَلُكَ بِإِحْسَانِكَ كُلَّهُ اللَّهُمَّ إِنِّي اسأَلُكَ بِمَا تُجِيبُنِي بِهِ حِينَ اسأَلُكَ فَاجِبْنِي يَا اللَّهُ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ الْمُزْتَضَى وَرَسُولِكَ الْمُصْطَفَى وَآمِينَكَ وَنَجِيكَ دُونَ خَلْقِكَ وَنَجِيكَ مِنْ

ص: ۲۴۴

عِبَادِكَ وَنَبِيِّكَ بِالصَّدَقِ وَحَبِيبِكَ وَصَلِّ عَلَى رَسُولِكَ وَخَيْرَتِكَ مِنَ الْعَالَمِينَ الْبَشِيرِ النَّذِيرِ السَّرَاحِ الْمُنِيرِ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الْأَبْرَارِ
 الطَّاهِرِينَ وَعَلَى مَلَائِكَتِكَ الَّذِينَ اسْتَخْلَصُوا لَهُمْ لِنَفْسِكَ وَحَبَّبْتَهُمْ عَنْ خَلْقِكَ وَعَلَى أَنْبِيَائِكَ الَّذِينَ يُنْبِئُونَ عَنْكَ بِالصَّدَقِ وَعَلَى رُسُلِكَ
 الَّذِينَ خَصَّصْتَهُمْ بِوَحْيِكَ وَفَضَّلْتَهُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ بِرِسَالَاتِكَ وَعَلَى عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ الَّذِينَ ادْخَلْتَهُمْ فِي رَحْمَتِكَ الْأَيْمَّةِ الْمُهْتَدِينَ
 الرَّاشِدِينَ وَأَوْلِيَاءِكَ الْمُطَهَّرِينَ وَعَلَى جِبْرَائِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ وَمَلَكِ الْمَوْتِ وَعَلَى رِضْوَانَ خَازِنِ الْجَنَانِ وَعَلَى مَالِكِ خَازِنِ النَّارِ
 وَرُوحِ الْقُدُسِ وَالرُّوحِ الْأَمِينِ وَحَمَلِهِ عَرْشِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَعَلَى الْمَلَائِكَةِ الْحَافِظِينَ عَلَيَّ بِالصَّلَاةِ الَّتِي تُحِبُّ أَنْ يُصَلِّيَ بِهَا عَلَيْهِنَّ أَهْلُ
 السَّمَاوَاتِ وَأَهْلُ الْأَرْضِينَ صِلُوهُ طَيِّبَةً كَثِيرَةً مُبَارَكَةً زَاكِيَةً نَامِيَةً ظَاهِرَةً بَاطِنَةً شَرِيفَةً فَاضِلَةً مُبِينَةً بِهَا فَضَّلْتَهُمْ عَلَى الْأَوْلِينَ وَالْآخِرِينَ اللَّهُمَّ
 وَاعْطِ مُحَمَّدًا الْوَسِيلَةَ وَالشَّرَفَ وَالْفَضِيلَةَ وَاجْزِهِ خَيْرَ مَا جَزَيْتَ نَبِيًّا عَنْ أُمَّتِهِ اللَّهُمَّ وَاعْطِ مُحَمَّدًا صِلَى اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَعَ كُلِّ زُلْفَةٍ زُلْفَةً
 وَمَعَ كُلِّ وَسِيلَةٍ وَسِيلَةً وَمَعَ كُلِّ فَضِيلَةٍ فَضِيلَةً وَمَعَ كُلِّ شَرَفٍ شَرَفًا تُعْطِي مُحَمَّدًا وَاللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَفْضَلَ مَا أُعْطِيَتَ أَحَدًا مِنَ الْأَوْلِينَ
 وَالْآخِرِينَ اللَّهُمَّ وَاجْعَلْ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اذْنِي

ص: ۲۴۵

الْمُرْسَلِينَ مِنْكَ مَجْلِسًا وَأَفْسَدَ حَتَمًا فِي الْجَنَّةِ عِنْدَكَ مَنْزِلًا وَأَقْرَبَهُمُ إِلَيْكَ وَسِيلَةً وَاجْعَلْهُ أَوَّلَ شَافِعٍ وَأَوَّلَ مُشَفَّعٍ وَأَوَّلَ قَاتِلٍ وَأَنْجِحْ سَائِلٍ
 وَابْعَثْهُ الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ الَّذِي يَعْطِيهِ بِهِ الْأَوْلُونَ وَالْآخِرُونَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَاسْأَلْكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَسْمَعَ صَوْتِي
 وَتُجِيبَ دَعْوَتِي وَتَجَاوَزَ عَنِّي خَطِيئَتِي وَتَضِيحَ عَنِّي ظُلْمِي وَتُنَجِّحَ طَلِبَتِي وَتَقْضِيَ حَاجَتِي وَتُنَجِّزَ لِي مَا وَعَدْتَنِي وَتُقِيلَ عَثْرَتِي وَتَغْفِرَ
 ذُنُوبِي وَتَغْفُوَ عَنِّي جُزْمِي وَتُقْبِلَ عَلَيَّ وَلَا تُعْرِضَ عَنِّي وَتَرْحَمْنِي وَلَا تُعَذِّبْنِي وَتُعَافِنِي وَلَا تَبْتَلِنِي وَتَرْزُقْنِي مِنَ الرِّزْقِ الطَّيِّبِ وَأَوْسِعْهُ وَلَا
 تَحْرِمْنِي يَا رَبِّ وَأَقْضِ عَنِّي دَيْنِي وَضَعْ عَنِّي وَزْرِي وَلَا تُحَمِّلْنِي مَا لَا طَاقَةَ لِي بِهِ يَا مَوْلَايَ وَادْخُلْنِي فِي كُلِّ خَيْرٍ ادْخَلْتَ فِيهِ مُحَمَّدًا وَآلَ
 مُحَمَّدٍ وَآخِرْجَنِي مِنْ كُلِّ سُوءٍ أَخْرَجْتَ مِنْهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتِكَ عَلَيَّ وَعَلَيْهِمْ وَالسَّلَامُ عَلَيَّ وَعَلَيْهِمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

پس سه مرتبه بگو:

اللَّهُمَّ اِنِّي اَدْعُوكَ كَمَا اَمَرْتَنِي فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي

پس بگو:

اللَّهُمَّ اِنِّي اسْأَلُكَ قَلِيلًا مِنْ كَثِيرٍ مَعَ حَاجَةٍ بِي اِلَيْهِ عَظِيمَةٍ وَغِنَاكَ عَنْهُ قَدِيمٌ وَهُوَ عِنْدِي كَثِيرٌ وَهُوَ عَلَيْكَ سَهْلٌ يَسِيرٌ فَاَمْنُنْ

ص: ۲۴۶

عَلَىٰ بِهٖ اِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اَمِيْنَ رَبَّ الْعَالَمِيْنَ.

۷- خواندن این دعا:

اللَّهُمَّ رَبَّ شَهْرِ رَمَضَانَ الَّذِي اَنْزَلْتَ فِيْهِ الْقُرْآنَ وَافْتَرَضْتَ عَلَيَّ عِبَادِكَ فِيْهِ الصِّيَامَ اَرْزُقْنِيْ حَاجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ فِيْ هَذَا الْعَامِ وَفِي كُلِّ عَامٍ
وَاعْفِرْ لِيْ الذُّنُوْبَ الْعِظَامَ فَانَّهُ لَا يَغْفِرُهَا غَيْرُكَ يَا
ذَ الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ.

۸- در هر روز صد مرتبه این ذکر را بگوید:

سُبْحَانَ الصَّارِّ النَّافِعِ سُبْحَانَ الْقَاضِي بِالْحَقِّ سُبْحَانَ الْعَلِيِّ الْأَعْلَى سُبْحَانَهُ وَبِحَمْدِهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى

۹- صد مرتبه صلوات فرستادن بر رسول خدا (ص) و اگر زیادت فرستاد، افضل است.

اعمال و آداب روز اول ماه رمضان

۱- غسل کردن.

۲- زدن کفی از گلاب به روی خود.

۳- خواندن نماز اول هر ماه که دو رکعت است و در رکعت اول پس از حمد، سی مرتبه سوره «قل هو الله أحد» و در رکعت دوم

پس از حمد سی مرتبه سوره «قدر» خوانده می شود.

۴- خواندن دو رکعت نماز روز اول ماه رمضان که در رکعت اول

ص: ۲۴۷

«حمد» و «أنا فتحنا» و در رکعت دوم «حمد» و هر سوره که خواهد بخواند.

۵- بعد از طلوع فجر این دعا را بخواند:

اللَّهُمَّ قَدْ حَضَرَ شَهْرَ رَمَضَانَ وَقَدْ افْتَرَضْتَ عَلَيْنَا صِيَامَهُ وَأَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْآنَ هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ اللَّهُمَّ اعِنَّا عَلَى صِيَامِهِ وَتَقَبَّلْهُ مِنَّا وَتَسَلَّمْهُ مِنَّا وَسَلِّمْهُ لَنَا فِي يُسْرٍ مِنْكَ وَعَافِيَةٍ أَنْكَ عَلَى كُلِّشَيْءٍ قَدِيرٌ.

۶- خواندن دعای چهل و چهارم صحیفه سجادیه (۱) را اگر در شب نخوانده.

۷- خواندن این دعا که از امام موسی کاظم علیه السلام نقل شده است:

اللَّهُمَّ إِنِّي اسْتَيْلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَانَ لَهُ كُلُّشَيْءٍ وَبِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسِعَتْ كُلُّشَيْءٍ وَبِعِظَمَتِكَ الَّتِي تَوَاضَعُ لَهَا كُلُّشَيْءٍ وَبِعِزَّتِكَ الَّتِي قَهَرَتْ كُلُّشَيْءٍ وَبِقُوَّتِكَ الَّتِي خَضَعَ لَهَا كُلُّشَيْءٍ وَبَجَبْرُوتِكَ الَّتِي غَلَبَتْ كُلُّشَيْءٍ وَبِعِلْمِكَ الَّذِي احْطَى بِكُلِّشَيْءٍ يَا نُورُ يَا قُدُّوسُ يَا أَوَّلُ قَبْلِ كُلِّشَيْءٍ [وَيَا بَاقِيًا بَعْدَ كُلِّشَيْءٍ] يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُغَيِّرُ النِّعَمَ وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنَزِلُ النِّقَمَ وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ

۱- به جهت طولانی بودن دعا، از ذکر آن صرفنظر کردیم، علاقمندان می‌توانند به صحیفه سجادیه مراجعه کنند.

ص: ۲۴۸

الَّتِي تَقَطُّعُ الرَّجَاءَ وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُدِيلُ الْأَعْدَاءَ وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَرُدُّ الدُّعَاءَ وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي يُسَيِّئُهَا نَزْوُلُ
 الْبَلَاءِ وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْبِسُ غَيْثَ السَّمَاءِ وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَكْشِفُ الْغَطَاءَ وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُعَجِّلُ الْفَنَاءَ وَاعْفِرْ لِي
 الذُّنُوبَ الَّتِي تُورِثُ النَّدَمَ وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَهْتِكُ الْعِصَمَ وَالْبِسْنِي دِرْعَكَ الْحَصِينَةَ الَّتِي لَا تُرَامُ وَعَافِنِي مِنْ شَرِّ مَا أَحَازِرُ بِاللَّيْلِ
 وَالنَّهَارِ فِي مُسْتَقْبَلِ سِنَّتِي هَذِهِ اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ وَرَبَّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَمَا فِيهِنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ وَرَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَرَبَّ السَّبْعِ
 الْمَثَانِي وَالْقُرْآنِ الْعَظِيمِ وَرَبَّ اسْرَافِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَجِبْرِيْلَ وَرَبَّ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَخَاتَمِ النَّبِيِّينَ اسْأَلُكَ بِكَ
 وَبِمَا سَيَّمَيْتَ بِهِ نَفْسَكَ يَا عَظِيمُ أَنْتَ الَّذِي تَمُنُّ بِالْعَظِيمِ وَتَدْفَعُ كُلَّ مَخِذُورٍ وَتُعْطِي كُلَّ جَزِيلٍ وَتُضَاعِفُ الْحَسَنَاتِ بِالْقَلِيلِ وَبِالْكَثِيرِ
 وَتَفْعَلُ مَا تَشَاءُ يَا قَدِيرُ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاهْلِ بَيْتِهِ وَالْبِسْنِي فِي مُسْتَقْبَلِ سِنَّتِي هَذِهِ سِتْرَكَ وَنَضَّرْ وَجْهِي بِنُورِكَ وَاجْبِنِي
 بِمَحَبَّتِكَ وَبَلِّغْنِي رِضْوَانِكَ وَشَرِيفَ كَرَامَتِكَ وَجَسِيمَ عَطِيَّتِكَ وَاعْطِنِي مِنْ خَيْرِ مَا عِنْدَكَ وَمِنْ خَيْرِ مَا أَنْتَ مُعْطِيهِ أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ
 وَالْبِسْنِي مَعَ ذَلِكَ عَافِيَّتَكَ يَا مَوْضِعَ كُلِّ شَكْوَى وَيَا شَاهِدَ كُلِّ نَجْوَى وَيَا عَالِمَ كُلِّ خَفِيَّةٍ وَيَا

ص: ۲۴۹

دافع ما تشاء من بليئه يا كريم العفو يا حسن التجاوز توفني على مله ابراهيم و فطرته وعلى دين محمد صلى الله عليه و اله وسنته وعلى
 خير الوفاء فتوفني مواليا لأولياتك ومعاديا لأعدائك اللهم وجبني في هذه السنه كل عمل أو قول أو فعل يباعدني منك واجلبني الى
 كل عمل أو قول أو فعل يقربني منك في هذه السنه يا ارحم الراحمين وامنعني من كل عمل أو قول أو فعل يكون مني اخاف ضرر
 عاقبته واخاف مقتك اياي عليه حذار ان تصير في وجهك الكريم عني فاستوجب به نقصا من حظ لي عندك يا رؤف يا رحيم اللهم
 اجعلني في مستقبل سنتي هذه في حفظك وفي جوارك وفي كنفك وجللني ستر عافيتك وهب لي كرامتك عز جارك وجل
 ثنائوك ولا اله غيرك اللهم اجعلني تابعا لصالحي من مضي من اولياتك والحقني بهم واجعلني مسلما لمن قال بالصدق عليك منهم
 واعوذ بك اللهم ان تحيط بي خطيئتي وظلومي واسرافي على نفسي واتباعي لهوائى واشتغالى بشهواتي فيجول ذللك بيني وبين
 رحمتك ورضوانك فاكون منسيا عندك متعرضا لسخطك ونقمتك اللهم وفقني لكل صالح ترضى به عني وقربني اليك زلفي
 اللهم كما كفيت نبيك محمدا صلى الله عليه و اله هول عدوه وفرجت هممه

ص: ۲۵۰

وَكشَفْتَ غَمَّهُ وَصَدَقْتَهُ وَعَدَدَكَ وَأَنْجَزْتَ لَهُ عَهْدَكَ اللَّهُمَّ فَبِدَلِكَ فَكَفِنِي هَوْلَ هَذِهِ السَّنَةِ وَأَفَاتِهَا وَاسْتِقَامَهَا وَفِتْنَتَهَا وَشُرُورَهَا وَأَحْزَانَهَا وَضَيْقَ الْمَعَاشِ فِيهَا وَبَلَّغْنِي بِرَحْمَتِكَ كَمَالَ الْعَافِيَةِ بِتَمَامِ دَوَامِ النِّعْمَةِ عِنْدِي إِلَى مُنْتَهَى أَجَلِي اِسْتِئْذِنُكَ سُؤَالَ مَنْ أَسَاءَ وَظَلَمَ وَاسْتِئْذِنُكَ وَأَعْتَرَفَ وَاسْتِئْذِنُكَ أَنْ تُغْفِرَ لِي مَا مَضَى مِنَ الذُّنُوبِ الَّتِي حَصَرَ رَتْهَا حَفَظْتِكَ وَأَخَصَيْتَهَا كِرَامُ مَلَائِكَتِكَ عَلَيَّ وَأَنْ تَعْصِمَ مِنِّي الْهِيَ مِنَ الذُّنُوبِ فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمْرِي إِلَى مُنْتَهَى أَجَلِي يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَاتِنِي كُلَّ مَا سَأَلْتُكَ وَرَغِبْتُ إِلَيْكَ فِيهِ فَانْكَرَ امْرُؤَتِي بِالْدُّعَاءِ وَتَكَفَّلْتَ لِي بِالْإِجَابَةِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

دعاهای روزهای ماه رمضان

روز اول

اللَّهُمَّ اجْعَلْ صِيَامِي فِيهِ صِيَامَ الصَّائِمِينَ وَقِيَامِي فِيهِ قِيَامَ الْقَائِمِينَ وَبَهْنِي فِيهِ عَن نُّومِ الْغَافِلِينَ وَهَبْ لِي جُزْمِي فِيهِ يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ وَأَعْفُ عَنِّي يَا عَافِيًا عَنِ الْمُجْرِمِينَ

ص: ۲۵۱

روز دوم

اللَّهُمَّ قَرِّبْنِي فِيهِ إِلَى مَرْضَاتِكَ وَجَنِّبْنِي فِيهِ مِنْ سَخَطِكَ وَنِقْمَاتِكَ وَوَفِّقْنِي فِيهِ لِقِرَائَةِ آيَاتِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

روز سیم

اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ الذَّهْنَ وَالتَّنْبِيَهَ وَبَاعِدْنِي فِيهِ مِنَ السَّفَاهَةِ وَالتَّمْوِيهِ وَاجْعَلْ لِي نَصِيبًا مِنْ كُلِّ خَيْرٍ تُنَزِّلُ فِيهِ بِجُودِكَ يَا أَجْوَدَ الْأَجْوَدِينَ.

روز چهارم

اللَّهُمَّ قَوِّنِي فِيهِ عَلَى اِقَامَةِ امْرِكَ وَادْفِنِي فِيهِ حَلَاوَةَ ذِكْرِكَ وَارْزُقْنِي فِيهِ لِأَدَاءِ شُكْرِكَ بِكَرَمِكَ وَاحْفَظْنِي فِيهِ بِحِفْظِكَ وَسِتْرِكَ يَا ابْصَرَ النَّاطِرِينَ.

روز پنجم

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِيهِ مِنَ الْمُسْتَغْفَرِينَ وَاجْعَلْنِي فِيهِ مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ الْقَانِتِينَ وَاجْعَلْنِي فِيهِ مِنْ أَوْلِيَاءِكَ الْمُقَرَّبِينَ بِرَأْفَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

ص: ۲۵۲

روز ششم

اللَّهُمَّ لَا تَخْذُلْنِي فِيهِ لِتَعْرِضَ مَعْصِيَتِكَ وَلَا تَضْرِبْنِي بِسِيَاطِ نِقَمَتِكَ وَرَخِّزْنِي فِيهِ مِنْ مُوجِبَاتِ سَخَطِكَ بِمَنِّكَ وَإِيَادِيكَ يَا مُنْتَهَى رَغْبَةِ الرَّاعِيَيْنِ.

روز هفتم

اللَّهُمَّ اعْنِي فِيهِ عَلَى صِيَامِهِ وَقِيَامِهِ وَجَنَّتِي فِيهِ مِنْ هَفَوَاتِهِ وَأَثَامِهِ وَأَرْزُقْنِي فِيهِ ذِكْرَكَ بِدَوَامِهِ بِتَوْفِيقِكَ يَا هَادِيَ الْمُضِلِّينَ.

روز هشتم

اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ رَحْمَةَ الْإِيْتَامِ وَأَطْعَامَ الطَّعَامِ وَأَفْشَاءَ السَّلَامِ وَصُحْبَةَ الْكِرَامِ بِطَوْلِكَ يَا مَلْجَا الْأَمَلِينَ.

روز نهم

اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي فِيهِ نَصِيباً مِنْ رَحْمَتِكَ الْوَاسِعَةِ وَاهْدِنِي فِيهِ لِإِبْرَاهِيمَ السَّاطِعِ وَخُذْ بِنَاصِيَتِي إِلَى مَرْضَاتِكَ الْجَامِعَةِ بِمَحَبَّتِكَ يَا أَمَلَ الْمُشْتَاقِينَ.

روز دهم

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِيهِ مِنَ الْمُتَوَكِّلِينَ عَلَيْكَ وَاجْعَلْنِي فِيهِ مِنَ

ص: ۲۵۳

الْفَائِزِينَ لَدَيْكَ وَاجْعَلْنِي فِيهِ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ إِلَيْكَ بِإِحْسَانِكَ يَا غَايَةَ الطَّالِبِينَ.

روز یازدهم

اللَّهُمَّ حَبِّبْ إِلَيَّ فِيهِ الْأِحْسَانَ وَكَرِّهْ إِلَيَّ فِيهِ الْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ وَحَرِّمْ عَلَيَّ فِيهِ السَّخَطَ وَالتَّيْرَانَ بِعَوْنِكَ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ.

روز دوازدهم

اللَّهُمَّ زَيِّنِي فِيهِ بِالسَّيْرِ وَالْعَفَافِ وَاسْتُرْنِي فِيهِ بِلِبَاسِ الْقُنُوعِ وَالْكِفَافِ وَاحْمِلْنِي فِيهِ عَلَى الْعَدْلِ وَالْإِنصَافِ وَآمِنِي فِيهِ مِنْ كُلِّ مَا اخَافُ بِعِصْمَتِكَ يَا عِصْمَةَ الْخَائِفِينَ.

روز سیزدهم

اللَّهُمَّ طَهِّرْنِي فِيهِ مِنَ الدَّنَسِ وَالْأَفْذَارِ وَصَبِّرْنِي فِيهِ عَلَى كَأْتِنَاتِ الْأَقْدَارِ وَوَفِّقْنِي فِيهِ لِلتَّقَى وَصُحْبَةِ الْأَبْرَارِ بِعَوْنِكَ يَا قُرَّةَ عَيْنِ الْمَسَاكِينِ.

روز چهاردهم

اللَّهُمَّ لَا تُؤَاخِذْنِي فِيهِ بِالْعَثَرَاتِ وَأَقْلِنِي فِيهِ مِنَ الْخَطَايَا وَالْهَفَوَاتِ وَلَا تَجْعَلْنِي فِيهِ غَرَضًا لِلْبَلَايَا وَالْأَفَاتِ بِعِزَّتِكَ يَا عِزَّ الْمُسْلِمِينَ.

ص: ۲۵۴

روز پانزدهم

اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ طَاعَةَ الْخَاشِعِينَ وَاشْرَحْ فِيهِ صَدْرِي بِإِنَابَةِ الْمُخْبِتِينَ بِإِمَانِكَ يَا أَمَانَ الْخَائِفِينَ.

روز شانزدهم

اللَّهُمَّ وَفَّقْنِي فِيهِ لِمُوَافَقَةِ الْأَبْرَارِ وَجَنَّبْنِي فِيهِ يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ.

روز هفدهم

اللَّهُمَّ اهْدِنِي فِيهِ لِصَالِحِ الْأَعْمَالِ وَأَقْضِ لِي فِيهِ الْحَوَائِجَ وَالْأَمَالَ يَا مَنْ لَا يَحْتَاجُ إِلَى التَّفْسِيرِ وَالسُّؤَالِ يَا عَالِمًا بِمَا فِي صُدُورِ الْعَالَمِينَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ.

روز هیجدهم

اللَّهُمَّ بَهِّنِي فِيهِ لِبَرَكَاتِ اسْحَارِهِ وَنَوِّرْ فِيهِ قَلْبِي بِضِيَاءِ انْوَارِهِ وَخُذْ بِكُلِّ أَعْضَائِي الَّتِي اتَّبَعَ اثَارِهِ بِنُورِكَ يَا مُنَوِّرَ قُلُوبِ الْعَارِفِينَ.

روز نوزدهم

اللَّهُمَّ وَفِّرْ فِيهِ حَظِّي مِنْ بَرَكَاتِهِ وَسَهِّلْ سَبِيلِي إِلَى خَيْرَاتِهِ وَلَا

ص: ۲۵۵

تَحْرِمْنِي قَبُولَ حَسَنَاتِهِ يَا هَادِيًا إِلَى الْحَقِّ الْمُبِينِ.

روز بیستم

اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي فِيهِ ابْوَابَ الْجَنَانِ وَاغْلِقْ عَنِّي فِيهِ ابْوَابَ النَّيرانِ وَوَفِّقْنِي فِيهِ لِتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ يَا مُنْزِلَ السَّكِينَةِ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ.

روز بیست و یکم

اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي فِيهِ إِلَى مَرْضَاتِكَ دَلِيلًا وَلَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِيهِ عَلَيَّ سَبِيلًا وَاجْعَلْ الْجَنَّةَ لِي مَنَزِلًا وَمَقِيلًا يَا قَاضِيَ حَوَائِجِ الطَّالِبِينَ.

روز بیست و دویم

اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي فِيهِ ابْوَابَ فَضْلِكَ وَأَنْزِلْ عَلَيَّ فِيهِ بَرَكَاتِكَ وَوَفِّقْنِي فِيهِ لِمَوْجِبَاتِ مَرْضَاتِكَ وَاسْدِكْنِي فِيهِ بُحْبُوحَاتِ جَنَّتِكَ يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ.

روز بیست و سیم

اللَّهُمَّ اغْسِلْنِي فِيهِ مِنَ الذُّنُوبِ وَطَهِّرْنِي فِيهِ مِنَ الْعُيُوبِ وَامْتَحِنْ قَلْبِي فِيهِ بِتَقْوَى الْقُلُوبِ يَا مُقِيلَ عَثَرَاتِ الْمُذْنِبِينَ.

ص: ۲۵۶

روز بیست و چهارم

اللَّهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ فِیْهِ مَا یُزِیِّدُنِیْکَ وَاعُوذُبِکَ مِمَّا یُؤْذِیْکَ وَاسْئَلُكَ التَّوْفِیْقَ فِیْهِ لِاَنْ اَطِیْعَکَ وَلا اَعْصِیْکَ یا جِوَادَ السَّائِلِیْنَ.

روز بیست و پنجم

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِیْ فِیْهِ مُحِبًّا لِأَوْلِیَائِکَ وَمُعَادِیًّا لِأَعْدَائِکَ مُسْتَتَنًّا بِسُنَّتِهِ خَاتَمِ انْبِیَاءِکَ یا عَاصِمَ قُلُوبِ النَّبِیِّیْنَ.

روز بیست و ششم

اللَّهُمَّ اجْعَلْ سَعِیِّ فِیْهِ مَشْکُورًا وَذَنْبِ فِیْهِ مَغْفُورًا وَعَمَلِ فِیْهِ مَقْبُولًا وَعِیْبِ فِیْهِ مَسْتُورًا یا اَسْمَعَ السَّامِعِیْنَ.

روز بیست و هفتم

اللَّهُمَّ ارْزُقْنِیْ فِیْهِ فَضْلَ لَیْلَةِ الْقَدْرِ وَصِیْرَ امْرِیْ فِیْهِ مِنَ الْعُسْرِ اِلَی الْیُسْرِ وَاقْبِلْ مَعَاذِیْرِیْ وَحِطِّ عَنِّی الذَّنْبَ وَالْوِزْرَ یا رُؤْفًا بِعِبَادِهِ الصَّالِحِیْنَ.

روز بیست و هشتم

اللَّهُمَّ وَفِّرْ حَظِّیْ فِیْهِ مِنَ النَّوَافِلِ وَاکْرِمْنِیْ فِیْهِ بِاِحْضَارِ الْمَسَائِلِ

ص: ۲۵۷

وَقَرَّبَ فِيهِ وَسَيْلَتِي إِلَيْكَ مِنْ بَيْنِ الْوَسَائِلِ يَا مَنْ لَا يَشْغَلُهُ الْحَاحُ الْمُلْحِنَ.

روز بیست و نهم

اللَّهُمَّ غَشَّنِي فِيهِ بِالرَّحْمَةِ وَأَرْزُقْنِي فِيهِ التَّوْفِيقَ وَالْعِصْمَةَ وَطَهِّرْ قَلْبِي مِنْ غِيَاهِبِ التُّهْمَةِ يَا رَحِيمًا بِعِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ.

روز سیام

اللَّهُمَّ اجْعَلْ صِيَامِي فِيهِ بِالشُّكْرِ وَالْقِيُولِ عَلَى مَا تَرْضَاهُ وَيَرْضَاهُ الرَّسُولُ مُحْكَمَةً فُرُوعُهُ بِالْأَصُولِ بِحَقِّ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

اعمال عید فطر

اعمال شب عید فطر

از جمله شبهای باشرافت است و در فضیلت و ثواب عبادت و احیای آن احادیث بسیار وارد شده و روایت شده است که آن شب کمتر از شب قدر نیست و از برای آن چند عمل است:

- ۱- غسل کردن وقت غروب آفتاب.
 - ۲- احیاء آن شب به نماز و دعا و استغفار و سؤال از حقّ تعالی و بیتوته در مسجد.
 - ۳- خواندن این تکبیرها: اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ وَاللَّهُ أَحْمَدُ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا هَدَيْنَا وَلَهُ الشُّكْرُ عَلَى مَا أَوْلَيْنَا.
 - ۴- چون نماز مغرب و نافله آنرا خواند دستها را به سوی آسمان بلند کند و بگوید: يَا ذَا الْمَنِّ وَالطُّوْلِ يَا ذَا الْجُودِ يَا مُضِيَّ طَفِيَّ مُحَمَّدٍ وَنَاصِرَهُ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ اخْصَيْتَهُ وَهُوَ عِنْدَكَ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ.
- پس به سجده برود و صد مرتبه در سجده بگوید اتوبُ اِلَى اللَّهِ

ص: ۲۵۹

پس هر حاجت که دارد از حقّ تعالی بخواهد که انشاء الله برآورده خواهد شد و در روایت شیخ طوسی است که بعد از نماز مغرب به سجده رود و بگوید:

يَا ذَا الْحَوْلِ يَا ذَا الطُّوْلِ يَا مُضِيَّ طَفِيئاً مُحَمَّدًا وَنَاصِرَهُ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاعْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ اذْنَبْتُهُ وَنَسِيْتُهُ اَنَا وَهُوَ عِنْدَكَ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ پس بگوید صد مرتبه اَتُوبُ اِلَى اللّٰهِ.

۵- زیارت کند امام حسین علیه السلام را که فضیلت بسیار دارد.

۶- ده مرتبه بگوید: يَا دَائِمَ الْفَضْلِ عَلَى الْبَرِيَّةِ يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالْعَطِيَّةِ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ خَيْرَ الْوَرَى سَجِيَّةً، وَاعْفِرْ لَنَا يَا ذَا الْعَلِيِّ فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ.

۷- بجا آورد ده رکعت نمازی که در شب آخر ماه رمضان گذشت.

بجز اینها اعمال دیگری نیز برای شب عید فطر ذکر شده است که علاقمندان می‌توانند به کتاب مفاتیح الجنان مراجعه بفرمایند.

اعمال روز عید فطر

۱- خواندن تکبیرات مستحبی (۱) پس از نماز صبح و نماز عید.

۲- پرداختن زکات فطره که احکام آن در بخش دوم گذشت.

۳- غسل و بهتر آن است که اگر ممکن شود از نهر غسل کنی و وقت آن بعد از طلوع فجر است تا زمان بجا آوردن نماز عید و چون خواستی غسل کنی بگو:

۱- کیفیت تکبیرها در صفحه ۲۵۰ گذشت.

ص: ۲۶۰

اللَّهُمَّ اِيْمَانًا بِكَ وَتَضِيْدِيْقًا بِكِتَابِكَ وَاتِّبَاعُ سُنَّةِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. پس بسم الله بگو و غسل کن و چون از غسل فارغ شدی بگو: اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ كَفَّارَةً لِدُنُوْبِي وَطَهْرًا دِيْنِي اللَّهُمَّ اذْهَبْ عَنِّي الدَّنَسَ.

۴- پوشیدن جامه نیکو و به کار بردن بوی خوش و رفتن به صحرا در غیر مکه برای نماز کردن در زیر آسمان.

۵- افطار کردن پیش از نماز عید در اول روز و بهتر آنست که به خرما یا به شیرینی باشد و شیخ مفید فرموده مستحب است تناول کردن مقدار کمی از تربت سیدالشهداء علیه السلام که شفا است از برای هر دردی.

۶- حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود بخوان در عید فطر و قربان و جمعه وقتی که مهیا شدی به جهت خواندن این دعا هنگام بیرون رفتن به نماز عید:

اللَّهُمَّ مَنْ تَهَيَّأَ فِي هَذَا الْيَوْمِ أَوْ تَعَبَّأَ أَوْ أَعَدَّ وَاسْتَعَدَّ لِرَفَادَةِ الْيَوْمِ إِلَى مَخْلُوقٍ رَجَاءَ رِفْدِهِ وَنَوَافِلِهِ وَفَوَاضِلِهِ وَعَطَايَاهُ فَإِنَّ إِلَيْكَ يَا سَيِّدِي تَهَيَّئْتِي وَتَعَبَّئْتِي وَأَعْيَدْتِي وَاسْتَعْدَدْتِي رَجَاءَ رِفْدِكَ وَجَوَائِزِكَ وَنَوَافِلِكَ وَفَوَاضِلِكَ وَعَطَايَاكَ وَقَدْ غَدَوْتُ إِلَى عِيدٍ مِنْ أَعْيَادِ أُمَّةِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ وَلَمْ أَفِذْ إِلَيْكَ الْيَوْمَ بِعَمَلٍ صَالِحٍ أَثِقُ بِهِ قَدَمْتُهُ وَلَا تَوَجَّهْتُ بِمَخْلُوقٍ أَمَلْتُهُ وَلَكِنْ أَتَيْتُكَ خَاصَّةً عَامًّا مُقَرَّرًا بِدُنُوْبِي

ص: ۲۶۱

وَاسْأَلْنِي إِلَى نَفْسِي فَيَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ اغْفِرْ لِي الْعَظِيمَ مِنْ ذُنُوبِي فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ الْعِظَامَ إِلَّا أَنْتَ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

۷- خواندن نماز عید و آن دو رکعت است در رکعت اول حمد و سوره اعلی بخواند و بعد از قرائت پنج تکبیر بگوید و بعد از هر تکبیری این قنوت را بخواند:

اللَّهُمَّ اهْلِلْ الْكِبْرِيَاءَ وَالْعِظَمِيَّةَ وَاهْلِلِ الْجُودَ وَالْجَبْرُوتَ وَاهْلِلِ الْعَفْوَ وَالرَّحْمَةَ وَاهْلِلِ التَّقْوَى وَالْمَغْفِرَةَ اسئلكَ بِحَقِّ هَذَا الْيَوْمِ الَّذِي جَعَلْتَهُ لِلْمُسْلِمِينَ عِيداً وَلِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ذُخْراً [وَشَرَفاً] وَمَزِيداً أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُدْخِلَنِي فِي كُلِّ خَيْرٍ ادْخَلْتَ فِيهِ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُخْرِجَنِي مِنْ كُلِّ سُوءٍ اخْرَجْتَ مِنْهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ صِلْ لِمَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ اللَّهُمَّ إِنِّي اسئلكَ خَيْرَ مَا سَأَلْتُكَ مِنْهُ عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ وَأَعُوذُ بِكَ مِمَّا اسْتَعَاذَ مِنْهُ عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ.

پس تکبیر ششم را بگوید و به رکوع رود و بعد از رکوع و سجود برخیزد به رکعت دوم و بعد از حمد سوره وَالشَّمْسِ بخواند پس چهار تکبیر بگوید و بعد از هر تکبیری آن قنوت را بخواند و چون فارغ شد تکبیر پنجم را بگوید و به رکوع رود پس نماز را تمام کند و بعد از سلام تسبیح زهراء علیها السلام بفرستد و بعد از نماز عید دعاها را بسیار وارد شده

ص: ۲۶۲

است و شاید بهترین آنها دعای چهل و ششم صحیفه کامله باشد و مستحب است که نماز عید در زیر آسمان و بر روی زمین بدون فرش و بُوریا واقع شود و برگردد از مُصلی از غیر آن راهی که رفته بود و دعا کند از برای برادران دینی خود به قبولی اعمال.

۸- زیارت امام حسین علیه السلام.

۹- خواندن دعای ندبه.

دعای جوشن کبیر

دعای بسیار با فضیلتی است، که در روز اول ماه رمضان و در شبهای قدر خوانده می‌شود.

اللَّهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ يَا كَرِيمُ يَا مُقِيمُ يَا عَظِيمُ يَا قَدِيمُ يَا عَلِيمُ يَا حَلِيمُ يَا حَكِيمُ سُبْحَانَكَ يَا لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ
 الْغُوْثُ الْغُوْثُ خَلِّصْنَا مِنَ النَّارِ يَا رَبِّ (۲) يَا سَيِّدَ السَّادَاتِ يَا مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ يَا رَافِعَ الدَّرَجَاتِ يَا وَلِيَّ الْحَسَنَاتِ يَا غَافِرَ الْخَطِيَاةِ يَا
 مُعْطِيَ الْمَسْأَلَاتِ يَا قَابِلَ التَّوْبَاتِ يَا سَامِعَ الْأَصْوَاتِ يَا عَالِمَ الْخَفِيَّاتِ يَا دَافِعَ الْبَلِيَّاتِ (۳) يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ يَا خَيْرَ الْفَاتِحِينَ يَا خَيْرَ النَّاصِرِينَ
 يَا خَيْرَ الْحَاكِمِينَ يَا خَيْرَ الرَّازِقِينَ يَا خَيْرَ الْوَارِثِينَ يَا خَيْرَ الْحَامِدِينَ يَا خَيْرَ الذَّاكِرِينَ يَا خَيْرَ الْمُتْرَلِينَ يَا خَيْرَ الْمُحْسِنِينَ (۴) يَا مَنْ لَهُ

ص: ۲۶۳

الْعِزَّةُ وَالْجَمَالَ يَا مَنْ لَهُ الْقُدْرَةُ وَالْكَمَالُ يَا مَنْ لَهُ الْمُلْكُ وَالْجَلَالُ يَا مَنْ هُوَ الْكَبِيرُ الْمُتَعَالُ يَا مُنْشِئَ السَّحَابِ الثَّقَالِ يَا مَنْ هُوَ شَدِيدُ
 الْمِحَالِ يَا مَنْ هُوَ سَرِيعُ الْحِسَابِ يَا مَنْ هُوَ شَدِيدُ الْعِقَابِ يَا مَنْ عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ يَا مَنْ عِنْدَهُ أَمُّ الْكِتَابِ (۵) اللَّهُمَّ اِنِّي اسْأَلُكَ
 بِاسْمِكَ يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ يَا دَيَّانُ يَا بُرْهَانَ يَا سَيِّدَانَ يَا رِضْوَانَ يَا غُفْرَانَ يَا سَيِّدِحَانَ يَا مُسْتَبْعَانَ يَا ذَا الْمَنِّ وَالْبَيَانِ (۶) يَا مَنْ تَوَاضَعَ كُلُّ
 شَيْءٍ لِعَظَمَتِهِ يَا مَنْ اسْتَسَلَّمَ كُلُّ شَيْءٍ لِقُدْرَتِهِ يَا مَنْ ذَلَّ كُلُّ شَيْءٍ لِعِزَّتِهِ يَا مَنْ خَضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِهَيْبَتِهِ يَا مَنْ انْقَادَ كُلُّ شَيْءٍ مِنْ خَشْيَتِهِ يَا
 مَنْ تَشَقَّقَتِ الْجِبَالُ مِنْ مَخَافَتِهِ يَا مَنْ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ بِأَمْرِهِ يَا مَنْ اسْتَفْرَّتِ الْأَرْضُونَ بِأَذْنِهِ يَا مَنْ يُسَبِّحُ الرَّعِيدُ بِحَمْدِهِ يَا مَنْ لَا يَعْتَدِي
 عَلَى أَهْلِ مَمْلَكَتِهِ (۷) يَا غَافِرَ الْخَطَايَا يَا كَاشِفَ الْبَلَايَا يَا مُنْتَهَى الرَّجَايَا يَا مُجْزِلَ الْعَطَايَا يَا وَاهِبَ الْهُدَايَا يَا رَازِقَ الْبُرَايَا يَا قَاضِيَ الْمَنَايَا
 يَا سَامِعَ الشَّكَايَا يَا بَاعِثَ الْبُرَايَا يَا مُطْلِقَ الْأُسَارَى (۸) يَا ذَا الْحَمْدِ وَالثَّنَاءِ يَا ذَا الْفَخْرِ وَالْبَهَاءِ يَا ذَا الْمَجْدِ وَالسَّنَاءِ يَا ذَا الْعَهْدِ وَالْوَفَاءِ يَا ذَا
 الْعَفْوِ وَالرِّضَاءِ يَا ذَا الْمَنِّ وَالْعَطَاءِ يَا ذَا الْفَضْلِ وَالْقَضَاءِ يَا ذَا الْعِزِّ وَالْبَقَاءِ يَا ذَا الْجُودِ وَالسَّخَاءِ يَا ذَا الْأَلَاءِ وَالنِّعْمَاءِ (۹) اللَّهُمَّ اِنِّي اسْأَلُكَ
 بِاسْمِكَ يَا مَانِعَ يَا دَافِعَ يَا رَافِعَ يَا صَانِعَ يَا نَافِعَ يَا سَامِعَ يَا جَامِعَ يَا شَافِعَ يَا وَاسِعَ يَا مُوسِعَ

ص: ۲۶۴

(۱۰) یا صانعِ کُلِّ مَصْنُوعٍ یا خالقِ کُلِّ مَخْلُوقٍ یا رازقِ کُلِّ مَرْزُوقٍ یا مالکِ کُلِّ مَمْلُوكٍ یا کاشفِ کُلِّ مَكْرُوبٍ یا فارحِ کُلِّ مَهْمُومٍ
یا راحمِ کُلِّ مَرْحُومٍ یا ناصِرِ کُلِّ مَخْذُولٍ یا ساتِرِ کُلِّ مَعْيُوبٍ یا ملجأ کُلِّ مَطْرُودٍ (۱۱) یا عُدَّتِي عِنْدَ شِدَّتِي یا رَجَائِي عِنْدَ مُصِيبَتِي یا
مُونِسِي عِنْدَ وَحْشَتِي یا صَاحِبِي عِنْدَ غُرْبَتِي یا وَلِيِي عِنْدَ نِعْمَتِي یا غِيَاثِي عِنْدَ كُرْبَتِي یا دَلِيلِي عِنْدَ حَيْرَتِي یا غَنَائِي عِنْدَ افْتِقَارِي یا مَلَجَتِي
عِنْدَ اضْطِرَارِي یا مُعِينِي عِنْدَ مَفْرَعِي (۱۲) یا عَلَامَ الْغُيُوبِ یا غَفَارَ الدُّنُوبِ یا سِتَارَ الْعُيُوبِ یا كَاشِفَ الْكُرُوبِ یا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ یا طَيِّبَ
الْقُلُوبِ یا مُنَوِّرَ الْقُلُوبِ یا اَنِيْسَ الْقُلُوبِ یا مُفَرِّجَ الْهُمُومِ یا مُنْفَسَ الْغُمُومِ (۱۳) اَللّهُمَّ اِنِّي اسْأَلُكَ بِاسْمِكَ یا جَلِيلُ یا جَمِيلُ یا وَكِيْلُ یا
كَفِيْلُ یا دَلِيْلُ یا قَبِيْلُ یا مُدِيْلُ یا مُنِيْلُ یا مُقِيْلُ یا مُحِيْلُ (۱۴) یا دَلِيْلَ الْمُتَحَيِّرِيْنَ یا غِيَاثَ الْمُسْتَعِيْثِيْنَ یا صِيْرِيْخَ الْمُسْتَضِيْرِيْنَ یا جَارَ
الْمُسْتَجِيْرِيْنَ یا اِمَانَ الْخَائِفِيْنَ یا عَوْنَ الْمُؤْمِنِيْنَ یا رَاحِمَ الْمَسَاكِيْنَ یا مَلْجَأَ الْعَاصِيْنَ یا غَافِرَ الْمُذْنِبِيْنَ یا مُجِيْبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّيْنَ (۱۵) یا
ذَا الْجُودِ وَالْإِحْسَانِ یا ذَا الْفَضْلِ وَالْأَمْتَانِ یا ذَا الْأَمْنِ وَالْأَمَانِ یا ذَا الْقُدُسِ وَالسُّبْحَانِ یا ذَا الْحِكْمَةِ وَالنَّبِيَانِ یا ذَا الرَّحْمَةِ وَالرِّضْوَانِ یا ذَا
الْحُجَّةِ وَالْبُرْهَانِ یا ذَا الْعِظَمَةِ وَالسُّلْطَانِ یا ذَا الرَّأْفَةِ وَالْمُسْتَعَانَ یا ذَا الْعَفْوِ وَالْغُفْرَانِ (۱۶) یا

ص: ۲۶۵

مَنْ هُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ يَا مَنْ هُوَ اللَّهُ كُلُّ شَيْءٍ يَا مَنْ هُوَ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ يَا مَنْ هُوَ صَانِعُ كُلِّ شَيْءٍ يَا مَنْ هُوَ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ يَا مَنْ هُوَ بَعْدَ
 كُلِّ شَيْءٍ يَا مَنْ هُوَ فَوْقَ كُلِّ شَيْءٍ يَا مَنْ هُوَ عَالِمٌ بِكُلِّ شَيْءٍ يَا مَنْ هُوَ قَادِرٌ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ يَا مَنْ هُوَ يَبْقَىٰ وَيَفْنَىٰ كُلُّ شَيْءٍ (۱۷) اللَّهُمَّ
 أَنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا مُؤْمِنُ يَا مُهَيِّمُنُ يَا مُكَوِّنُ يَا مُلَقِّنُ يَا مُبَيِّنُ يَا مُهَوِّنُ يَا مُمَكِّنُ يَا مُزَيِّنُ يَا مُعَلِّنُ يَا مُقَسِّمُ (۱۸) يَا مَنْ هُوَ فِي مُلْكِهِ
 مُقِيمٌ يَا مَنْ هُوَ فِي سُلْطَانِهِ قَدِيمٌ يَا مَنْ هُوَ فِي جَلَالِهِ عَظِيمٌ يَا مَنْ هُوَ عَلَىٰ عِبَادِهِ رَحِيمٌ يَا مَنْ هُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ يَا مَنْ هُوَ بِمَنْ عَصَاهُ
 حَلِيمٌ يَا مَنْ هُوَ بِمَنْ رَجَاهُ كَرِيمٌ يَا مَنْ هُوَ فِي صُنْعِهِ حَكِيمٌ يَا مَنْ هُوَ فِي حِكْمَتِهِ لَطِيفٌ يَا مَنْ هُوَ فِي لُطْفِهِ قَدِيمٌ (۱۹) يَا مَنْ لَا يُرْجَىٰ
 إِلَّا فَضْلُهُ يَا مَنْ لَا يُسْتَأَلُ إِلَّا عَفْوُهُ يَا مَنْ لَا يُنْظَرُ إِلَّا بَرُّهُ يَا مَنْ لَا يُخَافُ إِلَّا عِدْلُهُ يَا مَنْ لَا يَدُومُ إِلَّا مُلْكُهُ يَا مَنْ لَا سُلْطَانَ إِلَّا سُلْطَانَهُ يَا مَنْ
 وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَتُهُ يَا مَنْ سَبَقَتْ رَحْمَتُهُ غَضَبَهُ يَا مَنْ احْطَأَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمُهُ يَا مَنْ لَيْسَ أَحَدٌ مِثْلَهُ (۲۰) يَا فَارِحَ الْهَمِّ يَا كَاشِفَ
 الْعَمِّ يَا غَافِرَ الذَّنْبِ يَا قَابِلَ التَّوْبِ يَا خَالِقَ الْخَلْقِ يَا صَادِقَ الْوَعْدِ يَا مُوفِيَ الْعَهْدِ يَا عَالِمَ السَّرِّ يَا فَالِقَ الْحَبِّ يَا رَازِقَ الْأَنَامِ (۲۱) اللَّهُمَّ أَنِّي
 أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا عَلِيُّ يَا وَفِيُّ يَا غَنِيُّ يَا مَلِيُّ يَا حَفِيُّ يَا رَضِيُّ يَا زَكِيُّ يَا بَدِيُّ يَا قَوِيُّ يَا وَلِيُّ (۲۲) يَا مَنْ

ص: ۲۶۶

اَظْهَرَ الْجَمِيلِ يَا مَنْ سَتَرَ الْقُبُوحَ يَا مَنْ لَمْ يُؤَاخِذْ بِالْجَرِيرَةِ يَا مَنْ لَمْ يَهْتِكِ السُّتْرَ يَا عَظِيمَ الْعَفْوِ يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ يَا بَاسِطَ
 الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ يَا صَاحِبَ كُلِّ نَجْوَى يَا مُنْتَهَى كُلِّ شَكْوَى (۲۳) يَا ذَا النُّعْمَةِ السَّابِعَةِ يَا ذَا الرَّحْمَةِ الْوَاسِعَةِ يَا ذَا الْمِنَّةِ السَّابِقَةِ يَا ذَا
 الْحِكْمَةِ الْبَالِغَةِ يَا ذَا الْقُدْرَةِ الْكَامِلَةِ يَا ذَا الْحُجَّةِ الْقَاطِعَةِ يَا ذَا الْكِرَامَةِ الظَّاهِرَةِ يَا ذَا الْعِزَّةِ الدَّائِمَةِ يَا ذَا الْقُوَّةِ الْمَتِينَةِ يَا ذَا الْعِظَمَةِ الْمَنِيغَةِ
 (۲۴) يَا بَدِيعَ السَّمَاوَاتِ يَا جَاعِلَ الظُّلُمَاتِ يَا رَاحِمَ الْعَبْرَاتِ يَا مُقِيلَ الْعَثَرَاتِ يَا سَاتِرَ الْعُورَاتِ يَا مُحْيِيَ الْأَمْوَاتِ يَا مُنْزِلَ الْآيَاتِ يَا
 مُضَعِّفَ الْحَسَنَاتِ يَا مَاجِيَ السَّيِّئَاتِ يَا شَدِيدَ النَّقِمَاتِ (۲۵) اللَّهُمَّ أَنْتَ اسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا مُصَوِّرُ يَا مُقَدِّرُ يَا مُدَبِّرُ يَا مُطَهِّرُ يَا مُنَوِّرُ يَا
 مُبَشِّرُ يَا مُبَشِّرُ يَا مُنْذِرُ يَا مُنْذِرُ يَا مُؤَخِّرُ (۲۶) يَا رَبَّ الْبَيْتِ الْحَرَامِ يَا رَبَّ الشَّهْرِ الْحَرَامِ يَا رَبَّ الْبَلَدِ الْحَرَامِ يَا رَبَّ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ يَا رَبَّ
 الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ يَا رَبَّ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ يَا رَبَّ الْجِلِّ وَالْحَرَامِ يَا رَبَّ النُّورِ وَالظُّلَامِ يَا رَبَّ النَّحِيَّةِ وَالسَّلَامِ يَا رَبَّ الْقُدْرَةِ فِي الْأَنَامِ (۲۷) يَا
 أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ يَا عَدِلَ الْعَادِلِينَ يَا صَادِقَ الصَّادِقِينَ يَا أَظْهَرَ الطَّاهِرِينَ يَا أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ يَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ يَا أَسْمَعَ السَّمَاعِينَ يَا
 أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ يَا أَشْفَعَ الشَّافِعِينَ يَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ

ص: ۲۶۷

(۲۸) یا عِمَادَ مَنْ لَا عِمَادَ لَهُ یا سِنَدَ مَنْ لَا سِنَدَ لَهُ یا ذُخْرَ مَنْ لَا ذُخْرَ لَهُ یا حِرْزَ مَنْ لَا حِرْزَ لَهُ یا غِيَاثَ مَنْ لَا غِيَاثَ لَهُ یا فَخْرَ مَنْ لَا فَخْرَ لَهُ یا عِزَّ مَنْ لَا عِزَّ لَهُ یا مُعِينَ مَنْ لَا مُعِينَ لَهُ یا اَنِيسَ مَنْ لَا اَنِيسَ لَهُ یا اِمَانَ مَنْ لَا اِمَانَ لَهُ (۲۹) اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ یا عَاصِمَ یا قَائِمَ یا دَائِمَ یا رَاحِمَ یا سَالِمَ یا حَاكِمَ یا عَالِمَ یا قَاسِمَ یا قَابِضَ یا بَاسِطَ (۳۰) یا عَاصِمَ مِنْ اسْتَعْصِمَهُ یا رَاحِمَ مِنْ اسْتَرْحَمَهُ یا غَافِرَ مِنْ اسْتَغْفِرَهُ یا نَاصِرَ مِنْ اسْتَنْصِرَهُ یا حَافِظَ مِنْ اسْتَحْفِظُهُ یا مُكْرِمَ مِنْ اسْتِكْرِمُهُ یا مُرْشِدَ مِنْ اسْتَرْشِدُهُ یا صَدْرِيْخَ مِنْ اسْتَصْرِخُهُ یا مُعِينَ مِنْ اسْتَعَانَهُ یا مُغِيْثَ مِنْ اسْتَعَاثَهُ (۳۱) یا عَزِيْزاً لَا- يُضَامُ یا لَطِيْفاً لَا يُرَامُ یا قَيُّوماً لَا يَنَامُ یا دَائِماً لَا يَفُوْتُ یا حَيّاً لَا يَمُوْتُ یا مَلِكاً لَا يَزُوْلُ یا باقياً لَا يَفْنَى یا عَالِماً لَا يَجْهَلُ یا صَيِّمَداً لَا يُطْعَمُ یا قَوِيّاً لَا يَضْعَفُ (۳۲) اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ یا اَحَدُ یا وَاحِدُ یا شَاهِدُ یا مَاجِدُ یا حَامِدُ یا رَاشِدُ یا باعِثُ یا وَارِثُ یا ضارُّ یا نافعُ (۳۳) یا اَعْظَمَ مِنْ كُذِّبَ عَظِيْمَ یا اَكْرَمَ مِنْ كُذِّبَ كَرِيْمَ یا اَرْحَمَ مِنْ كُذِّبَ رَحِيْمَ یا اَعْلَمَ مِنْ كُذِّبَ عَلِيْمَ یا اَحْكَمَ مِنْ كُذِّبَ حَكِيْمَ یا اَقْدَمَ مِنْ كُذِّبَ قَدِيْمَ یا اَكْبَرَ مِنْ كُذِّبَ كَبِيْرَ یا الطَّفَ مِنْ كُذِّبَ لَطِيْفَ یا اَجَلَ مِنْ كُذِّبَ جَلِيْلَ یا اعَزَّ مِنْ كُذِّبَ عَزِيْزَ (۳۴) یا كَرِيْمَ الصَّفْحِ یا عَظِيْمَ الْمَنِّ یا كَثِيْرَ الْخَيْرِ یا قَدِيْمَ الْفَضْلِ یا دَائِمَ اللَّطْفِ یا لَطِيْفَ الصُّنْعِ یا

ص: ۲۶۸

مُنْفَسِ الْكَرْبِ يَا كَاشِفَ الضُّرِّ يَا مَالِكَ الْمُلْكِ يَا قَاضِيَ الْحَقِّ (۳۵) يَا مَنْ هُوَ فِي عَهْدِهِ وَفِيَّ يَا مَنْ هُوَ فِي وَفَائِهِ قَوِيَّ يَا مَنْ هُوَ فِي قُوَّتِهِ
 عَلِيَّ يَا مَنْ هُوَ فِي عُلوِّهِ قَرِيبٌ يَا مَنْ هُوَ فِي قُرْبِهِ لَطِيفٌ يَا مَنْ هُوَ فِي لُطْفِهِ شَرِيفٌ يَا مَنْ هُوَ فِي شَرَفِهِ عَزِيزٌ يَا مَنْ هُوَ فِي عِزِّهِ عَظِيمٌ يَا
 مَنْ هُوَ فِي عَظَمَتِهِ مَجِيدٌ يَا مَنْ هُوَ فِي مَجْدِهِ حَمِيدٌ (۳۶) اللَّهُمَّ انِّي اسأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا كَافِيَ يَا شَافِيَ يَا وَافِيَ يَا مُعَافِيَ يَا هَادِيَ يَا دَاعِيَ
 يَا قَاضِيَ يَا رَاضِيَ يَا عَالِيَ يَا بَاقِيَ (۳۷) يَا مَنْ كُلُّ شَيْءٍ خَاضِعٌ لَهُ يَا مَنْ كُلُّ شَيْءٍ خَاشِعٌ لَهُ يَا مَنْ كُلُّ شَيْءٍ كَائِنٌ لَهُ يَا مَنْ كُلُّ شَيْءٍ
 مَوْجُودٌ بِهِ يَا مَنْ كُلُّ شَيْءٍ مُنِيبٌ إِلَيْهِ يَا مَنْ كُلُّ شَيْءٍ خَائِفٌ مِنْهُ يَا مَنْ كُلُّ شَيْءٍ قَائِمٌ بِهِ يَا مَنْ كُلُّ شَيْءٍ صَائِرٌ إِلَيْهِ يَا مَنْ لَا مَنَاجَا مِنْهُ
 يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ يَا مَنْ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ (۳۸) يَا مَنْ لَا مَفْرَءَ إِلَّا إِلَيْهِ يَا مَنْ لَا مَفْرَءَ إِلَّا إِلَيْهِ يَا مَنْ لَا مَقْصِدَ إِلَّا إِلَيْهِ يَا مَنْ لَا مَنَاجَا مِنْهُ
 إِلَّا إِلَيْهِ يَا مَنْ لَا يُرْغَبُ إِلَّا إِلَيْهِ يَا مَنْ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِهِ يَا مَنْ لَا يُسْتَعَانُ إِلَّا بِهِ يَا مَنْ لَا يُتَوَكَّلُ إِلَّا عَلَيْهِ يَا مَنْ لَا يُرْجَى إِلَّا هُوَ يَا مَنْ لَا يُعْبَدُ
 إِلَّا هُوَ (۳۹) يَا خَيْرَ الْمُزْهُوبِينَ يَا خَيْرَ الْمَرْغُوبِينَ يَا خَيْرَ الْمَطْلُوبِينَ يَا خَيْرَ الْمَسْئُولِينَ يَا خَيْرَ الْمُقْصُودِينَ يَا خَيْرَ الْمَذْكُورِينَ يَا خَيْرَ
 الْمَشْكُورِينَ يَا خَيْرَ الْمُحْبُوبِينَ يَا خَيْرَ الْمَدْعُودِينَ يَا خَيْرَ الْمُسْتَأْنَسِينَ (۴۰) اللَّهُمَّ انِّي اسأَلُكَ بِاسْمِكَ

ص: ۲۶۹

یا غافِرُ یا ساتِرُ یا قادِرُ یا قاهرُ یا فاطِرُ یا کاسِرُ یا جابِرُ یا ذاکِرُ یا ناظِرُ یا ناصِرُ (۴۱) یا مَنْ خَلَقَ فَسَوَى یا مَنْ قَدَّرَ فَهَدَى یا مَنْ يَكْشِفُ
الْبَلْوَیَ یا مَنْ يَسْمَعُ النَّجْوَى یا مَنْ يُنْقِذُ الْعَرْقَى یا مَنْ يُنْجِي الْهَلْكَى یا مَنْ يَشْفِي الْمَرْضَى یا مَنْ اضْحَكَ وَابْكى یا مَنْ اَمَاتَ وَاخْبى یا
مَنْ خَلَقَ الرَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنْثَى (۴۲) یا مَنْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ سَبِيلُهُ یا مَنْ فِي الْاَفَاقِ اَيَاتُهُ یا مَنْ فِي الْاَيَاتِ بُرْهَانُهُ یا مَنْ فِي الْمَمَاتِ قُدْرَتُهُ
یا مَنْ فِي الْقُبُورِ عِبْرَتُهُ یا مَنْ فِي الْقِيَامَةِ مُلْكُهُ یا مَنْ فِي الْحِسَابِ هَيْبَتُهُ یا مَنْ فِي الْمِيزَانِ قِضَاؤُهُ یا مَنْ فِي الْجَنَّةِ ثَوَابُهُ یا مَنْ فِي النَّارِ
عِقَابُهُ (۴۳) یا مَنْ اِلَيْهِ يَهْرَبُ الْخَائِفُونَ یا مَنْ اِلَيْهِ يَفْرَعُ الْمُدْتَبِعُونَ یا مَنْ اِلَيْهِ يَقْصِدُ الْمُتَّبِعُونَ یا مَنْ اِلَيْهِ يَرْغَبُ الرَّاهِدُونَ یا مَنْ اِلَيْهِ يَلْجَأُ
الْمُتَحَيِّرُونَ یا مَنْ بِهِ يَسْتَأْنِسُ الْمُرِيدُونَ یا مَنْ بِهِ يَفْتَحِرُ الْمُحِبُّونَ یا مَنْ فِي عَفْوِهِ يَطْمَعُ الْخَاطِئُونَ یا مَنْ اِلَيْهِ يَسْتَكِنُ الْمُوقِنُونَ یا مَنْ عَلَيْهِ
يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ (۴۴) اللَّهُمَّ اِنِّي اسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يا حَبِيبُ يا طَيِّبُ يا قَرِيبُ يا رَقِيبُ يا حَسِيبُ يا مُهَيَّبُ يا مُثِيبُ يا مُجِيبُ يا خَبِيرُ يا
بَصِيرُ (۴۵) یا اقْرَبَ مِنْ كُلِّ قَرِيبٍ یا احَبَّ مِنْ كُلِّ حَبِيبٍ یا ابْصِرَ مِنْ كُلِّ بَصِيرٍ یا اخْبَرَ مِنْ كُلِّ خَبِيرٍ یا اشْرَفَ مِنْ كُلِّ شَرِيفٍ یا اَرْفَعَ
مِنْ كُلِّ رَفِيعٍ یا اقْوَى مِنْ كُلِّ قَوِيٍّ یا اغْنَى مِنْ كُلِّ غَنِيٍّ یا اجْوَدَ مِنْ كُلِّ جَوَادٍ یا اِزَافَ

ص: ۲۷۰

مِنْ كُلِّ رَوْوْفٍ (۴۶) يَا غَالِبًا غَيْرَ مَغْلُوبٍ يَا صَانِعًا غَيْرَ مَصْنُوعٍ يَا خَالِقًا غَيْرَ مَخْلُوقٍ يَا مَالِكًا غَيْرَ مَمْلُوكٍ يَا قَاهِرًا غَيْرَ مَفْهُورٍ يَا رَافِعًا غَيْرَ مَرْفُوعٍ يَا حَافِظًا غَيْرَ مَحْفُوظٍ يَا نَاصِرًا غَيْرَ مَنْصُورٍ يَا شَاهِدًا غَيْرَ غَائِبٍ يَا قَرِيبًا غَيْرَ بَعِيدٍ (۴۷) يَا نُورَ النُّورِ يَا مُنَوَّرَ النُّورِ يَا خَالِقَ النُّورِ يَا مُدَبِّرَ النُّورِ يَا مُقَدِّرَ النُّورِ يَا نُورَ كُلِّ نُورٍ يَا نُورًا قَبْلَ كُلِّ نُورٍ يَا نُورًا بَعْدَ كُلِّ نُورٍ يَا نُورًا فَوْقَ كُلِّ نُورٍ يَا نُورًا لَيْسَ كَمِثْلِهِ نُورٌ (۴۸) يَا مَنْ عَطَاؤُهُ شَرِيفٌ يَا مَنْ فِعْلُهُ لَطِيفٌ يَا مَنْ لُطْفُهُ مُقِيمٌ يَا مَنْ أَحْسَانُهُ قَدِيمٌ يَا مَنْ قَوْلُهُ حَقٌّ يَا مَنْ وَعْدُهُ صِدْقٌ يَا مَنْ عَفْوُهُ فَضْلٌ يَا مَنْ عَذَابُهُ عَدْلٌ يَا مَنْ ذِكْرُهُ حُلُوٌّ يَا مَنْ فَضْلُهُ عَمِيمٌ (۴۹) اللَّهُمَّ انِّي اسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا مُسَهِّلُ يَا مُفَصِّلُ يَا مُبَدِّلُ يَا مُدَلِّلُ يَا مُنَزِّلُ يَا مُنَوِّلُ يَا مُفْضِلُ يَا مُجْزِلُ يَا مُمَهِّلُ يَا مُجَمِّلُ (۵۰) يَا مَنْ يَرَى وَلَا يُرَى يَا مَنْ يَخْلُقُ وَلَا يُخْلَقُ يَا مَنْ يَهْدِي وَلَا يُهْدَى يَا مَنْ يُخَيِّبُ وَلَا يُخَيِّبُ يَا مَنْ يَسْأَلُ وَلَا يُسْأَلُ يَا مَنْ يُطْعَمُ وَلَا يُطْعَمُ يَا مَنْ يُجِيرُ وَلَا يُجَارُ عَلَيْهِ يَا مَنْ يَقْضِي وَلَا يَقْضَى عَلَيْهِ يَا مَنْ يَحْكُمُ وَلَا يُحْكَمُ عَلَيْهِ يَا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ (۵۱) يَا نِعْمَ الْحَسِيبُ يَا نِعْمَ الطَّيِّبُ يَا نِعْمَ الرَّقِيبُ يَا نِعْمَ الْقَرِيبُ يَا نِعْمَ الْمُجِيبُ يَا نِعْمَ الْحَبِيبُ يَا نِعْمَ الْكَفِيلُ يَا نِعْمَ الْوَكِيلُ يَا نِعْمَ الْمَوْلَى يَا نِعْمَ النَّصِيرُ (۵۲) يَا سُرُورَ الْعَارِفِينَ يَا مَنِي

ص: ۲۷۱

الْمُحِبِّينَ يَا اَنِيسَ الْمُرِيدِينَ يَا حَبِيبَ التَّوَّابِينَ يَا رَازِقَ الْمُقْلِينَ يَا رَجَاءَ الْمَذْنِبِينَ يَا قُرَّةَ عَيْنِ الْعَابِدِينَ يَا مُنْفَسَّ عَنِ الْمَكْرُوبِينَ يَا مُفْرَجَ
 عَنِ الْمَعْمُومِينَ يَا اِلَهَ الْاَوَّلِينَ وَالْاٰخِرِينَ (۵۳) اللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا رَبَّنَا يَا اِلَهَنَا يَا سَيِّدَنَا يَا مَوْلَانَا يَا نَاصِرَنَا يَا حَافِظَنَا يَا دَلِيْلَنَا يَا
 مُعِيْنَنَا يَا حَبِيْبَنَا يَا طَيِّبَنَا (۵۴) يَا رَبَّ النَّبِيِّنَ وَالْاَبْرَارِ يَا رَبَّ الصّٰدِقِيْنَ وَالْاٰخِيَارِ يَا رَبَّ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ يَا رَبَّ الصّٰغَارِ وَالْكِبَارِ يَا رَبَّ الْحُبُوْبِ
 وَالْثَمَارِ يَا رَبَّ الْاَنْهَارِ وَالْاَشْجَارِ يَا رَبَّ الصّٰحَارِى وَالْقَفَارِ يَا رَبَّ الْبَرَارِى وَالْبِحَارِ يَا رَبَّ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ يَا رَبَّ الْاَعْلَانِ وَالْاَسِرَارِ (۵۵) يَا
 مَنْ نَفَعْنَا فِيْ كُلِّ شَيْءٍ اَمْرُهُ يَا مَنْ لَحِقَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمُهُ يَا مَنْ بَلَغَتْ اِلَيْ كُلِّ شَيْءٍ قُدْرَتُهُ يَا مَنْ لَا تُحْصِي الْعِبَادُ نِعْمَتَهُ يَا مَنْ لَا تَبْلُغُ
 الْخَلَائِقُ شُكْرَهُ يَا مَنْ لَا تُدْرِكُ الْاَفْهَامُ جَلَالَهُ يَا مَنْ لَا تَنَالُ الْاَوْهَامُ كُنْهَهُ يَا مَنْ الْعِظَمَةُ وَالْكِبْرِيَاءُ رِدَاؤُهُ يَا مَنْ لَا تَرُدُّ الْعِبَادُ قَضَاءَهُ يَا مَنْ
 لَا مَلِكَ اِلَّا مَلِكُهُ يَا مَنْ لَا عَطَاءَ اِلَّا عَطَاؤُهُ (۵۶) يَا مَنْ لَهُ الْمَثَلُ الْمَاعْلَىٰ يَا مَنْ لَهُ الصّٰفَاتُ الْعُلْيَا يَا مَنْ لَهُ الْاٰخِرَةُ وَالْاَوَّلَىٰ يَا مَنْ لَهُ الْجَنَّةُ
 الْمِاْوَىٰ يَا مَنْ لَهُ الْاَيَاتُ الْكُبْرَىٰ يَا مَنْ لَهُ الْاَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ يَا مَنْ لَهُ الْحُكْمُ وَالْقَضَاءُ يَا مَنْ لَهُ الْهَوَاءُ وَالْفَضَاءُ يَا مَنْ لَهُ الْعَرْشُ وَالثَّرَىٰ يَا
 مَنْ لَهُ السَّمَاوَاتُ الْعُلَىٰ (۵۷) اللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا عَفُوًّا يَا غَفُوْرًا يَا صَبُوْرًا يَا شَكُوْرًا يَا

ص: ۲۷۲

رَوْوْفُ يَا عَطُوفُ يَا مَسْئُولُ يَا وَدُودُ يَا سُبُوحُ يَا قُدُّوسُ (۵۸) يَا مَنْ فِي السَّمَاءِ عَظَمَتْهُ يَا مَنْ فِي الْأَرْضِ آيَاتُهُ يَا مَنْ فِي كُلِّ شَيْءٍ دَلِيلُهُ
 يَا مَنْ فِي الْبَحَارِ عَجَائِبُهُ يَا مَنْ فِي الْجِبَالِ خَزَائِنُهُ يَا مَنْ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ يَا مَنْ إِلَيْهِ يَرْجِعُ الْأَمْرُ كُلُّهُ يَا مَنْ أَظْهَرَ فِي كُلِّ شَيْءٍ لُطْفَهُ يَا
 مَنْ أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ يَا مَنْ تَصَيَّرَفَ فِي الْخَلَائِقِ قُدْرَتُهُ (۵۹) يَا حَبِيبَ مَنْ لَا- حَبِيبَ لَهُ يَا طَيِّبَ مَنْ لَا- طَيِّبَ لَهُ يَا مُجِيبَ مَنْ لَا
 مُجِيبَ لَهُ يَا شَفِيقَ مَنْ لَا شَفِيقَ لَهُ يَا رَفِيقَ مَنْ لَا رَفِيقَ لَهُ يَا مُغِيثَ مَنْ لَا مُغِيثَ لَهُ يَا دَلِيلَ مَنْ لَا دَلِيلَ لَهُ يَا انيسَ مَنْ لَا انيسَ لَهُ يَا رَاحِمَ
 مَنْ لَا- رَاحِمَ لَهُ يَا صَاحِبَ مَنْ لَا صَاحِبَ لَهُ (۶۰) يَا كَافِيَ مَنْ اسْتَكْفَاهُ يَا هَادِيَ مَنْ اسْتَهْدَاهُ يَا كَالِيَّ مَنْ اسْتَكَلَاهُ يَا رَاعِيَ مَنْ اسْتَرَعَاهُ
 يَا شَافِيَ مَنْ اسْتَشْفَاهُ يَا قَاضِيَ مَنْ اسْتَقْضَاهُ يَا مُغْنِيَ مَنْ اسْتَغْنَاهُ يَا مُوفِيَ مَنْ اسْتَوْفَاهُ يَا مَعْوَى مَنْ اسْتَفْوَاهُ يَا وَلِيَّ مَنْ اسْتَوْلَاهُ (۶۱) اللَّهُمَّ
 إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا خَالِقُ يَا رَازِقُ يَا نَاطِقُ يَا صَادِقُ يَا فَالِقُ يَا فَارِقُ يَا فَاتِقُ يَا رَاتِقُ يَا سَابِقُ يَا سَامِقُ (۶۲) يَا مَنْ يَقْلِبُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ يَا
 مَنْ جَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالْأَنْوَارَ يَا مَنْ خَلَقَ الظِّلَّ وَالْحَرُورَ يَا مَنْ سَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ يَا مَنْ قَدَّرَ الْخَيْرَ وَالشَّرَّ يَا مَنْ خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ يَا
 مَنْ لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ يَا مَنْ لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا يَا مَنْ لَيْسَ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمَلِكِ يَا

ص: ۲۷۳

مَنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الدُّلِّ (۶۳) يَا مَنْ يَعْلَمُ مُرَادَ الْمُرِيدِينَ يَا مَنْ يَعْلَمُ ضَمِيرَ الصَّامِتِينَ يَا مَنْ يَسْمَعُ انِينَ الْوَاهِنِينَ يَا مَنْ يَرَى بُكَاءَ
 الْخَائِفِينَ يَا مَنْ يَمْلِكُ حَوَائِجَ السَّائِلِينَ يَا مَنْ يَقْبَلُ عُذْرَ التَّائِبِينَ يَا مَنْ لَا يُضِلُّحَ عَمَلِ الْمُفْسِدِينَ يَا مَنْ لَا يُضِيعُ اجْرَ الْمُحْسِنِينَ يَا مَنْ لَا
 يَبْعُدُ عَنْ قُلُوبِ الْعَارِفِينَ يَا اجْوَدَ الْأَجُودِينَ (۶۴) يَا دَائِمَ الْبَقَاءِ يَا سَامِعَ الدُّعَاءِ يَا وَاسِعَ الْعَطَاءِ يَا غَافِرَ الْخَطَايَا يَا بَدِيعَ السَّمَاءِ يَا حَسَنَ
 الْبَلَاءِ يَا جَمِيلَ الثَّنَاءِ يَا قَدِيمَ السَّنَاءِ يَا كَثِيرَ الْوَفَاءِ يَا شَرِيفَ الْجَزَاءِ (۶۵) اللَّهُمَّ اِنِّي اسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا سَيِّتَارُ يَا غَفَّارُ يَا قَهَّارُ يَا جَبَّارُ يَا
 صَبَّارُ يَا بَارُّ يَا مُخْتَارُ يَا فَتَّاحُ يَا نَفَّاحُ يَا مُرْتَّاحُ (۶۶) يَا مَنْ خَلَقَنِي وَسَوَّانِي يَا مَنْ رَزَقَنِي وَرَبَّانِي يَا مَنْ اطْعَمَنِي وَسَيَّقَانِي يَا مَنْ قَرَّبَنِي وَ
 اَذْنَانِي يَا مَنْ عَصَمَنِي وَكَفَّانِي يَا مَنْ حَفِظَنِي وَكَلَّانِي يَا مَنْ اعَزَّنِي وَاعْغَنَانِي يَا مَنْ وَفَّقَنِي وَهَيَّدَانِي يَا مَنْ اَنَسَّنِي وَآوَانِي يَا مَنْ اَمَاتَنِي
 وَاحْيَانِي (۶۷) يَا مَنْ يُحِقُّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ يَا مَنْ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ يَا مَنْ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ يَا مَنْ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ اِلَّا بِاِذْنِهِ يَا مَنْ
 هُوَ اعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ يَا مَنْ لَا مَعْتَبَ لِحُكْمِهِ يَا مَنْ لَا رَادَّ لِقَضَائِهِ يَا مَنْ اِنْقَادَ كُلُّ شَيْءٍ لِأَمْرِهِ يَا مَنْ السَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ يَا
 مَنْ يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ (۶۸) يَا مَنْ جَعَلَ الْأَرْضَ مِهَادًا يَا مَنْ جَعَلَ

ص: ۲۷۴

الْجِبَالِ اَوْتَادًا يَا مَنْ جَعَلَ الشَّمْسَ سِرَاجًا يَا مَنْ جَعَلَ الْقَمَرَ نُورًا يَا مَنْ جَعَلَ اللَّيْلَ لِبَاسًا يَا مَنْ جَعَلَ النَّهَارَ مَعَاشًا يَا مَنْ جَعَلَ النَّوْمَ سُبَاتًا يَا مَنْ جَعَلَ السَّمَاءَ بِنَاءً يَا مَنْ جَعَلَ الْأَشْيَاءَ اَزْوَاجًا يَا مَنْ جَعَلَ النَّارَ مِرْصَادًا (۶۹) اللَّهُمَّ اِنِّي اَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا سَمِيعُ يَا شَفِيعُ يَا رَفِيعُ يَا مَنُوعُ يَا سَرِيعُ يَا بَدِيعُ يَا كَبِيرُ يَا قَدِيرُ يَا خَبِيرُ يَا مُجِيرُ (۷۰) يَا حَيًّا قَبْلَ كُلِّ حَيٍّ يَا حَيًّا بَعْدَ كُلِّ حَيٍّ يَا حَيُّ الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِهِ حَيٌّ يَا حَيُّ الَّذِي لَا يُشَارِكُهُ حَيٌّ يَا حَيُّ الَّذِي لَا يَحْتَاجُ اِلَى حَيٍّ يَا حَيُّ الَّذِي يُمِيتُ كُلَّ حَيٍّ يَا حَيُّ الَّذِي يَرْزُقُ كُلَّ حَيٍّ يَا حَيًّا لَمْ يَرِثِ الْحَيَاةَ مِنْ حَيٍّ يَا حَيُّ الَّذِي يُحْيِي الْمَوْتَى يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ (۷۱) يَا مَنْ لَهُ ذِكْرٌ لَا يُنْسَى يَا مَنْ لَهُ نُورٌ لَا يُطْفِئُ يَا مَنْ لَهُ نَعْمٌ لَا تُعَدُّ يَا مَنْ لَهُ مُلْكٌ لَا يَزُولُ يَا مَنْ لَهُ نَاءٌ لَا يُحْصَى يَا مَنْ لَهُ جَلَالٌ لَا يُكَيَّفُ يَا مَنْ لَهُ كَمَالٌ لَا يُدْرَكُ يَا مَنْ لَهُ فَضَاءٌ لَا يُرَدُّ يَا مَنْ لَهُ صِفَاتٌ لَا تُبَدَّلُ يَا مَنْ لَهُ نَعُوْتُ لَا تُعَيَّرُ (۷۲) يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ يَا مَالِكَ يَوْمِ الدِّينِ يَا غَايَةَ الطَّالِبِينَ يَا ظَهَرَ اللَّاجِينَ يَا مُدْرِكَ الْهَارِبِينَ يَا مَنِ يَحِبُّ الصَّابِرِينَ يَا مَنْ يَحِبُّ التَّوَّابِينَ يَا مَنْ يَحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ يَا مَنْ يَحِبُّ الْمُحْسِنِينَ يَا مَنْ هُوَ اَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ (۷۳) اللَّهُمَّ اِنِّي اَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا شَفِيعُ يَا رَفِيعُ يَا حَفِيفُ يَا مُحِيطُ يَا مُقِيتُ يَا مُغِيثُ يَا مُعِزُّ يَا مُدِلُّ يَا مُبْدِئُ يَا

ص: ۲۷۵

مُعِيدُ (۷۴) يَا مَنْ هُوَ أَحَدٌ بِلا ضِدِّ يَا مَنْ هُوَ فَرْدٌ بِلا نِدِّ يَا مَنْ هُوَ صَيِّمٌ بِلا عَيْبٍ يَا مَنْ هُوَ وَثَرٌ بِلا كَيْفٍ يَا مَنْ هُوَ قَاضٍ بِلا حَيْفٍ يَا مَنْ هُوَ رَبُّ بِلا- وَزِيرٍ يَا مَنْ هُوَ عَزِيزٌ بِلا- ذُلٍّ يَا مَنْ هُوَ غَنِيٌّ بِلا فَقْرٍ يَا مَنْ هُوَ مَلِكٌ بِلا عَزْلِ يَا مَنْ هُوَ مَوْصُوفٌ بِلا شَبِيهِ (۷۵) يَا مَنْ ذِكْرُهُ شَرَفٌ لِلذَّاكِرِينَ يَا مَنْ شُكْرُهُ فَوْزٌ لِلشَّاكِرِينَ يَا مَنْ حَمْدُهُ عِزٌّ لِلْحَامِدِينَ يَا مَنْ طَاعَتُهُ نَجَاةٌ لِلْمُطِيعِينَ يَا مَنْ بَأْبُهُ مَفْتُوحٌ لِلطَّالِبِينَ يَا مَنْ سَبِيلُهُ وَاضِحٌ لِلْمُنْبِيِّينَ يَا مَنْ آيَاتُهُ بُرْهَانٌ لِلنَّاظِرِينَ يَا مَنْ كِتَابُهُ تَذَكِيرَةٌ لِلْمُتَّقِينَ يَا مَنْ رِزْقُهُ عُمُومٌ لِلطَّائِعِينَ وَالْعَاصِينَ يَا مَنْ رَحْمَتُهُ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ (۷۶) يَا مَنْ تَبَارَكَ اسْمُهُ يَا مَنْ تَعَالَى جَدُّهُ يَا مَنْ لا إِلَهَ غَيْرُهُ يَا مَنْ جَلَّ ثَنَاؤُهُ يَا مَنْ تَقَدَّسَتْ اسْمَاؤُهُ يَا مَنْ يَدُومُ بَقَاؤُهُ يَا مَنْ العَظَمَةُ بِهَاؤُهُ يَا مَنْ الكِبْرِيَاءُ رِداؤُهُ يَا مَنْ لا تُحْصَى الآؤُهُ يَا مَنْ لا تُعَدُّ نِعْمَاؤُهُ (۷۷) اللَّهُمَّ انِّي اسأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا مُعِينُ يَا امِينُ يَا مُبِينُ يَا مَتِينُ يَا مَكِينُ يَا رَشِيدُ يَا حَمِيدُ يَا مَجِيدُ يَا شَدِيدُ يَا شَهِيدُ (۷۸) يَا ذَا العَرْشِ المَجِيدِ يَا ذَا القَوْلِ السَّديدِ يَا ذَا الفِعْلِ الرَّشِيدِ يَا ذَا البَطْشِ الشَّدِيدِ يَا ذَا الوَعِيدِ وَالوَعِيدِ يَا مَنْ هُوَ الوَلِيُّ الحَمِيدُ يَا مَنْ هُوَ فَعَالٌ لِمَا يُرِيدُ يَا مَنْ هُوَ قَرِيبٌ غَيْرُ بَعِيدٍ يَا مَنْ هُوَ عَلِيٌّ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ يَا مَنْ هُوَ لَيْسَ بِظَلَامٍ لِلْعَبِيدِ (۷۹) يَا مَنْ لا شَرِيكَ لَهُ وَلا وَزِيرَ يَا مَنْ لا شَبِيهَ لَهُ وَلا نَظِيرَ يَا

ص: ۲۷۶

خَالِقِ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ الْمُنِيرِ يَا مُغْنِيَ الْبَائِسِ الْفَقِيرِ يَا رَازِقَ الطُّفْلِ الصَّغِيرِ يَا رَاحِمَ الشَّيْخِ الْكَبِيرِ يَا جَابِرَ الْعَظْمِ الْكَسِيرِ يَا عِصْمَةَ الْخَائِفِ
 الْمُسْتَجِيرِ يَا مَنْ هُوَ بِعِبَادِهِ خَبِيرٌ بَصِيرٌ يَا مَنْ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۸۰) يَا ذَا الْجُودِ وَالنَّعَمِ يَا ذَا الْفَضْلِ وَالْكَرَمِ يَا خَالِقَ اللَّوْحِ وَالْقَلَمِ يَا
 بَارِيَّ الدَّرِّ وَالنَّسَمِ يَا ذَا الْبَأْسِ وَالنَّقَمِ يَا مُلْهِمَ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ يَا كَاشِفَ الضُّرِّ وَالْأَلَمِ يَا عَالِمَ السِّرِّ وَالْهَيْمَمِ يَا رَبَّ الْبَيْتِ وَالْحَرَمِ يَا مَنْ خَلَقَ
 الْأَشْيَاءَ مِنَ الْعَدَمِ (۸۱) اللَّهُمَّ أَنْتَ اسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا فَاعِلٌ يَا جَاعِلٌ يَا قَابِلٌ يَا كَامِلٌ يَا فَاصِلٌ يَا وَاصِلٌ يَا عَادِلٌ يَا غَالِبٌ يَا طَالِبٌ يَا
 وَاهِبٌ (۸۲) يَا مَنْ أَنْعَمَ بِطَوْلِهِ يَا مَنْ أَكْرَمَ بِجُودِهِ يَا مَنْ جَادَ بِلُطْفِهِ يَا مَنْ تَعَزَّزَ بِقُدْرَتِهِ يَا مَنْ قَدَّرَ بِحُكْمَتِهِ يَا مَنْ حَكَّمَ بِتَدْبِيرِهِ يَا مَنْ دَبَّرَ
 بِعِلْمِهِ يَا مَنْ تَجَاوَزَ بِحِلْمِهِ يَا مَنْ دَنَا فِي عُلُوِّهِ يَا مَنْ عَلَا فِي دُنُوِّهِ (۸۳) يَا مَنْ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ يَا مَنْ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ يَا مَنْ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ يَا
 مَنْ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ يَا مَنْ يُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ يَا مَنْ يَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ يَا مَنْ يُعِزُّ مَنْ يَشَاءُ يَا مَنْ يُذِلُّ مَنْ يَشَاءُ يَا مَنْ يُصَوِّرُ فِي الْأَرْحَامِ مَا يَشَاءُ
 يَا مَنْ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ (۸۴) يَا مَنْ لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَهُ وَلَا وَلَدًا يَا مَنْ جَعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا يَا مَنْ لَا يُشْرِكُ فِي حُكْمِهِ أَحَدًا يَا مَنْ
 جَعَلَ الْمَلَائِكَةَ رُسُلًا يَا مَنْ جَعَلَ فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا يَا مَنْ جَعَلَ

ص: ۲۷۷

الْأَرْضَ قَرَارًا يَا مَنْ خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا يَا مَنْ جَعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ أَمِدًا يَا مَنْ احاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا يَا مَنْ اخصى كُلَّ شَيْءٍ عَيْدًا (۸۵)
 اللَّهُمَّ انى اسألك بِاسْمِكَ يَا أَوَّلُ يَا آخِرُ يَا ظَاهِرُ يَا بَاطِنُ يَا بَرُّ يَا حَقُّ يَا فَزْدُ يَا وَثْرُ يَا صَمَدُ يَا سَرْمَدُ (۸۶) يَا خَيْرَ مَعْرُوفٍ عُرْفَ يَا أَفْضَلَ
 مَعْبُودٍ عِبَدَ يَا أَجَلَ مَشْكُورٍ شُكْرَ يَا اعَزَّ مَذْكُورٍ ذِكْرَ يَا أَعْلَى مَحْمُودٍ حَمْدَ يَا أَقْدَمَ مُوجُودٍ طَلَبَ يَا ارْفَعَ مَوْصُوفٍ وَصِفَ يَا أَكْبَرَ مَقْصُودٍ
 قُصْدَ يَا أَكْرَمَ مَسْئُولٍ سَيْئِلَ يَا أَشْرَفَ مَحْبُوبٍ عِلْمَ (۸۷) يَا حَبِيبَ الْبَاكِيْنَ يَا سَيِّدَ الْمُتَوَكِّلِيْنَ يَا هَادِيَ الْمُضْتَلِمِيْنَ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِيْنَ يَا انيسَ
 الذَّاكِرِيْنَ يَا مَفْرَعَ الْمَلْهُوفِيْنَ يَا مُنْجِيَّ الصَّادِقِيْنَ يَا أَقْدَرَ الْقَادِرِيْنَ يَا أَعْلَمَ الْعَالَمِيْنَ يَا إِلَهَ الْخَلْقِ الْجَمْعِيْنَ (۸۸) يَا مَنْ عَلَا فَقَهَرَ يَا مَنْ مَلَكَ
 فَقَدَرَ يَا مَنْ بَطَنَ فَخَبَرَ يَا مَنْ عَبَدَ فَشَكَرَ يَا مَنْ عُصِيَ فَعَفَرَ يَا مَنْ لَا تَحْوِيهِ الْفِكْرُ يَا مَنْ لَا يُدْرِكُهُ بَصِيرٌ يَا مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ اثْرٌ يَا رَازِقَ
 الْبَشَرِ يَا مُقَدِّرَ كُلِّ قَدَرٍ (۸۹) اللَّهُمَّ انى اسألك بِاسْمِكَ يَا حَافِظُ يَا بَارِيُّ يَا ذَارِيُّ يَا بَاذِخُ يَا فَارِجُ يَا فَاتِحُ يَا كَاشِفُ يَا ضَامِنُ يَا امْرُؤُ
 نَاهِي (۹۰) يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ الْغَيْبَ إِلَّا هُوَ يَا مَنْ لَا يَصْرِفُ السُّوءَ إِلَّا هُوَ يَا مَنْ لَا يَخْلُقُ الْخَلْقَ إِلَّا هُوَ يَا مَنْ لَا يَعْفِرُ الذَّنْبَ إِلَّا هُوَ يَا مَنْ لَا يُنَزِّلُ
 النُّعْمَةَ إِلَّا هُوَ يَا مَنْ لَا يُقَلِّبُ الْقُلُوبَ إِلَّا هُوَ يَا مَنْ لَا يُدَبِّرُ الْأَمْرَ إِلَّا هُوَ يَا مَنْ لَا يُنَزِّلُ

ص: ۲۷۸

الْغَيْثَ إِلَٰهُوْ يَا مَنْ لَا- يَبْسُطُ الرِّزْقَ إِلَٰهُوْ يَا مَنْ لَا يُحْيِي الْمَوْتَى إِلَٰهُوْ (۹۱) يَا مُعِينَ الضُّعْفَاءِ يَا صَاحِبَ الْغُرَبَاءِ يَا نَاصِرَ الْأَوْلِيَاءِ يَا قَاهِرَ
 الْأَعْدَاءِ يَا رَافِعَ السَّمَاءِ يَا أُنِيسَ الْأَصْفِيَاءِ يَا حَبِيبَ الْأَتَقِيَاءِ يَا كَنزَ الْفُقَرَاءِ يَا إِلَهَ الْأَغْنِيَاءِ يَا أَكْرَمَ الْكِرْمَاءِ (۹۲) يَا كَافِيًا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ يَا قَائِمًا
 عَلَى كُلِّ شَيْءٍ يَا مَنْ لَا يُشْبِهُهُ شَيْءٌ يَا مَنْ لَا يَزِيدُ فِي مُلْكِهِ شَيْءٌ يَا مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ شَيْءٌ يَا مَنْ لَا يَنْقُصُ مِنْ خَزَائِنِهِ شَيْءٌ يَا مَنْ لَيْسَ
 كَمَثَلِهِ شَيْءٌ يَا مَنْ لَا يَغْرُبُ عَنْ عِلْمِهِ شَيْءٌ يَا مَنْ هُوَ خَيْرٌ بِكُلِّ شَيْءٍ يَا مَنْ وَسِعَتْ رَحْمَتُهُ كُلَّ شَيْءٍ (۹۳) اللَّهُمَّ أَنِي اسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا
 مُكْرِمٌ يَا مُطْعِمٌ يَا مُنْعِمٌ يَا مُعْطَى يَا مُغْنَى يَا مُقْنَى يَا مُحْيَى يَا مُرْضَى يَا مُنْجَى (۹۴) يَا أَوَّلَ كُلِّ شَيْءٍ وَآخِرَهُ يَا إِلَهَ كُلِّ شَيْءٍ
 وَمَلِيكَهُ يَا رَبَّ كُلِّ شَيْءٍ وَصَانِعَهُ يَا بَارِيَّ كُلِّ شَيْءٍ وَخَالِقَهُ يَا قَابِضَ كُلِّ شَيْءٍ وَبَاسِطَهُ يَا مُبْدِئَ كُلِّ شَيْءٍ وَمُعِيدَهُ يَا مُنْشِئَ كُلِّ شَيْءٍ
 وَمُقَدِّرَهُ يَا مُكَوِّنَ كُلِّ شَيْءٍ وَمُحَوِّلَهُ يَا مُحْيِيَّ كُلِّ شَيْءٍ وَمُمِيتَهُ يَا خَالِقَ كُلِّ شَيْءٍ وَوَارِثَهُ (۹۵) يَا خَيْرَ ذَاكِرٍ وَمِدْكَوْرٍ يَا خَيْرَ شَاكِرٍ
 وَمَشْكُوْرٍ يَا خَيْرَ حَامِدٍ وَمَحْمُوْدٍ يَا خَيْرَ شَاهِدٍ وَمَشْهُوْدٍ يَا خَيْرَ دَاعٍ وَمَدْعُوٍّ يَا خَيْرَ مُجِيبٍ وَمُجَابٍ يَا خَيْرَ مُؤْنِسٍ وَأُنِيسٍ يَا خَيْرَ صَاحِبٍ
 وَجَلِيسٍ يَا خَيْرَ مَقْصُوْدٍ وَمَطْلُوْبٍ يَا خَيْرَ حَبِيبٍ وَمَحْبُوْبٍ (۹۶) يَا مَنْ هُوَ لِمَنْ دَعَاهُ

ص: ۲۷۹

مُجِيبٌ يَا مَنْ هُوَ لِمَنْ اطاعَهُ حَبِيبٌ يَا مَنْ هُوَ الی مَنْ احبَّهُ قَرِيبٌ يَا مَنْ هُوَ بِمَنْ اسْتَحْفَظَهُ رَقِيبٌ يَا مَنْ هُوَ بِمَنْ رَجاهُ كَرِيمٌ يَا مَنْ هُوَ بِمَنْ
 عَصاهُ حَلِيمٌ يَا مَنْ هُوَ فِي عَظَمَتِهِ رَحِيمٌ يَا مَنْ هُوَ فِي حِكْمَتِهِ عَظِيمٌ يَا مَنْ هُوَ فِي احسانِهِ قَدِيمٌ يَا مَنْ هُوَ بِمَنْ ارادَهُ عَلِيمٌ (۹۷) اللَّهُمَّ اِنِّی
 اسأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا مُسَبِّبُ يَا مُرَغَّبُ يَا مُقَلَّبُ يَا مُعَقَّبُ يَا مُرْتَبُّ يَا مُخَوَّفُ يَا مُحَذَّرُ يَا مُدَكَّرُ يَا مُسَخَّرُ يَا مُعَيَّرُ (۹۸) يَا مَنْ عَلِمَهُ سَابِقُ يَا
 مَنْ وَعَدَهُ صَادِقُ يَا مَنْ لُطْفَهُ ظاهِرٌ يَا مَنْ امْرُهُ غَالِبٌ يَا مَنْ كِتَابُهُ مُحْكَمٌ يَا مَنْ قِضاؤُهُ كائِنٌ يَا مَنْ قُرْآنُهُ مَجِيدٌ يَا مَنْ مُلْكُهُ قَدِيمٌ يَا مَنْ
 فَضْلُهُ عَمِيمٌ يَا مَنْ عَرْشُهُ عَظِيمٌ (۹۹) يَا مَنْ لا يَشْغَلُهُ سَمْعٌ عَنْ سَمْعٍ يَا مَنْ لا يَمْنَعُهُ فِعْلٌ عَنْ فِعْلٍ يَا مَنْ لا يُلْهِمُهُ قَوْلٌ عَنْ قَوْلٍ يَا مَنْ لا
 يُعْطِيهِ سُؤالٌ عَنْ سُؤالٍ يَا مَنْ لا يَحْجُبُهُ شَيْءٌ عَنْ شَيْءٍ يَا مَنْ لا يُبْرِمُهُ الْحاحُ الْمُلْحِحِينَ يَا مَنْ هُوَ غَايَةُ مُرادِ الْمُريدِينَ يَا مَنْ هُوَ مُنْتَهَى
 هَمِّ الْعارِفِينَ يَا مَنْ هُوَ مُنْتَهَى طَلَبِ الطَّالِبِينَ يَا مَنْ لا يَخْفَى عَلَيْهِ ذَرَّةٌ فِي الْعالَمِينَ (۱۰۰) يَا حَلِيمًا لا يَعْجَلُ يا جوادًا لا يَبْخُلُ يا صَادِقًا
 لا يَخْلِفُ يا وَهابًا لا يَمِلُ يا قاهِرًا لا يُعْلَبُ يا عَظِيمًا لا يُوصَفُ يا عَيدَلًا لا يَحِيفُ يا عَتِيًّا لا يَفْتَقِرُ يا كَبِيرًا لا يَصِغُرُ يا حافِظًا لا يُغْفَلُ
 سُبْحانَكَ يا لا اِلهَ اِلاَّ اَنْتَ الْعَوْثُ الْعَوْثُ خَلَصْنا مِنَ النَّارِ يا رَبِّ.

ص: ۲۸۰

در تهیه این نوشته از کتابهای زیر استفاده شده است:

- ۱- آموزش فقه، محمّد حسین فلاح‌زاده، دفتر نشر الهادی، چاپ پنجم، ۱۳۷۷.
- ۲- تاریخ و آثار اسلامی مکه مکرمه و مدینه منوره، اصغر قائدان، نشر مشعر، چاپ دوم، ۱۳۷۴.
- ۳- خط سبز سلوک، استاد جواد محدّثی، انتشارات نصر، چاپ اول ۱۳۷۶.
- ۴- روایت انقلاب، ج ۱، استاد جواد محدّثی، انتشارات امیر کبیر، چاپ سوم ۱۳۷۱.
- ۵- روایت انقلاب، ج ۲، استاد جواد محدّثی، انتشارات تربیت، چاپ دوم، ۱۳۷۶.
- ۶- ره توشه راهیان نور، ویژه ماه مبارک رمضان (۱۴۱۷ ق، ۱۳۷۶ ش). دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، معاونت آموزش مبلغین (طرح هجرت).
- ۷- ره توشه راهیان نور، ویژه ماه مبارک رمضان، (۱۴۱۸ ق. / ۱۳۷۶ ش). دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم. معاونت آموزش مبلغین (طرح هجرت).
- ۸- صلح امام حسن علیه السلام، شیخ راضی آل یاسین، ترجمه رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیه الله خامنه‌ای، انتشارات آسیا، چاپ اول، ۱۳۴۸.
- ۹- فرازهایی از تاریخ پیامبر اسلام، آیه الله جعفر سبحانی، نشر مشعر. چاپ هشتم، ۱۳۷۶.
- ۱۰- مفاتیح الجنان، ترجمه استاد حاج سید هاشم رسولی محلّاتی، انتشارات کتابخانه صدر، چاپ دوم، ۱۳۷۶.
- ۱۱- یاد ایام، ج ۲، معاونت فرهنگی شورای سیاستگذاری ائمه جمعه، ناشر، شورای سیاستگذاری ائمه جمعه، چاپ اول، ۱۳۷۵.

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند

مسجد جمکران و ...



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

